POOL WA BANAK



پول و بانک

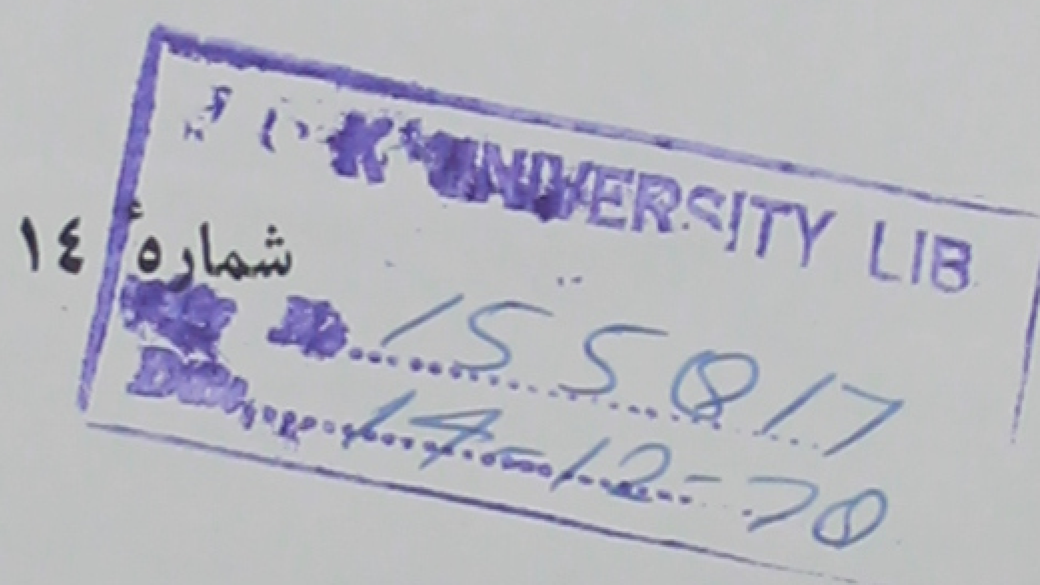


انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۰۷۰

گنجینهٔ علوم اقتصادی و مالی

شمارهٔ ۱۴





تهران - ۱۳۴۰

زندی حقیقی ، منوچهر

پول و بانک [تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، ١٣٤٥]

٢٨ + ٢٠٨ ص.   ٢٤ س. (انتشارات دانشگاه تهران ، ١٠٧٠)

١ - پول و بانک   ٢- بانک

تألیف

دکتر منوچهر زندی حقیقی

استاد دانشگاه تهران

چاپ و صحافی یکهزار ودویست نسخه از این کتاب

در شهریور ماه ۱۳۴۰ در چاپخانهٔ دانشگاه تهران باتمام رسید

بها ۷۰ ریال

مقدمه

در دنیای امروز پول معیار سنجش نیروهای اقتصادی ومالی جامعه است ، بطوریکه نمیتوان امروزه فقط پول را نماینده میزان شمش وسکوکات فلزی جامعه دانست . وهرچند در کشورها امروزه بیشتر پول باطلا مرتبط است ، معهذا چنانکه در دادوستدهای بین المللی ملاحظه میشود ، ارتباط پول باطلا بهیچوجه قدرت واعتبار پول را مشخص نمیسازد ، بلکه قدرت واعتبار اقتصاد جامعه است که به پول آن جامعه ارزش واعتبار می بخشد .

این ماهیت وخاصیتی که پول دراقتصاد قرن بیستم بدست آورده دانشمندان اقتصادی‌را برآن داشته‌است که درنظریه های پولی گذشته تجدیدنظر کنندونظریه های جدید پولی‌را براساس وظایفی که دردنیای امروز به‌پول محول است استوارسازند .

در واقع زمانی پول فقط وسیله دادوستد بود . پس از آن پول معیار تعیین وحفظ ارزش تلقی‌شد . ولی دراقتصاد امروز پول، چنانکه می‌بینیم، اهرم فرماندهی است وازطریق آن اقتصاد جامعه هدایت وارشاد میشود .

درحقیقت پول وسیاست پولی ، چه از نظرانتشار اسکناس وچه ازنظر اعطای اعتبارات، هماهنگ سیاست مالی‌وظایف مهمی‌را بعهده‌دارد . واین‌وظایف‌دراقتصاد قرن بیستم‌طوری پول‌را ، که درنظریه کلاسیک فقط وسیله دادوستد بود ، درشئون اقتصادی و اجتماعی و مالی کشورها دخالت داده است که امروزه به‌یقین می‌بینیم که کلیه تصمیمات اقتصادی واجتماعی ومالی باتصمیمات پولی هماهنگ می گردد و پول با دخالت مستقیم‌خود درتنظیم ارزش‌نسبتهای عوامل وعناصری که‌درتولید کشور شرکت دارند درصد رشد اقتصادی متعادل را تأمین میسازد .

۱ـ ماهیت پول ـ درصد سال قبل پول فقط به قطعات فلزی اطلاق میشد که بنام سکه درگردش بود وپول کاغذی بصورت اسکناس قابل تبدیل به‌فلز هرچند

وظیفه پول بعنوان وسیله دادوستدرا بعهده داشت، ولی این پول درواقع پول حقیقی نبود ، بلکه بقول علمای زمان فقط میتوانست جانشین سکه های درگردش باشد . تا اینکه رفته‌رفته بموازات انتشاراسکناسهای قابل تبدیل به‌فلزاسکناسهای غیرقابل تبدیل به‌فلز درجریان گذاشته شد. ولی‌این نوع اسکناسها نیز درطرز فکردانشمندان اقتصاد واغلب متخصصان پول درقرن‌نوزدهم تغییری بوجود نیاورد. زیرا همیشه ازاسکناس غیرقابل تبدیل به‌فلز بعنوان یک وسیله پرداخت استثنائی وموقت یاد میشد . معهذا رفته رفته اقتصاددانان متوجه شدند که پول اعم از پول فلزی و اسکناس وقتی در جریان و گردش پول وارد شود خود بخود جریان قیمتها را تحت تأثیر قرار میدهد وفعالیتهای اقتصادی را دگرگون میسازد. خواه این پول بصورت سکه درجریان و گردش پول وارد شود و خواه بصورت اسکناس بجریان افتد واسکناس نیزخواه بصورت‌اسکناس قابل تبدیل به‌فلزباشد وخواه‌بصورت‌اسکناس غیرقابل‌تبدیل به فلز. دراینصورت حجم‌پول اعم ازاینکه متجانس‌باشد ، یعنی فقط ازیکنوع پول بوجودآید و یا اینکه غیر متجانس باشد و از چند نوع پول بوجود آید آثاری دارد که‌نمیتوان ازنظردورداشت.

بالاخره رفته رفته هرچند اسکناس غیرقابل تبدیل به فلز در اغلب کشورها درهمه وقت و زمان متداول ومرسوم شده‌بود، ولی بموازات اسکناس، پول‌دیگری در دسترس بشر قرارگرفت که عیناً مثل‌سایر اقسام پول ازمشخصات پول برخوردار بود و آن پول تحریری است که بصورت چک درگردش معاملات وارد میشود وبخصوص درکشورهای مترقی‌نقش مهمی را بعهده دارد. ولی این تحول نتایجی را ببار آورد ، زیرا بدنبال گردش پول تحریری که به‌پول اعتباری نیز موسوم است بعلت افزایش‌حجم پول درگردش قیمتها ترقی کرد. یعنی حجم‌پول درگردش که ازسکه واسکناس وپول‌اعتباری‌بوجود می‌آید یک‌حالت‌تورم‌پولی درکشورها بوجود آورد. ودراین‌موقع‌بود که دانشمندان علم‌اقتصاد متوجه شدند که‌تغییرات حجم‌پول درگردش بهرصورتی که باشدباتغییرات قیمتهامرتبطاست وبدین ترتیب نظریه‌مقداری

پول که پایه گذار آن ازنظرعلمی ریکاردو[1] بود و در آن نظریه قیمتها با حجم پول درگردش بصورت سکه مرتبط میگردید بصورت جدیدی عنوان گردید ، بدینمعنی که در رابطهٔ $MV + M'V' = P.T$ ایروینگ فیشر[2] دانشمند امریکائی جریان وگردش پول را ازنظر قیمتها بیان کرد .

دراین رابطه M حجم اسکناس وپشیز درگردش و V سرعت آن ، 'M حجم پول اعتباری درگردش و 'V سرعت آن ، T حجم دادوستد و P سطح عمومی قیمتها است. وبدین ترتیب ملاحظه میشود که طبق این رابطه سطح عمومی قیمتها تابع حجم پول درگردش میگردد . زیرا اگر از رابطهٔ فوق P را استخراج کنیم رابطهٔ بصورت زیردرمیآید :

$$P = \frac{MV + M'V'}{T}$$

لذا ملاحظه میشود که یک ارتباط پیوسته و دائم بین انواع پول و قیمتها موجود است .

البته باتوجه بافزایش صور مختلف وسایل پرداخت و سرعتی که هریک از این وسائل درجریان دادوستد ومبادله دارد این نظریه نمیتوانست جوابگوی روابط گردش پول وقیمتها باشد . زیرا ازیکطرف وسایل جدید پرداخت درجریان دادوستد وارد شده است وازطرف دیگر درنظریه مقداری فیشر سرعتهای پول حقیقی بصورت اسکناس و پول اعتباری ثابت در نظر گرفته شده و پول اعتباری نیز تابع پول حقیقی است . دراینصورت باتغییرات هریک ازسرعتهای پول حقیقی یا پول اعتباری و یا تغییرات پول اعتباری نسبت بپول حقیقی خودبخود بدون اینکه پول حقیقی تغییری کند یکطرف رابطه مقداری پول یعنی $MV + M'V'$ تغییرمیکند و اگر T ثابت درنظر گرفته شود طرف دیگر رابطه را تغییرمیدهد، یعنی بدون اینکه M حجم اسکناس منتشره تغییر کند P سطح عمومی قیمتها تغییر میکند .

۱- Ricardo　　۲- Irving Fisher

در واقع دراوایل قرن بیستم علاوه برپول تحریری اسناد خزانه در کشورهای مترقی بوجود آمد و اسناد خزانه که بصورت اوراق قرضه کوتاه مدت بعهده خزانه‌داری صادر میشود نقش بزرگی را ازنظر وسایل پرداخت درجریان و گردش پول دارد. لذا میتوان گفت که بموازات پول حقیقی یکنوع شبه پول در جامعه‌ها در جریان است که بموازات کاهش و افزایش میزان آن در جریان قیمتها تأثیر بسزائی دارد.

بعلاوه در ربع دوم قرن بیستم دانشمندان نظریه مقداری پول را مورد انتقاد قرار دادند وبخصوص آفتالیون[1] دانشمند فرانسوی متوجه شد که سرعتهای پول اعم از سرعت پول حقیقی وسرعت پول اعتباری ثابت نیست. لذا گاه بدون اینکه حجم پول تغییری کند بعلت تغییراتی که در سرعتهای پول حقیقی و پول اعتباری ایجاد میشود قیمتها دچارافزایش میگردد. همچنین آفتالیون طبق مدارك آماری ثابت کرد که باتوجه به رابطهٔ اسکناس وپشتوانه وباتوجه به رابطهٔ اسکناس وسپرده‌های دیداری که براساس آن چك یعنی پول اعتباری بجریان می‌افتد نمیتوان پول اعتباری، یعنی M′ را تابع پول حقیقی یعنی M دانست، بلکه این نسبت اغلب تغییر میکند، بطوریکه بامیزان معینی طلای پشتوانه ممکن است حجم پول اعتباری بیشتریا کمتری بجریان گذارد.

دراینصورت درعصرما پول را میتوان به قسمتی از درآمد که بصورت نقدینه بجریان می‌افتد ودارای توانائی پرداخت است اطلاق کرد. میعان اینقسمت ازدرآمد درجامعه در نزد افراد حقیقی و حقوقی نقودی قرار میدهد. این نقود در نزد افراد درصندوق مؤسسات وبنگاهها وسائل پرداخت را تشکیل میدهد و برحسب سرعتی که پول درجامعه دارد میعان این قسمت ازدرآمد سریع وبطئی میگردد. بااین توصیف ملاحظه میشود که بحث درباره نظریه «پول ـ کالا» که طبق آن پول نیز کالائی بود که وقتی میزان آن افزایش یابد ارزش آن پائین میآیدووقتی میزان آن کاهش یابدارزش آن بالا میرود بپایان میرسد.

۱– Aftalion

۲ـ نقش پول در جریان قیمتها و فعالیتهای اقتصادی ـ نقش پول در جریان قیمتها وفعالیتهای اقتصادی ازمسائلی‌است که درعلم‌اقتصاد درنیمه دوم قرن‌بیستم با تحول عظیمی روبرو بوده ، بطوریکه میتوان گفت که نظریه های پولی دراین‌باره بکلی دگرگون شده است. ونظریه های قدیم که رابطه پول وقیمتها را فقط درچهار چوب نظریه مقداری پول مورد بحث قرارمیداد ، امروزه جای خود را به‌نظریه های جدید که نقش پول را درکلیهٔ فعالیتهای اقتصادی منعکس میسازد ، داده است. لذا ملاحظه میشود که نقش پول فقط محدود به تغییر جریان قیمتها نیست ، بلکه پول امروزه‌درفعالیتهای‌اقتصادی‌نقش‌اساسی‌رابعهده‌دارد.

در واقع در تحول نظریه های پولی باین مسأله باید توجه داشت که نظریه مقداری پول امروزه بکلی اهمیت خود را ازدست داده‌است. بطوریقین کسی منکر این نیست که‌حجم پول درگردش بتواند برقیمتها مؤثرواقع گردد، ولی امروزه کسی نمیتواند جریان قیمتهارا فقط از طریق جریان حجم پول درگردش مورد بررسی قرار دهد ، بلکه بسیاری ازعوامل است که امروزه درروابط پول وقیمتها دخالت‌مستقیم دارد وبهمین‌جهت‌است که‌نمیتوان‌جریان قیمتهارا فقط ازطریق‌جریان پول‌درگردش مورد بررسی قرار داد.

البته نظریه مقداری پول یکباره جای خودرا به نظریه های جدید پولی‌نداد، بلکه تحول بتدریج صورت گرفت.انتقادات‌شدیدی که‌درابتدای قرن بیستم به‌نظریه مقداری پول وارد شد دانشمندان علم اقتصاد را برآن داشت که در توجیه جریان وگردش پول قائل به تعبیر وتفسیر شوند. لذا بطریق جدیدی آثار M بر P مورد بررسی‌قرار‌گرفت. بعنوان مثال نه‌فقط آثار پول ـ کالا برقیمتها مورد توجه واقع‌شد، بلکه‌این‌فکربوجود آمد که هرگونه افزایش‌تقاضا که بصورت افزایش M درجامعه بروز نماید قیمتها را افزایش میدهد. ولی این تغییر فکر اساس تئوری را بهم زد ، بطوریکه عده‌ای معتقد شدند که بهتراست ازنظریه مقداری پول بکلی صرفنظرشود، تا اینکه ازطریق تغییر شکل آن مشکلات جدیدی بوجود آید.

در واقع تاموقعیکه پول بعنوان کالائی تلقی میشد، خود بخود تغییرات حجم آن همان آثاری را دربرداشت که تغییرات میزان کالا دارا بود وبدین ترتیب استدلال میشد که درمواقع افزایش حجم پول ارزش آن پائین میآید ودرمواقع کاهش، ارزش آن بالا میرود. ولی موقعیکه آثار M حجم پول بر P سطح قیمتها از طریق تغییرات تقاضای کل بیان شد، خود بخود برنظریه مقداری پول دو اشکال بزرگ واردآمد.

اشکال اول دراینستکه نظریه مقداری پول اراده افرادرا درخرج کردن ازنظردور میدارد. یعنی میل و رغبت عمومی در مصرف قدرت خرید در تئوری مقداری پول درنظر گرفته نمیشود. لذا وقتی M حجم پول درگردش افزایش یابد P سطح عمومی قیمتها معادل آن ترقی میکند. ولی دانشمندانی مثل فون ویزر[1] درنظریه درآمدپول، مصرف قدرت خریدرا درنظر گرفتند وبدین ترتیب تغییرات قیمتها را ازطریق تغییرات تقاضا توجیه نمودند. و بدنبال نظریه درآمد پول آفتالیون بجای روابط کمی روابط کیفی را ازطریق عامل پیش بینی درمصرف قدرت خرید بیان داشت و بدین ترتیب نظریه روانی پول را بوجود آورد.

اشکال دوم دراینستکه نظریهٔ مقداری پول استاتیک است. بدینمعنی که دراین نظریه بموازات افزایش حجم پول و افزایش تقاضا حجم تولید ودرنتیجه میزان عرضه ثابت فرض میگردد. لذا بدین ترتیب ملاحظه میشود که دراین وضع بموازات افزایش حجم پول قیمتها ترقی میکنند. ولی اگر بعکس نظریه مقداری نظریه های پولی را دینامیک درنظر بگیریم، بموازات افزایش حجم پول درگردش ملاحظه میشود، که بعلت افزایش نقدینه نرخ بهرهٔ پائین میآید وبدنبال آن سرمایه گذاری تشویق میشود ودراین حالت اگر اشتغال ناقص باشد و هماهنگی بین عناصر تولید موجود باشد تولید بسهولت توسعه وافزایش می یابد ودراین وضع ملاحظه میشود که بموازات افزایش تقاضا عرضه نیزترقی میکند وبدین ترتیب قیمتها ثابت مانده ویا بعلت افزایش عرضه بادرصد خفیفی ترقی می یابد، بطوریکه میتوان گفت که درصد ترقی قیمتها

1- Von wieser

آنطوریکه درنظریه مقداری آمده است متناسب باترقی حجم پول در گردش نیست.

۳- پول وتعادل اقتصادی - نقش پول درتعادل اقتصادی از مسائلی است که فقط درنظریه های جدید اقتصادی از آن بحث میشود، زیرا درنظریه های کلاسیک پول فقط نقش پرده‌ای‌را داشت که از وراء آن‌عمل دادوستد صورت گیرد. لذا تعادل اقتصادی عرضه‌وتقاضائی‌بود که بصورت‌تساوی‌عرضه وتقاضای کل کالاها وخدمات عناصر تولید را دراشتغال کامل قرار دهد. چنانکه دراینخصوص ژان باتیست‌سی[1] دانشمند فرانسوی ادعا میکرد که در دادوستد محصول با محصول معاوضه میگردد وپول فقط نقش واسطه را دارد.

درواقع در نظریه کلاسیک این توهم بوجود آمده بود که عرضه خود ایجاد تقاضا میکند. زیرا هزینه‌تولید بهای عناصر کار وسرمایه‌ای‌است که درتولیدشرکت داده شده است وهزینه‌فوق بصورت درآمد شرکت کنندگان درتولید قدرت خریدی است دراختیار طبقات مختلف که براساس آن تقاضا بوجود می‌آید و در حقیقت این تقاضا است که محصول تولید را جذب مینماید. بدین‌ترتیب ملاحظه میشود که در نظریهٔ کلاسیک بمیزان عرضه محصول خود بخود تقاضای محصول بوجود می‌آید، بدون اینکه دانشمندان کلاسیک باین حقیقت توجه کنند که ممکن است قسمتی از درآمد توزیع شده از طریق هزینه تولید مصرف نشود، یعنی قدرت خریدی که از طرف هیأت‌تولید کنندگان دربرابرعناصر کار وسرمایه دراختیارطبقات مختلف گذارده میشود از طرف این طبقات خرج نگردد، یا اینکه بعکس، دولت یا بانکها قدرت خریدی مازاد برهزینه تولید درجریان بگذارند ودرنتیجه علاوه‌برقدرت خریدتوزیع شده ازطرف‌هیأت تولید کنندگان، قدرت خرید اضافی ازطریق انتشار اضافی‌اسکناس ویاتوسعه اعتبارات بانکی بوجود آید.

ملاحظه میشود که عدم تعادل پولی بمفهوم جدید نمیتوانست درنظریهٔ دانشمندان کلاسیک‌مصداقی‌پیدا کند. زیرادرمکتب کلاسیک‌نظریهٔ‌تعادل‌اقتصادی

۱- Jean Baptiste Say

بدون دخالت پول بنامیشد، سپس نظریهٔ پولی بموازات نظریهٔ تعادل اقتصادی بیان میگردید. بدین‌معنی که اگر درجامعه‌ای حجم پول در گردش افزایش یابد، چون وسیله سنجش ارزش افزایش می‌یابد خود بخود ارزش پول پائین می‌آید و قیمتها بالا میرود وبعکس اگر حجم پول در گردش کاهش یابد چون وسیله سنجش ارزش کاهش می‌یابد خودبخود ارزش پول بالا می‌رود وقیمتها تنزل میکند.

درنظریه کینز که درآن اصول نظریهٔ کلاسیک متزلزل شده است، M حجم پول در گردش بدوقسمت میشود: M_1 حجم پولی‌است که‌برای دادوستد بکارمیرود. حجم‌پول‌فوق‌تابع درآمداست، زیرا قسمتی‌از درآمد است که میعان‌می‌یابد وبصورت نقود در داد وستد بکار میرود. M_2 حجم پولی است که از پس‌انداز که باقیمانده مصرف از درآمداست ناشی میشود. حجم پول‌فوق برای‌عملیات انتفاعی وسفته‌بازی بکار میرود، درنتیجه تابع نرخ بهره است که خود بنوبه از عرضه و تقاضای نقدینه ناشی میشود. ولی پول درتعادل اقتصادی کینز نقش اصلی‌را بعهده دارد. زیرادر تعادل‌اقتصادی کینز که‌ازتساوی‌عرضه کل‌وتقاضای کل ویاازتساوی‌سرمایه گذاری و پس‌انداز ناشی میشود، عرضه کل عرضه محصول ملی و تقاضای کل مجموع مخارج مصرف ومخارج‌سرمایه گذاری‌است. مخارج مصرف‌تابع‌درآمداست ودرنتیجه وقتی‌درآمدثابت‌باشدمیزان آن‌ثابت‌فرض‌میشود. ولی‌مخارج‌سرمایه گذاری ازبرخورد بازده نهایی‌سرمایه ونرخ بهره بوجود میاید. درنتیجه ملاحظه میشود که نرخ بهره که خود بنوبه ازبرخورد عرضه وتقاضای پول ونقدینه بوجود می‌آید نقش اساسی‌را درتعادل‌اقتصادی کینز دارد. زیرا کاهش‌نرخ بهره که‌ازافزایش‌حجم‌پول‌در گردش ناشی میشود سرمایه گذاری‌راتشویق‌میکند وافزایش مخارج‌سرمایه گذاری‌درجامعه طبق ضریب سرمایه گذاری سطح درآمد را افزایش میدهد ودرنتیجه عرضه وتقاضای کل در سطحی برخورد مینمایند که از ظرفیت نیروی کار جامعه بهره‌برداری کامل شود، یعنی تعادل اقتصادی بصورت تعادل اقتصادی اشتغال‌کامل تجلی نماید.

۴ - پول و روابط اقتصادی بین‌المللی - پول در روابط اقتصادی بین‌المللی

از نظر مکتب کلاسیک براساس نقل وانتقال طلا است. بدینمعنی که پول نماینده طلا تلقی‌شده ودرنظریهٔ ریکاردو دانشمند مشهور کلاسیک طبق اصل پولی‌حجم آن برابر طلای پشتوانه است ، بطوریکه هرواحد اسکناس درگردش را همیشه ودرهر زمان میتوان تبدیل به‌طلا کرد. براساس این‌فکر چنین‌استدلال میشد که وقتی‌حجم پول کشوری افزایش یابد افزایش حجم پول بمعنای افزایش طلای آن کشوراست بدین‌ترتیب چون افزایش حجم پول درگردش طبق نظریهٔ مقداری قیمتها را ترقی میدهد ، ترقی قیمتها صادرات را افزایش و واردات را کاهش میدهد. زیرا ترقی قیمتها هزینه تمام شده کالاهای صادراتی را بالا میبرد. درنتیجه اگر سطح قیمتهای داخلی بیش از سطح قیمتهای بین‌المللی باشد کالاهای صادراتی بازار خود را در بازارهای بین‌المللی ازدست میدهند. درمقابل بعلت بالابودن قیمتهای داخلی‌نسبت به قیمتهای بین‌المللی کالاهای وارداتی باسهولت بیشتری در داخل کشور رسیده ودرنتیجه حجم واردات افزایش می‌یابد. بدین‌ترتیب باکاهش صادرات وافزایش واردات ملاحظه میگردد کشوری که بدنبال افزایش طلا باترقی قیمتها روبرو است رفته‌رفته بعلت بدهی‌ناشی ازتراز پرداختها به‌نفع کشورهای خارج‌طلای‌اضافی خود را از دست میدهد. درنتیجه طبق نظریهٔ کلاسیک براساس نظریهٔ مقداری پول جریانهای پولهای داخلی وخارجی بتدریج بایکدیگر برابر شده وبمرور یک تعادل توزیع طلا درکلیهٔ کشورها برقرار وپایدار میگردد.

براساس این‌نظریه رابطهٔ پول داخلی باپول‌خارجی بصورت ارز برمبنای‌ورود وخروج‌طلا که درنظریهٔ کلاسیک به‌نقطهٔ ورود وخروج‌طلا‌مشهوراست تعیین‌میشد.

این نظریه که تا جنگ بین‌الملل اول در روابط اقتصادی بین‌المللی حاکم بود، پس از جنگ بعلت انتشار روزافزون اسکناس و قطع رابطهٔ اسکناس باطلای پشتوانه ودرنتیجه بعلت عدم قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا اهمیت خود را ازدست داد ، بطوریکه پس ازآن نظریه‌های جدیدی درباره تبدیل پول کشورها بیکدیگر فصل نوینی دربررسی پول وارز بوجود آورد.

چنانکه ملاحظه‌میشود ، نظریه های پولی چه ازنظراقتصاد داخلی وچه‌ازنظر اقتصاد بین‌المللی درقرن بیستم دچار تحول شده‌اند ، لذا به دنبال این تحول دیگر نمیتوان‌مسائل‌مربوط به‌پول وبانک‌را فقط درچهارچوب نسبت پشتوانه ازنظرانتشار اسکناس وسپرده‌های جاری از نظر انتشار پول اعتباری مورد بررسی قرارداد ، بلکه پول وبانک‌امروزه بازاویه دید وسیعتری درعلم‌اقتصاد معاصر مطرح میشود . ازاین نظر ما ابتدا کلیات مربوط به پول را در قسمت اول زیر عنوان پول و کلیات مربوط به‌بانک‌را درقسمت دوم زیرعنوان بانک مطرح‌میکنیم ، سپس باتوجه به نقش پول وبانک دراقتصاد جدید ، نظریه های جدید پولی را درقسمت سوم زیر عنوان نقش پول دراقتصاد مورد مطالعه وبررسی قرارمیدهیم . درنظریه‌های پولی ماابتدا نظریهٔ مقداری پول را مطرح وسپس به‌انتقاد آن می‌پردازیم . زیرا ازطریق این انتقاداست که میتوان بهتر به نظریه‌های جدید پولی وقوف حاصل کرد . در نظریه‌های جدید پولی ما بیشتراز کتاب «نظریهٔ عمومی‌اشتغال، بهره وپول» تألیف لرد کینز دانشمند انگلیسی استفاده کردیم . زیرا بنظر ما باطرح نظریهٔ پولی کینز بهتر میتوان کلیهٔ مسائل نظری پول را مطالعه کرد . بالاخره قسمت چهارم این کتاب مربوط به پول و ارز است ودرواقع دراین قسمت است که پول وبانک را از نظر اقتصاد بین‌المللی مورد تحقیق قرار میدهیم . زیرا بنظر ما مطالعه پول و بانک بدون توجه و اشاره به‌روابط پولی کشورها درچهارچوب عملیات‌بانکی ازنظر روابط اقتصادی بین‌المللی ناقص مینمود . ودرحقیقت باطرح مسأله پول وارز است که ما میتوانیم اهم مسائل مربوط به جریانهای پولی بین‌المللی را مورد مطالعه قرار دهیم .

خردادماه ۱۳۴۵

قسمت اول

پول

دربررسی پول ابتدا تعریف وماهیت پول مطرح است. زیرا از طریق مطالعه تعریف وماهیت پول میتوان به وظائف اصلی پول دراقتصاد پی‌برد. سپس میتوان سیستمهای مختلف پولی را مورد بررسی قرارداد. بررسی سیستم های مختلف پولی، چه ازنظر سیستم های مختلف پول فلزی وچه ازنظر اسکناس بصورت اسکناس قابل تبدیل به طلا واسکناس غیرقابل تبدیل به‌طلا وچه از نظرپول‌اعتباری بصورت‌پول تحریری بشکل‌چک وسایروسائل پرداخت حائزاهمیت‌است؛ بشرح هریک‌میپردازیم.

فصل اول

تعریف و ماهیت پول

درتعریف دانشمندان علم‌اقتصاد پول‌وسیله‌مبادله وحفظونگاهداری‌ارزشهای اقتصادی است[1].

تعریف فوق که ازجهتی‌مطابق‌باتعریف دانشمندان کلاسیک وازجهتی‌مطابق با نظر دانشمندان جدید است تعریفی است جامع ولی باید مورد تفسیرقرار گیرد.

بخش‌اول - پول وسیله مبادله‌است

درمبادله، پول دو وظیفه اساسی را بعهده دارد. وظیفه اول وظیفه‌ای است

۱- Jean Marchal, Cours d'Economie Politique, Paris, 1950.

که پول بعنوان وسیله‌سنجش ارزش در دادوستد مورد استفاده قرار میگیرد . وظیفه دوم وظیفه‌ای است که پول بعنوان عامل اصلی پرداخت درمبادلات شرکت مینماید .

۱- پول معیار سنجش ارزش است - درقدیم مبادله بصورت دادوستد کالا به کالا بود . یعنی در مبادله یکطرف مبادله کالای خود را با کالای طرف دیگر مبادله معاوضه میکرد .

این طرز دادوستد که به مبادله جنس به جنس (Troc) مشهور است امروزه نیز درجوامعی که پول درمبادلات دخالت کمتری دارد مورد استفاده قرار می گیرد .

در کشورهای توسعه نیافته بخصوص در دهات وروستاها و در رشته هائی از کشاورزی که با داد وستد مردم شهری تماس کمتری است ، داد وستد گاه بصورت مبادله جنس به‌جنس است .

ملاحظه می‌شود که دادوستد ازطریق مبادله جنس به‌جنس مربوط به‌سیستم اقتصادی‌است که درقدیم قبل ازدسترسی بشر به پول رواج داشته‌واسروزه نیزدررشته هائی از اقتصاد بخصوص درقسمتهائی که شبکه توزیع پولی ضعیف است ازمبادله جنس به‌جنس استفاده می‌شود . دراینصورت از نظر نقش پول در اقتصاد میتوان دو نوع سیستم اقتصادی تصور کرد : یکی سیستم اقتصادی طبیعی یا سیستم اقتصادی غیر پولی که درآن دادوستد بصورت‌مبادله جنس به‌جنس است ودیگر سیستم اقتصادی پولی که درآن دادوستد از طریق پول صورت میگیرد . نقش پول درتحول سیستم اقتصادی غیرپولی به‌سیستم‌اقتصادی پولی عبارت ازسنجش کالائی نسبت‌به کالای دیگر است .

در واقع اگرمبادله را دراقتصاد غیر پولی در نظر آوریم ملاحظه میشود که طرفین‌مبادله دراین‌سیستم‌مجبوراند اموال‌مورد دادوستد را بایکدیگر مورد مقایسه وسنجش قراردهند . مثلاً کسیکه صدمن گندم باپارچه معاوضه می کند مجبور است برای هرمتر پارچه میزانی گندم درنظر گرفته وبدینوسیله بادارنده پارچه، یعنی‌طرف دیگر مبادله توافق کند و این مسأله مشکل بزرگی در داد وستد بازرگانی است .

زیرا اگر برای مبادله گندم وپارچه مشکل توافق را تا حدودی قابل حل بدانیم، ولی اصولاً درمبادلات بازرگانی که به‌نسبت تحول تمدن دامنه آنها روزبروز وسیعتر شده وتوسعه یافته است مبادله جنس به‌جنس غیر ممکن تصور میشود. از این نظر پول درسیستم اقتصادی پولی وسیله‌سنجش کالاها است. بدینمعنی که در دادوستد ساده معاوضه پارچه با گندم، پارچه وگندم در مبادله بوسیله پول سنجیده میشود ودرزندگانی‌اقتصادی، افراد دادوستد خودرا بصورت‌خریدوفروش کالاها وخدمات باپول انجام داده بوسیله آن خریدار وفروشنده ضمن سنجش با پول درخرید وفروش توافق مینمایند.

۲ـ پول‌وسیله‌پرداخت‌است. نقش پول‌ازنظرمعیارسنجش‌ارزش، چنانکه‌ملاحظه شد، تطبیق ارزش کالاها وخدمات درمبادله بایکدیگراست. درپرداخت، نقش‌پول بشکل تصفیه از طریق تادیه ارزش کالائی نسبت به کالای دیگر صورت میگیرد. درواقع وقتی‌دارنده کالائی کالای خودرا بفروش‌میرساند باقبول پول میتواند کالای مورد احتیاج خود را خریداری کند. ازاین نظرپول‌نقش‌واسطه ووسیله تادیه‌ارزش کالاها وخدمات را درمبادله بعهده دارد. ملاحظه‌میشود که درصورت عدم‌دخالت پول، مبادله از نظر تادیه ارزش کالاها و خدمات با مشکلاتی مواجه‌میشد. زیرا درمبادله ارزش کالاهای طرفین مبادله اغلب با یکدیگر مساوی نیست. مثلاً اگر کسی گوسفندی دارد وبخواهد بافروش آن‌اجناس‌دیگری تهیه نماید درصورت‌عدم دخالت پول نمیتواند بآسانی گوسفند خود را واگذار واجناس مورد احتیاج را تهیه نماید. زیرا دارندگان اجناس‌فوق‌ممکن‌است به گوسفند محتاج‌نباشند. دراینصورت مبادله بااشکال مواجه میشود. درصورتیکه باتوسل به‌پول درمبادله عمل‌دادوستد بصورت خرید وفروش بآسانی صورت میگیرد. یعنی دارنده‌گوسفند، گوسفند خودرا بمبلغی به‌نرخ روز بفروش میرساند و با پول آن اشیاء مورد احتیاج خود را به نرخ روز خریداری‌مینماید. همینطوراست درخصوص‌دارندگان اجناس‌دیگر که ازطریق پول ارزش اجناس خود را درمبادله دریافت وبا تادیه آن‌اجناس مورد احتیاج‌خود را تهیه وخریداری میکنند.

بخش دوم - پول وسیله پس‌انداز وحفظ ارزش است

دربحث قبل ملاحظه‌شد که پول معیارسنجش‌ارزش‌ووسیله پرداخت درمبادله است. حال باین مسأله باید توجه داشت که پول موقعی میتواند این دو وظیفه را بخوبی ایفا نماید که بتواند وسیله پس‌انداز و حفظ ونگاهداری ارزشهای اقتصادی تلقی گردد. درواقع وقتی طرفین مبادله را در نظر آوریم ملاحظه می‌شود که دارنده کالا درموقع واگذاری کالای خود درنظر دارد کالاها وخدمات دیگری چه‌درحال وچه درآینده بدست آورد وموقعی در دادوستدحاضر است درمقابل ارائه کالا ارزش کالای خودرا باپول‌دریافت‌دارد که پول‌بتواند برای ارائه کننده کالا قدرت‌خریدی معادل ارزش کالای واگذار شده ایجاد نماید واین ارزش موقعی تأمین میگردد که پول خوددارای ارزشی‌باشد که باآن ارزش‌بتوان درمواقع متناسب کالاها وخدمات جدیدی‌بدست آورد ، وگرنه اگرپول فاقد این‌ارزش می‌بود ، فروشنده کالابهیچوجه حاضرنمیشد کالای خودرا درمقابل پولی که فاقد ارزش‌است واگذار کند. بخصوص این ارزش‌باید درطول زمان‌ثابت وپایدارباشد. چنانکه دردادوستد ملاحظه میکنیم که در مواقع تنزل ارزش پول دارندگان کالاها وخدمات به‌سختی حاضرند کالاها وخدمات خودرا درمقابل پولی که پیوسته از ارزش آن کاسته میگردد واگذار کنند و فقط موقعی مبادله درمواقع تنزل ارزش‌پول صورت میگیرد که فروشنده باافزایش قیمت بتواند جبران تنزل ارزش پول را درآینده پیش‌بینی نماید.

حال با توجه باین توضیح باید دید که چه عاملی میتواند واجد این شرایط باشد. یعنی‌عامل‌پول که درواقع درمبادله‌ازیکطرف‌معیارسنجش‌ارزش‌ووسیله‌پرداخت است وازطرف دیگر وسیله پس‌انداز وحفظ ونگاهداری ارزشهای اقتصادی بحساب میآید به چه شیئی اطلاق میشود و ماهیت این شیئی چیست وآیا این وسیله نقل وانتقال ارزش خود دارای چه ارزشی‌است؟

در قدیم ، یعنی در زمانیکه هنوز پول شناخته نشده بود ، افراد در مبادله ودادوستد ازاجناس‌مختلف‌استفاده میکردند وارزش‌این‌اشیاء همیشه‌بستگی‌به‌ارزش

کالاها واجناسی داشت که درمناطق مختلف دادوستد میشد. مثلاً دریک منطقه‌از چوب آبنوس ودرمنطقه دیگر از پارچه زربفت یا درمناطق ساحلی از ماهی خشک بعنوان پول استفاده میشد. گاه نیز، چنانکه از داستانهای نویسندگان قدیم یونان برمیآید دردادوستداز گله گوسفند یا گاو استفاده میشد. زیرا گاو و گوسفند ازیکطرف خود جزو اموال وازطرف دیگر وسیله سنجش در دادوستد بود. چنانکه کلمه لاتین Pecunia یا مال یا اموال از واژه گله که درلاتین Pecus است گرفته شده است.

البته اگر درست دقت‌شود ملاحظه‌میگردد که خود این‌اموال دارای ارزش است. یعنی اگر طرف مبادله حاضر میشد اجناس و اموال، خود را در داد وستد در مقابل گله گاو و گوسفند واگذار کند از این نظر بود که گله گاو و گوسفند دارای ارزشی بود که میتوانست برای فروشنده درمبادلات دیگر اجناس و اموال دیگری تهیه کند. بعداً در نتیجه گذشت زمان در داد وستد از اموالی که نقل و انتقال آنها آسان وسریع بود استفاده شد و رفته رفته نقش پول به‌طلاونقره واگذار گردید. ولی امروزه بااین‌مسأله‌باید توجه داشت که‌اعتباروارزش‌پول کاملاً قراردادی‌است‌وپول به اعتبارقدرت خرید قراردادی‌آنست که‌دردادوستدمیتواند عامل‌معیارسنجش‌ارزش ووسیله پرداخت وحفظ ونگاهداری ارزشهای اقتصادی به‌حساب آید. هرچندممکن است ادعا شود که اعتبار پول بستگی به‌طلائی دارد که پشتوانه آنست وچون‌پول درگردش نماینده طلا است از این نظر دارای ارزش طلا است. ولی با طرح این موضوع این سئوال پیش میآید که خود طلا چیست ودراقتصاد امروز طلا بنوبه چه ارزشی دارد. دراینخصوص عده‌ای میگویند که طلا چون از فلزاتی است که بهتر میتوان با آن اشیاء زینتی ساخت، لذا اگر ارزش پول را نیز فاقد می‌بود میتوانست بعنوان وسایل‌زینت برای طبقات‌مختلف‌جامعه مورد استفاده قرار گیرد. دراینصورت بشر دادوستد خود را براساس ارزش‌فلزی استوارساخته است که این فلزخودخارج از ارزش دادوستدمیتواند احتیاجات زینتی‌افراد را تأمین‌سازد. این گفته تاحدودی صحیح است، ولی بشرط اینکه ما خود را خارج از زندگانی اقتصادی معاصر فرض

درمبادلات تصور کنیم. زیرا چطور طلا میتواند باارزش زینتی خود نقش پول را بعهده گیرد واگر این معیار صحیح باشد کمپانیهای استخراج الماس چراچندی قبل برای حفظ ارزش الماس مجبورشدند استخراج الماس را محدود سازند. درصورتیکه ارزش زینتی الماس خیلی بیش از ارزش زینتی طلا است. ولی چون الماس معیار سنجش ارزش نیست، لذا زمانیکه ازتقاضای وسائل زینتی کاسته‌شد استخراج کنندگان الماس برای حفظ ارزش آن مجبور شدند استخراج آنرا محدود سازند. دراینصورت ملاحظه میشود که ارزش طلا خود بنوبه ارزشی اعتباری است. یعنی طلا باعتبار اینکه بعنوان پول درمبادلات معیارسنجش ارزش وپرداخت ووسیله حفظ ونگاهداری ارزشها بوده است خود ارزشی بدست آورده‌است که خارج از ارزش زینتی، آن ارزش اعتباری تلقی میگردد. چنانکه ارزش اسکناس نیز ارزش اعتباری است واسکناس باعتبار ارزش قانونی آن در مبادلات بجریان می‌افتد. هرچند درمقام مقایسه نمیتوان ارزش طلا را با ارزش کاغذ اسکناس که فقط حاوی چند تصویراست برابر دانست. ازاین نظرملاحظه میشود که اعتباری بودن ارزش پول در وسایل مختلف پرداخت شدت وضعف دارد وامروزه که بموازات اسکناس درگردش چک وسایر اسناداعتباری درجریان است درجه اعتباری بودن ارزش پول در اینگونه وسایل پرداخت بشدت افزایش یافته‌است. حال باید ببینیم پول بصورت وسایل پرداخت ازمسکوک تااسکناس واز اسکناس تا اوراق اعتباری چه تحولی داشته است. این بررسی میتواند ازطریق مطالعه سیستم های مختلف پولی نقش پول را در گذشته وحال مشخص سازد.

فصل دوم

سیستم‌های مختلف پول فلزی

سیستمهای مختلف پول فلزی برپایه دوفلز طلاونقره استوار است. این دوفلز بواسطه خواصی که آنهارا از سایر فلزات متمایز ساخته است ازقدیم مورد توجه بشر واقع شده است. درواقع بعلت محدودیت استخراج ودرنتیجه کمیابی، دوفلز طلاونقره مثل سایر فلزات بآسانی دراختیار بشر نبوده است وبشر که از قدیم برای زینت خود به فلزات کمیاب متوسل میشده از این دو فلز بمنظور ساخت اشیاء و وسایل زینتی استفاده کرده است.

البته باید دراینخصوص اعتراف کرد که این دو فلز علاوه برخاصیت کمیابی دارای خواصی است که بهیچوجه نمیتوان درسایر فلزات یافت. طلا ونقره درمقابل هوا زنگ نمیزند ودرشیمی چنانکه بررسی شده است غیرقابل تجزیه بوده واکسیده نمیشود. از این نظر میتوان طلاونقره را درطول ایام وزمانهای متمادی بکار برد، بدون اینکه از ارزش فلزی آنها کاسته گردد.

بعلاوه طلا ونقره بآسانی قابل تقسیم است ودرتقسیم به قطعات کوچکتر بهیچوجه ارزش خود را از دست نمیدهد. درصورتیکه الماس که ارزش آن بیش ازطلاونقره است درتقسیم به اجزاء کوچکتر ازقیمت آن کاسته میگردد. لذا ملاحظه میشود که براساس این امتیازات بوده است که بشر درمبادلات در درجه اول طلا وسپس نقره را بعنوان پول اصلی وحقیقی پایه ومعیار سایر اقسام پول بکار برده است.

استفاده از طلا و نقره بعنوان پول سه سیستم پول فلزی را بوجود آورده است که به‌سیستم‌پولی طلا ونقره وسیستم پایه دوفلزی طلا ونقره وسیستم یک فلزی‌طلا یا نقره مشهور است.

بخش اول - سیستم پولی طلا ونقره

سیستم پولی طلا ونقره سیستمی است که در آن طلا و نقره هریک بنوبه پول اصلی بحساب میاید ، بطوریکه هریک از این دوفلز بصورت سکه طلا ونقره بعنوان پول دردادوستد وپرداخت مورد استفاده قرارمیگیرد . هرچند دراین سیستم هیچگونه رابطه‌ای بین پول طلا و پول نقره موجود نیست و سکه های هردوفلز بصورت پول رایج معیارسنجش ارزش وپرداخت است . البته درایامی که این سیستم مورد استفاده در کشورها بوده سرمایه‌داران و صرافان هریک در حدود فعالیت خود به ضرب مسکوك طلاونقره مبادرت میورزیدند ، بطوریکه بنا براشتهار صادر کنندگان سکه ، سکه های مختلف درجریان بوده است . عیار این سکه ها ابتدا ازطرف ضرب کنندگان سکه تضمین میشد . پس ازآن بعلت مشکلاتیکه درتعیین عیار پیش می‌آمد دولتها عیار سکه های معتبررا تضمین کردند . ولی باین مسأله باید توجه داشت که درطول زمان ارزش سکه ها دائماً درتغییر بود ، بطوریکه در دادوستدهای مدت دارا غلب بین ارزش پولی که معیار دادوستد بود وارزش پولی که بوسیله آن عمل پرداخت صورت میگرفت اختلاف بوجود میامد . از این نظر دو اصطلاح پول حساب[1] و پول پرداخت[2] عنوان ومتداول شد .

پول حساب پولی است که برحسب آن ارزش دادوستد تعیین میگردد وپول پرداخت پولی است که برحسب آن یکطرف مبادله باپول درجریان ارزش مبادله‌را دریافت میدارد . درواقع وقتی معامله‌ای مدت دارصورت گیرد ، یعنی وقتی یکطرف معامله درمقابل تسلیم کالا وخدمت ارزش آنرا طبق مدتیکه درقرارداد معامله توافق میگردد ، دریافت دارد ؛ دراینصورت اگرارزش کالا وخدمت مورد معامله بمعیار پولی تقویم گردد که مورد نظر وقرارداد طرفین معامله است، پول فوق پول حساب تلقی میشود . حال اگردموعد پرداخت، پول رایج فاقد ارزش پول حساب باشد ، درپرداخت مدیون بایدطبق قرارداد پول رایج را هم‌طراز ارزش پول حساب دراختیار

۱- Monnaie de Compte

۲- Monnaie de Paiement

داین خود بگذارد. پول رایج در این دادوستد درموقع پرداخت در سررسید معامله به پول پرداخت موسوم است.

بخش دوم - سیستم پایه دو فلزی طلا و نقره

سیستم پایه دوفلزی طلاونقره سیستم پولی است که درقرن نوزدهم حکمفرما بود. البته این سیستم در کلیه کشورهای قرن نوزدهم متداول ومرسوم نبود، بلکه درقرن نوزدهم کشورها ازنظرسیستم پولی به‌سه‌دسته تقسیم میشدند: کشورهائیکه سیستم پولی آنها سیستم یک‌فلزی طلا است، کشورهائیکه سیستم پولی آنها سیستم یک فلزی نقره است و کشورهائیکه دارای سیستم پایه دوفلزی طلا و نقره هستند.

در انگلستان و کشورهای دومینیون در قرن نوزدهم سیستم یک فلزی طلا حکمفرمابود. درهندوستان وبعضی از کشورهای آسیاسیستم یک فلزی نقره‌حکومت میکرد. کشورهای متحد امریکای شمالی وفرانسه سیستم پایه دوفلزی طلا ونقره‌را مورد استفاده‌قرارداده بودند. البته در کلیه این کشورها برای‌مبادلات‌جزئی همیشه پول خرد وپشیز که ازنیکل وسایرفلزات کم ارزش‌تهیه میشد درجریان بوده‌است.

درسیستم پایه دوفلزی طلا ونقره مسکوک این دوفلز پایه پول بحساب‌میآید، بطوریکه هر یک‌ازاین دونوع پول‌عامل سنجش ارزش‌وپرداخت‌وحفظ‌ونگاهداری‌ارزش تلقی‌میگردد. فرق این‌سیستم‌باسیستم قبلی‌دراینستکه بین مسکوک طلا ونقره ارتباط مستقیم برقرار است. بدینمعنی که ازنظرقانونی مسکوک‌طلاقابل تبدیل به‌مسکوک نقره ومسکوک نقره‌قابل تبدیل به‌مسکوک طلااست ونسبت‌تبدیل درقرن‌نوزدهم $\frac{۱}{۱۵٫۵}$ درنظر گرفته‌شده بود، یعنی‌یک واحد مسکوک طلا معادل ۱۵٫۵ واحد مسکوک نقره‌بود.

سیستم دوفلزی پایه طلاونقره دارای معایب ومزایائی بود. معایب سیستم پایه طلاونقره را میتوان درچهارچوب‌قانون گرشام[۱] بیان کرد. قانون گرشام که‌بنام واضع آن دراقتصاد مشهور شده است قانونی است که بموجب آن پول بد پول‌خوب

۱- Loi de Gresham

را ازجریان خارج میکند. توجیه این اصل بطریق زیراست. فرض کنیم رابطهٔ مسکوک طلا ومسکوک نقره بطور رسمی و قانونی به نسبتی تعیین شود. چنانکه میدانیم این رابطه درقرن نوزدهم $\frac{۱}{۱۵٫۵}$ بوده است. حال فرض کنیم درانگلستان که سیستم یک فلزی طلا حکمفرما است رابطهٔ تجاری طلا و نقره $\frac{۱}{۱۶}$ باشد، یعنی یک واحد طلا معادل ۱۶ واحد نقره معین شود.

درواقع، چنانکه میدانیم، درنتیجه نوسانات عرضه وتقاضاپیوسته ازنظرتجاری قیمت طلا ونقره درنوسان است. گاهی در بازار آزاد قیمت طلا ترقی و بعکس قیمت نقره تنزل میکند و زمانی قیمت طلا تنزل و قیمت نقره ترقی می‌یابد. در اینصورت ملاحظه می‌شود که رابطهٔ تجاری بین طلا ونقره دائماً درحال تغییر است. حال اگر این رابطه درلندن $\frac{۱}{۱۶}$ فرض شود ودرپاریس رابطهٔ قانونی مسکوک طلا ونقره $\frac{۱}{۱۵٫۵}$ باشد، سفته‌بازان ودلالان درپاریس سکه های طلا را ازجریان خارج کرده وبه‌لندن منتقل می کنند. زیرا سفته‌بازان درلندن بازاء یک واحد طلا ۱۶ واحد نقره دریافت میدارند. درصورتیکه این نسبت درپاریس $\frac{۱}{۱۵٫۵}$ است. دراینصورت کافیست بایک واحد طلا درلندن ۱۶ واحد نقره دریافت کرد و ۱۶ واحد نقره را به پاریس منتقل وازطریق ضرب به‌مسکوک نقره تبدیل کرد وبازاء آن کمی بیش از یک واحدمسکوک طلا بدست آورد. زیرا ما میدانیم با ۱۵٫۵ واحد مسکوک نقره درپاریس یک‌واحد مسکوک طلا بدست میاید. لذا با ۱۶ واحد مسکوک نقره کمی بیش از یک واحد مسکوک طلا میتوان بدست آورد. حال اگر سفته‌بازان طلای معاوضه شده در مقابل ۱۶ واحدمسکوک نقره را به‌لندن منتقل کنند وبازاء آن مجدداً بنرخ $\frac{۱}{۱۶}$ نقره بدست آورند، ملاحظه میشود که درهرمعاوضه بصورت انتقال طلا ازپاریس به‌لندن ونقره ازلندن به‌پاریس عملیات سفته‌بازی آنها با مقداری نفع توأم است. البته منافع این تغییر وتبدیل بامخارج حمل‌ونقل همراه است. حال اگر منافع این انتقال بیش از مخارج حمل ونقل باشد، خروج طلا از پاریس باصرفه توأم بوده و عملیات انتقال

آنقدر ادامه‌می‌یابد تا جریان طلا درلندن قیمت بازرگانی طلارا درانگلستان معادل $\frac{۱}{۱۵٫۵}$ گرداند.

چنانکه دراین عملیات ملاحظه میشود سکه نقره که درپاریس درمقابل سکه طلا با ارزشی کمتر از ارزش قانونی همراه است پول بد تلقی می‌شود وپول بدچنانکه ملاحظه‌شد بتدریج پول‌خوب‌را که درواقع طلااست ازجریان‌خارج می کند. عکس این جریان درمواقعی که رابطهٔ بازرگانی طلاونقره بنفع نقره از نظر ترقی ارزش آن صورت میگیرد مصداق دارد. بدینمعنی که اگر دربازار آزاد قیمت نقره نسبت‌به‌طلا ترقی نماید جریان عکس اتفاق می‌افتد. یعنی طلا که بواسطه تنزل ارزش آن پول بدمحسوب میشود پول خوب راکه نقره است ازجریان خارج میسازد[۱].

مزایای سیستم‌دوفلزی پایه طلا ونقره دراینستکه این سیستم میتواند به‌ثبات پولی کشورهای یک‌فلزی طلاونقره کمک کند. درواقع وقتی‌ارزش بازرگانی هریک ازفلزات طلاونقره تغییر کند کشورهائیکه دارای سیستم یک فلزی طلا ونقره‌اند در دادوستد بایکدیگر دچار اشکال می‌شوند. حال اگر قانون گرشام را در نظر آوریم ملاحظه میشود که کشورهائیکه سیستم‌پولی آنها سیستم‌دوفلزی است حد فاصل بین این کشورها واقع شده وباخروج طلاونقره ازطریق جریان و گردش پول خود ترقی وتنزل هریک از دوفلز را تاحدودی تعدیل‌می کنند، بطوریکه پس از مدتی رابطهٔ بازرگانی طلا ونقره را مطابق نسبت قانونی این دوفلز میسازند. البته باید اعتراف کرد که مزایای سیستم دوفلزی درصورتی تحقق‌می‌یابد که اولاً کشورهای‌سیستم دوفلزی‌دارای ذخیره کافی‌طلاونقره باشند. ثانیاً نوسانات‌قیمتهای طلاونقره‌باندازه‌ای نباشد که کشورهای سیستم دوفلزی نتوانند باذخایرخود جبران ترقی‌وتنزل هریک از دوفلز را دربازار آزاد بنمایند[۲].

۱- Nogaro, La monnaie et les systèmes monétaires, Paris, 1948.

۲- Nogaro, L'expérience bi-métalliste du 19e siècle et la théorie de la monnaie. R.E.P 1908.

بخش سوم - سیستم یک فلزی طلا

سیستم یک فلزی طلا عبارت ازسیستمی است که درآن فقط مسکوک طلارایج وارزش قانونی دارد وهرچند برای مبادلات جزئی دراین سیستم ازسایر سکه ها استفاده میشد ، معهذا پول اصلی وپایه دراین سیستم پول طلا بحساب میآید.

چنانکه در بحث قبل اشاره کردیم ، در قرن نوزدهم کشورها بعضی دارای سیستم دوفلزی طلاونقره وبعضی دارای سیستم یک فلزی نقره بالاخره بعضی دارای سیستم یک فلزی طلابودند. ولی دراواخر قرن نوزدهم سیستم های دوفلزی طلاونقره وسیستم یک فلزی نقره بتدریج جای خودرا به سیستم یک فلزی طلا داد ، بطوریکه دراغلب از کشورها درآن زمان سیستم یک فلزی طلا متداول ومعمول شد. تحول سیستم های پولی طلا ونقره را به سیستم پولی واحد طلا میتوان بدودلیل توجیه کرد.

اولاً ، دوفلزطلا ونقره درابتدای امر دوفلز کمیاب محسوب میشد. ازاین نظر بااین امتیاز وامتیازات دیگری که شرح آن قبلاً گذشت این دوفلز در کشورهابعنوان پایه پول بکار رفت. ولی بتدریج نقره امتیاز کمیابی خود را از دست داد ، بطوریکه در نتیجه افزایش استخراج نقره قیمت نقره در اواخر قرن نوزدهم بطور بی سابقه‌ای پائین آمد. البته ارزش تجاری هرفلز براساس عرضه وتقاضای آن فلز تعیین میگردد وبراساس ارزش تجاری‌است که حدود استخراج هرفلزمشخص میشود. ولی توسعه استخراج نقره براساس عامل عرضه و تقاضا نبود ، بلکه عرضه نقره در اواخر قرن نوزدهم بدون توجه به تقاضای آن پیوسته افزایش می‌یافت. زیرا استخراج نقره بستگی به استخراج سرب دارد ودرواقع دراستخراج معادن سرب ونقره است که این دو فلز ازهم تفکیک واستخراج میگردد. حال اگر تقاضای سرب را درقرن نوزدهم در نظر آوریم ملاحظه می‌شود که دراواخر قرن نوزدهم تقاضای سرب برای توسعه صنایع روز بروز افزایش می‌یافت ، بدون اینکه تقاضای نقره استخراج آنرا ایجاب نماید. در نتیجه بموازات توسعه استخراج سرب استخراج نقره توسعه یافت و در تعقیب آن برعرضه نقره روز بروز افزوده شد. سرانجام پس از مدتی رابطه تجاری طلاونقره در

تعقیب تنزل شدید قیمت نقره بقدری پائین آمد که کشورهائیکه دارای سیستم دوفلزی طلاونقره بودند نتوانستند رابطه قانونی طلاونقره را تثبیت نمایند. ازاین نظر این کشورها پس ازمدتی مجبور شدند پایه پولی نقره را بکلی ازسیستم پولی خود حذف و پول رایج را براساس مسکوک طلا بنیان نهند.

ثانیاً، چنانکه بتفصیل در این خصوص بحث خواهیم کرد، در اواسط قرن نوزدهم پول کاغذی بصورت اسکناس در کشورها کاملاً رایج شده بود. لذا انتشار اسکناس تاحدودی توانسته بود احتیاجات بشررا ازنظر پولی که بتواند وسیله سنجش ارزش وعامل پرداخت باشد رفع نماید. ولی پس ازآن بادرجریان گذاردن پول اعتباری بصورت چک وسفته وسایل پرداخت بیش ازپیش توسعه یافت، بطوریکه درآنزمان به‌مسکوک نقره احتیاج کمتری احساس شد. زیرا تاآنزمان اگر مسکوک نقره بعنوان پول رایج بموازات مسکوک طلا درجریان و گردش پول وارد میشد بیشتر ازاین نظر بود که بعلت محدودیت استخراج طلا حجم پول در جریان بصورت مسکوک طلا محدودبود واین نقیصه اغلب درمواقع توسعه تولید وافزایش دادوستد بصورمختلف موجب عدم تعادل پولی میشد. ازاین نظروقتی باافزایش اسکناس واوراق اعتباری این نقیصه رفع گردیددیگر به‌مسکوکی که پیوسته بعلت توسعه نامتناسب استخراج، ارزش قانونی خود را از دست بدهد احتیاجی احساس نمیشد. حال باید ببینیم که اسکناس چیست وبه‌چه ترتیب بموازات مسکوکات فلزی درجریان وارد شده است.

فصل سوم

اسکناس قابل تبدیل به طلا

اسکناس قابل تبدیل به‌طلا عبارت ازنوعی پول کاغذی است وازطرف بانک ناشر اسکناس درجریان گذارده میشود وبانک ناشر متعهد است که در صورت ارائه اسکناس معادل آن مسکوک دراختیار دارنده اسکناس بگذارد. اسکناس قابل تبدیل

به‌طلارا از نظر کیفیت انتشار ومقررات انتشار وروش تبدیل اسکناس به‌طلا مورد بررسی قرارمیدهیم.

بخش اول - کیفیت انتشار اسکناس

اختراع اسکناس را به بانکدار سوئدی پالمستروخ[1] در اواسط قرن هفدهم نسبت داده‌اند. هرچند قبل از پالمستروخ، بانک آمستردام درهلند نوعی اسکناس رایج کرده بود. ولی ماهیت اسکناس بصورت پول کاغذی درسوئد باماهیت اسکناسی که درهلند دراوایل قرن هفدهم رواج داشت بکلی متفاوت است. زیرا درهلند پول کاغذی بصورت نوعی رسید نماینده مسکوك فلزی بود واین نوع رسید از اینجهت متداول و مرسوم شده بود که بتواند عمل نقل و انتقال سکه‌های فلزی را که درآن زمان بصورت سکه‌های سائیده وغیرقابل انتقال درآمده بود بنماید. واین نوع پول اختراع جدیدی نبود، زیرا در دنیای باستان نیز رومیها از نوعی رسید که نماینده مسکوك طلا ونقره‌بود ورسپتا (Recepta) نامیده‌میشد استفاده میکردند. درصورتیکه اسکناس سوئدی که درسال ۱۶۵۶ بوسیلهٔ پالمستروخ درجریان گذارده شد از نظر پول اسکناس واقعی ونوعی پول است واز این نظراست که تاریخ اختراع اسکناس را به اواسط قرن هفدهم در سوئد نسبت میدهند. هرچند انتشار اسکناس در قرن نوزدهم درکشورها متداول شد واز اواسط این قرن ببعد بود که اسکناس بصورت پول رایج درکشورها مورد استفاده قرارگرفت[2]. حال باید ببینیم نقش اسکناس بصورت پول کاغذی در جریان و گردش پول چیست؟ برای فهم موضوع به مثال ساده‌ای متوسل میشویم:

۱- Palmstruch

۲- البته اسکناس از واژه Assignat گرفته شده‌است. این واژه درزمان انقلاب کبیر فرانسه درسالهای ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ به اوراقی گفته میشد که ازطرف دولت انقلابی منتشرشده بود. قبل از این تاریخ به‌پول کاغذی ماندا Mandat یعنی سند پرداخت گفته میشد. ولی امروزه واژه متداول در فرانسه Billet de Banque است که میتوان آنرا به بلیط بانک که درواقع همان اسکناس است معنی کرد.

فرض کنیم بانکی باسرمایه ۱۰ میلیون واحد پول رایج تشکیل شود. بانک مزبور درابتدای تأسیس ده میلیون سرمایه خود را فرضاً خرج ساختمان وتهیه بنای بانک مینماید. حال فرض کنیم که افراد ۳۰۰ میلیون وجوه خود را که بصورت مسکوک است دراین بانک بعنوان سپرده بگذارند. در اینصورت اگر بانک معادل همین مبلغ به‌تجار مثلا اعتبار بدهد ترازنامه بانک‌را میتوان بشرح زیر تنظیم کرد:

دارائی		بدهی	
ساختمان	۱۰	سرمایه	۱۰
اوراق تجاری	۳۰۰	سپرده	۳۰۰
	۳۱۰		۳۱۰

البته مابه‌التفاوت ربحی که بانک از اعتبارات اعطائی دریافت میدارد وربحی که بانک به صاحبان سپرده میپردازد منافع بانک را تشکیل میدهد. و اگر ربح اعتبارات اعطائی مثلاً ۳٪ وربح سپرده‌ها مثلاً ۱٪ باشد منافع بانک عبارت خواهد بود از ۲٪ ضرب در ۳۰۰ میلیون منهای مخارج اداره امور بانک.

حال فرض کنیم بانک درمقابل ۳۰۰ میلیون مسکوک دریافتی بصورت سپرده ۵۰۰ میلیون پول کاغذی بصورت اسکناس منتشر کند. دراین عمل بیلان بانک بصورت زیر درمیآید.

دارائی		بدهی	
ساختمان	۱۰	سرمایه	۱۰
مسکوک فلزی درصندوق	۳۰۰	سپرده	۳۰۰
اوراق تجاری	۵۰۰	اسکناس درگردش	۵۰۰
	۸۱۰		۸۱۰

دراین فرض اگر درست دقت کنیم ملاحظه میشود که درمرحلهٔ اول بانک با ۳۰۰ میلیون مسکوک سپرده توانسته است فقط معادل آن یعنی ۳۰۰ میلیون

اعتبار اعطا کند واز ما به‌التفاوت ربح سپرده وربح اعتبار بصورت سود بانک استفاده نماید. ولی درمرحلهٔ دوم بانک بادرجریان گذاردن پول کاغذی معادل ۵۰۰ میلیون توانسته است ۲۰۰ میلیون اعتبار اضافی اعطا کند و از ربح آن بنفع بانک استفاده نماید. البته ممکن است تصورشود که بانک با مشکلات مالی ناشی از تقاضای صاحبان مسکوک مواجه میشود. زیرا هرآن ممکن است صاحبان سپرده تقاضای استرداد نقود خود را بنمایند. ولی طبق تجربیاتی که ازبانکداری بدست آمده بانک هیچوقت ازاین نظر دراسترداد سپرده بامشکلی مواجه نخواهد شد. زیرا اولاً استرداد سپرده ازیکطرف همیشه باارائه سپرده ازطرف دیگر مواجه است. ثانیاً اگر تقاضای استرداد سپرده افزایش یابد یا صاحبان اسکناس بخواهند وجوه خود را تبدیل به مسکوک فلزی نمایند، با ۳۰۰ میلیون موجودی صندوق همیشه میتوان استرداد سپرده و یا تقاضای تبدیل اسکناس را به فلز کاملاً تأمین کرد. درواقع اگر درست دقت کنیم ملاحظه میشود که بانک درانتشار اسکناس بمیزان ۵۰۰ میلیون ۳۰۰ میلیون مسکوک موجود دارد. یعنی معادل ۶۰٪ اسکناس درگردش، بانک موجودی مسکوک درصندوق نگهداشته است. البته اگرنسبت مسکوک فلزرا دراین عملیات پولی باmجموع بدهی بانک که عبارت از ۸۰۰ میلیون یعنی ۳۰۰ میلیون سپرده و ۵۰۰ میلیون اسکناس درگردش است بسنجیم نسبت تبدیل ۳۷٫۵٪ خواهد بود واین نسبت درعملیات بانکی ازنظر استرداد سپرده ویا تبدیل تقاضای اسکناس به‌مسکوک کاملاً متناسب وکافی است واگر وضع گردش پول واعتبارات جریان عادی را طی کند بانک بهیچوجه بامشکلی مواجه نخواهد شد.

بخش دوم - مقررات انتشار اسکناس

درکیفیت انتشار اسکناس اهمیت وسایل پرداخت بصررت پول کاغذی مطالعه شد. حال باید ببینیم که شرایط ومقررات انتشار پول کاغذی چیست؟

درانتشار اسکناس دواصلی که بنام اصل پولی واصل بانکی مشهوراست از اواسط قرن نوزدهم مورد نظر اقتصاددانان بوده است.

اصل پولی درانگلستان Currency School ودرفرانسه Principe de Circulation نامیده میشود. ازطرفداران این اصل درانگلستان ریکاردو (Ricardo) ولرداورستون (Lord Overston) وتورن(Torrens)وماك کولش(Mac Culloch) وسنیر(Senior) را میتوان ذکرکرد. درفرانسه ازطرفداران این اصل میتوان رسی (Rossi) وولوسکی (Wolowski) وایشتال (Eichtal) را نام برد.

اصل بانکی درانگلستان‌به Banking School ودرفرانسه‌به Principe de Banque مشهوراست. ازطرفداران این اصل درانگلستان میتوان توك (Tooke) و فولارتن (Fullarton) واستوات‌میل (Stuart Mill) رانام‌برد. ازطرفداران این‌اصل درفرانسه میتوان میشل شوالیه (Michel Chevalier) وکورسل سونوی (Courcelle-Soneuil) را ذکرکرد.

اصل پولی اصلی است که بموجب آن میزان اسکناس منتشره باید مساوی ومعادل طلای پشتوانه باشد. مقررات این اصل بمنظور جلوگیری ازتورمی که در اوایل قرن نوزدهم دامنگیر اقتصاد انگلستان شده بود وضع شد وحتی بموجب این اصل میزان طلای پشتوانه ازنظر اسکناس تثبیت میگردید.

برای اجرای این اصل در انگلستان وحدت انتشار در نظر گرفته شده بود، بطوریکه بموجب آن می‌بایست انحصار انتشار اسکناس به بانك واحدی تفویض گردد. هرچند دانشمندان فرانسوی دراجرای اصل پولی‌فقط قائل به‌تفکیك‌عملیات بانك ناشر اسکناس ازعملیات دولت بودند. ولی در عمل اصل وحدت بانك ناشر اسکناس وتفویض انحصار آن به بانك واحد مورد نظر قرارگرفت.

اصل بانکی اصلی است که بموجب آن میزان اسکناس منتشره باید متناسب بااحتیاجات اقتصادی ازنظر توسعه‌صنعت وبازرگانی باشد، بطوریکه درمواقع احتیاج

بانک ناشر اسکناس بتواند حجم اسکناس درگردش را معادل احتیاجات پولی جامعه گرداند.

برای اجرای این اصل دانشمندان انگلیسی و فرانسوی عقاید متضادی ابراز میداشتند. دانشمندان انگلیسی که معتقد به‌نظم وترتیب درانتشار اسکناس بودند دراجرای اصل بانکی وحدت بانک ناشراسکناس را درنظرمیگرفتند. بعکس دانشمندان فرانسوی که بیشتر معتقد برعایت اصل آزادی، حتی درانتشار اسکناس بودند بوحدت بانک ناشراسکناس اعتقادی نداشتند واشکالی درتعدد بانک ناشراسکناس نمیدیدند. هرچند درعمل چنانکه قبلاً اشاره کردیم درفرانسه بالاخره اصل وحدت بانک ناشر اسکناس رعایت گردید.

این دواصل هرچند دردنیای آنروز طرفداران بیشماری داشت ، معهذا درعمل غیرقابل اجرا بنظررسید. زیرا اصل پولی دراجرا همیشه بافقدان هم‌آهنگی بین‌حجم اسکناس درگردش وتوسعه وپیشرفت اقتصادی مواجه میشد. واصل بانکی نیز که برای حجم اسکناس از نظر هم‌آهنگی با توسعه و پیشرفت اقتصادی‌قابلیت انعطاف قائل بود همیشه بامانع اصل قابلیت تبدیل اسکناس به طلا برخورد میکرد. زیرا در مواقع افزایش حجم اسکناس خود بخود خاصیت قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا ازبین میرفت. چنانکه وقایع پولی نیمه‌دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بخوبی این حقیقت‌را آشکار ساخت.

درحقیقت این دواصل هرچند درتئوری کاملاً متضاداند ، ولی درعمل‌واجرا درطول زمان‌ازنظر قابلیت انعطاف درانتشار اسکناس تاحدودی بهم نزدیک شدند. درواقع اصل بانکی که بموجب آن درانتشار اسکناس حجم اسکناس باید متناسب با احتیاجات اقتصادی ازنظرتوسعه صنعت وبازرگانی باشد در تئوری کاملاً متضاد بااصل پولی است که بموجب آن حجم اسکناس باید متناسب ومعادل با موجودی طلای بانک ناشر اسکناس باشد. ولی درعمل وقتی درانگلستان اصل بانکی‌رد شد واصل پولی‌درقانون پیل (Peel Act) درسال ۱۸۴۴ بتصویب رسید دراجرا مقررات

این اصل به‌مقررات اصل بانکی متمایل شد. زیرا انتشار پول کاغذی بصورت اسکناس بمیزان موجودی طلای بانک ناشر اسکناس نمیتوانست جوابگوی احتیاجات پولی اقتصاد انگلستان باشد، بطوریکه به‌دفعات درقانون پیل تجدیدنظر بعمل آمد وبدون اینکه موجودی طلای بانک انگلستان اجازه دهد برحجم اسکناس برحسب احتیاجات اقتصادی انگلستان افزوده شد.

درواقع در اوایل قرن نوزدهم بعلت جنگهای ناپلئونی که حیات انگلستان را تهدید میکرد، این کشور برای دفاع خود مجبور بود افزایش مخارج جنگ را از طریق انتشار روز افزون اسکناس تأمین سازد. در نتیجه، افزایش نامتناسب پول کاغذی قیمتها را درانگلستان بطور سرسام آوری ترقی داد. لذا در این محیط تورم عکس‌العمل اقتصاددانان بدون شک مخالف اصل بانکی در انتشار اسکناس بود، بلکه درآن محیط، انگلستان سعی کرد باتصویب قانون پیل میزان پول را متناسب بامیزان موجودی طلای بانک انگلستان سازد. این میزان ابتدا بمبلغ ۱۴ میلیون لیره تثبیت‌شد. ولی پس ازمدتی بعلت احتیاج مبلغ فوق به ۱۸/۵ میلیون لیره‌رسید. بالاخره درسالهای ۱۸۴۷ و ۱۸۵۷ و۱۸۶۶ بعلت احتیاج بافزایش حجم پول در گردش دولت انگلستان مجبور شد بدفعات از پارلمان آن کشور تقاضای تجاوز از میزان قانونی اسکناس را بنماید. البته در هربارکه اقدام بانتشار اسکناس جدید میشد بانک انگلستان باکمبودطلا مواجه‌بود. چنانکه درسالهای ۱۸۹۰ و۱۹۰۸ کمبود طلا برای‌انتشار اسکناس درانگلستان بحدی رسید که بانک انگلستان‌مجبور شد ازبانک فرانسه مقداری طلا قرض بگیرد واین قرضه عملاً اتفاق افتاد. تااینکه درسال ۱۹۱۴ سد انتشار اسکناس بکلی شکست و دولت انگلستان بمنظور تأمین مخارج جنگ مجبور شد ازطریق خزانه اقدام بانتشار اسکناس نماید.

ملاحظه میشود که بااتخاذ این روش درانتشار اسکناس مسأله قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا خودبخود منتفی‌میشد. همانطوریکه از ابتدای شروع جنگ‌بین‌الملل اول تاسال ۱۹۲۰ اصل قابلیت‌تبدیل اسکناس به‌طلا بهیچوجه رعایت نشد. دراین

سال اسکناس درانگلستان قابل تبدیل به‌طلااعلام شد. ولی درسال ۱۹۳۱ بعلت مشکلات پولی مجدداً اصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا رعایت نگردید. تااینکه درسال ۱۹۳۹ بعلت بروز جنگ جهانی دوم حد انتشار اسکناس غیر قابل تبدیل به‌طلا به ۵۰۰ میلیون لیره انگلیسی بالغ گردید. دراین تاریخ بانک انگلستان مجبور گردید $\frac{۲}{۳}$ موجودی طلای خود را به صندوق برابری ارزکه شرح آن بعداً خواهد آمد واگذارکند و بدین ترتیب پشتوانه اسکناس درگردش را بیشتر اسناد خزانه تشکیل می‌داد. بالاخره درهمین سال با انتقال قسمت بیشتری از طلای پشتوانه به صندوق برابری ارز موجودی پشتوانه به ۱۰۲ هزار لیره انگلیسی تقلیل یافت. درصورتیکه دراین سال حدانتشار اسکناس به ۵۸۰ میلیون لیره بالغ گردید. ودرسالهای پس ازجنگ یعنی درسال ۱۹۴۸ وقتی این حد به‌یک میلیارد ودرسال ۱۹۵۰ به ۱/۳ میلیارد لیره انگلیسی رسید طلای پشتوانه بصورت مسکوک وشمش فقط ۳۰۰ هزارلیره انگلیسی بود.

ملاحظه میشودکه دراین وضع اصل قابلیت تبدیل اسکناس به طلا بکلی غیر قابل اجرا تلقی گردید وازآن پس اصلی که بنام اصل پولی مشهور است وبموجب آن میزان اسکناس منتشره بایدمتناسب باموجودی طلای بانک انگلستان باشد بکلی تعدیل شد وتا حدودی درعمل به‌اصل بانکی نزدیک گردید. البته بانک انگلستان بدون کسب اجازه دولت از پارلمان نمیتواند میزان اسکناس منتشره را تغییر دهد. بدینمعنی که حدانتشارکه درواقع به Plafond de l'Emission مشهور است فقط بااجازه پارلمان تعیین میگردد. ولی از اصل پولی که ازطریق قانون پیل درسال ۱۸۴٤ بتصویب رسید ودراواسط قرن نوزدهم طرفداران متعصبی داشت دیگر همان آثاری استنباط نمیگرددکه ازاین قانون مستفاد بود. هرچند اصل بانکی نیز بمفهوم خاص خود مصداقی نداشته است، بلکه همیشه افزایش انتشار اسکناس بموجب قوانین خاص صورت گرفته است.

درفرانسه نیزمانند انگلستان ابتدا اصل پولی را درانتشاراسکناس قبول کرده‌اند.

بدینمعنی که دراین کشور بانک فرانسه ابتدا معادل طلای پشتوانه اقدام به‌انتشار اسکناس میکرده است. تااینکه بعلت‌احتیاج به‌افزایش روزافزون حجم پول درگردش بانک فرانسه که بنام بانک دوفرانس درسال ۱۸۰۰ تأسیس یافته‌بود حجم اسکناس را به‌نسبت بیشتری‌افزایش‌داد. دراین باره ابتدا اصل درصد پشتوانه که دراصطلاح بانکی به پورسانتاژ مشهور است قبول گردید. سپس برای کنترل حجم پول درگردش اصل حدانتشار یعنی پلافون (Plafond) پذیرفته شد.

دراصل پورسانتاژ بانک ناشر اسکناس به‌نسبت حجم پول درگردش مقداری طلا بعنوان پشتوانه پول ذخیره مینماید و بدین‌ترتیب نسبت ذخیره طلا به حجم پول پورسانتاژ یادرصد پشتوانه نامیده میشود. این‌نسبت دراوایل قرن نوزدهم در فرانسه بین ۷۰تا ۹۰ درصد بوده است. بدین‌ترتیب ملاحظه میشود که درابتدای قرن نوزدهم درفرانسه اصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا خود بخود حفظ میشد. ولی درفرانسه نیز مانند انگلستان درتعقیب مشکلات حاصل ازکمبود پولی بانک ناشر اسکناس مجبور شد به دفعات ازمیزان درصد پشتوانه تجاوزکند و بخصوص دراین کشور درسالهای بحرانی شدیدگاه اصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا بکلی ترك میشد. مثلاً درسالهای ۱۸۴۸ و۱۸۷۰ درتعقیب بحرانهای سیاسی اسکناس درگردش قابلیت تبدیل به طلا را بکلی ازدست داد و جریان اجباری پیدا کرد. ولی درسالهای پس ازبحران همیشه اصل قابلیت تبدیل اسکناس به طلا رعایت میشد واین وضع تاسال ۱۹۱۴ ادامه داشت تااینکه وقتی‌ازابتدای جنگ بین‌الملل اول مسأله قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا دراغلب کشورها منتفی شد، پول‌فرانسه نیز تابع این‌تحول گردید. زیرا افزایش روزافزون‌حجم اسکناس بمنظورتأمین‌مخارج جنگ رابطه بین طلا واسکناس را بکلی بهم زده بود. در سال ۱۹۲۸ اصل قابلیت‌تبدیل‌اسکناس به‌طلا مجدداً اجرا گردید. البته‌دراین‌سال پورسانتاژ به ۳۵٪ تنزل یافت. یعنی بانک ناشراسکناس فقط معادل ۳۵ درصد حجم پول درگردش، طلا بعنوان پشتوانه ذخیره میکرد. ولی، چنانکه قبلاً شرح‌دادیم ، همیشه افزایش

حجم اسکناس بموجب اصل حد انتشار یعنی پلافون تعیین میشد واین روشی است که مورد توجه لرد کینز دانشمند انگلیسی است. زیرا مشارالیه درکتابی تحت عنوان «بحث درباره پول»[۱] که درسال ۱۹۳۰ منتشر کرد ازسیستم پورسانتاژ وپلافون فرانسه بسیار تمجید کرده است. این مسایل را ما درنظریه های جدید پولی بتفصیل مورد بررسی قرار میدهیم. ولی باین مسأله باید توجه داشت که انعطاف وعدم انعطاف حجم پول درگردش درهریک از سیستم های پولی درکشورهای مختلف باتحولات زمان واوضاع واحوال اقتصادی هماهنگ بوده است. البته مشکل تبدیل اسکناس به طلا همیشه موردتوجه بوده است. حال باید ببینیم باوجود این مشکل اصل قابلیت تبدیل طلا به اسکناس درسیستم های مختلف پولی چطور اجرا شده است.

بخش سوم - روش های مختلف تبدیل اسکناس به طلا

چنانکه مطالعه شد، اسکناس قابل تبدیل به طلا بصورت سند وعده‌ای است که دارندهٔ آن درهرآن میتواند به بانک ناشر اسکناس مراجعه کند وباارائه اسکناس معادل طلای آنرا دریافت دارد. دراینصورت باید ببینیم این وعده چطور از طرف بانک ناشر اسکناس تا بحال وفا شده است.

۱- روش تبدیل اسکناس به سکه طلا - روش تبدیل اسکناس به سکه طلا Gold Specie Standard روشی است خیلی قدیمی وتقریباً درابتدای اختراع اسکناس عمل میشد. یعنی بانک ناشر اسکناس درازای انتشار اسکناس متعهد بود درهرآن درمقابل ارائه اسکناس منتشره سکه طلا دراختیار دارنده اسکناس قراردهد. این روش چنانکه ملاحظه میشود روشی است کاملاً دموکراتیک، یعنی دراین روش تبدیل میتوان هرواحد پول کاغذی را معادل ارزش طلای آن با سکه طلا معاوضه کرد. البته باین مسأله باید توجه داشت که بعلت توسعه انتشار اسکناس وافزایش حجم پول درگردش روش تبدیل فوق دراجرا بامشکلات کمبود ذخیره سکه های

۱- J.M.Keynes, A Treatese on Money, New-York, 1935, t.2.

طلا مواجه میشد. ازاین نظر روش تبدیل اسکناس به سکه رفته رفته جای خود را به روش تبدیل اسکناس به‌شمش طلا داد.

۲- روش تبدیل اسکناس به‌شمش‌طلا - روش تبدیل اسکناس به شمش طلا Gold Bullion Standard روشی است که طبق آن بانک ناشر اسکناس متعهد است درازای انتشار اسکناس درهرآن درمقابل ارائه اسکناس منتشره شمش‌طلادراختیار دارندهٔ اسکناس قرار دهد. البته منظور اصلی از روش تبدیل اسکناس به‌شمش‌طلا محدود کردن تقاضای تبدیل اسکناس به‌طلا است. زیرا در روش تبدیل اسکناس به‌سکهٔ طلا هرآن انتظار میرفت دارندهٔ اسکناس، اسکناس خود را هر چند معادل یک سکه، ببانک ارائه وبه سکه طلا تبدیل نماید. ولی در روش تبدیل اسکناس به شمش احتمال تبدیل ضعیف‌تر است. زیرا تبدیل شمش در برابر مقدار زیادی اسکناس صورت میگیرد. بخصوص برای میزان اسکناس قابل تبدیل نیز این‌روش محدودیتی‌قائل است. یعنی‌میزان اسکناس باید حداقل معادل ۱۲ کیلو شمش باشد و دارندهٔ اسکناس کمتر از دوازده کیلو شمش طلا نمیتواند تقاضای تبدیل نماید. ملاحظه میشود که روش فوق درمقابل روش قبلی که دموکراتیک بود روشی‌است آریستوکراتیک. زیرادراین روش‌قابلیت‌تبدیل اسکناس به‌طلافقط برای‌اشخاص‌متعینی که امکان تهیهٔ اسکناس معادل لااقل ۱۲ کیلو شمش طلا برای آنها میسر باشد مصداق‌دارد. هرچند که‌امکان‌تهیهٔ‌اسکناس‌معادل ۱۲ کیلوشمش‌طلا همیشه‌باامکان مصرف و مورد استفاده قراردادن و نگاهداری ۱۲ کیلو شمش طلا همراه نیست. دراینصورت ملاحظه میگردد که در روش تبدیل اسکناس به‌شمش پشتوانهٔ‌انتشار اسکناس بیشتر مصون‌بوده، کمتر درمعرض تقاضای تبدیل ارائه کنندگان‌اسکناس است. روش تبدیل اسکناس به‌شمش درانگلستان در سالهای بین دو جنگ جهانی اول ودوم، ودرفرانسه ازسال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۶ اجرا گردید. هر چند ریکاردو این روش را درسال ۱۸۱۰ تجویز کرده بود[۱].

۱- Henri. Guitton, - Economie Politique, Tome Second, Paris, Précis Dalloz, 1957. P.53.

۳- روش تبدیل اسکناس به ارز - روش تبدیل اسکناس به‌ارز Gold Exchang Standard روشی است که طبق آن بانک ناشر اسکناس درمقابل ارائهٔ اسکناس، ارز قابل تبدیل به‌طلا یعنی اسکناس خارجی قابل تبدیل به طلا تسلیم مینماید. این روش تبدیل از روشی اقتباس شده است که درآن طلا نقش ارز قابل تبدیل به‌طلا را بعهده داشت. درواقع در حدود سال ۱۸۹۸ در هندوستان که سیستم پول فلزی نقره حکمفرما بود طلا بعنوان ارز، یعنی پول خارجی بکارمیرفت. یعنی فقط بوسیلهٔ طلا بود که این کشور میتوانست پرداختهای خود را با خارج انجام دهد. یعنی وارد کنند گان درمقابل ارائهٔ نقره به بانک ناشرپول، طلا دریافت میداشتند وبوسیلهٔ آن پرداختهای خارجی خودرا انجام میدادند. این سیستم درسال ۱۹۲۲ در کنفرانس ژن (Conférence de Genes) مطرح شدوشرکت کنندگان دراین کنفراس که کشورشان بامشکلات کمبودطلا مواجه بود پیشنهاد کردند که اصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلارا که بعلت جنگ جهانی اول متروک شده بود بااین سیستم احیاسازند. در کشورهائی که این سیستم می‌بایست اجرا شود درواقع ایجاد ذخیرهٔ طلا ازنظر اجرای اصل قابلیت تبدیل اسکناس به طلا میسر نبود. ازاین نظر پول کاغذی درکشورهائی که اصل قابلیت تبدیل اسکناس به طلا مجری بود پول طلا تلقی شد و قرار شد که اسکناس درگردش درکشورهای شرکت‌کننده درکنفرانس ژن قابل تبدیل به ارز خارجی‌قابل تبدیل به‌طلاباشد. البته‌ارزقابل تبدیل به‌طلا دراین‌سال فقط لیره انگلیسی ودلار بود. ولی، چنانکه بتفصیل شرح خواهیم داد، لیرهٔ انگلیسی بعلت مشکلات پولی انگلستان درسال ۱۹۳۱ غیر قابل تبدیل به‌طلا اعلام شد ودرسال ۱۹۳۳، امریکا بعلت مشکلات‌پولی عدم قابلیت‌تبدیل دلار را به‌طلا اعلام کرد. دراینصورت ملاحظه میشود که درسیستم پایهٔ ارز نیز اصل قابلیت تبدیل اسکناس به ارز بامشکلاتی مواجه بوده است.

فصل چهارم

اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا

درقرن نوزدهم، چنانکه مطالعه‌شد، اسکناس قابل تبدیل به‌طلا بود وانتشار آنرا بانک ناشر اسکناس بعهده‌داشت که بصورت واحد، مستقل از تشکیلات‌دولتی اداره میشد. بانک فوق به نسبت طلای پشتوانه، اسکناس منتشر میکرد و هرچند میزان‌اسکناس طبق‌قانون‌نسبت‌درصدپشتوانه (پورسانتاژ) از میزان‌موجودی‌طلاتجاوز میکرد، ولی بعلت استقلال بانک ناشر اسکناس‌درانتشار اسکناس، میزان اسکناس منتشره از نفوذ سیاسی ومالی دولت مصون بود. درنظریه های جدید پولی اسکناس غیرقابل تبدیل به‌طلا است وهرچند بوسیلهٔ بانک ناشر بصورت واحد منتشر میشود، ولی بانک فوق زیر نظر دولت است و سیاست انتشار اسکناس با نظر دولت تعیین میگردد. حال باید ببینیم علل این تحول چیست، یعنی اولاً چرا در نظریه های جدید اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا است. ثانیاً ارزش آن چگونه حفظ میشود ونظارت دولت درانتشار اسکناس برای‌چیست؟

بخش اول ـ وظائف اسکناس دراقتصاد جدید

اسکناس در اقتصاد جدید دارای همان وظائفی است که پول طلا در قرن نوزدهم داشته است. منتهی در قرن نوزدهم اسکناس و پول طلا این وظائف را مشترکاً بعهده داشتند. ولی، امروزه چنانکه ملاحظه میشود، پول طلا جای خود را به اسکناس واگذار کرده است، بطوریکه در اقتصاد امروز اسکناس پول اصلی بشمارمیرود. البته‌درقرن نوزدهم طلا بعنوان پول اصلی وپول خوب بحساب‌میآمد، زیرا وظایفی که‌بعهده پول بود مثل‌پرداخت وحفظ ونگاهداری ارزش باموقعیتی که

طلا در اقتصاد قرن نوزدهم داشت کاملاً وفق میداد. امروزه این وظایف بعهدهٔ اسکناس است.

۱- اسکناس وسیلهٔ پرداخت - اسکناس امروزه وسیلهٔ اصلی پرداخت است. ولی باین مسأله باید توجه داشت که پرداخت دو قسم است: داخلی و یا خارجی. درپرداختهای داخلی اسکناس نقش اول را بعهده دارد. زیرا ازنظر داخلی هرگونه نقل و انتقال ارزش با اسکناس سنجش و پرداخت میشود. از اینجهت ملاحظه میشود که در پرداختهای داخلی اسکناس پول اصلی است. البته ازنظرمقایسه، اسکناس پول کاغذی است و پول طلا از فلز طلا است که خود دارای ارزش است. ولی از نظر وظایفی که پول در قرن بیستم بعهده دارد این دونوع پول هردو بیک میزان دارای ارزش پرداخت است. هر چند که عده‌ای ادعا می کنند که پول طلا پول حقیقی است وارزش آن‌ثابت است. از این نظر درپرداخت، پول طلا پول اصلی بحساب میآید. ولی درمقابل این نظر امروزه عقیده براین‌است که ارزش طلا نیز ثابت نیست. زیرا اگر استخراج آن افزایش یابد مسلماً ارزش طلا پائین میاید وبموازات تنزل ارزش طلا قیمتها ترقی مینماید. و از این نظر ملاحظه می‌شود که درکشورهائی که‌طلا فراوان‌است عیناً مانند کشورهائی که پول کاغذی به‌حدوفور انتشار می‌یابد قیمتها دروضع ترقی است. منتهی دراین کشورها تورم بصورت تورم طلا است نه‌تورم پول کاغذی. بعکس درکشورهائی که طلا نایاب است اگر این کشورها برای وسایل پرداخت فقط از پول طلا استفاده کنند، گردش پول در این کشورها مسلماً فاقد جریان عادی خواهد بود. زیرا حجم پول درگردش وقتی‌فقط بمیزان طلا تعیین شود و بستگی به استخراج طلا داشته باشد فاقد قابلیت انعطاف است. لذا این نوع پول باتوسعه صنایع وبازرگانی هماهنگی نخواهد داشت. ازاین نظر مشکلات ناشی ازکمبود وسایل پرداخت، فعالیتهای اقتصادی‌را فلج خواهد ساخت. درنتیجه‌ملاحظه‌می‌شود که‌درسیستم پول‌طلا کشورها درپرداختهای‌داخلی خودگاه باازدیادطلاوتورم‌پول‌وزمانی‌باکمبودطلا وعدم وسایل‌پرداخت‌مواجه‌اند.

حال اگر پول کاغذی بصورت اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا را در نظر آوریم ملاحظه میشود که در انتشار این نوع اسکناس مشکلات ناشی از ازدیاد و کمبود فلز بکلی منتفی میگردد. زیرا افزایش و کاهش حجم اسکناس درگردش بمیل ودلخواه بشراست ودرمواقع احتیاج ازطریق به جریان گذاردن اسکناس جدید یا ازجریان خارج کردن اسکناس زاید میتوان همیشه حجم اسکناس درگردش را هماهنگ باامکانات جامعه ازنظرفعالیتهای اقتصادی ساخت. البته دراسکناس قابل تبدیل به‌طلا نیز، چنانکه درسیستم های مختلف پولی مطالعه کردیم، تا حدودی قابلیت انعطاف حجم اسکناس درگردش رعایت شده بود. ولی این قابلیت انعطاف ازنظرافزایش و کاهش حجم اسکناس نسبت به‌طلای پشتوانه کاملاً صوری بود. زیرا اگر مثلاً حجم اسکناس درگردش چند برابر طلای پشتوانه میشد در اجرای اصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا فقط قسمتی ازاسکناس درگردش، قابلیت تبدیل به‌فلز طلا را داشت. بعلاوه با فرض تعویض این قسمت از اسکناس با طلا بقیهٔ اسکناس ها بدون پشتوانه ودرنتیجه غیر قابل تبدیل به‌طلا بود. دراینصورت ملاحظه میشود که باداشتن طلا معادل قسمتی از اسکناس درگردش، اصل قابلیت تبدیل، اعتماد عمومی را نسبت به‌اسکناس درگردش تأمین نمیکرد. درصورتیکه درواقع ونفس امر ارزش پول، چنانکه قبلاً شرح دادیم، ارزشی است اعتباری، حال پول بهر شکلی که‌منتشرشود باداشتن این‌ارزش‌میتواند بعنوان وسیلهٔ‌پرداخت در دادوستدهای داخلی بکار رود.

البته باین‌مسأله باید توجه‌داشت که حدودقابلیت پرداخت‌اسکناس‌غیرقابل تبدیل به‌طلا فقط مربوط به‌دادوستدهائی است که درداخل کشورصورت می گیرد. زیرا در پرداختهائی که ناشی از دادوستد باخارج ازکشور است اسکناس غیرقابل تبدیل به طلا بعنوان وسیلهٔ پرداخت اهمیت پرداخت خودرا بنفع طلا یا ارز قابل تبدیل به طلا از دست میدهد ودرواقع در این نوع پرداختها فقط طلا و ارز قابل تبدیل به طلا است که نقش تأدیه ارزش و پرداخت را در دادوستد بعهده دارد.

لذا ازاین جهت است که در کشورهائی مثل انگلستان و فرانسه قسمت اعظم طلا وارز پشتوانه به‌صندوق برابری ارز منتقل‌شده است ، وصندوق فوق وظیفه دارد که باخریدوفروش ارزهای خارجی نرخ قانونی ارز را در کشور تثبیت نماید ، بطوریکه برای پرداختهای خارجی همیشه ارز بنرخ قانونی دراختیار پرداخت کنندگان قرار گیرد وبدینوسیله ارزش پول داخلی نسبت به‌ارزهای خارجی حفظ گردد . چنانکه ملاحظه میشود دراین نوع دادوستدهای خارجی طلا اهمیت ومقامی راکه درقرن نوزدهم داشته‌است تاحدودی حفظ کرده‌است . بدینمعنی که درپرداختهای بین‌المللی طلا پایه ومعیار پرداخت است . هرچند دراین خصوص باید اضافه کنیم که پس‌از جنگ بین‌الملل دوم دولتها بفکرافتادند که ازاین لحاظ نقش طلا را درپرداختهای بین‌المللی محدودسازند ودرواقع براساس این‌فکربود که درسال ۱۹۴۴ طبق قرارداد برتن وودز (Bretton-Woods) صندوق بین‌المللی‌پول تأسیس‌شد . صندوق بین‌المللی پول به کشورهای عضو اجازه میدهد که با پول خود میزان معینی ارز خریداری نمایند . لذا ملاحظه میشود که براساس این فکر کشورها قسمتی از پرداختهای خارجی خودرا ضمن خرید ارز از صندوق بین‌المللی‌پول، با پول ملی انجام میدهند واین‌خود گامی‌است دربین‌المللی کردن اسکناس کشورهای‌عضو از نظرپرداختهای خارجی .

۲ـ اسکناس وسیله حفظ و نگاهداری ارزش است ـ چنانکه قبلاً مطالعه کردیم پول بهترین وسیله حفظ ونگاهداری ارزشهای اقتصادی است و از این نظر عامل ایجاد پس‌انداز بشمار میرود . حال باید ببینم پول کاغذی بصورت اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا آیا میتواند این وظیفه را انجام دهد یا خیر ؟ دراین خصوص عده‌ای معتقدند که اگر پول وسیله حفظ و نگاهداری ارزشهای اقتصادی تلقی شود ، باید خود دارای ارزش باشد . حال اگر پول در کشوری منحصر به اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا شود این عده معتقدند که صرفه دراین نیست که پس‌اندازکنندگان ارزشهای اقتصادی را از طریق پول کاغذی که فاقد

قابلیت تبدیل به‌طلا است بصورت پس‌انداز حفظ و نگاهداری کنند. زیرا با تنزل ارزش پول کاغذی هرروز ممکن‌است پس‌اندازکنندگان مقداری از پس‌اندازخود را از دست بدهند. درصورتیکه اگر ارزشهای اقتصادی به اشیائی که ذاتاً خود دارای ارزش است تبدیل شود احتمال تنزل ارزش پس‌انداز ازبین میرود. هرچند این استدلال امروزه صحیح بنظر میرسد ؛ زیرا تنزل ارزش پول در نیمه اول قرن بیستم بعلل حوادث جنگ و انقلاب و بحران‌های اقتصادی درکشورهای مختلف به‌منتهی درجه رسیده است ، بطوریکه کسانیکه ارزشهای اقتصادی را بصورت پول کاغذی پس‌اندازکرده‌اند قسمت اعظم پس‌انداز خود را از دست داده‌اند. ولی باین مسأله باید توجه داشت که تنزل ارزش پول معلول جنگ وبحران و انقلابات بوده است نه علت آن. دراینصورت وقتی وقایعی درکشوری روی داده است برای مواجهه با وقایع دولت متوسل به‌عکس‌العملهائی میشده است که این عکس‌العملها بالاخره تنزل ارزش پول‌را بهمراه داشته است. بعلاوه باین مسأله باید توجه‌داشت که دراین وقایع فقط پول قربانی منحصر بفرد نبوده است ، بلکه درطبقات مختلف بنوبه پیوسته اموالی‌قربانی‌شده‌است وهرطبقه‌بنوبهٔ خود درپی‌وقایع‌قربانی‌داده است.
حال باید ببینیم که اگر ارزشهای اقتصادی ازطریق پول پس‌انداز نشود از چه طریقی میتوان آنهاراپس‌اندازکرد؟ جواب این‌سئوال اینست که پس‌اندازکنندگان باید مسلماً از زمین ، طلا ، جواهرات ، تمبر و اشیاء عتیقه برای حفظ و نگاهداری پس‌انداز خود استفاده کنند. ولی این‌مسأله‌مطرح است که زمین ، طلا، جواهرات، تمبر واشیاء عتیقه آیا خود بنوبه ارزش ثابتی دارد ؟ زیرا نمیتوان یقین داشت که ارزش‌اینگونه وسایل پس‌اندازنیز بتواند همیشه ثابت بماند. بخصوص ما میدانیم که‌درخرید وفروش زمین وجواهرات وتمبر واشیاء عتیقه خبرگی خریدار و فروشنده دخالت تام‌دارد. لذا این‌نوع‌معاملات اغلب بامغبونیت طرفین‌معامله همراه است.
ازطرفی مسألهٔ اساسی‌دراستفاده ازاینگونه‌وسایل پس‌انداز، مسألهٔ حفظ ونگاهداری آنهاست. زیرا حفظ ونگاهداری اشیاء عتیقه وجواهرات‌وتمبرخود بامشکلاتی‌مواجه

است. بعلاوه همیشه نمیتوان درمواقع احتیاج آنها را به‌آسانی نقد کرد. زیرا درمواقع احتیاج فوری به وجه نقد فروش آنها اغلب باتنزل قیمت همراه است. درمورد طلا نیز باید به‌خاطر داشت که درمواقع رسمیت اسکناس غیرقابل تبدیل، خرید وفروش آن اغلب از طرف دولت ممنوع اعلام می‌شود. ولی هرچند این ممنوعیت را نیز درنظر نگیریم، معهذا خرید وفروش طلا، بخصوص اگر دادوستد آن فقط ازطریق بازار سیاه صورت گیرد، اغلب بامغبونیت همراه است. حال باید ببینیم چطورمیتوان ارزش اسکناس غیرقابل تبدیل به‌طلا را حفظ کرد، ودراین باره نظارت دولت در انتشار اسکناس به‌چه منظور است.

بخش دوم ـ حفظ ارزش اسکناس ونظارت دولت درانتشار آن

ارزش، چنانکه میدانیم، صفت ذاتی و فیزیکی اشیاء نیست، بلکه ارزش حالتی است ذهنی که از مقایسهٔ فایده نهائی اشیاء در ذهن افراد ایجاد می‌شود. ارزش پول نیز ازاین قانون مستثنی نیست، بلکه ارزش پول بصورت فایدهٔ قدرت خرید آن ازنظر تهیه کالاها وخدمات مورد احتیاج افراد است.

ارزش پول یا ازنظر ارزش داخلی است یا ازنظر ارزش خارجی. ولی چون درتعیین ارزش داخلی‌وخارجی‌عوامل بطور مشابه دخالت ندارد از این نظرهریک را جداگانه مورد بحث قرار میدهیم.

۱ـ ارزش داخلی اسکناس ـ درتعیین ارزش داخلی پول سطح عمومی‌قیمتها را بایددرنظر گرفت. زیرا ارزش‌پول به‌نسبت معکوس باسطح عمومی قیمتها مرتبط است. اگر قیمتها ترقی کند ارزش پول پائین می‌آید واگر قیمتها تنزل کند ارزش پول بالا می‌رود. دراینصورت ملاحظه می‌شود که در تعیین ارزش پول از یکطرف عرضه وتقاضای پول وازطرف دیگر عرضه وتقاضای کالاها وخدمات دخالت دارد.

تغییرات عرضه وتقاضای پول مسألهٔ پولی‌است وبستگی به‌حجم پول در گردش دارد. تغییرات‌عرضه وتقاضای کالا ها وخدمات‌مسألهٔ‌اقتصادی‌است وبستگی به‌میزان

کالاها وخدمات جامعه دارد. لذا ازیکطرف حجم پول درگردش وازطرف دیگر حجم کالاهاوخدمات بایکدیگر مقایسه می‌شود وارزش پول بدینوسیله تعیین میگردد.

درواقع اگر بنابرعللی ازیکطرف میزان پول درگردش افزایش یابد، وازطرف دیگر کالاها وخدمات ثابت فرض شود ودرتعقیب آن تقاضا ترقی کند، مسلماً قیمتها افزایش می‌یابد ودرنتیجه ارزش پول پائین می‌آید. بعکس اگر کالاها و خدمات ثابت فرض شود ومیزان پول درگردش کاهش یابد ودرتعقیب آن تقاضا تنزل کند قیمتها کاهش می‌یابد ودرنتیجه ارزش پول بالا می‌رود.

ملاحظه می‌شود که نوسانات ارزش پول فقط از طریق حجم پول درگردش نیست، بلکه تغییرات حجم پول یکی ازشرایط تغییرات ارزش پول است و شرایط دیگر ازطریق تغییرات عرضه وتقاضای کالاها و خدمات در جامعه صورت می‌گیرد. دراینصورت ملاحظه می‌شود که دراقتصاد امروزپشتوانه درثابت نگاهداشتن ارزش پول نقش مؤثری ندارد. هرچند عده‌ای معتقدند که ازطریق پشتوانه ورابطهٔ آن باپول درگردش،دولت را میتوان از انتشار پول اضافی برحذر داشت. ولی باید دانست که امروزه این دلیل کافی نیست. زیرا تجربه باثبات رسانیده است که درکشورهائی که اصل نگاهداری پشتوانه معمول بوده است دولتها در مواقع احتیاج بنا برمقتضیات روز ارقام پشتوانه را مورد تفسیر قرار داده‌اند وبمیزانی که بپول جدید احتیاج بوده است اسکناس اضافی منتشر کرده‌اند.

درواقع دراینمورد میتوان گفت که اگرگردش پول را درمواقع عادی‌تحولات وضع اقتصادی درنظر بگیریم، دراین‌مواقع اسکناس درگردش ارزش داخلی خودرا از نظر قدرت‌خرید ثابت، حفظ مینماید، بطوریکه میتوان گفت که پشتوانه فقط اثر روحی دارد. ولی دراین خصوص نیزباید ادعا کرد که درمواقع عادی کمتراحتیاج به‌اثر روحی درتثبیت ارزش‌داخلی پول‌است. زیرا درمواقع عادی فرضاً اگرتغییرات حجم پول درگردش‌را درنظر آوریم ملاحظه می‌شود که این تغییرات شدید نیست. بعلاوه تغییرات حجم پول، چنانکه قبلاً شرح دادیم از شرایط تغییرات ارزش پول

است. چنانکه درمواقع عادی ممکن است شرایط دیگری که کاملاً جنبه اقتصادی دارد مثل کاهش عرضهٔ محصول وافزایش تقاضای آن که صرفاً از مسائل اقتصادی است ارزش داخلی پول را تغییر دهد.

حال اگر وضع اقتصادی عادی نباشد و کشوری باجنگ ومخارج نظامی حاصل ازآن و انقلاب و بحرانهای اقتصادی مواجه باشد، دراینصورت، چنانکه تاریخچه پولی کشورها در قرن نوزدهم نشان میدهد، دولتها همیشه بدون توجه به نسبت پشتوانه مجبور بوده‌اند، حتی گاهی چندین برابر حجم اسکناس درگردش اسکناس منتشر کنند ودرواقع دراینمواقع نیز پشتوانه نتوانسته است نقشی در تحدید حدود میزان اسکناس منتشره احراز نماید.

۲- ارزش خارجی اسکناس - ارزش خارجی اسکناس ازمقایسهٔ نسبت طلای آن به‌طلای اسکناسهای خارجی بدست‌می‌آید. درواقع اگر اسکناس داخلی کشوری را بااسکناسهای منتشر در کشورهای خارج مقایسه کنیم ملاحظه می‌شود که دراین مقایسه فقط میتوان ازطریق تطبیق نسبت قانونی طلای اسکناس داخلی بااسکناسهای خارجی به ارزش خارجی اسکناس پی برد. بعنوان مثال در مقایسهٔ ارزش خارجی ریال بایکی ازپولهای خارجی، میتوان نرخ برابری ریال به‌طلا را بانرخ برابری یکی از اسکناسهای خارجی به‌طلا درنظر گرفت. ازاین نظرملاحظه می‌شود که مثلاً یک دلار برابر با ۷۰/۷۰ ریال تقویم می گردد. یعنی دراین مقایسه مقدار طلای یک دلار معادل بامقدار طلای ۷۰/۷۰ ریال است. ولی این برابری درواقع برابری رسمی است. یعنی نرخی است که قانونگزار برای واحد پول کشور در نظر گرفته است. درمقابل نرخ رسمی، نرخ آزاد ارز است. نرخ آزاد براساس عرضه وتقاضای ارزتعیین می گردد. وعرضه وتقاضای ارز، چنانکه بتفصیل خواهیم دید، برمبنای ترازپرداختهای کشوراست. زیرا ازطریق مطالعهٔ تراز پرداختها است که نسبت مجموع دریافتیهای کشور از کشورهای خارج، به‌مجموع پرداختی های کشور به کشورهای خارج، تعیین میشود، وچون پرداختهای کشور به خارج با ارز یا طلا صورت می گیرد، از این

نظر از طریق نسبت تبدیل پول داخلی بـه پول خارجی، ارزش خارجی پول کشور مشخص میگردد.

حـال اگر درست دقت کنیم ملاحظه می گردد کـه فقط از نظر حفظ ارزش خارجی اسکناس است که پشتوانه میتواند نقشی بعهده گیرد. و آن از نظر مبادلات بین المللی است که بامیزان طلا وارز پشتوانه، میتوان عرضه وتقاضای پول داخلی را نسبت به پولهای خارجی تثبیت کرد. ازاین نظر ، چنانکه قبلاً اشاره کردیم ، در کشورهای مترقی قسمت اعظم طلا وارز پشتوانه به‌صندوق برابری ارز منتقل شده است وازاین طریق صندوق فوق درتعیین ارزش پولهای خارجی نسبت به‌پول داخلی نظارت مینماید. یعنی اگر طلا یا ارز در بازار آزاد بیش از حد قانونی ترقی یابد صندوق برابری ارز مبادرت به‌فروش طلا یا ارز ودرصورت عکس مبادرت به خرید طلا یا ارز مینماید. در اینصورت ، چنانکه ملاحظه می‌شود ، طلای پشتوانه و ارز بصورت لنگر اطمینان، ارزش پول داخلی را نسبت به‌پولهای خارجی تثبیت مینماید. ولی باید باین مسأله توجه داشت که این روش در کشورهائی قابل اجراست که دادوستد آنها از نظر مبادلات بین‌المللی عادی باشد. یعنی عدم موازنهٔ بازرگانی دراین کشورها بحدی نباشد که هرساله عدم‌تعادل تراز پرداختها وضع پرداختهای این کشور را فلج‌سازد وبخصوص این کشورها بافرارسرمایه وطلا وارز مواجه‌نباشند. زیرا اگر کشوری هرساله باکسری صادرات نسبت به‌واردات مواجه باشد ودریافتهای کشوررا ازاقتصاد بین المللی، هرساله نتواندجوابگوی پرداختهای کشوربه‌اقتصاد بین‌المللی باشد، دراینصورت به پشتوانه بصورت لنگر اطمینان نمیتوان دیگر اطمینان کرد. از این نظر است که چهاردهمین گزارش سالیانهٔ بانک معاملات بین‌المللی متعرض این مسأله شده است ودرصفحه ۳۲۶ این گزارش، پشتوانه ازنظر جریان پول کشور بی‌اهمیت تلقی میگردد[۱]. هرچند امروزه‌پشتوانه دربین‌عموم‌طرفدارانی دارد وبعضی

۱- 14e Rapport Annuel de la Banque des Réglements Internationaux, P. 326.

از کشورها درحدود امکان امروز سعی دارند رابطهٔ پول درگردش را با پشتوانه حفظ کنند. ولی باید بخاطر داشت که درکشورهائی مثل انگلستان و فرانسه امروزه رابطهٔ پشتوانه باپول درگردش بکلی قطع شده است. درواقع درانگلستان که روزی قانون پیل حکومت داشت وچنانکه قبلاً مطالعه کردیم برطبق قانون فوق که براساس اصل پولی بتصویب رسیده بود می‌بایست بمیزان پول درگردش صد درصد ذخیرهٔ طلا دربانک ناشر اسکناس موجود باشد، امروزه ذخیرهٔ طلا وارز پشتوانه فقط جزئی از اسکناس درگردش است.

درفرانسه درسال ۱۹۳۹ اصل نسبت درصد (پورسانتاژ) بکلی منسوخ شد وپس از آن انتشار اسکناس فقط طبق اصل حد انتشار یعنی پلافون صورت می‌گرفت. ولی با انتشارهای پی‌درپی، حجم پول کاغذی بقدری افزایش یافت که امروزه ذخیرهٔ طلا و ارز مانند انگلستان فقط نسبت ضعیفی ازپول درگردش را تشکیل میدهد.

در اتحاد جماهیر شوروی بانک دولتی مجبور است معادل ۲۰ درصد اسکناس درگردش طلا و ارز ذخیره نماید. ولی درمقابل اسکناس بانک دولتی اسکناسهای خزانه دراین کشور درجریان است؛ اسکناسهای فوق بدون پشتوانه است، ازاینجهت قانون ۵ فوریه ۱۹۲۴ میزان اسکناس منتشره ازطرف خزانه را معادل ۵۰ درصد اسکناس بانک دولتی تعیین کرده است. این نسبت طبق قانون ۱۹۲۸ به ۷۵ درصد وطبق قانون ۱۹۳۰ به صددرصد افزایش یافت.

البته درکشورهائی که بنابرعللی که بعداً شرح داده خواهد شد ذخیرهٔ طلا بحد کافیست، مثل کشورهای متحدامریکای شمالی، اصل نسبت درصد (پورسانتاژ) کاملاً رعایت میگردد. ولی دراین کشورها نیز اصل قابلیت تبدیل اسکناس ازنظر گردش پول داخلی رعایت نمیگردد. مثلاً درامریکا دلار درگردش داخلی خود غیرقابل تبدیل به‌طلا است.

درایران ذخیرهٔ طلا از نظر حفظ پشتوانه پول درگردش نسبةً زیاد است. چنانکه درحدود ۵۰ درصد اسکناس منتشره، ذخیرهٔ فلزی طلا و ۵۰ درصد دیگر از

محل جواهرات سلطنتی و اسناد دولتی بمیزان ۴۴ درصد و ارز بمیزان ۶ درصد تأمین است.

۳ـ نظارت دولت ـ نظارت دولت درانتشار پول چه از نظر تعیین ارزش آن وچه ازنظرحد انتشاراعمال میگردد. درواقع درقرن نوزدهم که انتشار پول براساس ذخیرهٔ فلزی صورت میگرفت واصل قابلیت تبدیل اسکناس به‌طلا مجری بود، ارزش پول براساس ارزش طلا، وحدانتشار درحدود استخراج طلا تعیین میگردید. ازاین نظر نظارت فقط بصورت نظارت درچهارچوب مقررات قانون تجارت بود. امروزه، چنانکه ملاحظه شد، ارزش پول ومیزان انتشار فقط مسأله پولی نیست، بلکه سیاست پولی خود امروزه یکی ازمسائل اقتصادی است که بموازات سیاست بودجه وسیاست مالیاتی وسیاست بازرگانی خارجی وسایر سیاستهای اقتصادی ومالی درتأمین توسعهٔ اقتصادی وایجاد رشد هماهنگ، مورد استفاده دولت قرارمیگیرد. دراینصورت امروزه نمیتوان پول را بحال خود گذاشت که ازطریق موجودی طلا درچهارچوب عملیات بانکی بانک ناشر اسکناس بجریان افتد، همانطوریکه امروزه بودجه فقط سند دخل وخرج دولت نیست که درحدود آن مخارج عادی دولت تأمین شود ومالیات وقرضهٔ امروزه فقط منبع عایدی دولت را تشکیل نمیدهد و گمرك فقط ازنظرایجاد درآمد برای دولت بوجود نیامده است، بلکه ازطریق هریک ازاین منابع درآمد میتوان اقتصاد جامعه را ارشاد وهدایت کرد. لذا ملاحظه میشود که سیاست پولی راکه نقش اصلی در هدایت و ارشاد اقتصاد جامعه دارد نمیتوان بیک بانک خصوصی واگذارکرد که بمیزان ذخیرهٔ طلا اسکناس منتشر نماید وارزش واحد پول را براساس ارزش قانونی طلا تعیین کند. امروزه، چنانکه بتفصیل مطالعه خواهیم کرد، سیاست ترقی وتنزل ارزش پول، یکی ازسیاستهای مؤثر درایجاد ترقی و رونق اقتصادی است و سیاست تغییرات حجم پول درگردش سیاستی است که بموازات سیاست‌های مالی واقتصادی توسعه و رشد اقتصادی را هماهنگ میسازد. از این نظر است که امروزه بانکهای

ناشر اسکناس اغلب ملی شده است تا دولت بتواند ازطریق نظارت مستقیم سیاست پولی کشور را منحصراً بعهده گیرد.

فصل پنجم

پول تحریری

پول تحریری به چک و هر گونه وسیلهٔ انتقال نقدینه یااعتباراشخاص دربانکها از حسابی به حساب دیگر، اطلاق میشود. پول تحریری که درواقع پول اعتباری است درفرانسه به پول تحریری یادفتری[1] ودرانگلستان به پول سپرده[2] مصطلح است. پول تحریری دراواخر قرن نوزدهم متداول شد. امروزه در کشورهای مترقی این نوع پول اهمیت فوق العاده‌ای کسب کرده است. بطوریکه درفرانسه ٧٥ درصد ودرانگلستان وامریکا گاهی تا ٩٠ درصد پرداختها از طریق پول تحریری صورت می گیرد. ابتدا ماهیت پول تحریری را مطالعه وسپس انتشار آنرا بررسی می کنیم.

بخش اول - ماهیت پول تحریری

برای مطالعهٔ ماهیت پول تحریری، فرض کنیم شخصی نقدینه خودرا بصورت سپردهٔ دیداری دربانکی به ودیعه بگذارد. خاصیت سپردهٔ دیداری اینستکه دارنده آن میتواند در هر آن از وجه سپرده استفاده نماید. حال اگر صاحب سپرده تمام یا قسمتی ازوجه سپرده را ازطریق چک به شخص دیگری منتقل کند وآن شخص نیز با ارائهٔ چک به بانک سپرده، تقاضا کند که وجه چک به حساب او درآن بانک منتقل شود، دراینصورت، ملاحظه میشود که وجه سپرده ازحسابی به حساب دیگر منتقل شده است، بدون اینکه پول بصورت اسکناس ازشخصی به شخص دیگر دست بدست

١- Monnaie Scripturale

٢- Deposit Currency

گردد. زیرا در این گردش، انتقال وجه فقط ازطریق انتقال حسابی به حساب دیگر بوسیلهٔ چک بوده است. حال اگر درست دقت کنیم ملاحظه میشود که این انتقال سپرده ازطریق چک، بصورت انتقال قدرت خرید، بنوبه‌نوعی پول را تشکیل میدهد که دراقتصاد به‌پول تحریری تعبیر میگردد. البته باین‌مسأله باید توجه داشت که ما درمثال سادهٔ خود نقل وانتقال سپرده افراد را در یک بانک در نظر گرفتیم. ولی میتوان این نقل وانتقال را به سایر بانکها یعنی به‌چند بانک نیز سرایت داد. یعنی فرضاً اگر شخصی دربانک نقدینهٔ خود را به ودیعه بگذارد و در دادوستد با شخص دیگری این ودیعه‌را ازطریق چک باو منتقل کند وآن شخص دربانک دارای‌حساب باشد وبخواهد با ارائهٔ چک به بانک، مبلغ‌چک بحساب او درآن بانک‌منتقل شود، نقل وانتقال وجه از بانکی به‌بانک دیگر ازطریق چک‌مشتری صورت میگیرد، بدون اینکه پولی بصورت‌اسکناس دست‌بدست گردد. زیرا بانکها نیز بین خود نقل‌وانتقال وجه را باچک عمل مینمایند و فرضاً اگر بانکی به بانک دیگر درواریز کردن نقل وانتقال حسابها بدهکارشود، بعهدهٔ بانک مرکزی‌چک صادر مینماید. دراینصورت ملاحظه میشود که چک نه فقط بین افراد، بلکه بین بانکها نیز نقش نقل وانتقال وجوه را بعهده دارد وازاین طریق پول تحریری را بوجود میاورد.

بخش دوم - انتشار پول تحریری

سپردهٔ افراد، چنانکه‌مطالعه‌شد، منشأ ایجاد پول تحریری‌است. دراینصورت میتوان چنین استدلال کرد که ارادهٔ افراد منشأ ایجاد پول تحریری است. این طرز فکر درقرن نوزدهم حکمفرما بود، بطوریکه دانشمندان کلاسیک در این خصوص معتقد بودند که پول‌تحریری درحدود اراده وتصمیم افراد بوجود میاید. امروزه‌این طرز فکر تعدیل شده است. زیرا سپردهٔ افراد ممکن است براساس اعتبارات بانکی بوجودآید. دراینصورت‌میتوان‌ادعا کرد که‌براساس‌اراده وتصمیم‌بانکها‌پول‌تحریری

بوجود می‌آید. چنانکه دانشمند انگلیسی ویترز (Withers) دراین باره معتقد است که بانک سپرده بانک ناشر پول تحریری است[1].

درواقع میتوان درنظر گرفت که افراد رأساً اوراق بهادار خود را درگیشهٔ بانکی تنزیل نمایند وبجای اخذ نقدینه وجوه اوراق را بعنوان سپرده درهمان بانک بودیعه بگذارند ویا استفاده ازچک از این وجوه برای مخارج روزمره استفاده کنند. ولی درمقابل این نوع سپرده، میتوان در نظر گرفت که افراد نقود خود را به بانکی به‌ودیعه بگذارند وهمانطوریکه قبلاً اشاره کردیم، مبلغ سپرده را بوسیله چک در معاملات روزمره به بستانکارخودمنتقل سازند. این نوع سپرده ازنظرایجاد پول تحریری درواقع سپردهٔ عادی‌است که بدون ابراز هیچگونه تصمیمی ازطرف بانک خود بخود برحسب ارادهٔ افراد بوجود آمده است[2]. حال براساس این‌سپرده که نقدینه‌ای برای بانک بوجود آورده است، بانک میتواند برای بازرگانان و صاحبان صنایع اعتبار باز نماید وبازرگانان وصاحبان صنایع نیزمیتوانند درمعاملات خود ازمبلغ اعتباراستفاده کرده چک بعهدهٔ بانکی که اعتبارگرفته‌اند صادر کنند. حال اگر دارندگان چک درموقع رجوع به بانک وجه چک‌را بعنوان سپرده مجدداً دربانک بودیعه‌بگذارند، یعنی مبلغ چک را بحساب خود منتقل نمایند ملاحظه میشود که در مقابل سپردهٔ عادی مجدداً سپرده‌ای‌بوجود میآید که به‌سپردهٔ مجدد[3] یاسپردهٔ اعتباری‌موسوم‌است، دراینصورت‌ملاحظه‌میشود که‌سپرده اعتبار را بوجود می‌آورد واعتبارسپرده را. یعنی وقتی‌سپرده‌ایجاداعتبارمی کند، اعتبارهم‌بنوبهٔ‌خودایجادسپرده‌می کند که‌براساس آن مجدداً اعتبار بوجود می‌آید.

١- Withers-Hartley, Qu' est-ce que la monnaie, 5e ed. Paris, 1932.

٢- Dépôts spontannés

٣- Dépôts Reflexes

قسمت دوم

بانك

بانک را چنانکه پروفسور هامل دانشمند فرانسوی معتقد است، بهتر است پس ازبیان وظایفی که دراقتصاد امروز بعهده دارد تعریف کرد. هامل عملیات بانک را بترتیب زیربسه دسته تقسیم کرده‌است: تجارت پول، عملیات اعتباری وعملیات مالی[1].

تجارت پول به‌صرف پول تعبیر میشود، بدینمعنی که بانک پولی را برحسب نرخ متداول به پول دیگر تبدیل میکند. ازاین نظر بانک باخرید وفروش انواع پول بصورت ارز، پول‌های خارجی‌را به‌پول داخلی تبدیل مینماید.

اعتبار، مبادلهٔ ثروت موجود درحال به‌وعدهٔ ثروت درآینده است. از نظرمسائل پولی اعتبار به‌تأدیهٔ قدرت‌خرید درحال، درمقابل‌استرداد آن درآینده تعبیر میشود.

اعتبار را میتوان ازنظر مدت‌آن به‌اعتبار کوتاه مدت واعتبار طویل مدت‌تقسیم کرد. درعملیات‌اعتباری کوتاه، بانک ازیکطرف سپرده افرادرا دریافت وازطرف‌دیگر براساس آن به بازرگانان و صاحبان صنایع اعتباراتی که مدت آن از چند ماه تجاوز نمی‌نماید اعطا می‌کند. درعملیات اعتباری‌بلند، بانک با دریافت پس‌انداز افراد از طریق انتشار اوراق سهام وقرضه و یا بادریافت سپرده‌های ثابت، به سرمایه گذاران اعتباراتی اعطا می‌کند که مدت آن ازچندین سال تجاوز مینماید.

عملیات مالی‌بانک به‌عملیات مالی کوتاه‌مدت وعملیات مالی بلند مدت‌تقسیم میشود. درعملیات مالی کوتاه مدت بانک‌درخرید وفروش اوراق بهادار نقش‌واسطه را بعهده دارد. یعنی بانک دراین عملیات اوراق سهام وقرضهٔ شرکتهارا به‌صاحبان پس‌انداز برای فروش عرضه مینماید. درعملیات مالی بلند مدت بانک سرمایه خود را برای خرید اوراق سهام شرکتها بکار می‌اندازد، بدینمعنی که بانک با خرید

1- Jean Marchal, Cours d'Economie Politique, Paris, 1950.

قسمتی ازسهام شرکتها، درآن شرکتهاسهام گذاری مینماید. بااین توصیف ملاحظه میشود که بانک به مؤسسه ای اطلاق میگردد که عملیات پولی واعتباری ومالی فوق راانجام دهد.

قانون بانکی وپولی ایران مصوب ۷ خرداد ۱۳۳۹ درماده ۸۰ بانک رامؤسسه‌ای میداند که بصورت شرکت سهامی مطابق قانون تجارت بعملیات بانکی بپردازد. عملیات بانکی دراین قانون بشرح زیر توصیف‌شده است: قبول سپرده - افتتاح حساب جاری - اعطای اعتبار - معاملات بروات و سفته - عملیات مربوط به سهام و اسناد وبرگهای بهادار دیگر - نقل و انتقال وجوه در داخله - معاملات ارزی - معاملات فلزات گرانبها - اجارهٔ‌صندوق‌امانت - تضمین وصدور ضمانت‌نامه ها - کمک بمؤسسات کشاورزی، رهنی، صنعتی، بازرگانی، ساختمانی، حمل‌ونقل ومشارکت درامور فوق وهرنوع معاملات مجاز دیگر که مغایرت بامعاملات بانکی نداشته باشد.

برای اجرای این عملیات بانکها درکشورهای مختلف روشهای بخصوصی بکارمیبرند، بطوریکه درکشورهای امریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان با اجرای این عملیات سیستم‌های مختلف بانکی بوجودآمده است. دراین قسمت ابتدا عملیات بانکی وسپس سازمان بانکی بررسی میشود.

فصل اول

عملیات بانکی

عملیات بانکی را میتوان زیر سه عنوان: عملیات کوتاه مدت‌بانکی، عملیات بلند مدت بانکی وانتشار اوراق بهادار مورد مطالعه قرار داد.

بخش اول - عملیات کوتاه مدت بانکی

عملیات کوتاه مدت بانکی عبارتند از عملیات سپرده، تنزیل واعطای اعتبار وتضمین که بترتیب بشرح زیر ذکر می‌گردد.

۱- سپرده و حساب جاری - سپرده به وجوهی اطلاق می گردد که از طرف افراد دربانک ودیعه گذارده می‌شود که درمواقع احتیاج دارندهٔ آن بتواند از محل آن استفاده وبرداشت کند. سپرده دوقسم است: سپردهٔ دیداری وسپردهٔ ثابت. سپردهٔ دیداری سپرده‌ای است که بانک درمقابل دارندهٔ آن متعهد است که بمحض رؤیت چک‌صادره ازطرف او وجه سپرده‌را بمیزانی که‌درچک قید شده تأدیه نماید. سپرده ثابت بعکس سپرده دیداری مدت‌دار است، یعنی‌صاحب سپرده فقط در انقضای مدت سپرده‌میتواند ازوجه‌آن‌استفاده کند. بعلاوه‌سپرده ممکن‌است بصورت سپردهٔ بااطلاع قبلی باشد، یعنی صاحب سپرده برای استفاده ازسپردهٔ خود باید قبلاً بانک را مطلع سازد. تاریخ اطلاع تاروز استفاده حداقل ۱۰ روزاست، یعنی۱۰ روز قبل ازاستفادهٔ ازسپرده باید بانک را مطلع ساخت.

برای سپرده‌های دیداری، بانک، دفترچه چکی دراختیار صاحب سپرده میگذارد که درمواقع احتیاج باکشیدن چک بعهدهٔ بانک از میزان سپردهٔ خود استفاده کند. روش استفاده از سپردهٔ دیداری از طریق بازکردن حساب جاری صورت میگیرد. بدینمعنی که بانک حسابی برای‌دارندهٔ سپرده باز می کند ومیزان سپرده به‌بستانکار حساب اوثبت میشود ودرمقابل برداشتهای دارندهٔ حساب از محل سپرده به‌بدهکار حساب او منظور میگردد.

افزایش سپرده در بانکها از نظر اعطای اعتبار به‌بازرگانان و صاحبان صنایع اهمیت فوق‌العاده‌ای‌دارد. درواقع وقتی میزان‌سپرده دربانکها افزایش یابد بانکها بسهولت‌میتوانندبرای‌بازرگانان وصاحبان‌صنایع اعتبارباز کنند. زیرا نسبت‌موجودی بانک‌به‌بدهی‌جاری‌باید‌همیشه‌بمیزانی‌باشد که‌بانک‌بتواند چک‌های ارائه‌شده رانقداً تأدیه نماید. ازاین‌نظرافزایش سپرده بخصوص‌سپرده‌ازطرف‌افرادی که کمتربه‌نقدینهٔ خود احتیاج دارند عامل‌توسعه فعالیت اعتباری بانک تلقی میشود وچنانکه ملاحظه میگردد بانکها دراین خصوص‌پیوسته سعی دارند به‌طرق مختلف سپردهٔ افراد بطرف گیشه‌های بانک جلب شود.

برای جلب سپرده بهترین روش توسعهٔ شعب بانک در نقاط مختلف است. بطوریکه دارندگان سپرده بسهولت بتوانند در مواقع احتیاج از نقدینهٔ خود استفاده نمایند. درکشورهای مترقی بانکها باتعدد شعب وتأسیس گیشه های متعدد درمحل کار افراد همیشه دراسرع وقت نقدینهٔ صاحبان سپرده را دراختیار آنها میگذارند. لذا دراین کشورها افراد هیچوقت نقدینه را نزد خود نگاه نمیدارند. زیرا باافتتاح حساب‌جاری اولاً از خطرات نگاهداری نقدینه در نزد خود مثل خطرات ناشی از سرقت، گم شدن، وحریق برحذراند وثانیاً بااستفادهٔ ازچک دراسرع وقت میتوانند از سپردهٔ خود استفاده نمایند.

یکی ازطرق معمول برای جلب سپرده روش اعطای جوائز به صاحبان سپرده است. البته این سیاست درمواقعی تعقیب میشود که رقابت بین بانکها ازنظر جلب سپرده زیاد باشد. بعلاوه افراد عادت به سپردن نقدینه به بانک و بازکردن حساب جاری نداشته باشند. لذادراینطور موارد بانکها مجبور میشوند باایجاد انگیزه برای دریافت جایزه افراد را تشویق به‌بازکردن حساب جاری درگیشه های‌خود نمایند. درایران نیز چندی است این روش‌معمول‌شده است وبانکهائی که به‌سیاست اعطای جوائز به دارندگان سپرده متوسل شده‌اند تاحدودی توانسته‌اند سپردهٔ افراد را به گیشه های خود گسیل دارند.

۲- تنزیل - تنزیل[۱] به‌خرید طلب مدت‌دار به نقد تعبیر میشود. در واقع در تنزیل بانک اقدام به‌خریدنقدی طلب‌مدت‌دار افرادمینماید. البته قیمت طلب درروز تنزیل کمتر ازمبلغ مندرج درسند طلب‌است واختلاف همان بهره‌ای است که به‌طلب تاموعد وصول آن تعلق میگیرد وبه نزول موسوم است. البته برای تنزیل دربانک درکشورهای‌مترقی اولاً طلب‌باید ناشی از دادوستد بازرگانی باشد، یعنی‌درنتیجه خرید وفروش،طرفین‌معامله به‌یکدیگر بدهکار شوند. وثانیاًمدت طلب نباید از ۹۰ روز تجاوزکند. زیرا ما میدانیم که براساس‌سپرده‌های دیداری افراد است که‌بانک

۱- Escompte

اعتبارات کوتاه مدت‌میدهد ومدت تنزیل بصورت اعطای اعتبار به‌دارندهٔ طلب نباید از ۹۰ روزکه در واقع حداعتبارات کوتاه مدت را تعیین میسازد تجاوز کند.

در واقع درداوستد بازرگانی، بشکل خرید کالا ازعمده فروشی به‌خرده‌فروشی، از اوراق طلب بصورت‌سفته وبرات‌استفاده‌میشود. زیرا خرده فروشها اغلب نمیتوانند بهای کالا را نقداً بپردازند وبیشتر بجای‌وجه، به‌عمده‌فروش‌اوراق طلب بصورت‌سفته و برات واگذار میکنند تا پس از فروش کالا درمرحلهٔ خرده فروشی وجوه لازم را جمع‌آوری وبه‌حساب عمده فروش کارسازی نمایند. حال اگر عمده فروش بخواهد بعلت احتیاج طلب مدت‌دار خود را نقد کند میتواند برگ طلب را به‌بانکی ارجاع ووجه طلب را پس از کسر نزول نقداً دریافت دارد.

البته، همانطوریکه اشاره کردیم، طلب‌عمدهٔ فروش یابدهی خرده فروش باید از دادوستد کالا ناشی شده باشد و علت آنهم واضح است. زیرا اگر منشأ طلب معامله‌ای صوری باشد، یعنی اگر شخصی بعلت احتیاج به‌وجه نقد با شخصی دیگر تبانی نماید وسفته یا براتی‌صادر کنند وبخواهند دربانک نزول واز وجه آن استفاده کنند، هرچندطرفین ازنظراسترداد دین موردِاطمینان باشند وبانک‌نیزدرسررسید به‌وجه طلب برسد، ولی دراین مورد چون‌نقل وانتقال‌پول دربرابر کالانیست، لذا اعتباری ایجاد میشود بدون اینکه کالائی دست بدست گردد. و این عمل اگر درکشوری معمول گردد وبدفعات تکرارشود خود ایجاد تورم‌پول‌میکند. زیرا ازیکطرف کالائی درگردش نبوده ولی ازطرف دیگر اعتباری ایجاد شده است، دراینصورت درمقابل حجم کالا وخدمت ثابت اعتباری درواقع اضافی ایجاد شده است که چنانکه گفتیم موجد تورم‌است. ازاین نظربانکها ازتنزیل اینگونه اوراق اغلب خودداری‌میکنند. زیرا درمواقع احتیاج به وجه نقدتنزیل مجدد[1] اینگونه اوراق دربانک مرکزی‌غیر ممکن است. در واقع بانک مرکزی که نظارت کامل برجریان وگردش پول دارد همیشه مراقب است که‌اینگونه اوراق‌ازجریان وگردش اعتبارات کوتاه مدت خارج

۱- Réescompte

شود و چون بانکها اوراق تجاری را درمواقع احتیاج به وجه نقد در بانک مرکزی تنزیل مجدد مینمایند ازاین نظراعمال نظارت دراین خصوص ازطرف بانک مرکزی برسایربانکها، ازطریق خودداری ازتنزیل مجدد اوراق ساختگی اجرا میگردد.

۳ـ اعتبار درحساب جاری ـ اعتبار درحساب جاری اعتباری است که بانک برای بازرگانان وصاحبان صنایع تامیزان معینی که به حد اعتبار جاری موسوم است ازطریق بازکردن حساب جاری ایجاد مینماید. در واقع گاهی بانک به بازرگانان و صاحبان صنایع اجازه میدهد که با بازکردن حساب جاری تا حدود معینی اعتبار بگیرند. استفاده از اعتبار فوق تاحدی است که از طرف بانک تعیین می‌شود. ولی بازرگانان وصاحبان‌صنایع بااسترداد وجوه اعتبار بهراندازه که‌باشد میتوانند مجدداً ازاعتبارسانده‌استفاده‌نمایند، زیرابمیزان‌استردادوجوه‌دریافتی‌بهمان‌میزان‌اعتباراستفاده شده احیا میگردد. درحقیقت فرض کنیم بانک برای‌بازرگانی ۵۰۰ هزارتومان‌اعتبار درحساب جاری او بازکند. بازرگان میتواند بمیزان ۵۰۰ هزار تومان از حساب فوق استفاده کرده، چک بعهده بانک صادر نماید، ولی اعتبار بازرگان بمیزان برگشت وجه اعتبار به بانک احیا میکردد. یعنی اگر بازرگان ۵۰۰ هزار تومان اعتبار را استفاده کند، ولی مثلاً ۲۰۰ هزار تومان در بانک به‌حساب خود بگذارد بهمان‌میزان اعتبار اواحیا میگردد. یعنی‌بازرگان مجدداًبمیزان ۲۰۰ هزار تومان میتواند چک بعهده بانک صادر نماید.

اعتبار به‌سه شکل اعتبارساده، اعتبار درمقابل‌اوراق بهادار واعتبار درمقابل مال‌التجاره اعطا می‌شود.

الف ـ اعتبار ساده ـ اعتبار ساده اعتباری است که بانک برای بازرگانان وصاحبان صنایع بدون‌اخذ تضمین‌مادی بصورت اوراق بهادار یا اسناد دائر بوجود مال‌التجاره باز می کند. در واقع اعتبار ساده فقط براساس شناسائی اعتبار شخصی اعتبارگیرنده اعطا میشود. البته به‌اعتبارساده بهره‌ای تعلق میگیرد. نرخ بهره فوق برحسب ریسک وخطرات ناشی از مشکلات وصول طلب بانک است.

ب ـ اعتبار در مقابل اوراق بهادار ـ اعتبار در مقابل اوراق بهادار اعتباری است که بانک درمقابل وثیقه به بازرگانان و صاحبان صنایع اعطا می کند. وثیقه دراین نوع اعتبار اوراق بهادار است. البته بانکها در اینمورد همیشه سعی دارند میزان اعتبار حتی‌المقدور کمتر از ارزش اوراق بهادار باشد، زیرا نوسانات ارزش اوراق بهادار دربورس ممکن است ارزش وثیقهٔ اعتبار را کاهش دهد وبانک درمواقع مشکلات ناشی ازوصول طلب بافقدان مقداری از وثیقهٔ دین مواجه شود.

ج ـ اعتبار در مقابل مال‌التجاره ـ اعتبار در مقابل مال‌التجاره روی اسناد بارنامه و اوراق انبار به بازرگانان اعطا می‌شود. بارنامه سندی است که از طرف مؤسسات باربری تنظیم میشود ونقل وانتقال کالا و مال‌التجاره را از محلی به محل دیگر مشخص میسازد. اوراق انبار اوراقی است که بموجب آن موجودی کالا ومال‌التجاره درانبارها که بصورت انبارهای خصوصی ویا بصورت انبارهای عمومی است تصدیق میگردد.

٤ ـ اعتبار پذیرشی ـ اعتبار پذیرشی اعتباری است بین‌المللی که فقط از نظر تضمین، بمنظور ایجاد اعتماد بانک اعطا کنندهٔ اعتبار، درکشوری بوجود می‌آید. برای فهم موضوع به مثال ساده‌ای متوسل میشویم. فرض کنیم درکشور A تاجر صادرکننده‌ای جنسی بمقصد کشور B صادر کند وجنس به واسطه یا بازرگان مقیم کشور B تحویل شود. حال اگر تاجر صادرکننده احتیاج به وجه نقد داشته باشد وبخواهد معادل بهای جنس صادراتی خود براتی بعهدهٔ تاجر تحویل گیرنده صادر نماید مسلماً برات فوق را کمتر بانکی درکشور A تنزیل خواهد کرد، زیرا کالا دراختیار تاجر وارد کننده درکشور B است وبانکهای کشور A نمیتوانند بآسانی از اعتبارتاجر وارد کننده در کشور B اطلاع حاصل نمایند. حال برای رفع مشکل و کسب اعتماد بانکهای کشور A، میتوان درکشور B برات رابتصدیق یکی ازبانکهای محلی رساند، بطوریکه بانک محلی درکشور B اعتبار پرداخت تاجر وارد کننده را تصدیق کند. دراینصورت براساس تضمین بانک کشور B، میتوان برات را دریکی ازبانکهای

کشور A نزول کرد. ملاحظه میشود که بانک کشور A است که پرداختی درمقابل برات کرده است ، درصورتیکه اعتبار بانک تضمین کنندهٔ کشور B فقط اعتبارپذیرشی است واگر برات غیر قابل وصول گردد فقط در آنصورت بانک کشور B مجبور است وجه برات‌را تأدیه نماید. البته اعتبار پذیرشی بانک کشور B در مقابل کارمزدی است که دریافت میدارد و کارمزد به‌تناسب ریسک وخطرات ناشی از سوخت شدن برات تعیین میگردد.

۵ - اعتبارات بورسی - اعتبارات بورسی اعتباراتی است کوتاه مدت و ازطرف بانکهای عادی برای خرید وفروش اوراق بهادار در بورس اعطا می گردد. از این اعتبارات درمواقع نوسانات بورسی استفاده میشود، بدینمعنی که وقتی درنتیجهٔ تغییرات عرضه وتقاضا نرخ اوراق بهادار دربورس دچار نوسان‌شود وعده‌ای پیش‌بینی نمایند که نرخ اوراق‌بهادار ترقی‌می‌یابد بادریافت اعتبار از بانکهای عادی بخرید اوراق بهادار مبادرت میورزند تا ازپیش‌بینی‌خود درترقی بهای اوراق‌فوق استفاده‌نمایند. اعتبارات بورسی درکشورهائی متداول‌است که عملیات خرید وفروش اوراق‌بهادار دربورس صورت گیرد.

بخش دوم - عملیات بلند مدت بانکی

بانک درعملیات بلندمدت علاوه براعطای‌اعتبارات سرمایه گذاری، به‌عملیات مالی بمنظور ایجاد مؤسسات تولیدی وشرکت درسهام گذاری بنگاههای اقتصادی مبادرت مینماید.

۱ - اعتبارات سرمایه‌گذاری - اعتبار چنانکه قبلاً اشاره شد مبادلهٔ ثروت موجود به وعدهٔ ثروت درآینده است . از نظر اعتبارات بانکی،اعتبار به تادیهٔ قدرت خرید درحال درمقابل استرداد آن‌درآینده تعبیرمیشود. دراعتبارات کوتاه مدت‌وعدهٔ استرداد اعتبار ازچند ماه یعنی از ۹۰ روز تجاوزنمی کند. زیرا چنانکه دیدیم منشأ اعتبارسپرده‌های دیداری‌است وبراساس سپرده‌های دیداری که بصورت پول درگردش

هرآن ممکن است مورد استفادهٔ دارندگان آن‌قرار گیرد، بانک نمیتواند بیش از ۹۰ روز اعتبار اعطا کند. این نوع اعتبارات فقط از نظر پرداختها و احتیاجات مبادله‌ای کوتاه مدت بازرگانان و صاحبان صنایع بصورت خرید و فروش کالا و مواد یا پرداخت حقوق و دستمزد اعطا میشود. بانکهائی که مبادرت به اعطای این نوع اعتبارات می کنند معمولاً بانکهای عادی وبازرگانی‌اند.

در مقابل اعتبارات کوتاه مدت اعتبارات طویل مدت بمنظور سرمایه گذاری وافزایش ظرفیت تولید واحدهای اقتصادی اعطا می گردد. منشأ اینگونه اعتبارات پس‌انداز است ، یعنی قدرت خریدی است که از مسیر مخارج مصرف خارج شده برای سرمایه گذاری اختصاص یافته است، لذا بانکهائی مبادرت باینگونه اعتبارات مینمایند که بتوانند سرمایه خود یا پس‌انداز ثابت مشتریان بانک را در راه اعطای اعتبارات سرمایه گذاری بکاراندازند. البته باین مسأله باید توجه داشت که مدت سرمایه گذاری متفاوت است. امروزه سرمایه گذاریها به‌سرمایه گذاریهای میان مدت و بلند مدت تقسیم میشود. لذا اعتبارات مدت‌دار که بمنظور تأمین مالی این نوع سرمایه گذاریها بکار میرود به اعتبارات میان مدت وطویل مدت تقسیم میگردد.

الف ـ اعتبارات میان مدت ـ اعتبار میان مدت حد فاصل بین اعتبار کوتاه مدت واعتبار طویل مدت است. یعنی اعتبار میان مدت از اعتبار کوتاه مدت‌طویلتر واز اعتبار طویل‌مدت کوتاه‌تر است. این نوع اعتبار که بامدت چند سال وتاحداکثر ۵ سال درتأمین مالی سرمایه گذاریها شرکت‌داده میشود درترکیب صنعتی پس از جنگ بین‌الملل دوم در کشورها متداول‌شده است. درواقع ترکیب صنعتی رشته‌های مختلف تولیدی پس از جنگ بین‌الملل دوم بصورتی درآمده است که مقداری از سرمایه‌های فنی پیوسته درمعرض تغییر شکل است. زیرا درمقابل وسایل‌فنی‌سنگین که تغییر شکل آنها بطیٔ است وسایل فنی سبک مطابق تغییر مد و پیشرفت فنی پیوسته تغییر شکل داده باپیدایش وسایل‌جدیدتر، ارزش خود را ازدست میدهد. لذا درمقابل‌وسایل تولیدسنگین که بااعتبارات طویل‌مدت تأمین‌مالی میشود وسایل

تولید سبک که بیشتر با تغییر شکل وسایل فنی جدید در معرض تغییر ارزش است بااعتبارات میان مدت تأمین مالی میگردد. البته دربرابر این وضع که ناشی ازماهیت فنی وسایل تولید درصنایع جدیداست بایددانست که صاحبان صنایع استهلاک اعتبارات طویل مدت را از محل تولید، واستهلاک اعتبارات میان مدت را از طریق سهمی که درهزینهٔ تولید منظور میدارند تأمین میسازند.

ب ـ اعتبارات بلندمدت ـ اعتبارات بلند مدت که مدت آنها معمولاً بیش از ۵ سال ودرچهارچوب تأمین مالی سرمایه گذاریهای خصوصی، گاهی تا ۱۲ سال بطول می‌انجامد، برای ایجاد وسایل تولید و سرمایه گذاریهائی که در طویل مدت ایجاد کالا وخدمت مینماید اعطا می‌شود. درواقع اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که این نوع اعتبارات بمنظور ایجاد دارائی ثابت است. دارائی ثابت گاه ازنظرتولید کالا و خدمت است. دارائیهای فوق به زمین و ساختمان جهت احداث کارخانه وماشین آلات جهت بهره برداری ازتولید اطلاق میشود. استهلاک وسایل تولید از نظرمالی بستگی به نوع استفاده از وسایل در تولید و طرق مختلف بهره‌برداری از ماشین آلات در رشته های مختلف صنعتی دارد. معهذا باین مسأله باید توجه داشت که دوام وعمر این وسایل طولانی است، بطوریکه استهلاک درمدت طولانی صورت میگیرد. لذا اعتباراتی که برای خرید وسایل فوق اعطا میشود از ۵ تا ۱۲ سال وگاهی نیزبیشتر تعیین میگردد. البته درچهارچوب اعتبارات طویل مدت باید اعتبارات کشاورزی را بحساب آورد. اعتبارات رهنی اعتباراتی است که برای خرید وساختمان خانه اعطا می‌شود. اعتبارات بلند مدت کشاورزی اعتباراتی است که برای حفرقنوات وچاههای عمیق وساختمان ابنیهٔ روستائی وخرید وسایل فنی وماشینهای کشاورزی و احداث باغهای میوه و جنگل اعطا می‌شود. مدت اعتبارات کشاورزی بنابرنوع سرمایه گذاریهای کشاورزی تغییرمی کند. مثلاً اعتباراتی که در کشورهای خارجی برای احداث جنگل مصنوعی اعطا می‌شود حتی به ۲۰ سال میرسد. حال باید ببینیم اعتبارات طویل مدت ومیان مدت از چه منابعی تأمین میشود.

ج ـ منابع مالی اعتبارات سرمایه‌گذاری ـ اعتبارات سرمایه گذاری را زیر عنوان اعتبارات میان مدت واعتبارات بلند مدت بررسی کردیم، حال باید ببینیم این نوع اعتبارات ازچه منابعی سرچشمه میگیرد.

منابع اصلی اعتبارات اصولاً پس‌انداز است، ولی ما میدانیم که پس‌انداز به پس‌انداز ذخیره وپس‌اندازِ مولد تقسیم‌میشود. پس‌انداز ذخیره پس‌اندازی‌است که از مسیر مخارج روزمرهٔ افراد خارج میشود. ولی ممکن است از پس‌انداز فوق مجدداً برای مخارج مصرف استفاده شود، همانطوریکه ممکن است از پس‌انداز ذخیره برای عملیات‌سرمایه گذاری استفاده گردد. ازنظر حسابهای بانکی سپرده‌های دیداری پس‌انداز ذخیره است، زیرا ممکن است هرآن‌دارندهٔ سپرده ازمحل آن‌برای مخارج مصرف یا سرمایه گذاری استفاده کند. ولی‌پس‌انداز مولد پس‌اندازی است که بطور قطع ازمسیر مخارج مصرف خارج میشود وبرای عملیات مالی طویل مدت اختصاص‌می‌یابد. این نوع پس‌انداز گاه بصورت‌سپرده‌های‌ثابت، بامدتهای کم‌وبیش طولانی، دراختیار بانکها قرارمیگیرد وگاه ازطریق معاوضه با اوراق سهام و قرضه درچهارچوب عملیات بورسی به سرمایه گذاری اختصاص می‌یابد.

اعتبارات کوتاه مدت چنانکه ملاحظه شد از محل سپرده‌های دیداری اعطا می‌شود. البته دراعطای این‌نوع اعتبارات بانکها ملزم‌اند نسبتی را که قوانین‌پولی کشور ازنظر نگاهداری نقدینه‌بصورت‌موجودی‌صندوق وحجم اعتبارات کوتاه مدت تعیین کرده است رعایت نمایند.

اعتبارات سرمایه گذاری ازمحل پس‌انداز مولد چه ازطریق سپرده‌های ثابت وچه ازمحل انتشار اوراق سهام و قرضه تأمین میشود. در واقع بانکهای اعتبارات صنعتی و کشاورزی ورهنی اعتبارات بلند مدت‌را ازمحل سرمایهٔ بانک و سپرده‌های ثابت تأمین مینمایند. دراینصورت ملاحظه میشود که اعتبارات کوتاه مدت ازمحل پس‌اندازذخیره، واعتبارات‌طویل‌مدت‌از محل پس‌انداز مولد، تأمین میگردد. البته باین مسأله باید توجه داشت که پس از جنگ بین‌الملل دوم اعتبارات میان مدت

درکشورهای خارج وضع بخصوصی بخود گرفته‌است. بدینمعنی که تأمین مالی این نوع اعتبارات امروزه دیگر از محل پس‌انداز مولد نیست ، بلکه در واقع از محل پس‌انداز ذخیره است که اعتبارات میان‌مدت بوجود میآید. درحقیقت پس ازجنگ بین‌الملل دوم درنتیجه عدم تناسبی که بین تشکیل پس‌انداز ذخیره وپس‌اندازمولد بوجود آمد کشورهای اروپای غربی بخصوص فرانسه برآن شدند که از پس‌انداز ذخیره درتأمین مالی سرمایه گذاریهائی که مستقیماً کالاها و خدمات مصرفی ایجاد مینماید ومدت آنها از ۵ سال تجاوز نمیکند استفاده کنند.

روش استفاده از پس‌انداز ذخیره در تأمین مالی سرمایه گذاری بدین‌ترتیب است که به بانکهای عادی که در واقع تخصص آنها اعطای اعتبارات کوتاه مدت است اجازه داده میشود که به‌صاحبان صنایع اعتبارات میان مدت اعطا کنند. البته این اعتبارات ازطریق اعطای اعتبارات کوتاه مدت ولی‌قابل تجدید صورت‌میگیرد. یعنی برای رشته‌ای ازصنایع یک یاچندبانک بطور متحد اعتبار باز می کنند واعتبار گیرنده برای مخارج سرمایه گذاری بعهدهٔ بانک یا بانکهای اعتبار دهنده حواله یا سفته های سه‌ماهه صادر می کند. واین‌حواله ها یا سفته ها که دربانک یا بانکهای اعتبار دهنده قابل پرداخت است در انقضای سه‌ماه تجدید میشود و بدین‌ترتیب از تکرار تجدید حواله ها یاسفته های‌سه‌ماهه درطول‌دوتاحداکثر ۵سال‌سرمایه گذاری، اعتبارات میان مدت از محل اعتبارات کوتاه مدت تأمین میگردد.

البته باین مسأله باید توجه داشت که قانون پولی کشور فرانسه - که در واقع مهد اعطای اعتبارات میان مدت است - به‌بانکهائی که دراعطای اعتبارات میان مدت شرکت مینمایند اجازه میدهد که در مواقعی که با کمبود نقدینه از نظر نسبت اعتبارات اعطائی وموجودی صندوق مواجه شوند به بانکی که ارشاد کنندهٔ این نوع اعتبارات‌است وبه‌بانک اعتبار ملی (Crédit National) موسوم‌است مراجعه وسفته های خودرا تنزیل نمایند.

البته بانک اعتبار ملی نیز درصورت کمبود نقدینه میتواند سفته های فوق را

دربانک مرکزی (بانک فرانسه)[۱] تنزیل مجدد نماید. بدین ترتیب ملاحظه میشود که بااین روش میتوان ازنقدینهٔ راکد بانکها بمنظور تأمین مالی سرمایه گذاریهائی که مدت آنها زیاد نباشد و ضمناً بطورمستقیم تولید کالاها وخدمات مصرفی نماید استفاده کرد.

۲ - عملیات سرمایه‌گذاری بانکی - سرمایه گذاری بانک از محل سرمایه و سپرده‌های ثابت و طویل مدت بانک صورت میگیرد. ولی ما میدانیم که سرمایه وسپرده‌های بانکهای عادی و بازرگانی کفایت عملیات سرمایه گذاریهای بانکی را نمی‌نماید. لذا اصل تخصص بانکی فقط بانکهائی را برای عملیات سرمایه گذاری مجاز دانسته است که بتوانند باداشتن توانائی مالی کافی سرمایه وسپرده‌های ثابت بانک را برای عملیات مالی طویل مدت تخصیص دهند. و این تخصیص در حدود عملیات بانکهای معاملات و بانکهای سرمایه گذاری است که بتفصیل در سازمان بانکی بررسی خواهدشد. عملیات‌سرمایه گذاری بانکی گاه بصورت تأسیس بنگاههای اقتصادی وگاه بصورت سهام گذاری است که اینک بشرح هریک میپردازیم.

الف- تأسیس بنگاههای اقتصادی - یکی از عملیات سرمایه گذاری بانکهای معاملات، تأسیس بنگاههای اقتصادی‌است. بانکهای فوق برای تأسیس چنین مؤسساتی ابتدا با تأسیس دفتر بررسیهای‌اقتصادی، وضع رشته‌ای ازصنایع را که برای آن بنگاه اقتصادی تشکیل میشود مطالعه‌مینمایند. سپس اگرنتیجهٔ مطالعات‌مطلوب باشد اقدام به تأسیس بنگاه اقتصادی میشود. در مرحله بررسی در دفتر اقتصادی ابتدا وضع بازار برای محصولات چنین‌صنایعی‌مطالعه‌میگردد وسپس‌ازنظر اقتصادی ترکیب عوامل‌اقتصادی بمنظوربهره‌برداری‌مطلوب مطالعه‌میشود. پس‌ازمطالعات فوق مؤسسه بصورت شرکت سهامی تشکیل میگردد، بدین‌ترتیب که قسمتی از سهام بوسیلهٔ‌بانک پرداخته‌میشودوشرکت‌رسماً‌به‌ثبت میرسد. سپس بانک درصورت لزوم بقیهٔ سهام را در معرض معاملات بورسی قرار میدهد تا از طریق فروش سهام

۱- Banque de France

سرمایه شرکت بطور کامل بدست آید. ملاحظه میشود که دراین اقدام بانک مقدم وبتکر تأسیس بنگاه اقتصادی است ، بطوریکه با این اقدام میتواند اولاً درمنافع بنگاه اقتصادی شرکت کند و ثانیاً بانک میتواند بنگاه اقتصادی را از نظر عملیات بانکی تابع خود سازد، بدینمعنی که باتخصیص عملیات بانکی بنگاه اقتصادی به بانک میتواند حدود فعالیت خودرا به عملیات اقتصادی ومالی صنایع مورد نظر توسعه دهد.

ب ـ سهام گذاری ـ درسهام گذاری بانک درخرید سهام بنگاههای اقتصادی که قبلاً تأسیس شده است شرکت مینماید. شرکت بانک دربنگاههای اقتصادی یاازطریق خریدسهام آنهادربورس است ویاازطریق افزایش سرمایهٔ بنگاههای اقتصادی و تخصیص سهامی که درنتیجهٔ افزایش سرمایه ایجاد شده است به بانک. درهردو مورد بانک باتصرف قسمتی ازسهام شرکت درمجمع عمومی سهامداران اغلب اکثریت را بدست میآورد. البته در ظاهر ممکن است استدلال شود که برای بدست آوردن اکثریت می بایست بانک ۵۰ درصد باضافه یک سهم را بدست آورد. ولی در باطن باین مسأله باید توجه داشت که بعلت تشتت آراء در مجامع عمومی شرکتها تجربه باثبات رسانیده است که بانکها حتی با ۳۰ درصد سهام میتوانند درشرکتهای سهامی اکثریت را بدست آورند. حال اگر درست دقت شود ملاحظه میشود که بانکها بااین اکثریت در ادارهٔ امور مؤسسات صنعتی همان نتایجی را بدست خواهند آورد که درتأسیس بنگاههای اقتصادی بدست میآورند.

بخش سوم ـ انتشار اوراق بهادار

انتشار اوراق بهادار ازجمله عملیات مالی است که درحدود فعالیت بانکهای معاملات صورت میگیرد. اوراق بهادار بصورت اوراق سهام وقرضهٔ واحدهای اقتصادی خصوصی یا بصورت اوراق سهام وقرضهٔ مؤسسات دولتی است. بانکهای معاملات بطور واحد یا بطور متحد اقدام به انتشار اوراق فوق مینمایند. اتحادیهٔ بانکهای

معاملات برای انتشار اوراق بهادار به سندیکای انتشار[1] مصطلح است. مسائل مربوط به انتشار اوراق بهادار را بشرح زیر مورد مطالعه قرارمیدهیم.

۱ ـ روابط سندیکاهای انتشار باصاحبان اوراق بهادار ـ فروش اوراق بهادار بصورت پذیره نویسی[2] است، یعنی خریداران با پذیره‌نویسی اوراق فوق تعهدقیمت آنرا مینمایند. برای فروش، همانطوریکه اشاره شد، یک یا چند بانک معاملات، تشکیل سندیکای انتشارداده مبادرت به انتشار اوراق بهادار مینمایند. البته انتشار بدوطریق مقاطعه و حق‌العمل صورت میگیرد. در روش مقاطعه بانکهای معاملات یک‌جا اوراق بهادار را از طریق پذیره نویسی خریداری مینمایند و سپس با قیمت گرانتری اوراق فوق را دراختیارعامهٔ مردم میگذارندتاصاحبان پس‌انداز ضمن پذیره نویسی اوراق مزبوررا خریداری کنند. در روش حق‌العمل، بانکهای معاملات تضمین میکنند که واسطه‌شوند تااوراق بهادار درظرف مدت معینی ازطرف صاحبان پس‌انداز پذیره‌نویسی شود و بدین ترتیب اوراق فوق بفروش برسد. البته در انقضای مدت معینی سندیکای انتشار در صورت عدم فروش اوراق مزبور، خود ازطریق پذیره‌نویسی اقدام به خرید مینماید.

چنانکه ملاحظه میشود بانکهای معاملات باپذیره‌نویسی وخرید اوراق بهادار ازطریق روش مقاطعه، یک‌جاسرمایهٔ لازم‌را دراختیار بنگاههای انتشار دهندهٔ اوراق بهادار قرار میدهند و بعداً مبادرت بفروش اوراق فوق‌مینمایند، در نتیجه سهم آنها اختلاف بین قیمت خرید اوراق وفروش آن به‌صاحبان پس‌انداز است. درصورتیکه ازطریق روش حق‌العمل، بانکهای معاملات فقط نقش واسطه را دارند، بدینمعنی که باتضمین و وساطت در فروش اوراق بهادار، صاحبان پس‌انداز را بخرید اوراق بهادار ترغیب مینمایند؛ درنتیجه سهم آنها دراین عملیات فقط بصورت حق‌العمل است که طبق قرارداد بآنها تعلق میگیرد.

۲ ـ طرق مختلف انتشار ـ طرق مختلف انتشاراوراق بهادار یاازطریق انتشار

۱– Syndicat d'Emission　　۲– Souscription

درمدت معین، ویا از طریق انتشار تدریجی، ویابا انتشار بورسی صورت میگیرد.

الف ـ انتشار درمدت معین ـ در روش انتشار درمدت معین، سندیکای انتشار، پذیره نویسی اوراق بهادار را از تاریخی معین اعلام ومدت پذیره نویسی را به مدتی معین محدود میسازد. از این نظر ملاحظه میشود که مدت پذیره نویسی ثابت درنظر گرفته میشود. البته این روش باتبلیغات توأم است ومعمولاً سندیکاهای انتشار باتبلیغات دامنه دار، صاحبان پس انداز را تشویق می کنند که از فرصت پذیره نویسی استفاده کنند وبخرید اوراق بهادار مبادرت ورزند.

ب ـ انتشار تدریجی ـ انتشار تدریجی بدون تبلیغات صورت میگیرد. بدینمعنی که بانکهائی که تشکیل سندیکای انتشار داده اند اوراق را درگیشه های خود به صاحبان پس انداز ارائه داده آنها را تشویق به خرید مینمایند. این روش انتشار درمدت طولانی صورت میگیرد ومعمولاً درمواقعی از این روش استفاده میشود که به سرمایهٔ شرکت جدیدالتاسیس احتیاج فوری نباشد.

ج ـ انتشار از طریق بورس ـ انتشار از طریق بورس در کشورهائی متداول است که دارای بورس اوراق بهادار باشند. در این روش سندیکای انتشار، اوراق بهادار را در معرض دادوستد بورس قرارمیدهد. البته دراین روش باید پیوسته مراقب نوسانات عرضه وتقاضا دربورس بود. زیرا افزایش نامتناسب عرضه، گاه ارزش اوراق بهادار را بشدت پائین میآورد. ازاین نظر سندیکای انتشار، درمواقع افزایش عرضه، شروع به خرید اوراق بهادار کرده بدین ترتیب باایجاد تقاضای مصنوعی قیمت اوراق را ثابت نگاه میدارد.

فصل دوم

سازمان بانکی

اصول بانکی در کشورهای مختلف یکسان نیست وسازمان بانکی درهر کشور بمقتضای وضع پولی ومالی آن کشوربوجودمی‌آید. ازاین نظر درکشورها سیستم های مختلف بانکی بوجودآمده است. سیستم بانکی به‌مجموعه‌ای ازاصول بانکی، اطلاق میشود که درچهارچوب این اصول عملیات بانکی تعقیب‌شود. عملیات بانکی، چنانکه درفصل قبل دیدیم، به‌عملیات کوتاه مدت بانکی وعملیات بلند مدت بانکی وعملیات مالی بصورت‌انتشار اوراق‌بهادار تقسیم میشد. حال باید ببینیم هریک ازاین‌عملیات درحدود تخصص چه‌دسته ازبانکها است و بانکها چه‌اصولی‌را برای اجرای عملیات بانکی رعایت میکنند.

بخش اول - اصول کلی درسازمان بانکی

اصول کلی دربیان‌سازمان بانکی به‌اصل‌تمرکز واصل تخصص واصول‌مربوط به‌نظارت بانکی‌معروف است.

۱- اصل تمرکز بانکی - اصل تمرکز بانکی مربوط به تعداد و وسعت ابعاد بانکها درکشوراست. درواقع دراین‌خصوص از دو اصل میتوان پیروی کرد. اصل اول اصل افزایش تعداد بانکها است‌که بموازات آن بانکها باابعاد کوچکی از نظر فعالیتهای بانکی بوجود میآیند. اصل فوق به‌اصل عدم تمرکز بانکی مشهوراست. طبق این اصل اجازه تأسیس بانک بهرمؤسسه‌ای که‌بتواند به‌عملیات بانکی بپردازد اعطامی‌شود. برطبق این‌اصل درابتدای قرن‌نوزدهم درکشورهای فرانسه،انگلستان، آلمان و امریکا بانکهای متعدد بوجود آمد، بطوریکه هرسرمایه‌دار حتی با سرمایه

محدود خود توانست بانکی تأسیس کند. لذا، چنانکه در تاریخ بانکی ملاحظه میشود، در ابتدای قرن نوزدهم در نقاط مختلف کشورهای فوق بانکهای کوچک ومتعدد تأسیس شده بود. ولی بعلت مشکلاتی که از تعدد بانکها با ابعاد کوچک پیش آمد اصل تمرکز بانکی جایگزین اصل عدم تمرکز بانکی گردید. در واقع سیستم تعدد بانک باابعاد کوچک وفعالیتهای محدود منطقه‌ای ازیکطرف درجمع آوری پس انداز افراد بااشکال مواجه است وازطرف دیگر اعطای اعتبار از طرف این نوع بانکها بطور صحیح انجام نمیشود. زیرا وقتی تعداد زیادی بانک کوچک در کشوری بوجود آید بانکها مجبورند برای جلب پس انداز وسپردهٔ افراد به رقابتهای نامشروع متوسل شوند. و با بالا بردن بهره سپرده و اعطای جوائز به صاحبان سپرده هزینهٔ جمع آوری سپرده ها را بالا ببرند. ازطرفی چون اعتبار براساس سپرده است، لذا اعطای اعتبار ازطرف این بانکها همیشه بابهره سنگین همراه خواهد بود که به ضرر توسعهٔ صنایع وبازرگانی کشور است. برای رفع این مشکل در کشورهای مترقی سعی شده است بطرق مختلف از تعدد بانکهای کوچک جلوگیری شود و بجای آنها تعدادی بانک بزرگ باوسعت عملیات پردامنه بوجود آید. البته این بانکها پس از تأسیس سعی کرده‌اند از طریق توسعه شعب در کلیه نواحی کشور فعالیتهای بانکی منطقه‌ای را درانحصار خود درآورند.

این انحصار گاه ازطریق اتحاد بانکهای کوچک بابانکهای بزرگ بوجود آمده است. چنانکه درآلمان و امریکا اشتراك منافع اتحادیه های بانکی را بوجود آورده است. مثلاً درآلمان اتحادیهٔ بانکها تحت عنوان اتحادیهٔ بانکهای D شامل بانکهائی است که بشرح زیر با حرف D شروع میشود:

Diskonto Gesellschaft, Deutshe Bank Darmstadter Bank, Dresdner Bank

یا مثلاً درآمریکا اتحادیه های بانکی سلسله بانکهائی را بصورت زنجیره های بانکی بوجود آورده است که بنامهای Vanderbilt - Rockfeller و Pierpont - Morgan مشهورند.

انحصار عملیات بانکی گاه از طریق توسعهٔ شعب بانکهای بزرگ و رقابت بابانکهای کوچک محلی وسرانجام حذف آنها ازصنحه‌عملیات بانکی‌صورت میگیرد. چنانکه درفرانسه شش بانک بزرگ‌سپرده قسمت اعظم عملیات کوتاه مدت بانکی‌را درانحصار خود درآوردند. بالاخره انحصار عملیات‌بانکی گاه ازطریق ترکیب وبهم پیوستگی بانکهای کوچک وبزرگ بوجود میآید. چنانکه در انگلستان با ترکیب بانکهای کوچک‌وبزرگ‌امروزه‌فعالیتهای بانکی درانحصاربانکهای‌بزرگ‌درآمده‌است.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که حتی درکشورهائی که ابتدا سیستم بانکی براساس اصل عدم تمرکز بوده امروزه اصل تمرکز بانکی بوجود آمده است وازاین نظرکشورهای مترقی امروزه سعی دارند با وحدت تصمیمات چه از نظر قبول سپرده وچه ازنظراعطای اعتبار، گردش‌سپرده‌هاواعتبارات‌درمسیرتوسعه وپیشرفت‌فعالیتهای صنعتی وبازرگانی قرارگیرد.

۲ - اصل تخصص بانکی - اصل‌تخصص بانکی براساس تنوع عملیات‌بانکی است. عملیات‌بانکی چنانکه مطالعه کردیم به‌عملیات کوتاه مدت وعملیات بلندمدت وعملیات مالی بصورت انتشار اوراق‌بهادار تقسیم میشود. حال باید ببینیم هردسته ازعملیات درتخصص چه دسته از بانکها است. درواقع این مسأله مطرح است که آیا بانک میتواند از محل سپرده‌های دیداری اعتبارات بلندمدت اعطا کند یاخیر؟ زیرا بهره اعتبارات بلند مدت بیش از بهره اعتبارات کوتاه مدت است، از این نظر اعطای اعتبارات بلند مدت ازمحل‌سپرده‌های دیداری بامنافع سرشاری همراه است. در این‌مورد امروزه‌سه نظریه حکمفرماست: این‌سه‌نظریه ازطرف بانکداران‌انگلیسی و بانکداران آلمانی وفرانسوی ابراز شده است که بشرح هریک میپردازیم.

الف - اصل تخصص‌بانکی ازنظر‌بانکداران انگلیسی - بنظربانکداران‌انگلیسی اعطای اعتبارات بلند مدت ازمحل سپرده‌های دیداری امری است خطرناک. زیرا سپرده‌های دیداری سپرده‌هائی است که هرآن ممکن است ازطرف صاحبان آن مورد استفاده قرارگیرد و استفاده ازسپرده‌های دیداری برای اعتبارات بلند مدت در واقع

مثل اینست که بانک اعتبارات کوتاه مدتی را که ازطرف صاحبان سپرده در اختیار
گرفته به اعتبارات بلند مدت مبدل سازد. البته در مواقع عادی همیشه پرداخت
سپرده به‌صاحبان آن بادریافت سپرده‌های‌جدید همراه‌است وازاین نظر بانک‌بامشکلی
روبرو نمیشود. ولی درجریان و گردش سپرده واعتبارات نباید مواقع غیرعادی را از
خاطردورداشت. زیرا وقتی‌دربازرگانی‌وصنایع کشور بحرانی‌احساس‌شود وبازرگانان
وصاحبان صنایع در تعهدات خود نسبت به بانکها با مشکلاتی روبرو گردند بانکها
نمیتوانند ازمحل دریافتهای‌جدید چک‌های‌صادره ازطرف صاحبان سپرده را پرداخت
نمایند واین‌امرخود بنوبه دربین صاحبان‌سپرده ایجاد عدم اعتماد می‌کند، بطوریکه
درتعقیب آن صاحبان‌سپرده برای دریافت سپرده‌های‌خود بی‌صبرانه به بانکها هجوم
خواهندآورد وبانکهادراینطورمواقع بعلت فقدان‌نقدینه مجبور خواهندشد پرداختهای
خودرا بکلی‌متوقف‌سازند. ازاین‌نظر بانکداران انگلیسی‌معتقدند که هردسته‌ازعملیات
بانکی باید به بانکهای بخصوصی واگذار شود. قبول سپرده‌های دیداری و اعطای
اعتبارات کوتاه‌مدت ازمحل آن‌درتخصص بانکهای عادی است که فقط وظیفه‌دارند
باقبول سپرده‌های دیداری به عملیات بانکی کوتاه مدت مبادرت ورزند. در مقابل
انتشار اوراق سه‌ماهه و قرضه بمنظور جمع‌آوری پس‌انداز افراد و قبول سپرده‌های
ثابت واعطای اعتبارات بلند مدت ازمحل‌پس‌انداز ثابت افراد بعهدهٔ بانکهائی‌است
که برای اعطای این نوع اعتبارات تخصص‌می‌یابند واقدام به‌عملیات بلند مدت‌از
محل منابع مالی کوتاه مدت امری است خطرناک. زیرا از یکطرف بانکها را مواجه
بامشکل فقدان نقدینه میکند که بالاخره مجبور میشوند پرداختهای خود را متوقف
سازند وازطرف‌دیگر دربین‌صاحبان سپرده ایجاد عدم اعتماد مینماید. که بالاخره آنها
را مجبور میسازد که سپرده‌های خود را ازگردش حسابهای جاری خارج سازند.
وبدین‌ترتیب ملاحظه میشود که بمرور بین صاحبان نقدینه وسازمانهائی که ازمحل
گردش نقدینه افراد اعتبار اعطا می‌کنند جدائی میافتد.

ب ـ اصل تخصص بانکی ازنظربانکداران آلمانی ـ بانکداران آلمانی کاملاً

بخلاف بانکداران انگلیسی فکر میکنند. بعقیده آنها استفاده از سپرده‌های دیداری بمنظور تأمین مالی عملیات بلند مدت بانکی اختلالی در گردش سپرده‌ها واعتبارات ایجاد نمی‌نماید. زیرا درمواقع عادی همیشه استرداد سپرده ازطرف صاحبان سپرده با ارائه سپرده‌های جدید همراه است وازاین‌نظر دریافتها وپرداختهای بانکی‌اغلب خودبخودمتناسب‌میشود. لذا بعقیدهٔ بانکداران‌آلمانی‌دلیلی‌نیست که‌اگردر کشوری در مواقع عادی مقدورات مالی بصورت پس‌انداز تکافوی تأمین مالی عملیات بلند مدت بانکی را ننماید بانکها نتوانند از محل‌سپرده‌های دیداری استفاده کنند. البته درمواقع غیرعادی، یعنی درمواقعی که بازرگانی وصنایع کشور مواجه بابحران‌شود وبازرگانان وصاحبان صنایع درتعهدات‌خود نسبت به‌بانکها بامشکلاتی روبرو گردند ودرتعقیب آن‌بانکها نتوانند ازمحل دریافتهای‌جدید چک‌های صادره ازطرف‌صاحبان سپرده‌را پرداخت نمایند، دراینطور مواقع‌مشکلات ناشی از توقف پرداختهای بانکی فقط مربوط بعملیات بانکی‌نیست، بلکه مشکل‌اساسی دراینست که در اینطور مواقع اقتصاد کشور بابحران‌روبرو است. لذا همانطوریکه‌دولت دراینطور مواقع بادخالت خود وظیفه دارد مشکلات ناشی از بحران را مرتفع سازد، همانطور نیز در مواقع بحران دولت باید درگردش سپرده‌ها واعتبارات از هدایت و ارشاد عملیات بانکی خودداری ننماید. بدینمعنی که درمواقع بحران دولت موظف است از طریق کمک بصورت قرضه به بانکها تامدتی پرداختهای آنهارا تأمین کند، یا باگذراندن‌قوانین مخصوص‌پرداختهای بانکی‌را به‌صاحبان سپرده تا مدتی بمیزان معین محدود سازد، بدینمعنی که طبق این قوانین صاحبان سپرده بتوانند تا مدت معینی از میزان سپردهٔ خود دربانک فقط تاحدود معینی که ازطرف قانونگزار معین میشود استفاده نمایند. این‌نوع دخالتها بنظربانکداران آلمانی‌اجازه میدهد که بانکها اولاً درمواقع عادی بتوانند کمبود پس‌اندازجامعه را درمراحل‌توسعهٔ سرمایه گذاری ازطریق‌سپرده‌های دیداری تأمین کنندوثانیاً درمواقع‌غیرعادی وبحرانی‌بانکها باتکای قوانین‌مخصوص وارشاد وهدایت دولت وضع غیرعادی را بوضع عادی مبدل سازند.

ج ـ اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران فرانسوی ـ نظریهٔ بانکداران فرانسوی درچهارچوب اصل تخصص بانکی تابع نظریهٔ بانکداران انگلیسی است. چنانکه درفرانسه نیز مانند انگلستان عملیات بانکی به‌عملیات کوتاه مدت وعملیات بلند مدت‌تقسیم شده است وبراساس این تقسیم‌بندی بانکهائی بوجود آمده است که برای هریک از این عملیات تخصص دارند. ولی درفرانسه پس ازجنگ بین‌الملل دوم بعلت کاهش پس‌انداز خصوصی واحتیاج به‌افزایش سرمایه گذاری در جامعه سیستم اعطای اعتبارات تاحدودی قابلیت انعطاف بخود گرفته است. بدینمعنی که درفرانسه دسته‌ای‌ازسرمایه گذاریهارا میتوان از محل سپرده‌های‌دیداری تأمین‌مالی کرد. اعتباراتی که برای تأمین‌مالی این نوع‌سرمایه گذاریها اعطامی‌شود، چنانکه قبلاً شرح دادیم، اعتبارات میان مدت است. یعنی اعتباراتی که مدت‌آنها درحدود دوسال تاحداکثر ۵ سال درنظر گرفته شده است. اعتبارات فوق ، چنانکه شرح آن قبلاً آمد، ازتجدید وتکرار اعتبارات کوتاه مدت درطول سرمایه گذاریهائی که‌ازپنج سال تجاوزنمیکند بوجود می‌آید. ملاحظه میشود که باسیستم اعطای اعتبارات‌میان مدت ازطریق تکرار وبهم‌پیوستگی مدت اعتبارات کوتاه مدت از نظر عملیات بانکی سیستمی بوجود آمده است که میتوان آنرا حدفاصل سیستم بانکی انگلستان و آلمان بحساب‌آورد. دراین سیستم هرچنداجازه اعطای اعتبارات‌میان‌مدت ازمحل‌سپرده‌های دیداری دراختیار بانکهای عادی است ، ولی نظارت و ارشاد و هدایت اعتبارات سرمایه گذاری بعهدهٔ بانکی است که طبق تخصص بانکی برای این نوع اعتبارات صلاحیت لازم‌را احراز کرده است. بانک‌فوق درفرانسه، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، بانک اعتبار ملی است. درچهارچوب فعالیت این بانک اعتبارات سرمایه گذاری را میتوان بدونوع تقسیم کرد. نوع اول اعتبارات مستقیم است. دراعتبارات مستقیم بانک اعتبارملی مستقیماً به‌صاحبان صنایع اعتبارات بلند مدت از ۵ تا ۱۲ سال برای توسعه یا احداث کارخانه اعطا می کند. اعتبارات فوق از محل پس‌انداز خصوصی تأمین میشود. جمع‌آوری پس‌انداز خصوصی با انتشار اوراق سهام در چهارچوب

سرمایه بانک اعتبار ملی یا ازطریق اوراق قرضه صورت میگیرد. نوع دوم اعتبارات سرمایه گذاری اعتبارات غیرمستقیم است. دراعتبارات غیرمستقیم بانک اعتبار ملی فقط اجازه اعطای اعتبارات میان مدت را ازطریق تکرار وتجدید اعتبارات کوتاه‌مدت به بانکهای عادی صادرمینماید. البته این اجازه پس ازمطالعه دقیق نوع سرمایه گذاری ومدت آن بعمل می‌آید. بدینمعنی که بانکهای عادی پس از دریافت تقاضای اعتبارات میان مدت پرونده‌ای تشکیل داده و به بانک اعتبار ملی ارسال میدارند. در بانک اعتبار ملی پروندهٔ سرمایه گذاری میان‌مدت پس ازمطالعه و کارشناسی دقیق تصویب وازطرف بانک فوق اجازه اعطای اعتبارات میان مدت به بانکهای دریافت کنندهٔ تقاضا صادر میشود. بانکهای عادی پس ازدریافت این اجازه بترتیبی که دربحث اعتبارات میان مدت قبلاً شرح دادیم عمل می کنند.

۳ ـ اصل نظارت بانکی ـ اصل نظارت بانکی اصلی است که بموجب آن عملیات بانکی از طرف مقامات یا سازمانهای صلاحیتدار نظارت میگردد. این اصل درقرن بیستم وبخصوص پس ازجنگ بین‌الملل اول و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در کشورها معمول‌شده‌است. زیرا درقرن‌نوزدهم واوایل قرن بیستم نظارت فقط بمنظور انتشاراسکناس صورت‌میگرفت وبانکهای عادی بصورت بانکهای خصوصی درکشورها اغلب از حیطه نظارت دولت خارج بودند وانحرافات بانکی اغلب از طریق قوانین تجارت ومدنی تعقیب میشد. در ربع دوم قرن بیستم بعلت توسعهٔ عملیات بانکی وبحرانهائی که عملیات فوق را تهدید میکرد دولتها برآن شدند که ازطریق نظارت بربانکها عملیات بانکی را هدایت وارشاد نمایند. اصل نظارت بانکی را ابتدا ازنظر علل نظارت وسپس ازنظرطرق مختلف نظارت مورد بررسی قرار میدهیم.

الف ـ علل نظارت برعملیات بانکی ـ نظارت برعملیات بانکی به علل زیر صورت میگیرد.

اول ـ حمایت از پس‌انداز خصوصی ـ انواع سپرده‌های افراد در بانکها پس‌اندازخصوصی بانکی‌را تشکیل میدهد. سپرده‌ها چنانکه دیدیم بصورت سپرده‌های

دیداری وسپرده های ثابت است. نظارت برعملیات بانکی ازنظرحمایت پس انداز خصوصی بمنظور حفظ سپردهٔ افراد است، ازاین نظر که سپرده های بانکی ازخطر حیف ومیل مصون بماند. درواقع بانکها اغلب با توسل به تبلیغات میتوانند نقدینه افراد را بصورت سپرده بطرف گیشه های خود گسیل دارند. ولی گاه ملاحظه شده است که بانکها این نقدینه ها را درعملیات مالی خطرناک شرکت داده‌اند ودرنتیجه باورشکستگی خود وسایل نابودی پس انداز صاحبان سپرده را نیزفراهم آورده‌اند. لذا قانونگزار باوضع مقررات نظارت برعملیات بانکی همیشه سعی دارد بمنظور حفظ و حمایت پس انداز خصوصی بانکها را ازعملیات غیر مجاز بانکی ممنوع سازد.

دوم ـ نظارت درانتشار پول تحریری ـ پول امروزه، چنانکه قبلاً مطالعه کردیم، بشکل پول اسکناس و پول تحریری بصورت وسایل پرداخت اعتباری درجریان است. انتشار اسکناس ازطریق نسبت قانونی طلا به اسکناس صورت میگیرد. درقرن نوزدهم نظارت دولت دربانکهای ناشر اسکناس که بصورت خصوصی اداره میشد ازنظرتعیین نسبت طلای پشتوانه به اسکناس درگردش بود. امروزه که بانکهای ناشراسکناس در اغلب کشورها ملی شده‌اند علاوه برتعیین نسبت قانونی اسکناس به‌طلانظارت دولت بمنظور تناسب قانونی وسایل پرداخت اعتباری بصورت چک بعمل می‌آید. بانک ناشر وسایل پرداخت اعتباری بصورت چک بانک سپرده ها است. در واقع، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، ازطریق انتقال سپردهٔ افراد دربانکهای سپرده پول تحریری بوجود می‌آید. ازاین نظر بموازات نظارت در انتشار اسکناس امروزه نظارت دولت بمنظور تعیین انتشار پول تحریری دربانکهای سپرده اعمال میگردد.

سوم ـ نظارت دراعتبارات ـ نظارت دراعتبارات بمنظور هماهنگ کردن سیاست اعتباری بانکها باسیاست اقتصادی کشورصورت میگیرد. زیرا اعتبار از عوامل تولید است واز این نظر همیشه نقش مؤثری در گردش تولیدداشته‌است. لذا نمیتوان بانکها را دراعطای اعتبار بحال خود گذاشت. در واقع اعتبارات درچهارچوب منافع بانکها اعطا می‌شود، ولی منافع بانکها همیشه با منافع اقتصادی جامعه هماهنگ نیست.

لذا اعتبارات باید چه ازنظر کمیت وچه ازنظر کیفیت مورد نظارت دولت که مسئولیت واقعی را درارشاد وهدایت اقتصاد جامعه بعهده دارد قرار گیرد. نظارت کمی بمنظور انطباق حجم اعتبارات بااحتیاجات جامعه است. زیرا افزایش و کاهش نا متناسب اعتبارات گردش تولید را بامخاطرات ناشی ازترقی و تنزل غیر منطقی قیمتها مواجه میسازد. نظارت کیفی بمنظورارشاد وهدایت اعتبارات در رشته هائی است که تولید دراین رشته ها بامنافع اقتصادی جامعه بیشتر مقرون باشد. لذا دولت بانظارت در اعتبارات رشته های مورد نظررا درچهارچوب سیاست توسعهٔ اقتصادی تقویت مینماید.

ب ـ طرق مختلف نظارت بربانکها ـ نظارت بربانکها بصورت نظارت مستقیم ونظارت غیرمستقیم اعمال میگردد؛ بشرح هریک میپردازیم.

اول ـ نظارت مستقیم ـ نظارت مستقیم ازطریق ملی کردن بانکهاصورت میگیرد. درواقع یکی ازطرق مؤثر نظارت بربانکها ملی کردن آنهاست. درملی کردن دولت با باز خرید اجباری سهام بانک اداره امور بانک را از حیطه اقتدار سرمایه داران خصوصی خارج میسازد.

در ربع دوم قرن بیستم در اغلب کشورها بانکهای ناشر اسکناس ملی شدند وباملی شدن این بانکها اسکناس درگردش با احتیاجات پولی جامعه از نظر سیاست توسعه و رشد هماهنگ گردید. و درفرانسه بموازات ملی شدن بانک ناشر اسکناس چهار بانک بزرگ سپرده نیز ملی شد. درنتیجه درفرانسه نه فقط اسکناس درگردش، بلکه پول اعتباری بصورت پول تحریری نیز تحت نظارت مستقیم دولت درآمد، بطوریکه در این کشور کلیه وسایل پرداخت متناسب با احتیاجات جامعه گردید. در حقیقت در فرانسه باملی شدن چهار بانک بزرگ قسمت اعظم نقدینه افراد بصورت سپرده در این بانکها متمرکز شد وبانکهای سپرده براساس افزایش سپرده های خصوصی اقدام به اعطای اعتبارات کردند. ولی اعطای اعتبارات مانند سابق برطبق منافع خصوصی بانک صورت نمیگیرد، بلکه اعطای اعتبارات براساس منافع کشور و تحت نظارت مستقیم شورای پول و اعتبار فرانسه انجام میشود. در واقع امروزه اعتبار

منبع اصلی تأمین مالی تولید و سرمایه گذاری است و بنظر اقتصاددانان فرانسوی نمیتوان این عامل را که در تولید وسرمایه گذاری نقش اساسی دارد بعهده سرمایه‌داران خصوصی واگذار کرد که درطریق منافع خود از آن بهره برداری نمایند. از این نظر فرانسویها پس از جنگ بین‌الملل دوم بانک را جزو صنایع مفتاح بحساب آوردند وباملی کردن آن توانستند اقتصاد فرانسه را باوجود گرفتاریهای این کشور که ناشی از خرابیهای جنگ بین‌الملل دوم وموقعیت سیاسی فرانسه پس از جنگ بود باوج اقتدار خودبرسانند. وچنانکه درسیستم اعتبارات مطالعه کردیم فرانسویها درمنتهای فقر مالی و کمبودسرمایه توانستند برویرانه هائی که نازیها درمدت اشغال فرانسه بجای گذاردند صنایع نوینی بوجود آورند.

دوم ـ نظارت غیر مستقیم ـ نظارت غیر مستقیم ازطریق اجرای مقرراتی صورت میگیرد که ازطرف قانونگزار بمنظور حفظ اصول بانکداری در کشور وضع میشود. این مقررات گاه ازنظر تعیین مشخصات حرفه بانکداری است، بدینمعنی که برای اجازهٔ تأسیس بانک قانونگزار مشخصاتی را برای امتیاز گیرنده درنظر میگیرد. مقررات نظارت گاه از نظر تعیین حداقل سرمایه بانک است، بدینمعنی که قانونگزار با تعیین حداقل سرمایه تا حدودی بدهی‌های بانک را درمقابل صاحبان سپرده بطور غیر مستقیم تضمین مینماید. همچنین مقررات نظارت گاه ازطریق تناسب قانونی بدهی‌های جاری و دارائی‌های جاری بانک یا ازطریق موجودی صندوق به بدهی‌های جاری بانک صورت میگیرد. بعلاوه مقررات نظارت گاه بانکهای سپرده را ملزم مینماید که قسمتی ازسپرده‌های افراد را دربانک مرکزی بودیعه بگذارند. این نسبت در کشورهای مختلف ودرمقررات مختلف بنابرشرایط مکان وزمان فرق مینماید.

دراین مقررات نظارت بربانکها ازطرف شورای پول واعتبارات وضع و اعمال میگردد. آئین نامه مربوط بعملیات بانکی مورخ بیست سوم بهمن ماه ۱۳۳۹ درسیزدهمین جلسه شورای پول واعتبارحدودفعالیتهای بانکی را درکشور تعیین کرده است ودراین آئین نامه مقررات نظارت بربانکها کاملاً مشخص شده است.

بخش دوم ـ سازمان بانکی در کشورهای خارج

سازمان بانکی در کشورهای خارج بموازات تحول اقتصاد این کشورها تحول یافته است. چنانکه امروزه ملاحظه میشود که در هر یک از کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا براساس سازمان بانکی سیستم‌های بانکی مختلفی بوجود آمده است؛ بشرح هریک میپردازیم.

۱ـ سازمان بانکی درفرانسه ـ درسازمان بانکی فرانسه انتشار اسکناس درانحصار بانک مرکزی وعملیات بانکی بعهده سایر بانکها است.

الف ـ بانک ناشر اسکناس درفرانسه ـ بانک ناشر اسکناس درفرانسه بنام بانک دوفرانس که ضمناً به بانک مرکزی مشهوراست[1] درسال ۱۸۰۰ بصورت شرکت سهامی تأسیس شد ودرسال ۱۸۰۳ انحصار انتشار اسکناس را درتمام خاک فرانسه بدست آورد. بانک ناشر اسکناس درفرانسه تا سال ۱۹۴۶ بصورت بانک خصوصی اداره میشد. دراین سال بانک فوق ملی شد وسهام آن بدولت تعلق گرفت. باقانون ملی شدن ترکیب مجمع عمومی، اساسنامه وقانون اداره بانک بکلی تغییر یافت.

امروزه اداره امور بانک بوسیله یک رئیس ودومعاون صورت میگیرد. مجمع عمومی ترکیب شده است ازچهار عضو که هریک مدیر کل چهار مؤسسه اعتباری مخصوص اندکه با بانک ناشر اسکناس تماس مستقیم دارند[2] و هفت عضو که از طرف وزیر دارائی بعنوان نمایندهٔ شعب بازرگانی، صنایع، کشاورزی و سندیکای کارگری ونمایندهٔ کشورهای مشترک المنافع ونمایندهٔ روابط فرانسه باخارج از کشور وهمچنین نمایندهٔ مسائل عمومی اقتصادی انتخاب میگردد. بعلاوه یکنفر نمایندهٔ کارکنان بانک که بعدهٔ فوق اضافه میشود وجمعاً اعضای مجمع عمومی را تشکیل

۱– Banque de France – Banque Centrale

۲– مؤسسات فوق عبارتند از:

Caisse des Dépôts et Consignations–Crédit Foncier – Crédit National–Caisse Nationale de Crédit Agricole

میدهد[1].

عملیات بانک ناشر اسکناس درفرانسه بدوقسمت میشود: یکی عملیات انتشار اسکناس ودیگر عملیات عادی بانکی. درمورد اول بانک، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، انحصار انتشار اسکناس را دراختیار دارد وطبق اصول مربوط که قبلاً شرح دادیم اسکناس منتشر مینماید. درمورد دوم عملیات بانک به تنزیل وتنزیل مجدد محدود میشود. ازاین نظر بانک ازاعطای اعتبارات بلندمدت وعملیات مالی بانکی که مخصوص بانکهای معاملات است ممنوع شده است.

ب- سایربانکهای فرانسه- سایر بانکهارا درفرانسه میتوان به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول بانکهای سپرده، دسته دوم بانکهای معاملات وبانکهای اعتبارات بلندمدت ومیان مدت ودسته سوم بانکهای ناحیه‌ای ومحلی است.

اول- بانکهای سپرده. درفرانسه جمعاً شش بانک سپرده وجود دارد که بوسیلهٔ شبکهٔ بانکی درخاک فرانسه نقدینه افراد را بصورت سپردهٔ دیداری وسپردهٔ مدت‌دار که مدت آن از دوسال تجاوز نکند جمع آوری مینماید. بانکهای فوق تاسال ۱۹۴۶ بانک خصوصی بحساب میآمدند، یعنی به‌سرمایه‌داران خصوصی تعلق داشتند. ولی دراین سال چهاربانک بزرگ ازشش بانک بموازات ملی شدن صنایع مفتاح درفرانسه ملی شدند. واین چهاربانک امروزه قسمت اعظم سپرده‌های دیداری را بخود اختصاص داده‌اند[2]. سرمایه این چهاربانک نسبت به‌سپرده‌هائی که دریافت میدارند واعتباراتی که اعطامی کنند بسیار ناچیزاست، ازاین نظرفقط بعنوان تضمینی برای دارندگان سپرده بحساب میآید. اصل تمرکز درسیستم جمع آوری سپرده واعطای اعتبارات کوتاه مدت بااین بانکهادرفرانسه کاملاً رعایت شده‌است. زیرا هریک ازاین بانکهادرخاک فرانسه متجاوز

۱- Dictionnaire des Sciences Economiques, Tome I.

۲- نام بانکهای بزرگ سپردهٔ ملی شده درفرانسه بشرح زیر است:

Banque Nationale Pour le Commerce et l' Industrie-Crédit Lyonnais-Société Générale-Comptoir National d' Escompte.

از دوهزارشعبه دارند. ضمناً نمایندگی این بانکها در کشورهای خارج قابل ملاحظه است. این بانکها در کشورهای خارج حتی در کشورهای درحال توسعه سرمایه گذاری کرده بانکهای وابسته تأسیس مینمایند. چنانکه در ایران بانکهای B.N.C.I.[۱] (بانک ملی برای بازرگانی وصنعت) وکردی لیونه[۲] متفقاً بانک اعتبارات ایران را بوجود آورده‌اند.

دوم- بانکهای معاملات- درمقابل بانکهای سپرده که فقط به عملیات بانکی کوتاه مدت مبادرت میورزند بانکهای معاملات با سرمایه نسبةً قابل ملاحظه خود که از طریق انتشار اوراق سهام بدست می‌آورند یا باسرمایه افراد که بصورت قرضه یاسپردهٔ بلند مدت دراختیار این بانکها قرار میگیرد به عملیات بلند مدت بانکی اقدام مینمایند. البته بانکهای معاملات گاه درعملیات بانکی کوتاه مدت نیز شرکت می کنند، ولی عملیات آنها همیشه در حدود فعالیت مشتریان بانک است، زیرا بانکهای عملیات حق ندارند ازعامه قبول سپردهٔ دیداری نمایند، بلکه فقط می‌توانند درعملیات بانکی صنایعی که شرکت کرده‌اند سپرده‌های دیداری آنهارا نیزقبول نمایند. لذا ملاحظه می‌شود که این نوع عملیات درحدود فعالیت بانکهای معاملات بسیار ناچیز است.

بانک معاملات که درابتدای قرن نوزدهم دراصطلاح فرانسوی به بانک عالی[۳] مشهور بود در فرانسه بنامهای مؤسسین آن تأسیس گردید[٤]. سپس در اواسط قرن نوزدهم بعلت توسعهٔ صنایع بانکهای معاملات دیگری بوجود آمد[٥]. ولی رفته رفته در اواخرقرن نوزدهم بموازات توسعهٔ روزافزون صنایع بانک معاملات اهمیت بسزائی کسب کرد، تا اینکه حتی برای هریک از رشته های صنایع بانکهای معاملات بخصوصی تأسیس

۱- Banque Nationale Pour le Commerce et l'Industrie

۲- Crédit Lyonnais

۳- La Houte Banque

٤- بانکهای معاملاتی که درابتدای قرن نوزدهم درفرانسه تأسیس شدند عبارتنداز:
Rothchild-Hottinger-Mallet-Vernes-Mirabaud-De Neuiflize-Heine.

٥- Crédit Mobilier-Banque de Paris et des Pays-Bas.

شد که عملیات بانکی آنها فقط بستگی بهمان رشته ازصنایع داشت . بالاخره رواج تأسیس بانکهای معاملات دررشته های مختلف تولید صاحبان صنایع را تشویق کرد که منفرداً یا بطور متحد در حدود فعالیت تولیدی خود اقدام به تأسیس بانکهای معاملات بنمایند. چنانکه درتعقیب این فکر رشته های تولید مواد غذائی برحسب اهمیتشان اقدام به تأسیس بانکهای معاملات نمودند[1] . هرچند باید اضافه کرد که همیشه رونق این بانکها بستگی به رونق صنایعی داشت که بانکهای معاملات را بوجود آورده بود ، زیرا درمواقعیکه این رشته ها دچار بحران میشد عملیات بانکهای فوق نیز یکباره متوقف میگردید.

سوم ـ بانکهای ناحیه‌ای ومحلی ـ بانکهای ناحیه‌ای ومحلی بانکهائی هستند که فعالیتهای بانکی بعضی ازمناطق ونواحی فرانسه‌را بعهده دارند. این بانکها دراوایل قرن نوزدهم بعلت توسعهٔ فعالیت بانکهای جدید درمعرض انحلال و اضمحلال قرار گرفتند وعده زیادی ازآنهانیزبموازات توسعهٔ مؤسسات جدید بانکی بکلی ازبین رفتند، ولی عده‌ای نیز سعی کردند بهرترتیب شده خود را ازمیدان رقابت بانکهای جدید خارج سازند وفقط به‌عملیاتی مبادرت ورزند که کاملاً ازحیطه فعالیت بانکهای جدید خارج باشد. این عملیات درفرانسه به عملیات بانکی محلی اطلاق میشود. عملیات بانکی محلی ومنطقه‌ای عملیاتی است که احتیاج به‌خبرگی وشناسائی کامل به‌صنایع محلی دارد واین شناسائی ها بیشتر درنتیجه سکونت درمحل ومراوده باصاحبان صنایع محلی بدست میآید که ازعهده گیشه های محلی بانکهای بزرگ جدید خارج است. وبهمین مناسبت است که باوجود بانکهای عظیم درفرانسه هنوز دربعضی ازمناطق بعضی از بانکهای محلی بعلت شناسائی کامل به‌صنایع منطقه‌ای توانسته‌اند به‌حیات

۱ـ این بانکها عبارتنداز :

Banque Cotonnière-Banque de Produits Alimentaires et Coloniaux-Crédit Sucrier.

فعالیت بانکی خود ادامه دهند[۱].

ج - مؤسسات بانکی مخصوص - مؤسسات بانکی مخصوص به مؤسساتی اطلاق میشود که عملیات آنها تاحدودی شباهت به عملیات بانکی دارد، ولی این مؤسسات برای هدفهائی بخصوصی تأسیس شده‌اند که برای اجرای آن عملیات بانکی آنها درچهارچوب همان هدفها صورت میگیرد. درواقع درفرانسه دراواخرقرن نوزدهم متوجه شدند که به منظور حمایت از بعضی طبقات چه بصورت طبقاتی که نقدینه مختصری دارند که میتوانند پس اندازی بوجود آورند وچه بصورت طبقاتی که به تولید وعملیات سرمایه گذاری محدودی دست میزنند که محتاج به حمایت است می‌بایست مؤسساتی تشکیل شود که بتواند ضمن عملیات بانکی حمایت این طبقات را بعهده گیرد. این مؤسسات بعضی مانند صندوق پس انداز ملی وصندوق سپرده‌ها وامانات مالی[۲] فقط بمنظور جمع آوری نقدینه های راکد طبقات متوسط و حمایت از آنها تأسیس شده است. بعضی از این مؤسسات بصورت مؤسسات اعطای وام به عملیات اعتباری مبادرت می‌ورزند. البته این مؤسسات فقط برای اعطای اعتبار به طبقات مخصوصی ازتولید کنندگان واصناف تأسیس شده‌اند، بطوریکه درچهارچوب فعالیت آنها اعتباراتی باشرایط سهل که خارج از حدود عملیات عادی بانکی است در اختیار کشاورزان و مقاطعه کاران دولت یا هتل داران ویاصادر کنندگان قرارمیگیرد. این مؤسسات بطور مستقل باسرمایه دولت یا بطور مختلط باسرمایه های خصوصی ودولت تشکیل میشوند؛ ولی در هرصورت ادارهٔ امور این مؤسسات مستقیماً زیر نظر دولت است. همچنین است فعالیت بانک اعتبار ملی که شرح آن قبلاً گذشت. مؤسسه فوق مؤسسه‌ای است که با اختلاط سرمایه دولت وسرمایه های خصوصی تأسیس شده وزیر نظردولت اداره میشود ویکی از وظایف مهم این مؤسسه توسعهٔ سرمایه گذاریهائی است که می‌بایست از طریق اعتبارات کوتاه‌مدت تأسین مالی شود. وچون اعطای اعتبار باین صورت مواجه باخطر

۱- Jean Marchal, Cours d'Economie Politique, Paris 1948.

۲- Caisse Nationale de l'Epargne-Caisse des Dépôts et Consignations

تورم است، لذا از این نظر هدایت وارشاد این نوع سرمایه گذاریها بعهدهٔ این مؤسسه واگذار شده است[1].

۲ـ سازمان بانکی در انگلستانـ درسازمان بانکی انگلستان ابتدا بانک ناشر اسکناس وسپس سایر بانکها را مورد مطالعه قرار میدهیم.

الف ـ بانک ناشر اسکناس در انگلستانـ بانک ناشر اسکناس درانگلستان درسال ۱۶۹۴ بنام The Governor and Company of the Bank of England با سرمایه خصوصی بصورت بانک خصوصی تأسیس شد. البته خصوصی بودن بانک ناشراسکناس درانگلستان مانع همکاری این بانک بادولت نبود، بلکه چنانکه قبلاً شرح دادیم بانک ضمن همکاری مستقیم باخزانه داری انگلستان به فعالیت خود بصورت بانک ناشر خصوصی ادامه میداد. معهذا باوجوداین همکاری بانک ناشردرانگلستان که به بانک انگلستان یا بانک مرکزی مشهور است درسال ۱۹۴۶ ملی شد و درتعقیب آن سرمایه بانک به خزانه منتقل شد و اسناد خزانه جایگزین قسمت اعظم طلای پشتوانه گردید. بدین ترتیب ملاحظه میشود که با ملی شدن بانک انگلستان روابط بانک ناشر و خزانه داری درانگلستان بیش ازپیش توسعه یافت، بطوریکه امروزه قسمت اعظم عملیات خزانه از طریق بانک انگلستان صورت میگیرد. بعلاوه بانک ناشراسکناس درانگلستان واسطه اعمال نظارت خزانه نسبت به عملیات بانکی کشور است، بدینمعنی که دستورات خزانه بمنظورنظارت درسایر بانکها ازطریق بانک انگلستان صورت میگیرد.

عملیات بانک ناشر اسکناس در انگلستان مانند عملیات بانک ناشر اسکناس درفرانسه بدوقسمت میشود: یکی عملیات مربوط به نشر اسکناس و دیگر عملیات بانکی عادی. بدین ترتیب ملاحظه میشود که ازنظرسازمان بانکی بانک فوق مانند بانک فرانسه به قسمت نشراسکناس وقسمت بانکی تقسیم میگردد. قسمت نشراسکناس مخصوص انتشار اسکناس ونظارت در گردش آن وقسمت بانکی باشعب متعدد خود به عملیات بانکی اختصاص دارد.

۱- Henri Guitton, Economie Politique Tome 2, Paris, Précis Dalloz, 1957.

ب ـ سایر بانکها درانگلستان ـ سایربانکها را درانگلستان میتوان بشرح زیر درپنج دسته بیان کرد.

اول ـ بانکهای سپرده درانگلستان ـ درانگلستان پنج بانک بزرگ سپرده وجود دارد که قسمت اعظم سپردهٔ افرادرا دریافت میدارند. این پنج مؤسسه که دراصطلاح بانکی انگلستان به The Big Five مشهورند در انگلستان بنام Joint Stock Banks قبول سپرده مینمایند. هرچند بموازات این بانکهای عظیم مؤسسات کوچکتری نیز بنام Private Banks درجمع آوری سپردهٔ مردم شرکت دارند. ولی درانگلستان همیشه سعی شده است که از تعدد بانکهای سپرده جلوگیری شود. بدین ترتیب درتاریخ بانکی انگلستان همیشه اصل ادغام وانضمام بانکهای کوچک وبوجود آمدن بانکهای بزرگ وجود داشته‌است، بطوریکه میتوان دراین خصوص ادعا کرد که دراین کشور اصل تمرکز بانکی واصل تخصص بانکی درسنتهای شدت خود تابحال اجراشده‌است.

سپرده‌ها درچهارچوب فعالیت این بانکها بصورت سپرده‌های دیداری و یا سپرده‌های بامدت خیلی کوتاه است واین سپرده‌ها بمیزان ده درصد دربانکهای سپرده بصورت ذخیره باقی میماند وبقیه بمصرف انواع اعتبار به بازرگانان وصاحبان صنایع اعطا می‌شود. ولی باین مسأله باید توجه داشت که بانکهای سپرده درانگلستان هیچوقت مانند فرانسه مستقیماً اقدام به تنزیل سفته وبرات نمی‌نمایند. هرچند این بانکها قسمتی ازنقدینه خودرا بصورت اعتبارات خیلی کوتاه مدت روزانه (روزبروز) دراختیار مؤسساتی بنام Discount Houses و Bill Brokers قرارمیدهند وآنها اقدام به تنزیل اوراق تجاری مینمایند.

دوم ـ مؤسسات تنزیل ـ مؤسسات تنزیل یابصورت شرکتهای کوچکی هستند که باسرمایه شخصی افراد تأسیس می‌شوند و یا بصورت شرکتهای سهامی‌اند که باوسعت بیشتری بفعالیت بانکی و تنزیل اوراق تجاری اقدام مینمایند. نوع اول Bill Brokers ونوع دوم Discount Houses نامیده می‌شوند.

مؤسسات نوع اول بصورت بیل بروکرها ، همانطوریکه اشاره شد، باسرمایه

شخصی کار می کنند ودرواقع نوعی دلالهای تجاری هستند. لذا حدود فعالیت آنها بسیار محدود است. در صورتی که مؤسسات نوع دوم بصورت دیسکونت هوس ها میتوانند ضمناً قبول سپرده نمایند، لذا دامنهٔفعالیت آنها وسیعتر است. درهرصورت، همانطوریکه‌اشاره شد ، قسمتی از وجوهٔ این مؤسسات بصورت وام ازبانکهای‌سپرده است که بشکل اعتبارات کوتاه مدت روز بروز دراختیار آنها قرار میگیرد.

مؤسسات تنزیل درانگلستان پس ازتنزیل اوراق تجاری قسمتی را نزد خود نگاهمیدارند و قسمتی را در بانکهای سپرده با نرخ نازلتری تنزیل مجدد مینمایند. بدین ترتیب ملاحظه میشود که سیسم‌تنزیل درانگلستان باسیستم تنزیل درفرانسه کاملاً متفاوت است. در فرانسه بانکهای سپرده مستقیماً اوراق تجاری را تنزیل می کنند وسپس‌اوراق فوق‌را دربانک مرکزی تنزیل مجدد مینمایند. لذا ملاحظه می‌شود که درفرانسه بانک مرکزی ازطریق تغییراتی که درنرخ تنزیل قائل‌میشود کنترل بازار پول یعنی بازار دادوستد اعتبارات کوتاه مدت را بعهده دارد. یعنی در مواقعیکه مقدورات بازار پول کاهش یابد و نرخ بهره بالا رود بانک مرکزی باپائین آوردن نرخ تنزیل مقدورات بازار پول‌را افزایش می‌دهد ودرموارد عکس یعنی وقتی که مقدورات بازار پول بطور نامتناسب افزایش یابد و خطر تورم پول گردش‌نقدینه‌هارا تهدید نماید بانک‌مرکزی با بالا بردن نرخ‌تنزیل سیاست کنترل اعتبارات‌را به‌سایر بانکها تحمیل مینماید. درصورتیکه درانگلستان کنترل بازارپول ازطریق نرخ تنزیل‌بانک‌مرکزی صورت‌نمیگیرد، بلکه بانک مرکزی ازطریق‌سیاست خرید وفروش اوراق‌بهادار که‌به‌سیاست‌اپن‌مارکت (Open Market Policy) مشهور است جریان و گردش نقدینه‌ها را در بازار پول کنترل مینماید. یعنی در مواقعیکه مقدورات بازار پول کاهش یابد بانک‌مرکزی شروع به‌خرید اوراق بهادارمینماید وبدینوسیله بادرجریان گذاشتن‌نقدینه‌جدید ازطریق اوراق بهادار مقدورات بازارپول را بالا می‌برد ودرموارد عکس یعنی‌وقتی‌مقدورات بازار پول‌بطور نامتناسب افزایش یابد وخطر تورم گردش نقدینه‌هارا تهدید کند بانک مرکزی بافروش اوراق‌بهادار

اقدام به جمع‌آوری نقدینه های زاید مینماید، بطوریکه گردش نقدینه ها دربازار پول جریان عادی خودرا طی کند.

سوم - بانکهای اعتبارپذیرشی - بانکهای اعتبار پذیرشی درانگلستان بنامهای Marchant Bankers و Acceptance House چنانکه ازاسم آنهامستفاد است دراعتبارات پذیرشی که شرح آن قبلاً گذشت تخصص دارند. این بانکها باکلیه بانکهای تنزیل چه درخاك انگلستان وچه درخارج درارتباطاند و درانگلستان اوراق تجاری راکه تصدیق مینمایند ازطرف بانکهای تنزیل پرداخت میشود.

چهارم - بانکهای مستعمراتی - بانکهای مستعمراتی Colonial Banks و Exchange Banks درانگلستان بانکهائی هستند که دراعطای اعتبارات کوتاه مدت وطویل‌مدت به مؤسسات کشورهای خارج تخصص دارند. این بانکها ضمناً درانتشار اوراق قرضه و سهام شرکتهائی که درکشورهای مشترك‌المنافع انگلستان تأسیس میشود شرکت مینمایند.

پنجم - بانکهای خارجی - بانکهای خارجی Foreign Banks چنانکه از اسم آن مستفاد است درباز کردن حساب برای مؤسسات خارجی وانتشار اوراق سهام وقرضه این نوع مؤسسات شرکت مینمایند. رونق این بانکها در انگلستان بعلت توسعه روزافرون روابط اقتصادی وبازرگانی ومالی انگلستان باکشورهای خارجی است. این روابط از ابتدای قرن نوزدهم شدت‌داشته‌است ازاینجهت درطول یک قرن‌ونیم همیشه انگلستان یکی ازپایگاههای اصلی‌نقل‌وانتقال سرمایه های بین‌المللی بحساب میآمده است[1].

۳ - سازمان بانکی درامریکا - سازمان بانکی را درامریکا ابتدا ازنظرسازمان انتشار اسکناس وسپس ازنظر سایر عملیات مورد مطالعه قرارمیدهیم.

الف - سازمان انتشار اسکناس درآمریکا - درامریکا انتشار اسکناس بصورت دلار تا قبل از ۱۹۱۳ ازطرف بانکهای ملی National Banks که به تعداد زیادی

۱- Jean Marchal, Cours d'Economie Politique, Paris 1948.

درسرتاسر خاك امریکا وجود داشت منتشر میشد . انتشار اسکناس بموجب قانون Bond-Deposit System مصوب ۱۸۶۳ بود که مواد آن باقانون ۱۸۷٤ تکمیل گردید. بموجب این قانون هر بانک ملی میتوانست بمیزان اوراق قرضهٔ خریداری شده از خزانه پول منتشر کند. ازاین نظر خزانه‌داری امریکا همیشه بمیزان اوراق قرضه‌ایکه دراختیار بانکهای ملی میگذاشت اسکناس دراختیار آنها قرارمیداد. این سیستم تاسال ۱۹۱۳ ادامه داشت. دراین سال سازمان بانک مرکزی امریکا بوجود آمد. سازمان بانک مرکزی امریکا براساس سیستم فدرال رزرو Federal Reserve System است که بموجب قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۱۳ بوجود آمد وباقوانین بعدی بخصوص قانون بانکی مصوب ۲۳ اوت ۱۹۳۵ تغییراتی یافت . بموجب این قانون خاك امریکا به ۱۲ ناحیه انتشار تقسیم میشود ودرهرناحیه یک بانک فدرال رزرو انتشار پول را بعهده دارد. دراینصورت ملاحظه میشود که بدین ترتیب درتمام خاك امریکا ۱۲ بانک فدرال رزرو در انتشار اسکناس شرکت دارد. در واقع اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که امریکا باتصویب این قانون خواسته است بجای سیستم انتشار بانکهای ملی سیستم فدرال رزرو را بوجود آورد که اولاً بتواند ازطریق آن حجم پول درگردش را ازنظراحتیاجات اقتصادی امریکا قابل انعطاف سازد وثانیاً بتواند بابوجود آوردن بانکهای فدرال رزرو انتشار اسکناس را در ۱۲ بانک انتشارناحیه‌ای متمرکز گرداند.

هریک از بانکهای فدرال رزرو بوسیلهٔ شورای اداری که از ۹ عضو منتخب برای سه سال تشکیل شده است اداره میشود. بانکهای فدرال رزرو بصورت شرکت سهامی است وسهام هربانک فدرال رزرو قسمتی بوسیله بانکهای ملی ناحیه‌ای (که تعداد آنها درهرناحیه درحدود ۶۰۰ بانک است) پذیره نویسی شده است . این پذیره نویسی پذیره‌نویسی اجباری است وقانون ۱۹۱۳ بانکهای ملی محلی را مجبور کرده است که قسمتی از سهام بانک فدرال رزرو ناحیه خود را خریداری نمایند ودرصورت امتناع امتیاز بانکی خود را از دست بدهند. قسمت دیگر ازسهام فدرال

رزرو را دولت فدرال خریداری ویک قسمت نیز در اختیار سایر بانکها واگذار شده است که بطور اختیاری پذیره‌نویسی کنند[۱].

تصمیمات اصلی از نظر هماهنگی بین بانکهای فدرال رزرو بوسیلهٔ شورائی اتخاذ میشود که به‌شورای‌فدرال رزرو موسوم‌است. لذا ملاحظه میشود که ازطریق تصمیمات شورای فوق همبستگی و وحدت تصمیم بین بانکهای فدرال رزرو ایجاد میگردد ، بطوریکه‌میتوان گفت که در واقع بااین سازمان اصل وحدت انتشار درتمام خاك امریکاوجوددارد ودرواقع ۱۲ بانک فدرال رزرو هریک بصورت بانک‌مرکزی ناحیه خود اعضای بانک مرکزی امریکا بحساب میآیند.

درسیستم فدرال رزرو در هر بانک فدرال رزرو معادل ٤۰ درصد پول منتشره پشتوانه طلا وبقیه پشتوانه از اوراق تجاری وذخیرهٔ سپرده‌ای بانکهای ملی مؤسس بانک فدرال رزرو تشکیل شده‌است. زیرا بموجب قانون بانکی امریکا بانکهای‌ملی بمیزان ۷تا۱۳ درصد سپرده‌های دریافتی‌را دربانک فدرال رزرو ناحیهٔ خود که‌سهام آنرا قبول کرده‌اند بعنوان سپرده قانونی بودیعه میگذارند.

ب ـ سایربانکها در امریکا ـ در امریکا هنوز اصل‌عدم تمرکز بانکی‌حکومت دارد، بطوریکه‌دراین کشور هنوزبانکهامتعدد وباابعاد کوچک‌اند. هرچند، چنانکه قبلاً اشاره کردیم ، دراین کشوراتحادیه‌های بانکی سلسله بانکها را بطور زنجیر بهم پیوسته است ، معهذا درسیستم بانکی امریکا همیشه اصل عدم تمرکز بصورت تعدد بانک با ابعاد کوچک حکومت دارد ، بطوریکه هرسرمایه‌دار حتی با سرمایه مختصرخود توانسته‌است امتیاز تأسیس بانک کسب کند وحتی‌تاچندی قبل اصولاً تأسیس بانک برای هرکس آزاد بود. ازاین نظر درهرمحل وناحیه بانکهای خیلی کوچک وحتی بدون شعبه‌تأسیس‌شده است. البته این بانکها درمواقع بحرانی‌اغلب ورشکست میشدند و درتعقیب ورشکستگیهای پی‌درپی بود که قانونگزار در امریکا

۱ـ برای اطلاعات بیشتر به صفحه ٦٥ کتاب زیر مراجعه شود :
Guitton. Henri, Economie Politique, Tome 2 Dalloz, Paris, 1957.

تأسیس بانک‌را تحت شرایطی درآورد. بطوریکه قبل از بحران ۱۹۲۹ که‌درامریکا تعداد بانکها به ۳۰ هزار میرسید، امروزه به ۱٤ هزار تقلیل یافته است. معهذاباوجود این کاهش تعداد، چنانکه ملاحظه میشود، سیستم بانکی آمریکا درست نقطه مقابل سیستم بانکی انگلستان وفرانسه‌است. زیرا دراین کشورها چنانکه دیدیم اصل تمرکزبانکی درنهایت‌شدت‌خود اجرا میشود وچندبانک بزرگ باشعب متعدد خود که درفرانسه بالغ بردوهزار است شبکهٔ بانکی را بوجود آورده‌اند.

درامریکا بانکها را میتوان بدو دسته تقسیم کرد: یکدسته بانکهائی که‌عضو سیستم‌فدرال رزرو وبه‌Members Banks مشهوراند ودسته دیگر بانکهای غیرعضواند که Non Members Banks نامیده‌میشوند. البته‌فقط‌بانکهای‌ملی‌اجباراً باپذیره‌نویسی سهام بانک فدرال رزرو بانکهای عضو بحساب میآیند. ولی باین مسأله باید توجه داشت که هرچند فقط نصف بانکهای‌موجود درامریکا بانکهای عضو بحساب‌میآیند، معهذا این‌بانکها باامتیازاتی که ازطرف قانونگزار کسب کرده‌اند که ازجمله‌توانائی درخواست وام ازبانکهای فدرال رزرو است توانسته‌اند $\frac{٤}{٥}$ سپرده‌های امریکا را در حدود فعالیت خود متمرکز سازند[۱].

بخش سوم - سازمان بانکی درایران

کشورما خیلی دیر پا بعرصهٔ عملیات جدید بانکی گذاشته است. درسابق عملیات نقل وانتقال پول‌وضرب سکه وتغییر وتبدیل‌انواع پول‌بوسیله صرافهاصورت میگرفت ودرواقع سیستم‌صرافی سیستم قدیم‌بانکداری ایران را تشکیل میداده‌است. عملیات بانکی درایران ازسال ۱۸۸۸ با تأسیس شعباتی درتهران و چند شهر بزرگ ازطرف «بانک‌جدیدشرق»[۲] که مرکزآن درهندوستان بود شروع گردید. سپس درسال ۱۸۸۹ که‌مطابق با ۱۳۰٦ قمری‌است‌باامتیاز«بارون‌ژولیوس روتر»[۳] بانک‌شاهنشاهی

۱- Dictionnaire des Sciences Economiques, Tome I.

۲- New Oriental Bank

۳- Baron Julius Reuter

ایران تأسیس شد وپس ازآن بانکهای دیگری بنام بانک ایران وروس وبانک عثمانی درایران بوجود آمد. ولی کلیه این بانکها از طرف اتباع خارجی وزیر نفوذ سیاست خارجی استعماری کشورهای انگلستان وروسیه تزاری اداره میشد. تا اینکه درسال ۱۳۰۶ شمسی بانک ملی ایران تأسیس گردید واز آن تاریخ فعالیت بانکی بمعنای واقعی درایران بوجود آمد وعملیات بانکی رسماً از طرف خود ایرانیان تعقیب شد.

سازمان بانکی ایران را مانند سازمان بانکی کشورهای خارج ابتدا از نظر سازمان انتشار اسکناس وسپس از نظرسازمان سایر عملیات بانکی مورد مطالعه قرارمیدهیم.

۱ـ سازمان انتشار اسکناس درایران ـ دربررسی سازمان انتشار اسکناس درایران ابتدا بانک ملی وسپس بانک مرکزی وشورای پول واعتبار را مورد مطالعه قرارمیدهیم.

الف ـ انتشار اسکناس از طریق بانک ملی ایران ـ انتشار اسکناس در ایران ابتدا ازطرف بانک شاهی صورت میگرفت، زیرا بانک فوق طبق امتیاز بارون ژولیوس روتر انحصار اسکناس را درتمام خاک ایران بمدت ۶۰ سال بدست آورده بود. این امتیاز درسال ۱۸۷۱ میلادی درزمان صدارت حسینخان سپهسالار از طرف ناصرالدین شاه درجزو امتیازنامه‌ای که استخراج کلیه معادن وبهره‌برداری ازمنابع اقتصادی کشور واحداث خطوط راه آهن را درانحصار روتر درمیآورد داده شده بود. ولی اجرای امتیازنامه بعلت مخالفت افکار عمومی بتعویق افتاد، تا اینکه درسال ۱۸۸۹ اجرای امتیازنامه فقط محدود به تأسیس بانک شاهی شد. سرمایه بانک طبق امتیازنامه چهار میلیون لیره پیش بینی شده بود که ربع آن برای شروع کار پرداخت گردید. بموجب امتیازنامه روتر پول ایران براساس طلا استوار میشد ومعادل اسکناس منتشره بانک مجبوربود درسالهای اول و دوم تأسیس ۵۰ درصد وازسال سوم ببعد معادل یک سوم اسکناس منتشره اندوخته فلزی نگهدارد. مدت امتیاز بانک ازسال ۱۳۰۶ تا ۱۳۶۶ قمری بود. ولی درسال ۱۳۰۹ شمسی امتیاز انتشار اسکناس از بانک شاهی بمبلغ دویست هزار لیره خریداری وبه بانک ملی واگذار گردید.

بانک ملی ایران بموجب قانون ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ بمنظور تشویق

وتوسعهٔ زراعت وتجارت وصنعت باسرمایه ۲۰ میلیون تومان که ۱۰ میلیون آن از محل جواهرات سلطنتی و ۵ میلیون تومان را دولت می‌پرداخت تأسیس شد. ولی وقتی درسال ۱۳۰۹ پس از بازخرید امتیاز انتشار اسکناس از بانک شاهی انحصار انتشار اسکناس در تمام خاک کشور بعهدهٔ بانک ملی واگذار شد تمرکز عملیات بازرگانی وصنعتی وکشاورزی ضمن عملیات انتشار اسکناس برای این بانک غیرمقدور بود، لذا برای عملیات مزبور بانکهای مخصوصی تأسیس گردید.

بانک ملی ایران ازنظر حقوقی بصورت شرکت سهامی تأسیس شد، ولی درابتدای تأسیس تمام سرمایهٔ آن بوسیله دولت تعهد گردید. البته در ابتدای تأسیس بانک فقط باسرمایهٔ ۲۰ میلیون قران که ۴۰ درصد آن طبق اساسنامه ازطرف دولت پرداخت شده بود شروع بکار کرد. ولی باتوسعهٔ فعالیت بانک دولت مجبور شد سرمایهٔ آنرا افزایش دهد ازاین‌نظر درسال ۱۳۱۴ سرمایهٔ بانک به ۳۰۰ میلیون ریال و درسال ۱۳۳۱ سرمایهٔ بانک به دومیلیارد ریال افزایش پیدا کرد.

انتشار اسکناس از طرف بانک ملی برای اولین بار طبق قانون اصلاح واحد ومقیاس پول مصوب ۱۳۱۰ صورت گرفت. دراین قانون امتیاز انتشار اسکناس برای مدت ده سال ببانک ملی واگذار گردید ودرقانون قیدشده بود درصورتی که با قانون جدیدی این امتیاز لغونشود مدت فوق بدفعات پس ازاختتام هرده سال قابل تجدید است. درقانون ۱۳۱۰ مقررات انتشار براساس سیستم حد انتشار (پلافون) و درصد (پورسانتاژ) استوار است. بدینمعنی که بانک ملزم گردید اولاً بمیزان اسکناس منتشره اصل درصدرا که طبق این قانون نگاهداری صددرصد طلاونقره وارز بمیزان اسکناس منتشره است رعایت نماید وثانیاً بانک ملزم گردید میزان انتشاررا به ۳۴۴ میلیون ریال یعنی حدی که قانونگزار درآنزمان درنظر گرفته بود محدود سازد. البته مقررات فوق بموجب قوانین بعدی تغییر یافت. چنانکه طبق قانون ۱۳۱۳ حد انتشار به ۱۱۰۰ میلیون ریال رسید وپشتوانه صددرصد به ۶۰ درصد طلا ونقره تنزل داده شد. درقانون ۱۳۱۸ میزان انتشار به ۱۵۰۰ میلیون ریال افزایش یافت و ببانک اجازه داده شد که پشتوانه را بازاء افزایش حد انتشار بمیزان ۶۰ درصد از محل اعتبار جواهرات

سلطنتی که طبق قانون ۱۳۱۶ ببانک ملی منتقل وجزو سرمایهٔ بانک شده بود تأمین سازد. البته به این مسأله باید توجه داشت که انتشار اسکناس تاتاریخ ۲۸ آبانماه ۱۳۲۱ بموجب قانون صورت میگرفت. چنانکه درآخرین بار طبق قانون ۲۱/۷/۲۸ حد انتشار به ۳۰۰۰ میلیون ریال رسید. ولی بموجب قانون آبانماه ۱۳۲۱ اختیار انتشار اسکناس به هیئت نظارت اندوخته اسکناس واگذار گردید وازآن تاریخ دولت بلامعارض دست بانتشار اسکناس زد، بطوریکه تا ۲۴ دیماه ۱۳۲۶ که تاریخ لغو این قانون است حدانتشار به چند برابر افزایش یافت. متأسفانه دراین مدت افزایش حدانتشار مبنای اقتصادی نداشت وبیشتر در زمان اشغال خاك ایران ازطرف متفقین و بمنظور تأمین مخارج آنها صورت گرفت. تا اینکه در سال ۱۳۲۶ قانون تفویض اختیار انتشار اسکناس به هیأت نظارت اندوخته اسکناس لغوگردید ومجلس دولت را مکلف کرد که درظرف سه ماه میزان حداکثر انتشار مورد احتیاج بانک ملی را ضمن تعیین پشتوانه اعلام دارد. ولی مفاد این قانون رعایت نگردید چنانکه بعلت انتشار پی درپی تا سال ۱۳۳۹ یعنی تاریخ تأسیس بانک مرکزی حد انتشار به ۱۹ میلیارد ریال بالغ شد.

عملیات بانک ملی تا قبل از تأسیس بانک مرکزی بدوقسمت نشر اسکناس وعملیات بانکی تقسیم میشد وبرای هرقسمت ترازنامه جداگانه‌ای تنظیم میگردید. درسال ۱۳۳۹ با تأسیس بانک مرکزی اجازه انتشار اسکناس از بانک ملی منتزع وباین بانک واگذارگردید که زیر نظر شورای پول واعتبار پول مورد احتیاج جامعه را درجریان وگردش بگذارد. ازاین تاریخ ببعد بانک ملی فقط بعملیات بانکی اشتغال دارد.

ب ـ بانک مرکزی ایران ـ بانک مرکزی درایران بموجب قانون ۷ خرداد ۱۳۳۹ تأسیس شد. تأسیس بانک مرکزی بمنظور حفظ ارزش پول وتنظیم اعتبارات وانتشار پول است. این وظایف تاسال ۱۳۳۹ بعهدهٔ بانک ملی بود. ولی بانک ملی بعلت وظائف متنوع اغلب موفق به انجام وظایف اصلی خود که حفظ ارزش پول

وتنظیم اعتبارات است نمیگردید. ازاین نظردرسال ۱۳۳۹ وظایف بانک‌ملی‌محدود بعملیات بانکی‌شد وانحصار انتشار اسکناس ونظارت درگردش پول به‌بانک‌مرکزی واگذار گردید.

سرمایهٔ بانک مرکزی ۳۶۰۰ میلیون ریال است که از این مبلغ ۳ میلیارد بصورت وام بلند مدت دراختیار بانک ملی قرارگرفته است که ازمحل آن این بانک بتواند به‌اعطای اعتبارات بلندمدت برای فعالیتهای تولیدی و صنعتی ومعدنی طبق آئین‌نامه‌ای که دراین خصوص بتصویب هیأت وزیران رسیده است مبادرت ورزد. مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال دیگربصورت وام دراختیار بانک‌توسعهٔ صنعتی ومعدنی‌ایران است. مبلغ فوق نیز ازطریق بانک توسعهٔ صنعتی و معدنی بمصرف اعتبارات صنعتی ومعدنی بواحدهای اقتصادی میرسد.

وظایف اصلی‌بانک مرکزی طبق‌قانون‌جدید پولی وبانکی ایران درچهارچوب حفظ ارزش پول وتنظیم اعتبارات وانتشار پول بوسایل زیر اعمال میگردد.

اول ـ حفظ ارزش پول ـ سیاست حفظ ارزش پول یا ازنظرارزش داخلی ویا ازنظر ارزش خارجی پول صورت میگیرد. ازنظر ارزش داخلی تنظیم حجم اسکناس درگردش ازطریق حفظ تناسب درصد پشتوانه با میزان اسکناس منتشره و تعیین حدانتشار اسکناس بممل میاید. اعطای انحصار انتشار اسکناس به بانک مرکزی بمنظور حفظ ارزش داخلی‌ریال است. ازاین نظربانک مرکزی درچهارچوب نظارت شورای پول واعتبار کشور حجم اسکناس درگردش‌را هماهنگ احتیاجات اقتصادی جامعه میسازد.

حفظ ارزش خارجی پول ازطریق حفظ تناسب ارزش پول داخلی با ارزش پولهای خارجی بعمل میاید. ازاین‌نظر کلیه معاملات ارزی دراختیاربانک‌مرکزی قرار دارد وبانک بدینوسیله میتواند مراقبت لازم‌را درحفظ موازنهٔ پرداختهای کشور بنماید.

دوم ـ تنزیل مجدد ـ تنزیل مجدد یا تنزیل اتکائی یکی ازوسایل مؤثر و

متداول در کنترل گردش پول و اعتبارات است. سیستم تنزیل مجدد در بانک مرکزی از سیستم پولی فرانسه اقتباس شده است وطبق این سیستم بعکس سیستم بانکی انگلستان چنانکه قبلاً مطالعه کردیم همیشه بهرهٔ تنزیل بانک مرکزی کمی پائین‌تر از بهرهٔ تنزیل سایر بانکها تعیین میشود، تاسایر بانکها بتوانند اسناد اعتباری خود را در بانک مرکزی تنزیل مجدد نمایند. درقانون بانکی ایران مصوب ۷ خرداد ۱۳۳۹ نیز وظایف بانک مرکزی دراین مورد تنزیل مجدد بروات و اسناد بازرگانی و اسناد وامهای صنعتی و کشاورزی بانکهای مجاز ذکر شده است. ملاحظه میشود که قانونگزار خواسته است همان وظائفی را که تا بحال ازطرف بانک ملی ایفا میشد ازطرف بانک مرکزی اجرا گردد. ولی باین مسأله باید توجه داشت که درایران این حربه تا بحال خیلی ضعیف بوده است. زیرا بانک ملی تا سال ۱۳۳۹ بخوبی نتوانسته بود دربازار پول تسلط کامل خود را حفظ نماید.

بازار پول، چنانکه شرح آن قبلاً آمد، بازار دادوستد اعتبارات کوتاه مدت تاسه ماه است. دربازار پول گردش نقدینه ازطریق دادوستد اوراق بازرگانی بصورت سفته وبرات وسایر اوراق اعتباری انجام میشود. هریک ازاین اوراق دربانکها بانرخ معینی تنزیل میشود. البته بانکها درصورت احتیاج به نقدینه اوراق فوق را با بهرهٔ کمتری دربانک مرکزی تنزیل مجدد مینمایند. ملاحظه میشود که دراین سیستم کنترل بازار پول ازطریق تغییرات نرخ بهرهٔ بانک مرکزی صورت میگیرد. بدینمعنی که اگر مقدورات پولی بازار پول افزایش یابد و خطر تورم پول وضع دادوستد را تهدید نماید بانک مرکزی بابالا بردن نرخ بهره میزان اوراق اعتباری را که ازطرف بانکها برای تنزیل مجدد ارائه میشود تقلیل میدهد و بدینوسیله بانکها را مجبور میسازد که نرخ تنزیل را بالا ببرند واوراق اعتباری را با شرایط مشکلتری تنزیل نمایند. لذا ملاحظه میشود که درتعقیب این سیاست از میزان نقدینه های بازارپول کاسته میگردد. بعکس وقتی مقدورات بازار پول کاهش یابد وخطر تنزل ورکود دادوستد وضع اقتصادی را تهدید نماید بانک مرکزی باپائین آوردن نرخ بهره میزان

اوراق اعتباری را که برای تنزیل ارائه‌میشود افزایش میدهد وبدینوسیله بانکها را تشویق مینماید که با پائین آوردن بهره تنزیل اوراق اعتباری بیشتری را تنزیل نمایند. لذا ملاحظه میشود که درتعقیب این سیاست بمیزان نقدینه‌های بازار پول افزوده میگردد.

حال اگر گردش پول‌را درایران بنظر آوریم ملاحظه میشود که همیشه‌بانک ناشر اسکناس درایران پس از بجریان گذاردن پول‌درجریان وگردش پول نتوانسته است بموقع حجم آنرا هماهنگ‌احتیاجات‌پولی‌جامعه‌سازد. زیرا حربهٔ مؤثردرهماهنگی حجم پول با احتیاجات پولی جامعه همانا سیاست تغییرات نرخ تنزیل مجدد بانک مرکزی است. ولی باین مسأله باید توجه داشت که این حربه درصورتی مؤثرواقع میشود که بین بهرهٔ بانک مرکزی وبهرهٔ بازار پول اختلاف زیادی نباشد. متأسفانه درایران بعلت بالا بودن بهره دربازار پول وعدم هماهنگی آن بابهرهٔ بانک‌مرکزی سیاست کنترل اعتبارات ازطریق تغییرات بهرهٔ تنزیل نتوانسته است بعنوان حربهٔ مؤثری حجم پول درگردش را هماهنگ با احتیاجات پولی جامعه سازد.

سوم - سپردهٔ قانونی - سپردهٔ قانونی قسمتی ازسپرده‌های مدت‌دار یادیداری افراد است که ازطرف بانکها ببانک مرکزی بودیعه گذارده میشود. سپردهٔ قانونی بهترین تضمین‌طلب‌صاحبان سپرده نسبت به‌بانکها است. زیرا درمواقع عدم‌توانائی مالی و ورشکستگی اگر بانکها قادر به تأدیه سپرده افراد نشوند از محل سپرده‌های قانونی که‌بوسیلهٔ بانکها دربانک‌مرکزی بودیعه گذارده میشود طلب مشتریان‌بانک تا حدودی تأمین میگردد. معهذا باین مسأله باید توجه داشت که حربهٔ سپردهٔ قانونی برای تأمین طلب‌صاحبان سپرده نسبت به‌بانکها فقط درمواقع بحرانهای‌سخت اقتصادی مصداق‌دارد. درصورتیکه درمواقع عادی وظیفه اصلی‌سپردهٔ قانونی ایجاد هماهنگی بین‌میزان اعتبارات با احتیاجات پولی‌جامعه است. درواقع‌سپرده، چنانکه میدانیم منبع ایجاد اعتبار است. حال اگر بانک مرکزی باافزایش وکاهش‌سپردهٔ قانونی میزان سپرده‌ای که در اختیار بانکها است افزایش وکاهش‌دهد، ملاحظه میشود که از طریق سپردهٔ قانونی میتوان حجم اعتبارات را افزایش وکاهش

داد. در ایران سپردهٔ قانونی برای سپرده‌های مدت‌دار ۲ درصد و برای سپرده‌های دیداری ۳۰ درصد ازمجموع سپردهٔ افراد دربانکها درنظر گرفته شده است. ولی‌این نسبت چندی قبل ازطرف شورای پول واعتبار تقلیل یافته است ، بدینمعنی که‌برای سپرده‌های مدت‌دار ۵ درصد وبرای سپرده‌های دیداری ۱۵ درصد تعیین شده است.

بانک مرکزی علاوه برعملیات فوق باعطای وام به‌دولت و یا سایر مؤسسات به‌تضمین دولت مبادرت‌میورزد. همچنین بانک مرکزی درمواقع لزوم به‌سایربانکها اعتبار میدهد. دراین‌صورت ملاحظه میشود که بانک مرکزی باامکانات مالی‌خود فقط بطور غیر مستقیم بامردم درتماس است. زیرا کلیه عملیات اعتباری یا بجریان گذاردن پول وتنزیل‌مجدد اوراق‌بازرگانی مع‌الواسطه است، بدین‌معنی که‌ازطریق وام به دولت وبانکها وتنزیل مجدد، پول‌واعتبار بجریان گذاشته میشود.

اداره امور بانک مرکزی بارئیس‌بانک است که درمواقع غیبت یا معذوریت اختیارات‌خودرا به‌قائم‌مقام رئیس‌تفویض مینماید. علاوه بررئیس وقائم‌مقام رئیس بانک مرکزی دارای سه‌معاون است که زیرنظر رئیس‌بانک انجام وظیفه مینمایند. هیأت‌رئیسه فوق که از پنج نفر تشکیل میشود جمعاً هیأت عامل بانک مرکزی را تشکیل میدهد. علاوه برهیأت عامل، بانک مرکزی دارای مجمع عمومی است که از اعضای شورای پول واعتبار و هیأت عامل بانک وهیأت نظارت و بازرس دولت تشکیل میگردد.

ج ـ شورای پول واعتبار ـ شورای پول واعتبار طبق قانون ۷ خرداد ۱۳۳۹ تشکیل‌شده است. وظایف‌شورای پول واعتبار علاوه برنظارت درانتشار پول هدایت وارشاد بانکها ونظارت درامور بانکداری‌است که‌ضمناً شوری میتواند نسبت بمسائل پولی ومالی‌واقتصادی کشور اظهارنظر کند، یا درصورتی که‌دراینگونه مسائل‌دولت نظر شوری را بخواهدمورد مشورت قرار گیرد.

شورای پول واعتبار چنانکه ازعنوان آن مستفاد است شورائی است مشورتی که درمقابل‌آن بانک‌مرکزی بصورت‌سازمان‌اجرائی مصوبات آنرامورداجرامیگذارد.

وظائفی را که شورای پول درایران بعهده دارد درفرانسه شورائی بنام شورای ملی اعتبار[1] انجام میدهد. شورای فوق زیر نظر وزیر دارائی تشکیل میشود و رئیس بانک مرکزی فرانسه معاونت‌آنرا بعهده دارد. ریاست شورای پول واعتبار درایران بارئیس بانک مرکزی‌است و اعضای شوری ۱۰ نفراند که طبق اساسنامه از رئیس کل بانک‌مرکزی وسه‌نفر وزیر صنایع‌ومعادن و کشاورزی وبازرگانی‌ودادستان کل دیوانعالی کشورودبیر کل‌شورای‌پول‌واعتبارودبیر کل‌شورای‌عالی‌اقتصاد ومدیر کل بانک ملی‌ایران ویکنفر نماینده ازطرف‌بانکهای‌خصوصی ویکنفراستاد اقتصاد بمعرفی دانشگاه و یکنفر نماینده شورای کشاورزی مرکز و یکنفر متخصص اقتصاد صنعتی و یکنفر متخصص اقتصاد پولی و مالی و یکنفر متخصص اقتصاد کارگری تشکیل شده است.

۲ - فعالیتهای بانکی درایران - فعالیتهای بانکی درایران‌خیلی‌جدید وابتدائی است وچنانکه قبلاً اشاره شد با تأسیس بانک ملی شروع شده است. هرچند قبل از تأسیس بانک‌ملی حتی زمانی که بانک شاهنشاهی درایران عملیات خود را شروع کرد مؤسسات صرافی مثل مؤسسات برادران تومانیانس ، جهانیان ، ارباب جمشید وبوداغیان وعدهٔ دیگری درایران فعالیت بانکی میکردند. ولی این مؤسسات خیلی زود ورشکسته شده وازصحنه‌فعالیتهای‌بانکی‌محو وناپدید گردیدند. البته‌اولین‌بانک ایرانی بانک سپه است که حتی قبل از بانک ملی با سرمایه‌ای که از محل کسور بازنشستگی افسران ارتش تأمین میشد تأسیس گردید. ولی‌چنانکه گفته شد سازمان جدید بانکی بمعنای واقعی در ایران با تأسیس بانک ملی بوجود آمد. فعالیتهای بانکی را درایران ازنظر عملیات بلند مدت بانکی و عملیات کوتاه مدت بانکی مورد بررسی قرار میدهیم.

الف - عملیات بلند مدت بانکی در ایران - عملیات بلند مدت بانکی چنانکه شرح آن قبلاً آمد ازیکطرف به‌قبول سپرده‌های مدت‌دار وانتشار اوراق قرضه وسهام

۱- Conseil National du Crédit

وازطرف دیگر به اعطای وامهای بلند مدت جهت توسعهٔ صنایع و کشاورزی اطلاق میشود. درایران این عملیات درشروع فعالیتهای بانکی نمیتوانست ازطرف مؤسسات خصوصی تعقیب شود. زیرا از یکطرف بعلت فقدان بورس اوراق بهادار مؤسسات بانکی خصوصی بسختی میتوانستند باانتشار اوراق قرضه وسهام سرمایه های خصوصی را بمنظور اعطای وامهای بلندمدت جمع آوری نمایند. ازطرف دیگر بعلت ابهامی که در بهره‌وری بعضی از رشته های تولیدی احساس میشد مؤسسات بانکی خصوصی نمیتوانستندسرمایهٔ محدود خودرا در راه اعطای وام بکاراندازند. ازاین نظربود که درشروع فعالیتهای بانکی درایران مؤسساتی که بتوانند به‌عملیات بلند مدت بانکی دست بزنند درکشور ما تأسیس نشد و اعطای وامهای بلند مدت بمیزان خیلی محدود بعهدهٔ بانک‌ملی واگذارگردید. بدینمعنی که ابتدا با تأسیس شعبی دربانک ملی بمنظور اعطای وامهای کشاورزی ورهنی وسپس با تأسیس بانکهای کشاورزی ورهنی اعطای وامهای بلندمدت درتوسعهٔ کشاورزی وعملیات ساختمانی بطور خیلی محدود تأمین گردید. سپس با تأسیس بانک‌صنعتی ومعدنی وپس ازآن باتغییرشکل آن بانک به‌بانک اعتبارات صنعتی اعطای وامهای صنعتی تا حدودی درایران‌رونق گرفت. درسالهای اخیر بانک‌توسعهٔ‌صنعتی ومعدنی که‌بانک خصوصی است‌باسرمایهٔ مختلط داخلی و خارجی تأسیس شد. باتأسیس این بانک میتوان امیدوار بود که سرمایه های خصوصی باسرعت بیشتری در راه توسعهٔ صنایع ومعادن بکار افتد.

ب ـ عملیات کوتاه مدت بانکی درایران ـ عملیات کوتاه مدت‌بانکی، چنانکه شرح آن‌قبلاً آمد، ازیکطرف به‌قبول سپرده وازطرف دیگر به‌نقل‌وانتقال وجوه وصرف پول و اعطای اعتبارات کوتاه مدت بصورت اعتبار در حساب جاری وتنزیل بروات وسفته واعطای اعتبارات پذیرشی وامثال آن اطلاق میشود.

عملیات کوتاه مدت بانکی از قدیم درایران بوسیله صرافها صورت میگرفت. سپس باتأسیس بانکهای خارجی مثل‌بانک شاهنشاهی وبانک ایران وروس وبانک عثمانی عملیات کوتاه مدت بانکی تا حدودی درکشورما توسعه یافت. تا اینکه

باتأسیس بانک‌ملی ایران وتوسعهٔ‌شعب آن‌درتهران وشهرستانها قسمت اعظم‌عملیات کوتاه مدت بانکی‌درحیطه تسلط بانک ملی‌درآمد. امروزه درتعقیب توسعهٔ فعالیت بانکی درایران وتأسیس بانکهای متعدد عملیات کوتاه مدت بانکی بنحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته‌است. بانکهائی که عهده‌دار این عملیات‌اند صرفنظر از بانک ملی که هنوز باشعب متعدد خود عملیات کوتاه مدت بانکی را در نقاط مختلف ایران اداره میکندبانکهائی‌هستند که یامستقلاً باسرمایه های‌داخلی ویا بطورمختلط باسرمایه های داخلی وخارجی‌تأسیس شده‌اند. بانکهای‌دسته اول که باسرمایه های داخلی‌تأسیس شده‌اند عبارتنداز: بانک توسعهٔ صادرات، بانک صادرات و معادن، بانک اصناف، بانک بیمه بازرگانان، بانک پارس، بانک‌بازرگانی‌ایران، بانک ایران، بانک کار وبانک ایرانیان. این بانکها باستثنای بانک توسعهٔ صادرات که باشرکت بانک‌ملی ایران وسازمان برنامه و شرکت بیمهٔ ایران تأسیس شده است بقیه با سرمایهٔ مردم تأسیس‌شده‌اند ودرنتیجه بانک‌خصوصی‌بحساب میآیند. بانکهای دسته‌دوم‌بانکهائی هستند که بطور مختلط باسرمایه های داخلی وخارجی تأسیس شده‌اند، مثل بانک اعتبارات ایران که با سرمایه چند نفر از سرمایه‌داران ایرانی به نسبت ۵۱ درصد وسرمایه چند بانک بزرگ فرانسوی به‌نسبت ۴۹ درصد تأسیس شده است و بانک ایران وانگلیس که ۵۱ درصد سرمایهٔ آن متعلق به‌سرمایه‌داران ایران و ۴۹ درصد آن متعلق به دوبانک انگلیسی است. همچنین بانک تهران که ۶۰ درصد سرمایهٔ آن متعلق به‌سرمایه‌داران ایرانی و ۴۰ درصد متعلق‌بیک بانک‌فرانسوی ویک‌بانک لبنانی‌است وبانک‌ایران وخاورمیانه که ۵۱ درصدسرمایه آن‌متعلق به سرمایه‌داران ایران و۴۹ درصد آن‌متعلق به‌بانک‌انگلیس‌وخاورمیانه، یعنی‌بانک شاهنشاهی‌سابق است وبانک ایران وژاپن وبانک ایران و هلند که سرمایهٔ آنها به نسبت ۶۰ درصد و ۴۰ درصد بین سرمایه‌داران ایرانی و بانکهای ژاپنی درمورد بانک ایران و ژاپن ویک بانک هلندی درمورد بانک ایران و هلند تقسیم شده است.

البته باین مسأله‌باید توجه داشت که توسعهٔ فعالیت بانکی تابحال درایران

بدون برنامه بوده است، بطوریکه هردسته سرمایه‌دار چه داخلی وچه خارجی توانسته است درایران امتیاز تأسیس بانک بدست آورد. متأسفانه در اعطای امتیاز تأسیس بانک بهیچوجه اصول بانکی که شرح آن قبلاً گذشت رعایت نشده است. هرچند امروزه شورای پول واعتبارازاعطای امتیاز جدید خودداری میکند وطبق اصل تمرکز بانکی مسأله ادغام بانکهای کوچک مطرح است. البته شاید باطرح های جدیدی که ازنظر فعالیت بانکی مورد نظرشورای پول واعتبار است بتوان باصلاح سازمان بانکی ایران بیشتر امیدوار بود.

قسمت سوم

نقش پول در اقتصاد

مدت ۳۰ سال است که توجه دانشمندان به نقش پول در اقتصاد معطوف شده ، بطوریکه میتوان گفت که امروزه در نظریه های اقتصادی پول عامل اصلی دربیان نظریه بحساب میآید. در واقع درسابق دانشمندان کلاسیک دربیان نظریه های خود توجهی به عامل پول نداشتند وپول را فقط وسیله دادوستد میدانستند، بطوریکه در نظریه هائی که از طرف مکاتب اقتصادی کلاسیک وضع شده همیشه پول نقش بیطرف را دربیان نظریه داشته است. بدینمعنی که عوامل اقتصادی بدون توجه به نقش فعال پول با یکدیگر نسبت داده میشدند و پول چنانکه بیان شد فقط نقش واسطه را درتبدیل عاملی به عامل دیگر داشته است. در نظریه های جدید ، پول عامل فعال در تغییرات عوامل نسبت بیکدیگر تلقی میگردد ، از این نظر مستقیماً درطرح نظریه های اقتصادی دخالت مینماید. برای بیان نقش پول دراقتصاد، نظریه های پولی را میتوان بسه دسته تقسیم کرد : دسته اول نظریه های مقداری پول نامیده میشود که اساس آنها را دانشمندان کلاسیک مکاتب انگلیسی پی‌ریزی کرده‌اند. دسته دوم نظریه های درآمد وروحی پول است که در طرح آنها مکاتب اتریشی و فرانسوی شرکت داشته‌اند و دسته سوم نظریه های جدید پولی است که از افکار ویکسل و کینز سرچشمه میگیرد.

فصل اول

نظریه‌های مقداری پول

منشأ نظریهٔ مقداری پول را به مرکانتیلیست‌ها نسبت میدهند و بخصوص در این باره نام دو دانشمند فرانسوی نیکلااورسم و ژان بودن[1] را باید ذکر کرد. ولی، همانطوریکه درفوق اشاره شد، اصول نظریهٔ مقداری پول بوسیلهٔ دانشمندان انگلوساکسون پی‌ریزی شده است و در واقع میتوان گفت که دانشمندان انگلیسی وآمریکائی اساس نظریه‌های مقداری پول را بنیان گذارده‌اند.

بخش اول - بیان نظریهٔ مقداری پول

دربیان نظریهٔ مقداری پول داوید ریکاردو دانشمند انگلیسی وایروینگ‌فیشر دانشمند آمریکائی نقش اصلی را بعهده دارند.

۱- بنای اولیه نظریهٔ مقداری پول بوسیله ریکاردو - دربنای اولیه نظریهٔ مقداری پول تغییرات حجم پول بصورت طلا عامل اصلی است. پایه گذاراین نظریه ریکاردو است. در نظریهٔ پولی ریکاردو چنانکه میدانیم پول اصلی پول طلا است. چنانکه درانتشار اسکناس ریکاردو عقیده دارد که معادل انتشاراسکناس باید صددرصد پول طلا بعنوان پشتوانه نگهداشت. لذا ملاحظه میشود که درنظریهٔ ریکاردو حجم پول درگردش همان حجم پول بصورت موجودی پول طلای جامعه است. این موجودی درنظریهٔ مقداری ریکاردو M تعیین شده است که معادل آن T حجم دادوستد و P معدل قیمتها فرض میشود، بطوریکه دریک دوره معین حجم دادوستد درجامعه T ضرب در معدل قیمتها P مساوی حجم پول جامعه میگردد، یعنی $M=P.T$ که

۱- Nicolas Oresme-Jean Bodin

معدل قیمتها بصورت رابطه $P=\frac{M}{T}$ در میآید. بدین ترتیب ریکاردو معتقد است که معدل قیمتها دریک دوره معین درهر کشور بستگی به‌موجودی پول طلا درآن کشور دارد، بطوریکه اگر موجودی طلا افزایش یابد چون حجم دادوستد ثابت است، لذا خودبخود سطح عمومی قیمتها افزایش می‌یابد. بعلاوه ریکاردو سطح عمومی قیمتهای بین‌المللی را متناسب باموجودی طلای بین‌المللی میداند و عقیده دارد که در نتیجه دادوستد بین‌المللی خود بخود سطح عمومی قیمتها درکشورهای مختلف یکسان میگردد. درواقع اگر درکشوری‌موجودی طلا افزایش یابدخود بخودسطح عمومی‌قیمتها درآن کشورافزایش می‌یابد، ولی درتعقیب افزایش سطح عمومی‌قیمتها درآن کشور صادرات کاهش‌یافته و واردات افزایش‌می‌یابد. زیرا بعلت ترقی قیمتها از یکطرف قیمت تمام شده کالاهای صادراتی بالا میرود و درنتیجه بعلت بالا بودن قیمت، صادرات آن کشور بازار خود را درکشورهای خارج ازدست میدهد وازطرف دیگر بعلت بالا بودن قیمتهای داخلی ورود کالاهای خارجی در داخله توسعه‌یافته ودرنتیجه میزان واردات کشور افزایش می‌یابد. حال اگردرست دقت‌شود ملاحظه میشود که کاهش‌صادرات ازیکطرف وافزایش واردات ازطرف دیگر تراز پرداختها را باکسری مواجه‌میسازد ودرنتیجه کشوری که دارای‌موجودی نامتناسب طلااست مجبوراست برای تعادل ترازپرداختها قسمتی‌ازطلای‌خودرا بخارج بفرستد. کاهش موجودی طلا خودبخود سطح عمومی قیمتهارا پائین میآورد ودرنتیجه سطح‌عمومی قیمتهای کشوری که‌دارای‌موجودی نامتناسب طلا است خود بخود متناسب‌باسطح عمومی قیمتهای بین‌المللی میگردد.

۲ ـ بیان نظریه مقداری‌پول بوسیله‌فیشر. پس‌از ریکاردو درنظریهٔ‌مقداری‌پول اصلاحاتی بعمل آمد. هرچند اصول نظریهٔ کلاسیک همیشه مسلم و پا برجا بود و کلیه دانشمندان پول‌را وسیله دادوستد میدانستند و سطح عمومی قیمتها را تابع تغییرات حجم پول موجود درجامعه تصور میکردند. ولی پیشرفتی دربیان نظریه مقداری پول حاصل شده بود. از جمله استوارت‌میل متوجه شد که فقط حجم پول

یک کشوری را نمیتوان معیار تعیین سطح عمومی قیمتها دانست ، زیرا ممکن است در هرجامعه نقدینه ها با سرعت بیشتر یا کمتری دست بدست گردد. یعنی دادوستد بین افراد باسرعت بیشتر یا کمتری صورت گیرد . از این نظر استوارت میل دررابطه مقداری ریکاردو V را که نماینده‌سرعت‌است وارد کرد وبدین‌ترتیب‌رابطه مقداری پول بصورت $MV=P.T$ درآمد. ولی نظریهٔ مقداری پول با ایروینگ فیشر[۱] دچار تحول عمیقتری شد ، بدینمعنی که انواع پول ضمن تعیین سرعت هرنوع پول دررابطهٔ مقداری پول وارد گردید. در واقع در اواخر قرن‌نوزدهم که پول اعتباری درکشورها رایج شده بود فیشر دانشمند آمریکائی متوجه پول اعتباری درگردش گردید و بدین‌ترتیب به‌حجم پول درگردش حجم پول اعتباری درگردش نیز اضافه شد، یعنی با اضافه شدن M' به M رابطه $M = P.T$ به $M+M' = P.T.$ تبدیل گردید. ضمناً فیشر باتوجه به عامل سرعت پول چه از نظر سرعت پول‌حقیقی و چه از نظر سرعت پول اعتباری رابطهٔ مقداری پول راکامل کرد . بدینمعنی که تعداد گردش هر واحد پول در زمان معین در نظرگرفته شد واز طریق آن تعیین گردید که هر واحد پول‌چند بار برای دادوستد بکار رفته و دست‌بدست گشته‌است. این سرعت برای پول حقیقی بصورت اسکناس و پشیز تعیین می کند که هر واحد پول چند بار درمدت زمان معین برای انجام‌معاملات دست‌بدست میگردد. همچنین برای پول اعتباری تعیین میشود که هر واحد پول اعتباری مثلاً چک چند بار در مدت‌زمان‌معین دست‌بدست میگردد، یعنی‌ازعمده‌فروشی به‌خرده‌فروشی‌وازخرده‌فروشی به عمده فروشی یا خرده فروشی دیگر منتقل میشود. بدین ترتیب فیشر با رابطه :

$$MV+M'V'=P.T$$

توانست M حجم پول حقیقی بصورت اسکناس و پشیز و V سرعت آن و M' حجم پول اعتباری درگردش و V' سرعت آن و T حجم دادوستد را در تعیین P سطح عمومی قیمتها دخالت دهد. این رابطه کاملترین فرمولی است که میتواند نظریهٔ

۱- Irving Fisher

مقداری پول را بمعنای واقعی توصیف کند. البته در این رابطه فیشر سرعت پول را چه بصورت پول حقیقی یعنی V وچه بصورت سرعت پول اعتباری یعنی V' درهرجامعه ثابت میداند وتغییرات M' را نیز تابع M دانسته، یعنی حجم پول اعتباری در گردش را همیشه متناسب باحجم پول حقیقی بصورت اسکناس وپشیز فرض میکند و ازاین نظر است که اصول نظریهٔ مقداری ریکاردو در نظریهٔ مقداری فیشر کاملاً حفظشده است. در واقع فیشر معتقد است که اولاً V و V' درهرجامعه ثابت است، یعنی پول های حقیقی واعتباری هریک با سرعت معینی درجامعه جریان دارد. زیرا مثلاً اگر حجم معاملات درحدود فعالیت یک بازرگان در ماه ۵۰۰ هزار ریال باشد بازرگان مجبور است برای انجام معاملات خود پیوسته در صندوق ۵۰ هزار ریال نقدینه نگاهداری نماید تابتواند گردش معاملات‌را ازطریق موجودی صندوق تأمین سازد. حال اگر درتعقیب ترقی قیمتها در سال بعد حجم معاملات بازرگان از ۵۰۰ هزار ریال به یک میلیون ریال درماه افزایش یابد طبق نظر فیشربازرگان باید ۱۰۰ هزار ریال درصندوق نقدینه نگاهداری نماید تابتواند گردش معاملات ماهیانه را ازطریق آن تأمین سازد. حال فیشراستدلال مینماید که درمورد اول، یعنی وقتی حجم معاملات ماهیانه بازرگان ۵۰۰ هزارریال است وبازرگان ۵۰ هزار ریال برای گردش معاملات ماهیانه خود درصندوق بعنوان موجودی نگاهداری میکند درواقع با ۵۰ هزارریال ۵۰۰ هزارریال معاملات ماهیانه‌را بجریان انداخته‌است. یعنی درحقیقت هراسکناس ۱۰۰۰ ریالی در حدود فعالیت بازرگان ده بار در طول یکماه گردش کرده است و بدین ترتیب سرعت پول بصورت اسکناس درحدود فعالیت بازرگان ۱۰ تعیین میشود. ولی درمورد دوم یعنی وقتی حجم معاملات ماهیانه بازرگان درماه یک میلیون ریال است وبازرگان مجبور است درصندوق ۱۰۰ هزار ریال برای انجام معاملات ماهیانه بعنوان موجودی نگاهداری نماید در اینمورد نیز هراسکناس ۱۰۰۰ ریالی در ماه درحدود فعالیت بازرگان ده بار بگردش در میآید، یعنی سرعت اسکناس درحدود فعالیت بازرگان ۱۰ تعیین میشود. دراینصورت ملاحظه میشود که سرعت پول درمواقع

ترقی قیمتها یاافزایش حجم پول کاملاً ثابت است و ازنسبت حجم معاملات به موجودی صندوق بدست میآید ، یعنی درمورد اول ازنسبت ۵۰۰ هزار ریال به ۵۰ هزارریال ودرمورد دوم از نسبت یک میلیون ریال به ۱۰۰ هزار ریال . فیشر همین استدلال را برای پول اعتباری نیز صادق میداند و از نسبت حجم پول اعتباری به موجودی صندوق برای تأمین پرداختهای آن سرعت آنرا بدست میآورد . وعقیده دارد که سرعت پول اعتباری نیز مثل سرعت پول حقیقی درهرجامعه ثابت است ودرتعقیب تغییرات حجم پول دچار تغییر نمیگردد . ثانیاً بنظر فیشر همیشه درهرجامعه رابطه ثابتی بین حجم پول حقیقی وحجم پول اعتباری برقرار است، بطوریکه براساس این رابطه حجم پول اعتباری پیوسته تابع حجم پول حقیقی میگردد . در واقع پول اعتباری بصورت چک درگردش همیشه معادل حجم سپرده‌های دیداری مردم در نزد بانکها است ؛ زیرا درواقع معادل حجم سپرده است که چک بصورت پول اعتباری بجریان می‌افتد . حال برطبق این رابطه فیشر استدلال مینماید که تغییرات حجم سپرده‌ها همیشه تابع تغییرات حجم اسکناس است وتغییرات اسکناس نیز برحسب تغییرات موجودی طلا مشخص میشود . درواقع، چنانکه فیشر گردش پول را در امریکا عنوان میکند، دراین کشور ، چنانکه قبلاً مطالعه کردیم، اسکناس بصورت دلاردارای ٤۰ درصدپشتوانه طلا است . درضمن بانکها مجبورند معادل سپرده‌های دریافتی ۳۵ درصد سپرده دربانکهای فدرال رزروناحیه خود بگذارند . دراین صورت ملاحظه میشود که همیشه رابطه ثابتی بین اسکناس درگردش وحجم سپرده‌های بانکی وجود دارد که این رابطه پیوسته حجم پول اعتباری درگردش را متناسب باحجم پول حقیقی درگردش میسازد .

بخش دوم - انتقاد برنظریهٔ مقداری پول

نظریهٔ مقداری پول مدتیست مورد انتقاد شدید قرارگرفته است . دانشمندان مشهوری که این نظریه را انتقاد کرده‌اند بیشتر دانشمندان فرانسوی‌اند که در بین آنها آفتالیون ونوگارو[1] نقش اصلی رابعهده دارند . انتقادآفتالیون را میتوان درچهارچوب

1- Nogaro, Aftalion

نظریه درآمد وروحی پول دانست . زیرا آفتالیون در رد نظریهٔ مقداری پول متمایل به‌نظریه دانشمندان اتریشی است . انتقاد نوگارورا میتوان درچهارچوب نظریه‌های جدید دانست . زیرا نوگارو در نظریهٔ مقداری پول افکار خود را متمایل به افکار ویکسل و کینز[1] ساخته است ؛ بشرح هریک میپردازیم .

۱ ـ انتقاد آفتالیون ـ انتقاد آفتالیون یا ازنظر عوامل پولی است که درروابط مقداری پول شرکت‌دارند ، ویا ازنظرعوامل اقتصادی است که بطور مستقل روابط مقداری پول‌را تحت تأثیر قرار میدهند .

الف ـ عوامل پولی درانتقاد آفتالیون ـ عوامل پولی مورد انتقاد آفتالیون اولاً سرعتهائی‌است که در روابط مقداری فیشر بطور ثابت درنظر گرفته‌شده وثانیاً تناسب حجم پول اعتباری به حجم پول حقیقی است که در رابطه مقداری فیشر ثابت فرض گردیده است .

در واقع آفتالیون معتقد است که سرعتهائی که در روابط مقداری پول مورد نظرفیشراست ، چه‌بصورت V سرعت پول‌حقیقی وچه بصورت V′ سرعت پول اعتباری هیچوقت‌نمیتواند دریک جامعه ثابت فرض‌شود . زیرا سرعتهای فوق درمواقع تغییرات حجم‌پول وترقی‌قیمتها‌پیوسته‌تغییرمی‌یابند . همچنین آفتالیون‌معتقد است که‌نسبت M′ حجم پول اعتباری به M حجم پول حقیقی نمیتواند همیشه ثابت باقی بماند و این نسبت درمواقع مختلف اغلب باتغییراتی روبرو است .

در مورد تغییرات سرعت آفتالیون معتقد است که در هیچ جامعه‌ای نسبت پول‌های‌مورد دادوستد به موجودیها ثابت‌نیست واغلب درمواقع ترقی وتنزل حجم پول تغییرمیکند . یعنی اگر درمثال فیشرحجم معاملات بازرگان درنتیجه ترقی‌قیمتها از ۵۰۰ هزار به یک میلیون ریال ترقی یابد موجودی صندوق بازرگان از ۵۰ هزار ریال به ۱۰۰ هزار ریال افزایش نمی‌یابد . زیرا آفتالیون معتقد است که افراد در دادوستد تا این حد محافظه کار نیستند که بدنبال ترقی قیمتها در تعقیب افزایش

1- Wicsell, Keynes

معاملات یکباره موجودی صندوق خود را ترقی دهند. دراین صورت درمواقع ترقی قیمتها بایک‌واحد پول اغلب دادوستد بیشتری انجام میگیرد، یعنی دراینطورمواقع اغلب‌سرعت‌پول افزایش‌می‌یابد. درواقع درمثال فیشرنسبت پول درگردش‌درحدود فعالیت بازرگان به موجودی صندوق بازرگان که سرعت پول را در حدود فعالیت بازرگان نشان میدهد به دنبال ترقی‌قیمتها تغییر می‌یابد. یعنی اگر حجم معاملات بازرگان از ۵۰۰ هزار به یک میلیون ریال افزایش یابد موجودی صندوق بازرگان به نسبت کمتری افزایش می‌یابد، یعنی مثلاً از ۵۰ هزار ریال فقط به ۷۰ هزار ریال افزایش می‌یابد ودرنتیجه‌سرعت پول ترقی‌می‌کند. البته آفتالیون برای اثبات عقیده خود به‌آمار متوسل‌شده است وآمارهای مورد استناد آفتالیون مربوط به‌مسائل زیراست:

اولا - آفتالیون‌مجموع پرداختهای بانک مرکزی‌فرانسه را نسبت به‌مجموع موجودیهای صندوق این‌بانک‌ازسال ۱۹۲۱ تاسال ۱۹۲۴ مورد مقایسه قرارمیدهد. درطول این‌مدت آفتالیون بوسیله آمار نشان میدهد که متوسط مجموع پرداختهای بانک از ۵۶۲ میلیارد فرانک به‌۸۲۷ میلیارد فرانک افزایش‌یافته‌است. درصورتی که بموازات این افزایش متوسط موجودی صندوق بانک نه فقط افزایش نیافته، بلکه این‌موجودی اغلب ثابت‌بوده وحتی گاهی کاهش‌یافته‌است. بطوریکه میتوان گفت که بانک توانسته است درطول این‌مدت باموجودی ثابت خود که حتی گاهی نیز باکاهش مواجه بوده افزایش پرداختها را بمیزان ۲۶۵ میلیارد ازطریق ترقی سرعت پول تأمین سازد.

ثانیاً - ازسال ۱۸۷۷ تا ۱۹۱۷ متوسط پرداختهای بانک بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد فرانک بوده، درصورتی‌که درطول این‌مدت پرداختهای بانک بوسیله چک وانتقال حساب بین ۳۱ تا ۱۰۸ میلیارد نوسان داشته است، بطوریکه میتوان گفت که سرعت پول حقیقی و پول اعتباری بطور محسوس به نسبت یک به سه تغییر کرده است.

ثالثاً ـ آفتالیون ضمن استناد به مطالعات دو دانشمند یکی فرانسوی بنام اسار[۱] ودیگری آمریکائی بنام کارل اسنایدر[۲] سرعت پول را در مراحل مختلف دورانهای اقتصادی ثابت نمیداند. بدینمعنی که چنانکه آفتالیون ازقول این دو دانشمند نقل میکند درتحول وضع اقتصادی از مرحله‌ای بمرحله دیگر سرعت پول چه درفرانسه وچه درآمریکا در مراحل ترقی افزایش ودرمراحل تنزل کاهش یافته است.

رابعاً ـ چنانکه آفتالیون دربررسی تحول قیمتهای بلند مدت ثابت کرده است، تغییرات سرعت پول درمراحل تنزل خیلی خفیف است، درصورتیکه درمراحل ترقی تغییرات سرعت پول خیلی شدید صورت میگیرد. بطوریکه بین سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۳ که سالهای ترقی بلند مدت قیمتهااست سرعت پول درفرانسه از ۱۲۰ به ۱۴۵ ترقی یافته است[۳]. دراین صورت، چنانکه ملاحظه میشود، باتوجه به‌مدارک آماری آفتالیون مشکل بنظر میرسد که طبق نظر فیشر بتوان سرعت پول را در رابطه $MV+M'V'=PT$ ثابت دانست و تغییرات قیمتها را در این رابطه فقط مربوط به تغییرات حجم اسکناس منتشره فرض کرد.

درمورد رابطه پول حقیقی وپول اعتباری که فیشر آنرا ثابت فرض کرده است آفتالیون معتقداست که بازاء مقادیر مختلف پول حقیقی وپول اعتباری به‌نسبت طلای پشتوانه رابطه بین این دو پول تغییر می‌یابد. زیرا اگر سیستم پولی آمریکا را همانطوری که فیشر شاهد آورده است مورد مثال قرار دهیم چنانکه آفتالیون اظهار میدارد ۷۰ میلیون دلار طلا بعنوان مثال‌میتواند پشتوانه ۱۰۰ میلیون دلاراسکناس یعنی پول حقیقی به‌نسبت ۴۰ درصدپشتوانه و ۱۰۰ میلیون‌سپرده یعنی پول‌اعتباری به‌نسبت ۳۰ درصد پشتوانه باشد. ولی همین ۷۰ میلیون دلار طلا را میتوان برای ۱۵۰ میلیون دلار اسکناس به‌نسبت ۴۰ درصد پشتوانه پول حقیقی و ۴۳ میلیون‌دلار سپرده به نسبت ۳۰ درصد پشتوانه پول اعتباری بکار برد. در این صورت ملاحظه

۱- Essars

۲- Carl Snyder

۳- برای اطلاعات بیشتر به کتاب زیر رجوع شود:

Aftalion, Monnaie, Prix et Change, Paris, 1949.

میشود که درمورد اول نسبت پول حقیقی به پول اعتباری واحد است که از نسبت $\frac{۱۰۰}{۱۰۰}$ بدست میاید ودرمورد دوم نسبت پول حقیقی به پول اعتباری تقریباً ۳ است که ازنسبت $\frac{۱۵۰}{۴۳}$ بدست میاید . لذا ملاحظه میشود که یک میزان معین موجودی طلا در جامعه توانسته است در تعقیب تصمیمات مختلف نسبت پول حقیقی را به پول اعتباری تااین حد تغییر دهد.

ازطرفی طبق مدارك آماری، آفتالیون درسال ۱۹۴۷ درفرانسه نشان داده‌است که حجم اسکناس درگردش بمیزان ۲۷ درصد افزایش یافته است ، درصورتی که بموازات این افزایش حجم سپرده‌های شش بانک بزرگ فرانسه که کلیه عملیات کوتاه مدت بانکی را درتمام خاك فرانسه بعهده دارند فقط ۱۹ درصد افزایش یافته، ولی قیمتها دراین سال بمیزان ۵۵ درصد ترقی کرده است.

ملاحظه میشود که بااین دلایل دیگرنمیتوان بافرمول مشهور فیشر تغییرات قیمتها را متناسب باتغییرات حجم اسکناس منتشره دانست. زیرا ، چنانکه مطالعه‌شد، تغییرات هریک ازعوامل رابطه مقداری فیشر متناسب باتغییرات حجم اسکناس منتشره نیست وممکن است این عوامل هریک مستقل ازتغییرات اسکناس منتشره سطح قیمتها را درمعرض تغییر قرار دهد.

ب ـ عوامل اقتصادی درانتقاد آفتالیون ـ آفتالیون عوامل اقتصادی رادرانتقاد خود ازنظر بیان عدم تناسب تغییرات پول وقیمتها عنوان کرده است. درواقع آفتالیون معتقد است که همیشه تغییرات سطح قیمتها تابع تغییرات پول در گردش نیست، بلکه گاه باتغییرات عوامل اقتصادی سطح قیمتها تغییر میکند وبدنبال تغییرات آن حجم پول در گردش بالاجبار تغییر می‌یابد . آفتالیون برای اثبات نظر خود با استفاده از آمار منحنی هائی ازتغییرات قیمتها وپول در گردش رسم کرده است وعدم هماهنگی تغییرات پول وقیمتها را ازطریق این منحنی ها در دوره‌های معینی از اقتصاد فرانسه نشان داده است. مهمترین دوره‌ای که آفتالیون بآن استناد کرده مربوط به تغییرات گردش اسکناس وقیمتها درفرانسه بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ است. دراین دوره‌ازآوریل

۱۹۲۰ تافوریه ۱۹۲۲ قیمتها ٤۸ درصد تنزل یافته، درصورتیکه تنزل حجم اسکناس درگردش دراین دوره فقط ۳/۷ درصد بوده است. البته ازفوریه ۱۹۲۲ تا دسامبر ۱۹۲٤ منحنی‌های قیمتها و حجم پول درگردش هر دو ترقی یافته‌اند، ولی ترقی قیمتها بمیزان ٦٦ درصد بوده، درصورتیکه حجم اسکناس درگردش فقط ۱۱/۸ درصد ترقی کرده‌است. بعلاوه آفتالیون درتمام منحنی‌هائی که جهت‌نمایش تغییرات قیمتها واسکناس درگردش رسم شده نشان داده است که همیشه تغییرات اسکناس درگردش مدتی پس از تغییرات قیمتها صورت گرفته، بدینمعنی که ابتدا عوامل اقتصادی قیمتها را تغییر داده و سپس بدنبال تغییراتی که درسطح قیمتها حاصل شده میزان اسکناس درگردش تغییر یافته است[1].

ملاحظه میشودکه بامدارکی که آفتالیون ارائه میدهد اساس نظریهٔ‌مقداری پول متزلزل‌شده‌است. زیرا طبق نظریهٔ‌مقداری پول دررابطه $MV+M'V'=P.T$ فقط حجم اسکناس درگردش است که قیمتها را تغییر میدهد. زیرا چنانکه قبلاً دیدیم V و V' دراین رابطه ثابت‌اند و M' نیز تابع M است، یعنی تغییرات آن متناسب با تغییرات M فرض شده است. ولی، چنانکه ملاحظه شد، آفتالیون ابتدا ثابت میکندکه اولاً V و V' ثابت نیست وثانیاً M' نمیتواند تابع M باشد وسپس آفتالیون طبق مدارك آماری‌نشان میدهدکه در دوره‌هائی که مورد مطالعه او بوده وبعنوان نمونه سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲٤ را بامثال آوردیم تغییرات پول درگردش همیشه تابع تغییرات قیمتها است، بدینمعنی که ابتدا عوامل اقتصادی قیمتها را تغییر داده است وسپس بدنبال تغییراتی که درمعدل قیمتها حاصل شده حجم‌اسکناس درگردش تغییر کرده است.

۱- به‌کتاب زیر رجوع شود:

Aftalion, Monnaie, Prix et Change, Paris, 1949

وهمچنین کتاب دیگر مولف زیر عنوان:

Monnaie et Economie Dirigée, Paris, 1948.

۲ـ انتقادنوگارو ـ انتقادنوگارو در رد نظریهٔمقداری‌پول‌راه رابرای‌نظریه‌های جدید پولی باز کرده ، زیرا انتقاد نوگارو پایه و اساسی است که کینز برمبنای آن نظریه پولی خود را بنا نهاده است . ازاین نظر ما انتقاد نوگارو را باختصار بیان میکنیم وعقاید جدید پولی را درنظریهٔ کینز بتفصیل بیشتری مطالعه خواهیم کرد .

اساس انتقاد نوگارو درکنز قسمت مهمی از پول موجود در رابطه مقداری پول درهریک از دوره‌های مورد مطالعه است . درواقع نوگارو درانتقاد خود اظهار میدارد که تعادل بین حجم پول موجود در جامعه و قیمتها در نظریهٔ مقداری پول براساس این‌فکر استوار است که کلیه پول‌موجود درجامعه‌دریک دوره معینی‌بتواند صرف خرید کالاهاوخدمات گردد . ولی، چنانکه نوگارو عقیده‌دارد تمام پول‌موجود درهردوره صرف خرید کالاها وخدمات‌نمیگردد ، بلکه همیشه قسمت مهمی از پول درجریان کنز شده وبرای مدتی از مسیر خرید کالا و خدمت خارج میشود . بعلاوه همین‌استدلال درانتقاد نوگارو برای فروش کالاها نیز آمده است ، بدین معنی که نوگارو عقیده دارد که همیشه درجامعه کالاهای‌حاصل ازتولید ملی بفروش‌نمیرسد، بلکه اغلب قسمت مهمی ازکالاهای تولیدی انبار میگردد واز مسیر داد وستد در دوره مورد نظر طرفداران نظریهٔ مقداری پول خارج میشود .

ملاحظه میشود که با این انتقاد ، طرفین رابطهٔ مقداری پول‌دیگر اثرمتقابلی بریکدیگرندارند، یعنی اگر M حجم پول درگردش افزایش‌یابد ممکن‌است قسمتی از آن ازجریان خارج شود و کنز گردد و درنتیجه آنطور که‌طرفداران نظریهٔ‌مقداری پول درنظر داشتند معدل قیمتها افزایش نیابد؛ یااینکه‌ممکن‌است بموازات‌افزایش حجم پول درگردش بنابرعللی کالاها وخدمات‌تولیدی‌افزایش یابد ودرنتیجه‌تعادل بین طرفین رابطه مقداری پول ثابت بماند وقیمتها تغییری نکند . همچنین‌ممکن‌است در تعقیب تغییراتی که در محصول ملی حاصل میشود ، بدون اینکه در حجم پول درگردش تغییری حاصل شود ، طرفین رابطهٔ مقداری پول تعادل خود را از دست بدهند و درنتیجه قیمتها تغییرکند . ازاین نظر است که امروزه نظریهٔ مقداری پول

ارزش علمی خود را از دست داده است ومسائل مربوط به تغییرات پول وقیمت‌ها با نظریه های جدید مورد بررسی قرار میگیرد.

فصل دوم

نظریه‌های روانی پول

چنانکه مطالعه شد پایه واساس نظریهٔ مقداری پول را مکتب انگلوساکسون درقرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بنانهاده است. مکتب فوق به مکتب کلاسیک مشهور است. بدنبال مکتب کلاسیک مکتب کلاسیک جدید که به نئوکلاسیک مشهور است نظریه های روانی پول را بوجود آورده است.

اساس نظریه کلاسیک برمبنای اقتصاد طبیعی است، یعنی اقتصادی که درآن پول فقط وسیله دادوستد است و گردش چرخ اقتصادی جامعه براساس دادوستد جنس به جنس فرض میشود. دریک چنین وضعی کلاسیکها تعادل اقتصادی را براساس تساوی عرضه وتقاضای کل می دانستند ودراین تساوی بهره برداری ازمنابع اقتصادی جامعه را بصورت نیروی کار وسرمایه دراشتغال کامل تصورمیکردند. یعنی تعادل اقتصادی را در وضع اشتغال کامل عناصر تولید فرض مینمودند. لذا براساس این فکر کلاسیکها قیمت محصولات را باپول سنجیده وحجم پول جامعه را باحجم کالا ها وخدمات تولید شده درآن جامعه مقایسه میکردند ودراین مقایسه اگر مثلاً حجم پول افزایش مییافت کلاسیکها خودبخود قیمتها را متناسب باافزایش حجم پول درترقی فرض میکردند.
نئوکلاسیکها هم دربیان نظریه خود همان روش کلاسیک را دنبال کرده‌اند ودرواقع درهمان مسیر کلاسیکها گام نهاده‌اند وبهمین علت نیز هست که آنهارا نئوکلاسیک می نامند. زیرا نئوکلاسیکها براساس نظریه کلاسیکها نظریه خود را استوار کردند. منتهی درنظریهٔ کلاسیک تعادل اشتغال کامل براساس تساوی عرضه وتقاضای کل

است ودراین تساوی بهای تمام شده عرضه کل بصورت محصول ملی ضمن سنجش باپول تقاضای کل را بوجود میاورد و دراین رابطه قیمت محصول بستگی به حجم پول درگردش دارد. درصورتی که نئوکلاسیکها نظریهٔ خود را براساس مطلوبیت وعدم مطلوبیت‌نهائی عوامل اقتصادی‌نسبت بیکدیگر فرض کرده‌اند. دراین‌صورت تعادل اشتغال برمبنای مطلوبیت و عدم مطلوبیتی که هریک از عوامل برای افراد بوجود میاورد استوار میشود. ولی دراین نظریه سنجش عوامل عیناً همانطوریکه درنظریهٔ کلاسیک آمده است به‌پول‌است، منتهی براساس نقشی که مطلوبیت و عدم مطلوبیت نهائی عوامل مختلف بعهده دارد مسأله ارزش عامل اصلی است. زیرا براساس مطلوبیت و عدم مطلوبیت نهائی اشیاء است که ارزش آنها ضمن سنجش باپول تعیین میشود[1].

حال با این توضیح ملاحظه میشود که درنظریه های پولی کلاسیکهای‌جدید باتوجه به‌مسأله مطلوبیت وعدم مطلوبیت نهائی خودبخود عامل تقاضا واردمیشود وبرمبنای تقاضا اجباراً میزان درآمد افراد ملاك عمل قرار میگیرد و ازاین نظر است که نظریهٔ روانی پول ضمناً نظریهٔ درآمد پول است. دراین فصل ابتدا نظریه‌های روانی پول بیان وسپس به‌انتقاداتی که براین نظریه‌ها وارد است میپردازیم.

بخش اول - بیان نظریه‌های روانی پول

درطرح نظریه های‌روانی‌پول‌دو دانشمند مشهور یکی‌دانشمند اتریشی‌فون‌ویزر (F. Von Wieser) و دیگری دانشمند فرانسوی آفتالیون شرکت داشته‌اند. نظریهٔ روانی فون‌ویزر همان نظریهٔ درآمد پول است و نظریهٔ آفتالیون به‌نظریهٔ روانی پول بمعنای خاص مشهور گردیده است.

۱- مادراین مختصربیش ازاین نمیتوانستیم به‌بیان‌تعادل‌اشتغال کلاسیکهاونئوکلاسیکها بپردازیم، برای اطلاعات بیشتر خوانندگان میتوانند به‌کتاب نظریه‌های اقتصادی درقرن بیستم، جلداول، تعادل وعدم تعادل‌اقتصادی، نوشته مؤلف رجوع کنند.

۱ـ نظریهٔ درآمد پول ـ نظریهٔ درآمد پول براساس تقاضای افراد استواراست. بدینمعنی که دراین نظریه برخلاف نظریهٔ مقداری پول حجم پول در گردش معیار ترقی وتنزل قیمتها نیست، بلکه درآمد فردی افراد است که ازطریق ایجاد تقاضا تغییرات قیمتها را موجب میشود. در اینصورت طبق نظریهٔ درآمد پول حجم پول در گردش فقط موقعی میتواند موجب ترقی قیمتها گردد که باایجاد درآمد اضافی تقاضای افراد را افزایش دهد.

در حقیقت طبق نظریهٔ درآمد پول حجم پول در گردش بصورت $MV+M'V'$ تابع حجم درآمدهای جامعه است. بدینمعنی که اگر درآمدها درجامعه افزایش یابند حجم پول در گردش خود بخود افزایش می‌یابد. زیرا فرضاً اگر M میزان اسکناس منتشره نیز ثابت بماند بعلت تغییراتی که در V سرعت آن ویا تغییراتی که در M' حجم پول اعتباری و یا در V' سرعت آن ایجاد میشود خود بخود قیمتها افزایش می‌یابد واگر بعکس درآمدها درجامعه کاهش یابند حجم پول در گردش خودبخود کاهش می‌یابد. زیرا اگر فرضاً M میزان اسکناس منتشره نیز ثابت بماند بعلت تغییراتی که در M' ویا V ویا V' ایجاد میشود خود بخود قیمتها کاهش می‌یابد.

اگر بخاطر باشد در نظریهٔ مقداری پول در رابطه $MV+M'V'=PT$ سرعتهای پول حقیقی و پول اعتباری یعنی V و V' ثابت بود و حجم پول اعتباری یعنی M' نیز تابع حجم پول حقیقی یعنی M بود. دراین صورت تغییرات قیمتها یعنی P تابع تغییرات حجم پول حقیقی یعنی M میشد. درصورتیکه چنانکه درفوق ذکر شد در نظریهٔ درآمد پول بعکس نظریهٔ مقداری پول سرعتهای پول حقیقی و پول اعتباری هیچیک ثابت نیست وتغییرحجم پول اعتباری نیز تابع پول حقیقی نمیباشد، بلکه، چنانکه اشاره شد، بفرض ثابت بودن حجم پول حقیقی درمواقع تغییر درآمدها درجامعه سرعتهای پول حقیقی و پول اعتباری و همچنین حجم پول اعتباری دچار تغییرمیگردد، دراین صورت در رابطه $MV+M'V'=PT$ طبق نظریهٔ درآمد پول فقط T یعنی حجم دادوستد ثابت است، درنتیجه قیمتها فقط درمواقع افزایش درآمدها

ترقی ودرسواقع کاهش درآمدها تنزل می یابد.

حال باتوجه به نقش درآمدها درتغییرات حجم پول ودرنتیجه درتغییرات قیمتها طرفداران نظریهٔ درآمد پول عقیده دارند که حجم درآمدها درجامعه از دومنبع کاملاً مختلف بدست میآید. منبع اصلی ایجاد درآمد درنظریهٔ درآمد پول تولید است، یعنی ازطریق قیمت محصولات برای طبقاتی که نیروی کار وسرمایه خودرا درتولیدشرکت داده‌اند ایجاد درآمد میشود. درواقع اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که درآمد طبقات عبارت از قیمت عناصری است که درتولید شرکت میدهند، بطوریکه بهای عناصر فوق بصورت حقوق، مزد، بهرهٔ سرمایه، مال‌الاجاره و بهرهٔ مالکانه درآمد طبقاتی را بوجود میآورد که درتولید جامعه شرکت کرده‌اند. ولی درمقابل درآمدهای فوق درآمدهائی وجود دارد که منشأ آنها تولید جامعه نیست، بلکه‌این درآمدها از تصمیمات سیاسی، پولی ومالی دولت ناشی میشود، یعنی دولت باانتشار پول اضافی ازطریق بانک ناشراسکناس برای تأمین مالی دسته‌ای از مخارج بودجه برای طبقاتی ایجاد درآمد می‌نماید. مجموع این دو دسته از درآمدها یعنی ایجاد درآمدهای حاصل ازتولید ودرآمدهای حاصل ازتصمیمات دولت حجم کل درآمدهای جامعه‌را بوجود میآورد که درنظریهٔ درآمد پول بحرف R نمایش داده‌میشود. حال اگر حجم تولید Q و معدل قیمت محصولات P فرض شود معادلهٔ $R=P.Q$ رابطهٔ تغییرات قیمتها را نسبت به تغییرات درآمدهای جامعه تعیین میسازد.

دراین رابطه، چنانکه ملاحظه میشود درآمدهای جامعه یعنی R بصورت تقاضای آن جامعه معادل ارزش تولید، یعنی P.Q است. حال برای بیان عقاید طرفداران نظریهٔ درآمد پول بشرح تغییرات طرفین این رابطه میپردازیم.

اولاً، هرگونه تغییرات درحجم اسکناس درگردش یعنی M زمانیکه موجب تغییرات در درآمدها یعنی R نشود هیچگونه تغییری در سطح عمومی قیمتها یعنی P ایجاد نمیکند. بعنوان مثال فرض کنیم دولت بمنظور استهلاک قروض بلندمدت خود به‌افراد، دست بانتشار اسکناس اضافی بزند. بنظر طرفداران نظریهٔ درآمدپول استرداد وجوه قرضه از طریق انتشار اسکناس اضافی بهیچوجه ایجاد درآمد اضافی

برای افراد نمیکند. زیرا وجوهٔ فوق جایگزین پس‌انداز قبلی افراد که از محل آن بدولت وام داده‌اند میشود وافراد با استرداد پس‌انداز اغلب میزان مصرف خودرا بالا نمیبرند که بموازات آن تقاضا دربازار دادوستد افزایش یابد، بلکه افراد وجوهٔ فوق را مجدداً پس‌انداز یاصرف خرید اوراق قرضه جدید ویا کنزو ذخیره مینمایند. دراینصورت ملاحظه میشود که با افزایش M حجم اسکناس از V یعنی سرعت آن کاسته میگردد ودرنتیجه میزان حجم پول در گردش بصورت $MV+M'V'$ ثابت است و در رابطهٔ $R=P.Q$ نیز چون درمیزان درآمد افراد تغییری حاصل نمیشود، لذا R ثابت بوده و مقدار Q نیز تغییری حاصل نمیکند، در نتیجه P یعنی قیمتها دراین رابطه ثابت باقی میماند.

ثانیاً، هر گونه تغییرات در M بصورت اسکناس در گردش وقتی موجب تغییرات درآمدهای جامعه بصورت R شود خود بخود قیمتها یعنی P دچار تغییر میگردد. بعنوان مثال فرض کنیم دولت بمنظور افزایش حقوق کارمندان دست بانتشار اسکناس اضافی بزند. البته مسلم است که در تعقیب این تصمیم درآمد کارمندان دولت افزایش می‌یابد ودرنتیجه R حجم درآمدهای جامعه روبترقی میرود، بطوریکه بدنبال آن قیمتها افزایش می‌یابد. البته دراینمورد باین مسأله باید توجه داشت که ممکن است درصد ترقی قیمتها متناسب بادرصد ترقی حجم پول در گردش نباشد. زیرا طبق نظریهٔ درآمد پول درحجم پول در گردش بصورت $MV+M'V'$ سرعتهای پول حقیقی وپول اعتباری بصورت V و V' ثابت نیست. همچنین حجم پول اعتباری یعنی M' نیز تابع پول حقیقی یعنی M نمیباشد، درنتیجه قسمتی ازافزایش پول حقیقی بصورت اسکناس ممکن است ازطریق کاهش V سرعت آن و M' حجم پول اعتباری و V' سرعت آن خنثی گردد، لذا ممکن است بازاء ۲۰ درصد ترقی حجم اسکناس قیمتها فقط ده درصد افزایش یابد.

ثالثاً، کلیه عواملی که حجم درآمدهای جامعه را افزایش دهند، هرچند این عوامل پولی نباشند، معهذا موجب ترقی قیمتها در جامعه میگردند. بعنوان

مثال فرض کنیم در کشوری بنابرعلل اقتصادی نرخ ارز بالا رود . ما میدانیم که ترقی نرخ ارز درآمد طبقاتی‌را که دراسر دادوستد ارز ویا درآمد بازرگانانی‌را که به دادوستد بازرگانی خارجی اشتغال دارند افزایش میدهد. مثلاً درآمد دارندگان‌ارز افزایش می‌یابد ویا درآمد بازرگانانی که قبلاً بانرخ ارزان‌ارز کالاهای وارداتی از خارج داشته‌اند ویادرآمد بازرگانانی که باسرصادرات کالاهای داخلی اشتغال‌دارند افزایش می‌یابد و درنتیجه بدنبال ترقی این درآمدها ملاحظه میشود که اگر حجم درآمدهای جامعه یعنی R افزایش یابد چون‌حجم تولید جامعه Q ثابت است، لذا معدل قیمتها P خود بخود افزایش‌می‌یابد. البته ممکن است درتعقیب ترقی قیمتها عوامل پولی خودبخود دچار تغییر گردند. مثلاً ممکن‌است V سرعت پول افزایش یابد ، یا سپرده‌های بانکی افزایش یابند و درنتیجه حجم اوراق تنزیل شده ازطرف بانکها ترقی کند و یا اینکه بالاخره بانک ناشر اسکناس مجبور شود حجم اسکناس درگردش را افزایش دهد ودرنتیجه M ترقی کند. ولی، چنانکه مطالعه‌شد ، ترقی قیمتها دراین مثال درنتیجه ترقی درآمدها بوده که منشأ این ترقی افزایش نرخ‌ارز است وعوامل پولی‌رأسا درترقی‌قیمتها تأثیری نداشته‌اند، بلکه عوامل پولی بدنبال ترقی قیمتها دچار تغییر شده‌اند . همچنین است تورم‌های ناشی از ترقی نرخ مزد پس ازجنگ بین‌الملل دوم درکشورهائی که‌سازمانهای کارگری قوی هرروز بدنبال اعتصابات دامنه‌دار درآمدهای حاصل از مزد را درجامعه افزایش میدادند و چون حجم‌تولید Q دراین کشورهاثابت‌بود، بعلت‌افزایش‌حجم درآمدهایعنی R خودبخود قیمتها افزایش می‌یافت.

۲- نظریهٔ روانی پول بمعنای خاص - نظریهٔ‌روانی‌پول بمعنای خاص‌ازطرف آفتالیون دانشمند فرانسوی وضع شده است. این‌نظریه ازیکطرف براساس مشاهدات وبررسی وقایع وازطرف دیگر برمبنای‌قیاس های‌نظری استوار است. آفتالیون درمقدمه نظریه خود تورم سال ۱۹۲۳ آلمان را متذکر شده است. دراین سال قیمتها بطور سرسام‌آوری‌لحظه به‌لحظه درترقی‌بود ، چنانکه‌طبق‌نظر کارشناسان حتی در رستورانها

قیمت غذا ازلحظه‌ای به‌لحظه دیگر ترقی میکرد ، بطوریکه قیمت غذا مثلاً ازظهر تایک بعد ازظهر چند برابرمیشد . بااین تذکر آفتالیون اشاره میکند که چطورمیتوان درآمدها را درجامعه‌ای ازلحظه‌ای به‌لحظه دیگر درتحول دانست وترقی قیمتها را بآن‌شدتی که درآلمان ۱۹۲۳ اتفاق افتاد تابع تحول درآمدهای جامعه آنروز آلمان فرض کرد . بالاخره آفتالیون که تاریخ پولی معاصر را بدقت مورد مطالعه قرارداده بود با مشاهده این وقایع باین نتیجه رسید که نظریهٔ درآمد فون ویزر کامل نیست وبااصول نظریه ارزش نیزکه ازطرف مکتب اتریشی وضع شده مطابقت ندارد .

مانژر (Manger) پایه‌گذار مکتب اتریشی تغییرات قیمتها را مبتنی برتغییرات مطلوبیت وعدم مطلوبیت نهائی کالاها وخدمات میداند . بنظر او قیمت گندم برای یک زارع درحد مطلوبیت نهائی گندم تعیین میشود . درواقع اگر یک زارع مثلاً ۵ کیل گندم دراختیارگیرد ، اگرکیل اول را برای تغذیه وکیل دوم را برای بذر وکیل سوم را برای تهیه شیرینی وکیل های چهارم وپنجم را بترتیب برای مصارف غیر ضروری تری اختصاص دهد بتدریج که درمصارف کیل های گندم احتیاج زارع تأمین‌شود ازمطلوبیت نهائی گندم کاسته میگردد . مثلاً اگر بخواهیم ازطریق ارقام ارزش هریک ازکیل هارا تعیین سازیم وکیل اول‌را ۱۰ و دوم‌را ۹ و سوم وچهارم وپنجم‌را بترتیب ۸ و ۷ و ۶ بدانیم بعقیده مانژر قیمت گندم‌معادل مطلوبیت‌آخرین کیل یعنی کیل پنجم تعیین میشود . زیرا اگر قیمت گندم‌معادل مطلوبیت کیل سوم تعیین شود زارع مورد مثال مافقط سه کیل دراختیار خواهد گرفت وکیل های‌چهارم وپنجم بعلت فقدان مطلوبیت ازحدود دادوستد زارع خارج میشود . زیرا بعلت بالا بودن قیمت ازکیل‌سوم ببعد عدم مطلوبیت برای زارع بیش ازمطلوبیت گندم‌خواهد بود . یعنی‌بعلت مطلوبیت سایرمایحتاج وضروریات زندگی زارع نمیتواند ازکیل های چهارم وپنجم گندم استفاده کند . درواقع میتوان گفت بعلت احتیاجات دیگر استفاده ازکیل های بعدی برای زارع ایجاد نوعی عدم مطلوبیتی که ناشی از عدم استفاده از سایر مایحتاج زندگی است مینماید و در نتیجه داد وستد زارع ازکیل سوم ببعد

متوقف میشود. دراین صورت طبق قانون ارزش درمکتب اتریشی ارزش اشیاء بستگی به مطلوبیت نهائی آنها یعنی مطلوبیت آخرین واحد مورد نظر آن شیئی دارد. حال باتوجه به قانون ارزش مانژر، آفتالیون عقیده دارد که درنظریهٔ فون ویزر تغییرات قیمتها بستگی به تغییرات درآمدها یعنی مجموع واحدهای پولی که این درآمدها را تشکیل میدهددارد. درصورتی که بنظر آفتالیون پول خود نوعی ثروت است ودرباره آن قانون ارزش حکومت دارد. ازاین نظر ارزش پول نیز مانند سایر کالاها وخدمات برحسب مطلوبیت نهائی آن تعیین میگردد. حال باتوجه باین نکته آفتالیون به ویزر کاملاً حق میدهد که ارزش پول را مبتنی برمیزان درآمد بداند، چنانکه اگر درآمد شخصی افزایش یابد مطلوبیت نهائی آخرین واحد پول او کمتر از مطلوبیت نهائی آخرین واحد پول شخصی است که درآمد اوافزایش نیافته است. لذا اومیتواند بهتر از واحدهای پول خود برای دریافت کالا صرفنظرنماید تاشخصی که درآمدش محدود است. ولی بنظر آفتالیون ارزش پول را نمیتوان فقط مرتبط با درآمد دانست. زیرا دراین رابطه عامل دیگری که عبارت ازپیش بینی است وارد میشود. بدینمعنی که وقتی شخصی به صحیح یا غلط پیش بینی کند که درآینده قیمتها ترقی خواهد کرد وارزش پول پائین خواهد آمد او ارزش کمتری به واحدهای پولی که دراختیار دارد میدهد. یعنی افراد صرفنظر از سطح درآمد در مواقع ترقی قیمتها آسانتر قدرت خرید خود را درجریان دادوستد کالاها بجریان میاندازند.

ملاحظه میشود که روشی را که آفتالیون از نظر بیان رابطه قیمتها با میزان پول ودرآمد جامعه انتخاب کرده است بااصول مکتب اتریشی (مارژینالیست) بیشتر مطابقت دارد. بعلاوه طرز استدلال آفتالیون نظریهٔ روانی پول را از معایب نظریهٔ مقداری پول که تاحدودی درنظریهٔ درآمد فون ویزر منعکس شده است برحذرمیدارد. زیرا درنظریهٔ روانی آفتالیون بیشتر حالتهای انعکاسی افراد که ناشی از پیش بینی آنهاست ملحوظ است. درواقع درنظریهٔ درآمد پول رابطهٔ $R = P.Q$ چنانکه دیدیم تغییرات قیمتهارا متناسب باتغییرات درآمد نشان میدهد. درصورتیکه آفتالیون عقیده

دارد که عامل اصلی درترقی قیمتها پیش بینی است، بطوری که ممکن است حتی در مواقعی که درآمد افراد ثابت باشد براساس پیش بینی افراد نسبت به آینده قیمتها تغییر یابد ، هرچند آفتالیون عامل درآمدرا رد نمی نماید ، ولی آنرا در رابطهٔ قیمتها کافی نمیداند. لذا میتوان گفت که در رابطه $R = P.Q$ آفتالیون R را فقط درآمد نمیداند بلکه بعقیدهٔ آفتالیون R مبالغی است که برای خرید کالا ها وخدمات در بازار دادوستد ارائه میشود. بدین ترتیب از انتقاد آفتالیون برنظریهٔ درآمد پول و دخالت عامل پیش بینی درتغییرات قیمتها دونتیجه بدست میآید که بشرح زیر خلاصه میشود:

اولاً ، تغییرات حجم پول در گردش بصورت M درتغییرات قیمتهاموقعی مؤثر است که تغییرات پول موجب تغییرات درآمد و یا موجب تغییرات پیش بینی افراد نسبت به آینده گردد.

ثانیاً ، هر عاملی خواه پولی خواه غیر پولی که موجب تغییرات درآمد افراد و یاتغییرات پیش بینی افراد نسبت به آینده گردد تغییرات قیمتها را موجب میشود. چنانکه مصداق آنرا میتوان درتغییرات نرخ ارز در کشورها پس ازجنگ جهانی اول ودرتغییرات نرخ مزد پس ازجنگ جهانی دوم یافت.

بخش دوم ـ انتقاد برنظریهٔ روانی پول

نظریهٔ روانی پول هر چند تحولی در نظریه های پولی ایجاد کرد و مزایائی نسبت به نظریهٔ مقداری پول بدست آورد ، معهذا نظریهٔ کاملی نیست. زیرا این نظریه نیز درمعرض انتقاد است و انتقادات برآن از دونظر طرح شده است که از زاویه دید واحدی مورد بررسی قرار میگیرد.

۱ـ نظریهٔ روانی پول محدود به مصرف است ـ اولین انتقادی که به نظریهٔ روانی پول شده است انتقادی است که از انتقاد اصلی برمکتب اتریشی سرچشمه میگیرد وآن محدود بودن زاویه دید بررسی مارژینالیستها بمصرف است. در واقع از

نظر رابطهٔ پولی درآمد اگر موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم ملاحظه میشود که در رابطه $R=P.Q$ درآمدها یعنی R مجموع مبالغی است که به خرید کالاها وخدمات اختصاص می‌یابد. دراین‌صورت Q نماینده تولید کل نیست، بلکه نمایندهٔ تولیدی است که کالاهاوخدمات مصرفی را بوجود می‌آورد. و P معدل قیمت آنهاست. حال اگر بخواهیم رابطه پولی درآمد را به تولید نیز تسری دهیم مجبوریم مجموع سرمایه های پولی یعنی مجموع مبالغی را که صرف خرید کالاها واموال تولیدی میشود K بنامیم واگر P' معدل قیمت کالاها و اموال تولیدی و Q' حجم آنها باشد رابطهٔ $K=P'.Q'$ بدست خواهد آمد. ولی بفرض داشتن چنین رابطه این مسأله مطرح است که روابطی بین K و R و P' و P و Q' و Q باید برقرار کرد تا بتوان رابطهٔ کاملی ازنظر مجموع درآمدهای جامعه بدست آورد که کلیه گردش ثروتها اعم از تولیدی ومصرفی را دربر گیرد. البته برای مکتب روانی پول این مسائل مطرح نیست. زیرا دراین مکتب ارزش ثروتهای تولیدی ناشی از ارزش ثروتهای مصرفی است که بوسیله ثروتهای تولیدی بوجود آمده است. دراین‌صورت بنظراین مکتب اصولاً تولید تابع مصرف است، لذا از زاویه دید مصرف است که میتوان کلیه مسائل را مورد بررسی قرارداد، از این نظر در این مکتب مسأله ایجاد روابطی بین اجزاء دو معادلهٔ $R=P.Q$ و $K=P'.Q'$ نمیتواند مصداق یابد، زیرا در مکتب روانی پول وقتی Q حجم تولید ثابت فرض شود Q' نیز ثابت بوده و تابع Q میگردد. و P' معدل قیمت ثروتهای تولیدی نیز تابع P معدل قیمت ثروتهای مصرفی‌است. زیرا، چنانکه دیدیم، ارزش ثروتهای‌تولیدی ناشی از ارزش ثروتهای‌مصرفی است وتولید درواقع دراین مکتب انعکاسی ازمصرف است. بین R و K نیز درمکتب روانی پول نمیتوان رابطهٔ بخصوصی درنظر گرفت. زیرا بنظر این مکتب وقتی تقاضای کالاهای مصرفی درتعقیب افزایش R توسعه یابد خودبخود منابع پولی تولید کنندگان برای سرمایه گذاری افزایش می‌یابد، دراین‌صورت K متناسب با R توسعه می‌یابد. البته بفکرطرفداران مکتب روانی پول خطور نمیکند که تغییرات K بتواند مستقل از تغییرات R صورت

گیرد. زیرا بنظر آنها همیشه ثروتهای تولیدی انعکاسی از ثروتهای مصرفی است و درنتیجه بازار دادوستد کالا های تولیدی خود بخود تابع بازار دادوستد کالا های مصرفی میگردد ودرنتیجه P' متناسب با P تغییر می‌یابد.

۲ـ حجم دادوستد T وحجم تولید Q ثابت است ، یا اینکه مستقل ازعوامل پولی تغییرمی یابد ـ انتقاددیگری که برنظریهٔ روانی پول شده‌است انتقادی‌است که‌ازانتقاد اولی سرچشمه میگیرد وآن عدم توجه به تغییرات حجم تولید و دادوستد است و یا لااقل عدم توجه به‌ارتباط تغییرات‌تولید درسواقع ترقی قیمتها است. درنظریهٔ روانی پول ، چنانکه ملاحظه شد ، وقتی R درتعقیب افزایش درآمد افراد افزایش یابد، یا اینکه وقتی‌درتعقیب عوامل صرفاً روانی پیش‌بینی‌افراد نسبت به‌آینده تغییر کند، قیمتها ترقی می‌یابد. ولی ، چنانکه دیدیم ، درنظریهٔ روانی پول T حجم دادوستد وQ حجم تولید ثابت است واگر تغییراتی نیز درتولید حاصل شود این تغییرات مستقل ازعوامل پولی‌است، بطوریکه درنظریهٔ روانی‌پول رابطه بین تغییرات‌درآمدها یا تغییرات پیش‌بینی وقیمتها مستقل از تغییرات تولید است. ولی بااین مسأله باید توجه داشت که نظریهٔ روانی پول با وجود امتیازاتی که نسبت به نظریه‌های پولی گذشته کسب کرده است ، معهذا از این نظرناقص بنظر میرسد. زیرا امروزه بتجربه ثابت شده است که در تغییرات قیمتها بموازات‌تغییرات پول یا تغییرات درآمدها ویا تغییرات عوامل روانی مثل پیش‌بینی افراد نمیتوان حجم تولید را ثابت فرض کرد. درواقع ممکن است درنتیجه عوامل پولی و غیر پولی قیمتها ترقی کند، ولی ممکن است بموازات ترقی قیمتها تولید نیز افزایش یابد و بااین مسئله باید توجه داشت که اگر درصد ترقی تولید بیش از درصد ترقی قیمتها باشد خود بخود ترقی قیمتها خنثی میشود. همچنین ممکن است بعلت‌عدم استفاده کامل از وسایل تولیدعواملی که درنظریهٔ روانی‌پول عوامل ترقی‌دهنده قیمتها بحساب میآیند نتوانند عملاً ترقی قیمتها را موجب شوند. زیرا دراینطور مواقع اغلب از وسایل تولید بیکار استفاده

میشود ، بطوریکه درتعقیب‌آن تولید افزایش می‌یابد و افزایش تولید تا حدودی ترقی قیمتها را خنثی میسازد .

فصل سوم

نظریهٔ پولی کامبریج

کینز دانشمند انگلیسی درسال ۱۹۲٤ کتابی زیر عنوان Tract in Monetary Reform منتشر ساخت که‌میتوان آنرا به‌رفورم پولی‌معنی کرد . در رفورم پولی کینز خواسته است تحولی درنظریهٔ مقداری پول بوجود آورد . این تحول بمنظور اصلاح وتجدید نظردر رابطهٔ‌مقداری کلاسیک‌است . بدینمعنی که کینزخواسته است معادلهٔ پولی کلاسیک را بامعادلهٔ جدیدی‌اصلاح کند . البته‌برخلاف معادلهٔ ایروینگ فیشر که برای مدت معینی یعنی درطول دورهٔ معینی رابطهٔ بین گردش پول و قیمتها را درنظر میگیرد معادلهٔ پولی کینز درکتاب رفورم پولی که به معادلهٔ کامبریج‌مشهور است دریک لحظه از زمان بین عوامل پولی وقیمتها ارتباط برقرار میسازد . از این جهت ملاحظه میشود که اگر ازجهاتی معادلهٔ کامبریج برفرمول پولی فیشر رجحان وبرتری دارد ، ولی از این‌نظر که روابط مقداری را فقط درلحظه‌ای از زمان درنظر میگیرد وفعل‌وانفعالات‌پولی‌را دریک دورهٔ معینی بحساب نمی‌آورد نسبت به‌معادلهٔ فیشر امتیازی بدست نیاورده وکم اهمیت‌تر است .

کینز برای طرح نظریهٔ خود خرید یک خانواده را درنظر میگیرد . اجناس مورد خرید خانواده باقیمتهای متفاوتی در بازار دادوستد عرضه میشود ومصرف‌آنها برحسب نوع زندگی خانوادگی درکشورهای مختلف در بودجهٔ خانواده‌ها وارد میگردد . مثلاً درزندگی یک انگلیسی مواد مورد مصرف خانوادگی بیشتر چای وگوشت است و مواد مورد مصرف خانوادگی در زندگی یک فرانسوی بیشتر نان وشراب ودرزندگی یک آلمانی بیشتر سیب زمینی است . حال باتوجه به خصوصیت

مصرف خانوادگی در کشورهای مختلف کینزیک واحد مصرفی مرکب ازمواد مختلف را دربودجهٔ خانوادگی برحسب کشورهای مختلف درنظرمیگیرد. این واحدمصرفی مرکب از مواد مختلف را کینز درنظریهٔ کامبریج به یک زنبیل مواد خریداری از بازار تعبیر کرده است. زنبیلی که محتوی آن چنانکه دربالا اشاره شد برحسب وضع مصرف خانوادگی در کشورهای مختلف متفاوت است. قیمت متوسط مواد این زنبیل P است و برای خرید مواد فوق افراد بدو نوع پول حقیقی و پول اعتباری متوسل میشوند. حجم پول حقیقی بصورت اسکناس برای بدست آوردن مواد مصرفی در لحظه‌ای از زمان K وحجم پول اعتباری بصورت چک که‌معادل سپرده‌های دیداری افراد است K' فرض میشود. حال اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که افراد برای تهیه موادموردمصرف به‌قیمت P مجبورند بمیزان K.P اسکناس‌وبمیزان K'P ازسپرده‌های بانکی بصورت چک استفاده نمایند. البته درهر کشوری K'P که‌حجم سپرده است بنوبه متناسب با مقداری اسکناس است که هر بانک مجبور است طبق قوانین بانکی بصورت موجودی همیشه درصندوق نگاهداری نماید. نسبت بین‌حجم پول اعتباری‌وپول‌حقیقی که‌بانکهامجبورند درصندوق نگاهداری‌نمایندد رکشورهای مختلف ودر زمانهای مختلف متفاوت است. زیرا این‌نسبت ممکن است طبق قوانین بانکی تغییر یابد. حال اگر این نسبت را R بنامیم ملاحظه میشود که همیشه‌حجم پول اعتباری در گردش‌بصورت K'P برابر K'PR پول‌حقیقی در گردش است. زیرا اگر نسبت پول حقیقی به پول اعتباری مثلاً $\frac{۱}{۲}$ یا $\frac{۲}{۳}$ یا نسبت دیگری باشد حجم پول اعتباری ضرب دراین نسبت‌پول حقیقی را باندازه‌ای که برای ذخیرهٔ بانکی‌بکار میرود نشان میدهد. حال با توجه به نسبت پول حقیقی و پول اعتباری اگر حجم اسکناس درگردش را N بنامیم قسمتی از حجم اسکناس درگردش برای تأمین خریدهائی که افراد بااسکناس‌انجام‌میدهند یعنی KP بکار میرود وقسمت دیگر آن صرف ذخیرهٔ بانکی برای ایجاد پول اعتباری درگردش میشود درنتیجه رابطه بین پول اعتباری وپول حقیقی وقیمتها بصورت رابطه $N=KP+K'PR$ درمیاید که

اگر از P در رابطه فوق فاکتور گرفته شود رابطه بصورت زیر درمیآید :

$$N=P(K+K'R)$$

دراین معادله چنانکه ملاحظه شد رابطهٔ مقداری بین عواملی برقرار شده‌است که مورد نظر وتوجهٔ فیشردرمعادلهٔ‌مقداری پول نبوده است. ازاین نظرمیتوان گفت که معادلهٔ پولی کامبریج برمعادلهٔ پولی فیشر رجحان‌وبرتری دارد. زیرا درمعادلهٔ پولی کامبریج تناسب بین پول حقیقی وپول اعتباری دقیقاً تعیین شده است و نسبت بین استفاده از هر دو نوع پول در دادوستد افراد بیان گردیده، بطوریکه میتوان نسبت خرید افرادرا ازطریق اسکناس‌وچک‌مشخص کرد. کینز معتقد است که‌نسبت بین K و K' درهر کشور بستگی به‌ساختمان اقتصادی وپولی آن کشور دارد. ولی کینز اضافه میکند که N یعنی حجم‌اسکناس‌منتشره و R نسبت قانونی بین‌موجودی بانکها وسپرده‌ها در اختیار و تحت کنترل دولت است که باید درچهارچوب سیاست پولی کشور تغییر یابد. کینز درمعادلهٔ پولی کامبریج مثل معادلهٔ مقداری کلاسیک تغییرات قیمتها را به حجم پول درگردش بستگی میدهد و عقیده دارد که دولت باتغییرات N و R میتواند قیمتها را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه ملاحظه میشود که دررابطهٔ $N=P(K+K'R)$ درواقع هریک‌ازعوامل رابطه بصور N و K و K' و R میتوانند قیمتها را تغییردهند. بعلاوه کینزاضافه میکند که بغیر ازمواردی که‌عوامل روانی وپیش‌بینی عوامل پولی‌رابطهٔ فوق را تغییر میدهند قیمتها بهیچوجه نمیتوانند بطور مؤثر عوامل پولی معادلهٔ کامبریج مثل N و R و K و K' را مورد تغییر قرار دهند[1]. درنتیجه ملاحظه میشود که طرز تفکر کلاسیک از این بابت درنظریهٔ‌پولی کینز درکتات رفورم‌پولی کاملاً حفظ شده است. البته‌این‌نظریه درمعرض‌انتقادات

۱- برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۱۵۲ کتاب زیر رجوع شود :

La Théorie Economique du Temps Présent, Collection fondée par B.Nogaro et Dirigée par Emile James et André Marchal, Editions Domat Mont chrestien, Paris 1952.

شدید است وانتقادات برآن از نوع انتقاداتی است که بر نظریه های پولی کلاسیک وارد شده است. هرچند خود کینز نسبت به‌نظریهٔ پولی کامبریج وفادار نماند وپس ازمدتی آنرا ترک کرد. نظریهٔ پولی کینز بطورکامل بعنوان نظریهٔ عمومی پول در کتاب «نظریهٔ عمومی اشتغال ، بهره و پول» که درسال ۱۹۳۶ منتشر شد ، آمده است. البته کینز قبل ازاین نظریه درسال ۱۹۳۳ درکتابی زیر عنوان «بحث درباره پول»[۱] عقاید پولی خودرا بیان کرده بود. ولی کینز بعداً عقاید خود را اصلاح کرد ونظریهٔ کامل او چنانکه اشاره شد درسال ۱۹۳۶ ضمن بیان تعادل اشتغال و پول درکتاب نظریهٔ عمومی آمده است.

فصل چهارم

نظریهٔ عمومی پول

پایه و اساس نظریهٔ جدید پولی را دو اقتصاد دان بزرگ : یکی دانشمند سوئدی ویکسل (Knut Wicsell)[۲] ودیگری دانشمند مشهور انگلیسی‌لرد کینزبنیان نهاده‌اند. ویکسل اولین دانشمند علم اقتصاد است که نظریه‌ای برخلاف سنت و روش کلاسیک بوجود آورده است. زیرا این دانشمند دراواخر قرن نوزدهم یعنی درسال ۱۸۹۸ برخلاف نظریهٔ بازارژان‌باتیست‌سی (Jean Baptiste Say) که درآن زمان قانون بلامعارض اقتصاد کلاسیک بود نظریهٔ تعادل و عدم تعادل را بوجود آورد. قانون بازار ژان باتیست‌سی بنام La Loi de Débouché باین مفهوم است که عرضه خودبخودایجاد تقاضا وتقاضا ایجادعرضه‌میکند. دراین‌صورت‌تعادل اقتصادی

۱- Keynes, A Treatise on Money

۲- Wicsell, Lectures of Political Economy, Londres, 1936.

The Economists on Inflation. the Revievv of Economics and Statistics, 1948.

همیشه خودبخود ازطریق تساوی عرضه وتقاضا بوجودمیآید. درواقع بنظر سی‌عرضه مخارجی دارد که کلیه این مخارج بصورت هزینه تولید درآمد طبقات مختلف را بوجود میآورد که بالاخره بصورت‌تقاضاعرضه‌را بصورمحصول‌تهیه‌شده جذب‌مینماید. ازطرفی‌عرضه فقط معادل تقاضا بوجود میآید. زیرا درصورت ازدیادآن‌نسبت به‌تقاضا ضرر حاصل از محدودیت بازار فروش ودرنتیجه‌تنزل قیمت، عرضه را درست معادل تقاضا بوجود میآورد. همچنین در صورت کمبود عرضه نسبت به تقاضا توسعهٔ بازار وافزایش قیمت، تولید کنند گان‌را تشویق به افزایش تولیدمینماید. درنتیجه‌عرضه درست معادل تقاضا ایجاد میشود، بطوریکه تعادل عرضه و تقاضا بصورت تعادل اقتصادی تولید را درست معادل امکانات اقتصادی جامعه توسعه میدهد. در این قانون پول فقط نقش واسطه را بعهده دارد ووسیله دادوستد است، بطوریکه دراین رابطه‌عرضه وتقاضا باپول‌سنجش‌میشود. دراین‌صورت براساس‌معاوضه جنس به‌جنس که‌همیشه درنظریه‌های کلاسیک حکمفرمابوده است پول‌ازنظرتساوی عرضه وتقاضا هیچگونه نقشی ندارد وفقط یکنوع وسیله اندازه گیری است.

بعکس ژان باتیست‌سی، ویکسل دراواخر قرن نوزدهم ثابت کرد که تعادل اقتصادی یک حالت پایدار نیست، بلکه اقتصاد اغلب با عدم تعادل مواجه است وتعادل وعدم تعادل اقتصادی ناشی از تساوی و عدم تساوی دو نرخ بهره است. این دونرخ بهره یکی‌بهرهٔ حقیقی است که درواقع بهرهٔ سرمایه است که بصورت‌بازدهٔ آن درجامعه تجلی مینماید ودیگری بهرهٔ اسمی است که از افزایش و کاهش حجم پول در جامعه ناشی میشود. ویکسل اضافه میکند که تعادل اقتصادی فقط وقتی بوجود میآید که این دونرخ بایکدیگر مساوی باشند. زیرا درصورت عدم تساوی این دونرخ عدم تعادل اقتصادی بوجود میآید. درواقع وقتی نرخ بهرهٔ اسمی کمتر ازنرخ بهرهٔ حقیقی‌باشد بازدهٔ سرمایه بیش ازبهرهٔ پولی‌سرمایه خواهد شد. درنتیجه سرمایه گذاری تشویق میشود وتولید توسعه می‌یابد. ویکسل اضافه میکند که در نتیجهٔ کاهش بهرهٔ اسمی نسبت به‌بهرهٔ حقیقی افزایش سرمایه گذاری وتوسعهٔ تولید

بدنبال یکدیگر طوری تعقیب میشوند که افزایش هر یک موجب افزایش دیگری میگردد، بطوریکه این وضع تولید جامعه را درمسیربرهم افزائی (Processus Cumulatif) که اصطلاح خاص این دانشمند است قرارمیدهد. مسیربرهم افزائی، یا سیرانباشتگی مسیری است که درآن آثار هردسته ازعناصر بریکدیگر انباشته شده وآثار شدیدتری بوجود میاورد. ازنظر تشبیه میتوان سیر برهم افزائی را در اجسام فیزیکی به بهمن تشبیه کرد. در بهمن چنانکه میدانیم ذرات برف درمسیربهمن بریکدیگر انباشته‌شده و حجم عظیمی را بوجود میاورد که بتناسب سرعت و شیب و طول مسیر بهمن آثار شدیدی را ایجاد میکند. همینطور است سیر برهم افزائی در نظریهٔ ویکسل از نظر تأثیر متقابل تولید وسرمایه گذاری. البته همانطوریکه بالاخره بهمن درمسیر خود متوقف میشود سیر بهم افزائی تولید نیز درنظریهٔ ویکسل انتها و توقفی دارد و آن انتها وتوقف زمانیست که دوبهرهٔ اسمی و حقیقی بالاخره با یکدیگر مساوی گردند. در آن موقع است که عدم تعادل که درمسیر ترقی ایجاد شده بود به تعادلی که ناشی از توقف است گرایش می یابد. درنظریهٔ ویکسل این حالت درمسیر تنزل و کاهش نیز آمده است وآن درموقعی است که نرخ بهرهٔ اسمی بیش از نرخ بهرهٔ حقیقی باشد، بطوریکه درنتیجهٔ تنزل بازدهٔ سرمایه نسبت به بهرهٔ پول سرمایه گذاری کاهش یابد وبدنبال آن تولید درمسیر برهم افزائی درجهت تنزل قرار گیرد. بالاخره کینز دانشمند انگلیسی که هیچگونه تماس وارتباطی باویکسل نداشت وبنا بادعای خود او حتی کتاب ویکسل را نیز تا آن موقع که بزبان آلمانی بود مطالعه نکرده بود در سال ۱۹۳۶ نظریهٔ عمومی اشتغال بهره و پول را تصنیف کرد.

کتاب نظریهٔ عمومی اشتغال بهره وپول یکی از کتب مشکل وپیچیده وبغرنج ونامفهوم علم اقتصاداست. کینز دانشمند اقتصادی انگلستان که ازنوابغ قرن بیستم است نخواسته است نظریهٔ خودرا روشن بیان کند، بطوریکه باقرائت کتاب نظریهٔ عمومی خواننده اغلب گمراه و سرگردان است، چنانکه اغلب ملاحظه شده است هرخواننده ازاین کتاب نوعی تفسیر کرده است که تفسیراو گاه بانظریهٔ واقعی دانشمند

انگلیسی کاملاً مغایربوده‌است. در این صورت دربیان نظریهٔ پولی کینزما با این مشکل مواجهیم که اگربخواهیم نظریهٔ پولی کینز را عیناً نقل کنیم بیان نظریه طبق روش کینز برای خوانندگان بطور مسلم نامفهوم خواهد بود و اگر بخواهیم طبق روش سهلتری با آوردن شواهد و اضافاتی نظریهٔ کینز را تفسیر کنیم این خطر هست که ما نیز دچاراشتباهاتی‌شویم، بطوریکه نتوانیم دربیان‌نظریه‌جانب امانت را درباز گو کردن نظریه رعایت کنیم. لذا ما مجبوریم با نهایت احتیاط حد فاصل را بگیریم وامیدواریم خوانندگان مشکل ما را مورد توجه قرار دهند و اگر مطالبی مشکل وپیچیده بنظر رسد برما خرده نگیرند.

بخش اول - اصول کلی در نظریهٔ پولی کینز

اصول کلی نظریهٔ پولی کینز اصولی است که برطبق آن طرح نظریه تحقق می‌یابد. این اصول را کینز بطور جداگانه در مقاله‌ای زیر عنوان نظریهٔ عمومی اشتغال[1] برای سهولت فهم نظریهٔ عمومی درسال ۱۹۳۷ در مجله اقتصادی[2] منتشر کرد. این مقاله بهترین نوشته‌ای است که میتواند اصول کلی نظریهٔ پولی کینز را بیان دارد.

۱- پیش بینی - پیش‌بینی تطبیق وضع حال به آینده است. پیش بینی اساس نظریهٔ کینز است. زیرا کینز در نظریهٔ خود همیشه وضع موجود را نسبت به آینده می‌سنجد. مسلماً پیش‌بینی درنظریهٔ کلاسیک هم آمده است. ولی عامل پیش‌بینی درنظریهٔ کلاسیک‌فقط برای توجیه عوامل درزمان‌حال است، درصورتیکه پیش‌بینی درنظریهٔ کینز برای توجیه عدم تطبیق عوامل در حال و آینده است. درواقع اگر پیش‌بینی درنظریهٔ کلاسیک آمده است بیشتر ازاین‌نظر است که وضع حال به آینده تسری یابد، درصورتیکه عامل پیش بینی در نظریهٔ کینز از نظر تسری وضع حال به‌آینده‌نیست، بلکه‌پیش‌بینی درنظریهٔ کینز براساس‌ضریب‌احتمالات‌است، بطوریکه

۱- The General Theory of Employment
۲- Quarterly Journal of Economics

طبق این ضریب آینده محاسبه شود و وضع حال آنطوریکه آینده بتواند آنرا بپذیرد بوجود آید.

۲- پیش بینی وپول - حال باتوجه به‌نقش پیش‌بینی وابهامی که کینز به‌آینده میدهد ملاحظه میشود که همیشه اموال و ثروتها در آینده بوضعی که حال ایجاب میکند عرضه نمیشوند، بلکه اموال و ثروتها همیشه دستخوش تغییرند و افزایش وکاهش آنها مربوط به‌تغییر وضع حال درآینده است. دراین‌صورت ممکن است آینده اموال وثروتها را طوری باردار عرضه دارد که صاحبان آنها با منافع سرشاری روبرو گردند، یااینکه ممکن‌است آینده مبهم ازارزش اموال وثروتها بکاهد ودارندگان آنها را باکاهش ثروت وضرر روبرو سازد. حال کینز اضافه میکند که پول که وسیله دادوستد وحفظ ارزش است میتواند در این مورد نقش اصلی را در رفع ابهام آینده بازی کند. بدینمعنی که بعلت ابهام آینده کسانیکه‌ازسرنوشت‌اموال‌خود مشکوک‌اند و نسبت به نفع و ضرر آینده در تردید بسر میبرند بپول که بنظر آنها نقش بیطرف را بعهده‌دارد متوسل‌میشوند، بدین‌ترتیب که‌اموال وثروتهای‌خودرا بپول مبدل‌ساخته سرمایه‌های جنسی خود را به‌سرمایه‌های نقدی تبدیل مینمایند.

۳- نرخ بهرهٔ پول - ملاحظه شد که بعلت ابهام آینده افراد ترجیح میدهند که قسمتی از اموال آنها بصورت نقدینه باشد، زیرا ازطریق نگاهداری نقدینه‌آنها بیشتر میتوانند حوائج خود را برطرف سازند. مجموع این نقدینه‌ها که کنز[۱] جامعه را بوجود میاورد طبق نظریهٔ پولی کلاسیک چنانکه دیدیم ازطریق تغییرات سرعت پول قیمتها را مورد تغییر قرار میدهد. زیرا طبق نظر کلاسیکها اگر پول درگردش چه ازنظر حجم و چه از نظر سرعت تغییر یابد این تغییرات موجب تغییرات قیمتها میگردد. درنظریهٔ کینز برای هرسیستم‌پولی این‌حجم ثابت است ومیزان آن‌بصورت مجموع نقدینه‌جامعه مستقیماً باقیمتها رابطه‌ای ندارد، بلکه ازطریق نرخ بهرهٔ‌پول است که بطور غیر مستقیم این نقدینه‌ها قیمتها را تحت تأثیر قرار میدهد. نرخ بهرهٔ

۱- Thésaurisation

پول بهای واگذاری این نقدینه ها است. زیرا وقتی افرادی اموال خود را بصورت نقدینه درمیآورند افراد دیگری بعلت احتیاج به نقدینه حاضر میشوند مبلغی اضافه به‌صاحبان نقدینه بپردازند تاآنها ازنگاهداری نقدینه نزد خود انصراف حاصل کنند ووجوهٔ خودرا درمعرض وام قراردهند. ولی‌باید ببینیم این‌نقدینه ها ازکجاسرچشمه میگیرد وچگونه درجامعه بوجود میآید؟ کینز معتقد است که مجموعهٔ این‌نقدینه ها قسمتی ازپول درگردش‌است که ازگردش دادوستد برای‌مایحتاج زندگی خارج‌شده است. درواقع بنظر کینز پول درگردش درجامعه به دوقسمت میشود: یک قسمت صرف دادوستد وقسمت دیگر ازگردش‌دادوستدخارج ونقدینه هائی را بوجود میآورد که افراد بوسیلهٔ آن به‌اعمال سفته بازی مبادرت میورزند. بدینمعنی که افراد گاه ثروتهای جنسی خودرا تبدیل به‌نقود وزمانی نقود خودرا تبدیل به ثروتهای‌جنسی واموال مینمایند وبدین‌ترتیب درجامعه اعمال سفته‌بازی بمنظور تحصیل نفع بیشتر صورت میگیرد.

حال اگر درست دقت‌شودملاحظه میگردد که این نقدینه ها درجامعه‌بصورت کنز عرضه وتقاضائی دارد و از تلاقی عرضه و تقاضای این نقدینه‌هاست که درواقع نرخ بهره تعیین میشود.

عرضه کنندگان افرادی هستند که بادریافت درصد مبلغی اضافی بصورت‌نرخ بهره حاضرند نقدینه‌خودرا بصورت‌وام واگذار نمایند. تقاضاکنندگان کسانی‌هستند که باپرداخت درصد مبلغی اضافی بصورت بهره حاضرند نقودی در اختیار گیرند، تا اینکه بتوانند باآن نقود ثروتهائی تهیه نمایند. زیرا آنهاپیش‌بینی میکنند که قیمت این ثروتها درترقی است و مابه‌التفاوت ترقی‌قیمت وبهره پرداختی برای آنها منافعی بوجود خواهد آورد. البته این منافع تا موقعی است که ما به‌التفاوت قیمت اجناس درحال و آینده بیش از بهرهٔ پرداختی باشد، زیرا موقعیکه ما به‌التفاوت قیمت کمتر یامساوی‌بهرهٔ پرداختی گردد خود بخود انگیزهٔ دریافت وام منتفی میگردد وتقاضای نقدینه دراین‌حد متوقف میشود.

حال ملاحظه میشود که اولاً نرخ بهره از تقاطع عرضه وتقاضای نقدینه بوجود میآید ، یعنی درتعیین آن دوعامل دخالت دارد : یکی حجم نقدینهٔ موجود درجامعه ودیگری میل افراد به نگاهداری نقدینه برای منظورهای مختلف وثانیاً نقدینه برخلاف نظریهٔ پولی کلاسیک مستقیماً برقیمتها اثری ندارد ، بلکه نقدینه بطور غیر مستقیم ازطریق تغییراتی که درنرخ بهره ایجاد میکند قیمتها را تحت تأثیر قرار میدهد.

۴ ـ پول و تولید ـ ماگفتیم که نقدینه برای خرید ثروتهائی بکار میرود که در زاوایه دید پیش بینی دارندگان نقدینه درمعرض افزایش بها است، یعنی ثروتهائی که علاوه برثروت موجود ثروتهای اضافی ایجادمیکند. این افزایش بها بطرق مختلف صورت میگیرد، بدینمعنی که اضافه ارزش گاه صرفاً بصورت افزایش بها است، مثل ترقی قیمت زمین یاخانه وملک وامثال آن. افزایش ثروت گاه افزایش تولیدی است، مثل ماشین آلاتی که محصولی بوجود میآورد ، مثل کارخانه وامثال آن ویا ثروت بصور سرمایه های مالی است، مثل سهام شرکتها که افزایش ارزش ازطریق ترقی قیمت سهام صورت میگیرد. درهرصورت باین مسأله باید توجه داشت که درخرید ثروتهای فوق موقعی اقدام میشود که بازدهٔ آنها بیش ازبهرهٔ نقودی باشد که برای خرید این ثروتها بکار رفته است. یعنی کسانیکه صاحب نقودند ویا کسانی که این نقود را ازصاحبان آن وام میگیرند موقعی اقدام به خرید اموال سرمایه‌ای میکنند که بازدهٔ اموال فوق در طول مدت مورد نظربیش ازبهره‌ای باشد که به نقود فوق تعلق میگیرد. بعلاوه برای سرمایه های جدیدالتأسیس یعنی برای ثروتها واموالی که جدیداً احداث میگردد ، مثل کارخانه وابنیه وامثال آن هزینهٔ تولیداین نوع سرمایه ها بادرآمدهائی که درطول مدت کارشان بوجود میآورند مقایسه میگردد وبالاخره بازدهٔ سرمایه بابهرهٔ نقدینه‌ای که برای تهیهٔ این سرمایه ها بکار رفته‌است مقایسه میشود وبدین ترتیب عملیات سرمایه‌ای بصورت سرمایه گذاری توسعه می یابد. این توسعه تا موقعی ادامه داردکه نرخ بهره کمتر از بازده نهائی سرمایه باشد، بطوری که درصورت تساوی بازدهٔ نهائی سرمایه ونرخ بهره سرمایه گذاری متوقف میگردد واین حدتساوی درنظریهٔ کینز حدسرمایه گذاری

است. زیرا پس از آن سرمایه گذاری درحد نهائی توسعه خود متوقف میشود.

ملاحظه میشود که نرخ بهره چه نقشی درتوسعه تولید وسرمایه گذاری دارد. زیرا اگر نرخ بهره پائین باشد سرمایه گذاری تشویق میشود وتولید توسعه می یابد. بعکس وقتی نرخ بهره افزایش یابد درمقایسه نرخ بهره با بازدهٔ نهائی سرمایه بعلت محدودیت حدتوسعهٔ سرمایه گذاری، سرمایه گذاری متوقف میگردد وسطح تولید کاهش می یابد.

حال اگر نظریهٔ پولی کلاسیک‌را بخاطر آوریم ملاحظه میشود که کلاسیکها معتقد بودند که باافزایش حجم پول قیمتها ترقی میکند (نظریهٔ مقداری پول) و از طریق افزایش قیمتها تولید کنندگان تشویق به تولید اضافی شده در نتیجه تولید توسعه می یابد. درنظریهٔ کینز نیز افزایش پول درجامعه بهمین نتیجه منتهی میشود، منتهی طرز استدلال کینزبدین ترتیب است که باافزایش پول رجحان نقدینه درافراد بحد اشباع خود میرسد، بطوریکه پس ازمدتی رجحان نقدینه درجامعه رفته کاهش می یابد وبدنبال کاهش رجحان نقدینه نرخ بهرهٔ پول تنزل می کند ودرتعقیب تنزل بهرهٔ پول چنانکه در بالا استدلال شد سرمایه گذاری توسعه یافته سطح تولید افزایش می یابد.

ملاحظه میشود که نظریهٔ پولی کینز درنظریهٔ تولید کاملاً ادغام‌شده است، بدینمعنی که ازطریق نرخ بهرهٔ پول که در واقع بهای انصراف افراد از نگاهداری نقدینه است وخود عامل پولی است حجم تولید تعیین میشود.

بخش دوم - تقاضای پول ورجحان نقدینه

برای بیان تقاضای پول و رجحان نقدینه ما مستقیماً به فصل پانزدهم کتاب «نظریهٔ عموسی اشتغال بهره وپول» تصنیف کینز رجوع میکنیم[۱].

کینز دراین فصل زیرعنوان «انگیزه‌های روانی وبازرگانی نقدینه»[۲] تقاضای

۱- J. M, Keynes, la Théorie Générale de l Emploi de l Intérêt et de la Monnaie Trad. Fran par Jean de Largentaye Chapitre XV Paris 1955.

۲- Les Motifs Psychologiques et Commerciaux de la Liquidité

پول را از زاویهٔ دیدی که انگیزه‌های رجحان نقدینه درجامعه بوجود میآورد مورد بررسی قرار میدهد.

۱ - انگیزه‌های تقاضای پول - تقاضای پول درجامعه بدنبال انگیزه‌های مختلف بوجود میآید. این انگیزه‌ها را کینز زیر عناوین مختلفی طبقه بندی کرده است؛ بشرح هریک میپردازیم:

الف - انگیزهٔ درآمد[۱] - اولین دلیلی که کینز ازنظر تقاضای پول عنوان میکند انگیزهٔ درآمد است که ازتفاضل دریافتی‌ها وپرداختی‌های افراد بتناسب درآمد آنها ناشی میشود. درواقع قبل ازهرچیز بنظر کینز تصمیم به نگهداری پول درافراد بمنظور تأمین پرداختی‌های آنها بتناسب درآمدی بوجود میآید که دریافت میدارند. مثلاً اگر درآمد ماهیانه شخصی هزارتومان باشد این شخص مجبور است به نسبت مخارج ماهیانه خود همیشه مقداری وجه نقد برای گردش دخل و خرج خود نگاهداری نماید. این وجه از تقاضای پول را کینز سرعت گردش تبدیل درآمد بپول مینامد.

ب - انگیزهٔ مؤسساتی[۲] - انگیزهٔ مؤسساتی تقاضای پول بمنظور تنظیم دریافتها و پرداختهای مؤسسات اقتصادی بوجود میآید. در واقع از این لحاظ تقاضای پول بمنظور حفظ نقدینه ازنظر اینست که درطول مدتی که مؤسسه اقتصادی دریافتی‌های خود را وصول می کند بتواند بموقع از محل آن پرداختهای خود را تأدیه نماید. درحقیقت این نوع نقدینه‌ها بصورت موجودی بمنظور هماهنگ کردن دخل وخرج مؤسسات اقتصادی‌است درمدت‌زمانی که درآمدها وصول وازمحل آنها مخارج تأدیه میشوند. درجهٔ شدت وضعف این انگیزه بستگی به ارزش تولید و گردش آن درمؤسسات مختلف اقتصادی دارد. این دو انگیزه به انگیزه‌های دادوستد[۳] مشهورند.

۱- Le Motif de Revenu

۲- Le Motif d' Entreprise

۳- Le Motif de Transaction

ج ـ انگیزهٔ احتیاطی[۱] ـ انگیزه احتیاطی تقاضای پول بمنظور تأمین مخارجی است که محتملاً ممکن است برای افراد پیش‌آمد کند . این مخارج بصور مختلف برای هر فرد پیش میآید . از جمله ممکن است این مخارج فقط بمنظور خریدهای اکازیون بصورت خرید اجناس واموال باقیمت کمترباشد، یا ممکن است این مخارج ازنوع مخارجی باشد که دربرنامه فعلی افراد منظورنشده باشد ، ولی برحسب اتفاق این مخارج برای افراد ضروری تلقی شود ، مثل مخارج مداوا ومسافرت وامثال آن.

این سه‌نوع انگیزه هریک ازیکطرف بستگی به‌موقعیتی دارد که انگیزه برای آن ایجاد شده وازطرف دیگربستگی به‌هزینهٔ تهیهٔ پول‌برای تأمین آن انگیزه دارد . بعنوان مثال اگر بتوان در مواقع مناسبی که بعضی از مخارج ضرورت پیدا میکند بآسانی دسترسی‌به‌پول داشت بهتراست افراد نقدینه‌را درنزد خود بیجهت نگه‌ندارند ودرهمان مواقع ضرورت از دریافتی‌های خوداستفاده نمایند. ولی مشکل دراینست که‌افراد اطمینان کامل ندارند که درمواقع مقتضی بتوانند ازمحل دریافتیهای‌احتمالی خود مخارج مسلم وقطعی را که پیش میآید تأمین سازند. ازاین نظرمجبورند همیشه وجوهی بعنوان احتیاطنزدخود نگهدارند. یابعنوان مثال‌فرضاً اگرمجموع دریافتیهای جاری یک مؤسسه اقتصادی مساوی مجموع پرداختهای جاری آن مؤسسه باشد ، معهذا درطول زمانی‌که مربوط به تبدیل دریافتیها وپرداختیهای این مؤسسه است این اطمینان نیست که درهرلحظه هرنوع پرداختی را بتوان ازمحل دریافتی تأمین کرد. از این نظر همیشه مبالغی بتناسب‌تبدیل دریافتی‌ها به‌پرداختها مورداحتیاج مؤسسات اقتصادی است. البته باین مسأله باید توجه داشت‌که این سه انگیزه از طرفی، چنانکه‌اشاره شد ، بستگی‌به‌هزینهٔ نگاهداری نقدینه‌بصورت بهرهٔ پول دارد ، زیرا فی‌المثل اگر نرخ بهرهٔ پول ترقی‌کند ترقی نرخ بهره در انگیزهٔ تقاضای پول مؤثر واقع میشود و از درجه شدت آن میکاهد . بعکس اگر نرخ بهره پائین بیاید افراد در تقاضای پول برای تأمین انگیزه‌های بالا راغب خواهند شد . بعلاوه در

۱– Le Motif de Précaution

مواردی که بتوان بااین نوع نقدینه هاعملیات دیگری‌انجام داد مقایسه بازدهٔ عملیات فوق با بازدهٔ عملیاتی که مورد تقاضای نقدینه‌است ملاك تعیین شدت وضعف انگیزه درتقاضای پول است. زیرا اگر بازدهٔ عملیات فوق افزایش یابد بطور مسلم ازشدت این انگیزه‌ها کاسته میگردد و درمواقع عکس این انگیزه‌ها با شدت بیشتری از نظر ایجاد تقاضای پول بروز مینمایند.

د ـ انگیزهٔ سفته بازی[1] ـ انگیزهٔ سفته بازی از نظر تقاضای پول بمنظور حفظ ونگاهداری موجودی نقدی برای سفته‌بازی بوجودمیآید. ومنظور ازآن فقط استفاده ازموقعیت بهتر برای بدست آوردن سود بیشتر است.

انگیزهٔ سفته‌بازی همیشه بااهمیت بیشتری نسبت به‌انگیزه‌های دیگر تقاضای پول درجامعه تجلی میکند. زیرا این انگیزه به‌مجموعهٔ سیستم اقتصادی درتعقیب تغییرات حجم پول مربوط میشود.

درواقع تقاضای پول برحسب انگیزهٔ دادوستد وانگیزهٔ احتیاطی بستگی به‌فعالیت عمومی‌اقتصادی‌وسطح درآمدجامعه‌دارد، بطوریکه تغییرات آنها بیشترتابع‌تغییرات فعالیت اقتصادی و تغییرات سطح درآمد است. بعکس تقاضای پول برحسب انگیزهٔ سفته‌بازی با تغییرات نرخ بهره که خود مرتبط با تغییرات نرخ اوراق بهادار است مربوط میشود، بطوریکه اگر ارتباطی بین تقاضای نقدینه برای سفته‌بازی ونرخ بهره وجود نداشت عملیات بورسی جامعه بکلی مختل میگردید. درحقیقت عملیات خرید وفروش اوراق بهادار ازیکطرف‌مرتبط باحجم‌نقدینه موجود برای سفته‌بازی وازطرف دیگر مرتبط با تغییرات نرخ بهره‌است وچنانکه قبلاً دیدیم‌بهره خود بهای‌انصراف ازنقدینه است که با تقاضای نقدینه برای خرید اوراق بهادار بمنظور سفته بازی هماهنگ میگردد.

۲ ـ تشکیل انواع موجودیهای پولی ـ میزان پولی که برحسب هر یک از انگیزه‌های دادوستد واحتیاطی وسفته‌بازی تشکیل میشود انواع موجودیهای پولی

1- Le Motif de Spéculation

این انگیزه‌ها را بوجود میآورد. و بدین ترتیب موجودی پولی دادوستد در تعقیب انگیزهٔ درآمد وانگیزهٔ مؤسساتی وموجودی پولی احتیاطی درتعقیب انگیزهٔ احتیاطی وموجودی سفته بازی در تعقیب انگیزهٔ سفته بازی در جامعه تشکیل میشود. این موجودیها بایکدیگر مرتبطاند، معهذا برای سهولت تجزیه وتحلیل حجم پول لازم است آنها را جداگانه مورد بررسی قرار داد.

حجم پول درگردش M بدو قسمت M_1 و M_2 تجزیه میشود: M_1 حجم پولی است که بدنبال انگیزه‌های داد وستد و احتیاطی موجودیهای پولی داد وستد واحتیاطی رابوجودمیاورد. M_2 حجم پولی است که بدنبال انگیزهٔ سفته بازی موجودیهای سفته بازی را ایجاد مینماید[1].

گردش نقدینه ازنظر تأمین موجودیهای دادوستد واحتیاطی وسفته‌بازی تابع حجم نقدینه است و تمایل نگاهداری نقدینه از نظر میلی که درافراد برای تأمین انگیزه‌های تقاضای پول ایجاد میشود درنظریهٔ کینز به‌رجحان نقدینه[2] موسوم است.

حال اگر تابع نقدینه‌را درجامعه L بنامیم میتوانیم L را به‌نسبت تابع نقدینه برای انگیزه‌های دادوستد واحتیاطی وتابع نقدینه برای انگیزهٔ سفته‌بازی بدو قسمت L_1 و L_2 تجزیه کنیم. L_1 یعنی تابع نقدینه برای تأمین موجودیهای دادوستد واحتیاطی چنانکه دیدیم بستگی به‌سطح درآمد یعنی R دارد و L_2 یعنی تابع نقدینه برای تأمین موجودیهای سفته‌بازی، چنانکه دیدیم، بستگی به‌نرخ بهره یعنی به‌وضع پیش‌بینی افراددارد. دراینصورت رابطهٔ کلی حجم پول‌را به‌نسبت تابع موجودی‌های دادوستد واحتیاطی وتابع موجودی سفته‌بازی میتوان بطریق زیر نوشت:

۱- به تألیفات زیر مراجعه شود:

Théorie Générale, P.2.

La Théorie Economique du Temps Présent, Collection Fondée par Nogaro, La Monnaie, P. 191.

۲- Préférence Pour la Liquidité.

$$M=M_1+M_2=L_1(R)+L_2(r)$$

۳ـ روابط بین تغییرات حجم پول وتغییرات درآمدوبهره ـ روابط بین تغییرات درآمد وبهره اولاً به‌منشأ تغییرات حجم پول وثانیاً به‌عمل وتأثیر نرخ بهره بستگی دارد .

دربررسی روابط تغییرات حجم پول و درآمد باید از یکطرف منشأ حجم پول وازطرف دیگر تأثیر متقابل درآمد ونرخ بهره را مورد توجه قرار داد .

درواقع اگر پول درگردش را پول طلا فرض کنیم ، حجم پول درگردش فقط با توسعهٔ استخراج طلا افزایش می‌یابد. حال اگرفرض کنیم درتعقیب افزایش بازدهٔ سرمایه گذاری در استخراج طلا میزان طلای مستخرجه افزایش یابد بدنبال این افزایش M حجم پول درگردش افزایش‌می‌یابد. ودرنتیجه درآمد ملی ترقی‌میکند، یعنی R متناسب با M افزایش می‌یابد. زیرا بالاخره طلای استخراج شده درآمد طبقاتی‌را افزایش میدهد. همینطور است وقتی افزایش حجم پول درمواقعی که‌پول کاغذی در جریان است از طریق انتشار اسکناس صورت گیرد. زیرا ، چنانکه کینز در کتاب نظریهٔ عمومی اشاره میکند ، وقتی دولت برای‌تأمین قسمتی ازمخارج خود مثلاً برای پرداخت حقوق کارمندان‌ببانک‌مرکزی‌رجوع میکند وبانک‌فوق باانتشار اسکناس اضافی مبالغی دراختیار دولت قرار میدهد دولت از طریق انتشار اسکناس اضافی مقداری درآمد افراد را (کارمندان دولت) افزایش داده است. منتهی دراین مورد باین مسأله باید توجه داشت‌که ترقی، ترقی‌اسمی است ودرآمد حقیقی دراین مورد باندازه‌کافی افزایش نمی‌یابد تاحجم‌پول اضافی ازطریق افزایش درآمدجذب گردد . از این نظر حجم اضافی پـول بین موجودیهای M_1 و M_2 تقسیم میگردد و بدین‌ترتیب قسمتی از پول اضافی منتشره درچهارچوب افزایش M_2 برای خرید اوراق بهادار بکار میرود که درتعقیب آن بهرهٔ پول پائین می‌آید. زیرا عرضهٔ پول درمقابل تقاضای آن در دادوستد بین پول واوراق بهادار افزایش یافته است. ولی بدنبال تنزل نرخ بهره ، چنانکه قبلاً دیدیم ، سرمایه گذاری تشویق شده توسعه

می‌یابد ودراینجاست که درتعقیب افزایش سرمایه گذاری درآمد حقیقی افزایش میبابد.
دراین موقع است که افزایش درآمد حقیقی طوری پول اضافی را جذب میکند که افزایش اضافی انتشار اسکناس درست نسبت M_1 و M_2 را متناسب گرداند[۱].

٤ ـ عوامل تعیین کننده تابع های نقدینه ـ سرعت تبدیل پول به درآمد که در نظریهٔ پولی کینز باحرف V نمایش داده میشود از رابطهٔ بین درآمد وحجم پولی که به دادوستد وموجودیهای احتیاطی اختصاص دارد ناشی میشود.

دراین صورت میتوان چنین نوشت:

$$L_1(R)=\frac{R}{V}=M_1$$

البته چنانکه کینز اضافه میکند بهیچوجه نمیتوان فرض کرد که V دارای ارزش ثابتی باشد؛ زیرا ارزش V بستگی به کیفیت سازمانها وتشکیلات بانکی وصنعتی وهمچنین عادات اجتماعی ونحوهٔ توزیع درآمد ملی بین طبقات مختلف دارد. همانطوری که درارزش V بهرهٔ نقدینه مؤثر است. معهذا اگر زاویه دید بررسی را به کوتاه مدت محدود سازیم کینز معتقد است که V را میتوان ثابت فرض کرد.

حال این مسأله مطرح است که چه عاملی M_2 حجم پول سفته‌بازی را با نرخ بهره مرتبط میسازد. مثلاً در این خصوص ما عامل پیش‌بینی را ذکر کردیم. زیرا براساس پیش‌بینی وابهام آینده‌است که رجحان نقدینه بوجود میاید. از این نظر تابع نقدینه برای سفته‌بازی که به L_2 موسوم است برحسب نرخ بهره، M_2 حجم پول سفته‌بازی را درجامعه مشخص میسازد. ازطرفی نرخ بهره از برخورد عرضه وتقاضای پول بدست میاید. عرضه ازسیاست پولی کشور ناشی میشود وتقاضا به رجحان نقدینه مربوط میگردد. کاهش رجحان نقدینه نرخ بهره‌را تنزل میدهد وافزایش آن موجب ترقی نرخ بهره میگردد. ولی نرخ بهره دریک وضع پایدار و ثابت باقی نمی‌ماند، ازاین نظر باتوجه به نوسانات آن انواع نرخ بهره وجود دارد و بخصوص نرخ های

۱– La Théorie Générale, P.216.
General Theory, P. 200.

متفاوتی که بامدت دادوستد نقدینه مربوط میگردد . بطوریکه از نظر مدت ، نرخ کوتاه مدت که مربوط به‌وامهای کوتاه مدت تاسه‌ماه است ونرخ بهره بلند مدت که مربوط به وامهای چند ساله است تقسیم میگردد . نقدینه در دادوستدهای کوتاه تاسه‌ماه چنانکه‌میدانیم به‌پول مشهور است وبازاردادوستد آن به بازار پول مصطلح است . وچنانکه قبلاً دیدیم در مقابل بازار پول بازار سرمایه است که در حدود آن نقدینه‌ها بامدت‌های بلند مورد دادوستد قرار میگیرد .

نرخ بهرهٔ‌بلند مدت دربازار سرمایه‌ازخرید وفروش اوراق قرضه ناشی میشود، بدینمعنی که تغییرات نرخ اوراق قرضه در بورس تغییرات نرخ بهرهٔ بلند مدت را بوجودمیاورد . درواقع دربوس اوراق بهادار ترقی اوراق قرضه تنزل نرخ بهرهٔ‌بلند مدت وتنزل اوراق قرضه ترقی نرخ بهرهٔ بلند مدت را بهمراه دارد . بعلاوه تغییرات نرخ بهرهٔ کوتاه مدت که درتعقیب سیاست بانکی صورت میگیرد در بهرهٔ بلند مدت دربورس مؤثر واقع میشود ، بدین‌ترتیب که کاهش نرخ بهرهٔ کوتاه مدت موجب کاهش نرخ بهرهٔ بلندمدت وافزایش آن‌موجب‌افزایش نرخ بهرهٔ بلندمدت میگردد ملاحظه میشود که بهره همیشه درمعرض‌فعل‌وانفعالات وتأثیر متقابل عواملی است که آنرا درنرخهای متعدد نگهمیدارد .

حال باید ببینیم نظراصلی کینز دربارهٔ تغییرات بهره ورجحان نقدینه چیست؟ قبلاً اثر تغییرات درآمد وحجم پول ازطریق موجودی داد وستد وموجودی احتیاطی مورد مطالعه قرار گرفت وچنانکه دیدیم هرچند این تغییرات در تغییرات نرخ بهره بی‌اثر نیست ، معهذا چون در کوتاه مدت تغییرات موجودیهای دادوستد واحتیاطی ثابت فرض شده است ، از این نظر میتوان آثار این تغییرات را در نرخ بهره نادیده گرفت وتغییرات نرخ بهره را منحصراً ازطریق موجودی سفته‌بازی ورجحان نقدینه مطالعه کرد . زیرا درواقع ازطریق موجودی سفته‌بازی ورجحان نقدینه‌است که‌عمل عرضه وتقاضای پول درتعیین نرخ بهره تحقق می‌یابد .

ما میدانیم که رجحان نقدینه که تقاضای‌پول‌را بوجودمی‌آورد بستگی‌به‌ابهام آینده وتغییراتی که درنرخ بهره درآینده ایجاد میشود دارد . اگر ابهامی برای آینده

نبود و اگر بایک ضریب احتمالات دقیق آینده تعیین میشد و نرخ های فعلی بهره بانرخ های آینده تطبیق میکرد تغییرات رجحان نقدینه درافراد باین شدت نبود وصاحبان نقدینه بعوض اینکه نقدینه‌را درنزد خود نگهدارند میتوانستند بدون دغدغه خاطر ازنقدینه خود صرفنظر کنند وآنرا وام بدهند و ازبهرهٔ آن استفاده نمایند. ولی بعلت تغییراتی که دربهای نقدینه ایجاد میشود صاحبان نقدینه هریک درحدود پیش‌بینی خود نسبت بآینده طوری نسبت باین تغییرات عکس‌العمل نشان میدهند که بتوانند حد اکثر نفع را در چهارچوب حسابهای آینده خود ملحوظ دارند، البته، چنانکه اشاره کردیم، تغییرات نرخ بهره ازطریق تغییرات نرخ اوراق بهادار صورت‌میگیرد ودرواقع پیش‌بینی نسبت به ترقی وتنزل اوراق بهادار دربورس است که عده‌ای‌را ترغیب به‌خرید اوراق فوق و عده‌ای را تشویق به نگهداری نقدینه بمنظور خرید باصرفه‌تر این اوراق درآینده مینماید. دراین‌صورت ملاحظه میشود که رجحان‌نقدینه تابع نرخ های آینده است. پیش‌بینی ترقی این نرخها در آینده افراد را ترغیب به رجحان نقدینه مینماید ودرنتیجه دراین وضع تقاضای نقدینه افزایش می‌یابد وبعلت ترقی رجحان نقدینه‌نرخ بهره بالا میرود، زیرا دارندگان نقدینه دراین موقعیت‌حاضر نیستند از نقدینه خود انصراف حاصل نمایند، مگر اینکه بهای انصراف از نقدینه بانرخ بیشتری‌بصورت ترقی‌بهره بآنهاپرداخت‌شود. لذا ملاحظه میشود که‌پیش‌بینی ترقی آینده نرخ فعلی بهره را بالا میبرد. زیرا تقاضای پول افزایش می‌یابد وبدنبال این افزایش بهای انصراف از نقدینه بصورت نرخ بهره ترقی میکند. البته همین فعل وانفعالات درجهت عکس نیز صادق است، یعنی پیش‌بینی تنزل درآینده از رجحان نقدینه میکاهد و بدنبال کاهش تقاضای پول بهای فعلی انصراف از نقدینه بصورت نرخ بهره پائین میآید، یعنی پیش‌بینی تنزل درآینده نرخ بهره را درزمان حال کاهش میدهد[1].

البته باین مسأله باید توجه داشت که رجحان نقدینه، چنانکه قبلاً[2] اشاره

۱- Théorie Générale, P.217-218. General Theory. P. 202.

کردیم ، بنوبه با نرخ بهره درزمان حال نسبت معکوس دارد ، بدینمعنی که اگر نرخ بهره تنزل کند رجحان نقدینه افزایش و در صورت عکس کاهش می‌یابد. در این صورت ملاحظه میشود که درارتباط بین نرخ های بهرۀ حال و آینده باید ارتباط بین رجحان نقدینه را بانرخ بهرۀ حال نیز درنظر گرفت. بعلاوه هزینۀ خرید وفروش اوراق بهادار را در عملیات بورسی نباید ازخاطر دور داشت. زیرا هزینۀ فوق چه بصورت مالیات وچه بصورت کمیسیون درتبدیل نرخ های بهرۀ حال وآینده و ارتباط آنها بارجحان نقدینه بی‌تأثیر نیست. حال باتوجه به‌عوامل فوق درتقاضای پول باید ببینیم عرضه پول چگونه عنوان میشود ودرنظریۀ عمومی کینز حجم‌پول چه روابطی بانرخ بهره وسیاست پولی‌ایجادمینماید.

بخش سوم - عرضه پول ونرخ بهره

عرضه پول مجموع عناصر پولی است که بصورمختلف ازطریق سیستم بانکی بجریان گذارده شود. تغییرات عرضۀ پول بصورت تغییرات حجم پول درگردش در تعقیب تصمیمات پولی دولت صورت میگیرد. درواقع این تصمیمات بصور مختلف حجم‌پول درگردش را تغییر میدهد ودرتعقیب آن نرخ بهره تغییر میکند وتغییرات نرخ بهره حجم تولید را دچار تغییر میسازد؛ هریک از این مسائل را بطور جداگانه مورد مطالعه قرار میدهیم.

۱- حجم پول وتغییرات آن - حجم‌پول به‌مجموع وسایل قدرت خرید درجریان اطلاق میشود. تغییرات حجم پول بطرق مختلف صورت میگیرد. این تغییرات گاه ازطریق انتشار اضافی اسکناس درتعقیب سیاست کسر بودجه ، گاه ازطریق افزایش اعتبارات بانکی وزمانی ازطریق‌افزایش سرعت‌پول بصورت جریان مجدد پول‌را کد انجام میشود.

الف - سیاست کسر بودجه وانتشاراضافی اسکناس - کسر بودجه به‌افزایش مخارج بودجه نسبت به درآمدهای بودجه اطلاق میشود. تأمین مالی کسر بودجه

ازطریق انتشار اضافی اسکناس حجم پول در گردش را افزایش میدهد. سیاست کسر بودجه گاه ازنظر افزایش قدرت خرید صورت میگیرد. سیاست فوق به سیاست قدرت خرید[1] مشهور است. درسیاست قدرت خرید دولت بمنظور افزایش مصرف حقوق کارمندان را افزایش میدهد. سیاست کسر بودجه گاه ازنظر تأمین مخارج سرمایه ـ گذاریهای دولتی است. سرمایه گذاریهای دولتی درچهارچوب سیاست کسر بودجه گاه ازنظر تأمین مخارج ساخت اسلحه و گاه ازنظر تأمین مخارج عمرانی است. درهریک ازاین موارد ازطریق مخارج اضافی بودجه پول اضافی درجریان و گردش پول وارد میشود. قدرتهای خرید فوق درواقع قدرت خرید اضافی است که در تعقیب سیاست کسر بودجه ایجاد شده است.

درواقع اگر دولت افزایش مخارج خود را ازطریق مالیات وقرضه تأمین مالی کند، توسل به مالیات وقرضه بجزدرمواردی که مالیات و قرضه ازمحل موجودیهای راکد افراد باشد، افزایش مخارج موجب افزایش حجم پول نمیگردد. زیرابمیزانی که دولت مخارج خودرا افزایش میدهد بااستفاده ازمالیات وقرضه بهمان میزان از مخارج اقتصاد خصوصی کاسته میشود ودرنتیجه تعادل پولی درجامعه حفظ میگردد[2]، ولی موقعیکه دولت برای تأمین مالی افزایش مخارج بودجه ازسیاست انتشاراضافی پول استفاده کند انتشار پول اضافی تعادل پولی را بهم زده حجم پول در گردش را بصورت اسکناس درگردش (M) افزایش میدهد.

ب ـ اعتبارات بانکی ـ افزایش اعتبارات طبق سیاست بانکی صورت میگیرد. برطبق این سیاست وقتی نسبت پرداختها وموجودی بانکها پائین بیاید بانکها میتوانند

۱ـ Politique de Pouvoir d' Achat

۲ـ البته، همانطوریکه اشاره شد، اگر مالیات وقرضه ازمحل وجوه راکد افرادبصورت کنز باشد، چون قسمتی ازپول راکد ازطریق مخارج اضافی دولت مجدداً بجریان میافتد، دراین مورد بعلت افزایش سرعت پول حجم پول درگردش افزایش می یابد. برای اطلاعات بیشتر به کتاب «اقتصاد مالیه عمومی» نوشته مؤلف مراجعه شود.

باسهولت بیشتری برای مشتریان خود اعتبار باز کنند و با بالا بردن سطح اعتبارات درحساب جاری اعتبارات بیشتری اعطا نمایند. افزایش اعتبارات بصورت افزایش سپرده‌ها درجامعه حجم پول اعتباری ('M) را افزایش میدهد و در نتیجه از طریق افزایش 'M حجم پول درگردش افزایش می‌یابد.

ج ـ جریان مجدد پول راکد ـ درجریان مجدد پول راکد حجم پول درگردش ازطریق تغییر سرعت پول افزایش می‌یابد. تغییر سرعت پول اغلب بدنبال تغییر عوامل روانی ازنظر پیش بینی نسبت به‌آینده ایجادمیشود. درواقع وقتی افراد قسمتی ازپول خودرا بصورت ذخیره کنز کرده وازجریان خارج‌میسازند گاه اتفاق‌می‌افتد که بعلت پیش بینی نسبت به‌ترقی قیمتها درآینده پول راکد خود را ازحالت کنز خارج ساخته و برای خرید بیشتر بجریان می‌اندازند و درتعقیب این تغییر روش است که پولهای راکد مجدداً بجریان افتاده و از طریق افزایش سرعت پول درگردش افزایش می‌یابد.

د ـ کسری تراز پرداختها ـ تراز پرداختها به‌تساوی‌مجموع پرداختهای کشور به اقتصاد بین‌المللی وپرداختهای اقتصاد بین‌المللی به‌اقتصاد کشور اطلاق‌میشود.

پرداختهای کشور به اقتصاد بین‌المللی قسمتی بابت بهای واردات و قسمتی بهای خدمات واحدهای اقتصادی کشورهای خارج به‌اقتصاد کشور است.

همچنین پرداختهای اقتصاد بین‌المللی به اقتصاد کشور قسمتی بابت بهای صادرات وقسمتی بهای‌خدمات اقتصاد کشور به‌اقتصاد بین‌المللی است. تساوی‌این دوستون‌پرداختها تراز پرداختهای کشور را بوجود میاورد. و کسری تراز پرداختها درمواقعی است که پرداختهای اقتصاد کشور به اقتصاد بین‌المللی نتواند تکافوی پرداختهای اقتصاد بین‌المللی به‌اقتصاد کشور را بنماید. دراین مورد برای تساوی دوستون‌پرداختها ، کشوری که با کسری‌مواجه است مجبور است از کشورهای‌خارج ویا ازمؤسسات‌بین‌المللی‌مثل‌صندوق بین‌المللی پول F.M.I[1] وام کوتاه مدت‌دریافت

۱- Fonds Monétaire International

دارد. دراین صورت ملاحظه میشود که سرمایه های خارجی به داخله کشور راه مییابند وبدین ترتیب حجم پول داخلی متناسب باکسری تراز پرداختها افزایش می یابد.

۲ - تغییرات حجم پول ونرخ بهره - در تغییرات حجم پول نرخ بهره تغییر می یابد و بدنبال آن حجم تولید تغییر میکند. تغییرات نرخ بهره از طریق تغییرات موجودیهای سفته بازی صورت میگیرد، زیرا چنانکه دیدیم موجودیهای دادوستد واحتیاطی خیلی بطی تغییر می یابند، دراین صورت تغییرات حجم پول ابتدا مستقیماً درموجودیهای سفته بازی اثر میکند.

در حقیقت انگیزه هائی که رجحان نقدینه را بوجود میآورد تقاضای پول را درجامعه تعیین میسازد، ولی هرچه حجم پول افزایش یابد بموازات این افزایش رجحان نقدینه بصورت میل به نگاهداری نقدینه در جامعه ضعیف میشود و بعکس هرچه حجم پول کاهش یابدبموازات این کاهش میل به نگاهداری نقدینه درجامعه شدید میگردد.

ازطرفی بهای انصراف از نقدینه در افراد از یکطرف بستگی به اهمیت نقدینه درنظرآنها وازطرف دیگر بستگی به تغییرات حجم پول دارد. لذاچنانکه کینز دراین خصوص اشاره میکند «نرخ بهره که درواقع همان انصراف از نقدینه است بستگی به دوعامل رجحان نقدینه وحجم پول در گردش دارد[1]».

البته بتدریج که حجم پول افزایش یابد و نرخ بهره پائین بیاید موجودی دادوستد درنزد اشخاص افزایش می یابد. زیرا، اولاً بدنبال کاهش نرخ بهره افراد با هزینه کمتری میتوانند احتیاجات نقدی خودرا تأمین سازند. لذا باافزایش نقدینه برای اعمال دادوستد تمایل بیشتری نشان میدهند. ثانیاً بموازات کاهش نرخ بهره، چنانکه بعداً بتفصیل بیشتری خواهیم دید، سرمایه گذاری و تولید توسعه می یابد، درنتیجه درآمد ملی ترقی میکند و حجم دادوستد افزایش می یابد، لذا انگیزه های دادوستد و احتیاطی حجم بیشتری از نقدینه موجود را برای موجودیهای داد وستد

۱- Théorie Générale P. 182.

و احتیاطی جذب مینمایند . بعلاوه تنزل نرخ بهره موجودی سفته بازی را درنزد بعضی افزایش میدهد. زیرا ، چنانکه کینز عقیده‌دارد ، افراد آینده را بازوایای دید متفاوتی معیار فعالیتهای خود قرار میدهند . بعضی از افراد بمحض تنزل نرخ بهره موجودی سفته بازی را برای عملیات پرسودتری درآینده افزایش میدهند وبعضی با خرید اوراق بهادارموجودی سفته‌بازی‌خودرا تنزل‌میدهند . درنتیجه‌ملاحظه میشود که افزایش حجم پول وتنزل نرخ بهره بطور علت و معلول بریکدیگر تأثیر متقابل دارند. معهذا باید بخاطر داشت که افزایش نامتناسب حجم پول گاه ممکن است اثر فوق‌العاده ضعیفی درتنزل نرخ بهره بگذارد. زیرا وقتی حجم پول زیاده از حد افزایش یابدواعتماد عمومی‌نسبت‌به‌آینده فعالیتهای اقتصادی ضعیف شود خودبخود موجودیهای احتیاطی درنزد افراد افزایش می‌یابد و افزایش موجودیهای احتیاطی ازمیزان پولی که باید برای موجودی سفته‌بازی بکار افتد میکاهد.

بعلاوه تنزل نرخ بهره بدنبال‌افزایش حجم پول تا موقعی مؤثر است که‌حفره فرار پول دردادوستدهای نقدینه ایجاد نشود. زیرا وقتی نرخ بهره بیش ازحدتنزل باید ، خودبخود رجحان نقدینه درجامعه بقدری شدت می‌یابدکه عرضه پول دیگر بهیچوجه نمیتواند تکافوی تقاضای پول را بنماید. در واقع دراین‌حد از تنزل نرخ بهره‌که به‌حفره فرار پول (Trap–Monétaire) مشهور است تنزل بیش ازحد نرخ بهره موجب افزایش نامتناسب رجحان نقدینه درجامعه میگردد . زیرا در این حد دیگر بهای انصراف از نقدینه بحدی نیست که بتواند رجحان نقدینه را در صاحبان نقدینه خنثی سازد.

بخش چهارم - پول ، تولید و اشتغال

درنظریهٔ عمومی کینز پول وزمان‌نقش‌اصلی را بعهده دارد، زیرا اولاً دراین نظریه تعادل اقتصادی برخلاف نظریهٔ کلاسیک تعادل پولی است وبرطبق آن کلیهٔ عوامل باپول سنجیده میشود. ثانیاً تغییرات عناصر اقتصادی درنظریهٔ کینز بحساب

میاید ، یعنی دربررسی عوامل زمان وارد شده است.

درواقع درنظریهٔ کلاسیک تناسب عوامل از نظرتعیین تعادل برمبنای مبادله جنس به‌جنس است وپول فقط نقش واسطه را درمبادله دارد.

درنظریهٔ ژان باتیست سی عرضه و تقاضا پیوسته بایکدیگر مساوی میگردد. زیرا عرضه خود ایجاد تقاضامیکند. ژان‌باتیست‌سی ادعا میکند که پول مثل پرده‌ای است که در زیر این پرده در واقع اجناس با اجناس مبادله میگردد. دراینصورت هرجنسی که عرضه شود معادل همان جنس درمبادله تقاضا بوجود میاید[۱]. دراین خصوص استوارت‌میل[۲] درتایید ژان‌باتیست‌سی‌مینویسد که وسایل پرداخت کالاها همان کالاها است و وسایلی که هرکس برای خرید تولید دیگران میپردازد همان وسایلی است که دیگران برای‌خرید تولید اوپرداخته‌اند. دراین‌صورت فروشندگان همان خریداران‌اند. چنانکه اگربخواهیم‌تولید جامعه را دریک لحظه دوبرابرسازیم کافیست که عرضه کالاها را دو برابر بحساب آوریم و براساس آن تولید را دوبرابر افزایش دهیم ، زیرا دراین‌صورت قوه خرید افراد خودبخود دوبرابر میگردد وتقاضا بمیزان دو برابر درمقابل عرضه‌ای که دوبرابر شده‌است تعادل بین عرضه وتقاضا را بوجود میاورد.

درواقع درنظریهٔ کلاسیک ، هزینهٔ تولید بصورت بهای عناصری که درتولید شرکت کرده‌اند مثل مزد ، حقوق ، بهره و بهرهٔ مالکانه قوه خرید افراد را تشکیل میدهد که بمیزان آن تقاضا برای‌تولید ایجاد میشود. دراینصورت هرچه حجم‌تولید افزایش یابد بهمان میزان قوه خرید جامعه بالا میرود ومعادل آن تقاضا برای‌عرضه تولید ایجاد میشود. لذا میتوان گفت که عرضه خودبخود ایجاد تقاضا وتقاضاایجاد عرضه میکند وتساوی عرضه وتقاضا تعادل اقتصادی را دروضع اشتغال کامل کلیه عناصر تولید بوجود میاورد. زیرا در صورت آزادی کامل دادوستد و عدم دخالت

۱- J.B.Say, Principes d'Economie Politique, liv.III, chap. 14

۲- Stuart Mill.

دولت عناصر اقتصادی مثل کار وسرمایه بمیزانی که درجامعه وجود دارد به‌نسبت متعادل ترکیب میشود ودرنتیجه این وضع تعادل اقتصادی‌را درحد اشتغال کامل این عناصر نگهمیدارد.

درحقیقت تعادل اشتغال کامل درنظریهٔ کلاسیک براساس بهای عناصر تولید بصورت نیروی کار وسرمایه‌است. بهای نیروی کار ازطریق نرخ مزد وبهای سرمایه ازطریق نرخ بهره تعیین میگردد. درنظریهٔ کلاسیک‌براساس نرخ مزد وبهره تعادل اقتصادی همیشه درحدی قرار میگیرد که از ظرفیت دو عنصر کار و سرمایه حداکثر استفاده بعمل آید. زیرا همانطوریکه کلاسیکها معتقدند، اگر تقاضای کار نسبت بعرضه کار بالارود، یا بالعکس اگرعرضه کار نسبت به‌تقاضای کاربالارود، درنتیجه تغییرات نرخ مزد، هماهنگی طوری بین‌عرضه وتقاضای کار ایجاد میشود که‌ظرفیت نیروی کار جامعه بحد اشتغال کامل خود برسد. همچنین درمورد سرمایه کلاسیکها معتقدند که چون نرخ بهره بهای پس‌انداز است، دراین‌صورت از طریق نرخ بهرهٔ عرضه وتقاضای سرمایه طوری هماهنگ میگردد که از مجموع پس‌انداز جامعه در تولید بهره‌برداری کامل بشود، یعنی‌اشتغال‌سرمایه درجامعه بحد کامل خودبرسد[1].

تعادل اقتصادی در نظریهٔ عمومی براساس دو عامل پول وزمان است. کینز عرضه وتقاضا را بصورت عرضه وتقاضای کل بطور پیش‌بینی معیار تعادل قرارمیدهد وازتقاطع آنهاتقاضای مؤثر راکه تعادل‌اقتصادی برحسب آن‌تعیین میگردد مشخص میسازد. ولی درنظریهٔ کینز مثل نظریهٔ کلاسیک عرضه ایجاد تقاضا و تقاضا ایجاد عرضه نمیکند، بلکه منحنی عرضه وتقاضا فقط دریک نقطه بایکدیگر اصابت میکنند که به‌تقاضای مؤثر موسوم است و دراین نقطه است که عرضه درست معادل تقاضا بوجود میاید، یعنی درنقاط دیگر دومنحنی عرضه وتقاضای کل دروضع عدم تساوی قرار دارند.

۱- برای اطلاعات بیشتر دراین‌خصوص به کتاب نظریه‌های اقتصادی‌درقرن بیستم، جلداول، تعادل وعدم تعادل اقتصادی، نوشته مؤلف رجوع شود.

در حقیقت اگر گردش تولید را در نظریه عمومی کینز در نظر آوریم ملاحظه میشود که هزینهٔ تولید مثل نظریهٔ کلاسیک برای افراد ایجاد قدرت خرید مینماید ، یعنی هزینهٔ تولید که همان بهای عناصری است که محصول را بوجود آورده است درواقع درآمد افراد را تشکیل میدهد ، یعنی وقتی عناصر تولید بصورت نیروی کار وسرمایه درتولید شرکت کنند بهای عناصر فوق بصورت مزد وحقوق وبهرهٔ مالکانه و بهرهٔ سرمایه درآمد افراد را بوجود میاورد که اگر حد تولید را تولید ملی بدانیم درآمدهای فوق درآمد ملی‌را تشکیل میدهد. ولی کینز مثل کلاسیکها معتقدنیست که قدرتهای خرید فوق بتوانند برای‌خرید عرضه محصول ملی‌تقاضای محصول ملی رابوجود آورند. زیرا درنظریه کینز درآمد ملی‌قسمتی‌مصرف وبقیه‌پس‌اندازمیگردد. درآمدهائی که برای مصرف اختصاص می‌یابد برای خرید کالاهای مصرفی مخارج مصرف‌را بوجود میاورد ودرآمدهائی که پس‌انداز شده است مخارج سرمایه گذاری را تأمین مینماید. ولی‌بنظر کینز مصرف وپس‌انداز برمبنای ضریب مصرف وضریب پس‌انداز درجامعه‌تعیین‌میشود. ضریب مصرف که‌درواقع همان میل نهائی‌بمصرف است ازنسبت تغییرات مصرف به‌تغییرات درآمد بدست میآید. همچنین پس‌انداز که باقیمانده مصرف از درآمد است از نسبت تغییرات پس‌انداز به درآمد بدست میآید. مثلاً اگردرجامعه‌میل نهائی‌بمصرف $\frac{۸}{۱۰}$ باشدمیل نهائی به‌پس‌انداز $\frac{۲}{۱۰}$ خواهدبود واگر میل‌نهائی بمصرف $\frac{۹}{۱۰}$ باشد اجباراً میل‌نهائی به‌پس‌انداز $\frac{۹}{۱۰}$ از $\frac{۱۰}{۱۰}$ یعنی $\frac{۱}{۱۰}$ میگردد. حال اگر تقاضای کل را درمقابل عرضه کل درنظر آوریم ملاحظه میشود که تقاضای کل ازمجموع مخارج مصرف ومجموع مخارج سرمایه گذاری درجامعه بدست میآید. ولی چنانکه دیدیم‌مخارج‌مصرف بموجب میل نهائی‌به‌مصرف‌درجامعه تعیین میشود وباقی میماند مخارج سرمایه گذاری ؛ ولی مخارج فوق برخلاف آنچه که کلاسیکها فکر میکردند مشتبه با پس‌انداز نیست ، بلکه مخارج سرمایه گذاری درجامعه از مقایسه نرخ بهره وبازدهٔ نهائی سرمایه‌بدست میآید. هرچه بازدهٔ سرمایه افزایش‌یابد ونرخ بهره‌پائین بیاید سرمایه گذاری‌توسعه یافته ومخارج سرمایه گذاری افزایش‌می‌یابد. بعکس هرچه‌بازدهٔ‌سرمایهٔ پائین بیایدونرخ بهره بالارودسرمایه گذاری

محدود شده ومخارج آن کاهش مییابد. ولی نرخ بهره مثل نرخ بهره درنظریهٔ کلاسیک بهای پس‌انداز نیست ، بلکه در نظریه کینز چنانکه قبلاً دیدیم بهره بهای پول است ، یعنی بهای انصراف از نقدینه است وازمقایسه عرضه و تقاضای پول درجامعه بدست میآید. دراین صورت باتوجه به آنچه که درباره عرضه و تقاضای پول قبلاً گذشت ملاحظه میشود که پول چه نقش عمده‌ای درتولید واشتغال دارد. زیرا در صورت تغییر نرخ بهره سرمایه گذاری تغییرمیکند وبدنبال آن تقاضای کل تغییر کرده وتقاضای مؤثر درموقعیتی قرار میگیرد که تعادل اقتصادی بتواند درحد اشتغال کامل برای جامعه مشخص شود. موضوع تاحدودی مبهم است مجبوریم بابیان ساده‌تری تعادل پولی کینز را مورد بررسی قرار دهیم.

بخش پنجم - تعادل پولی کینز

قبلاً مطالعه کردیم که اختلاف نظریهٔ کینز با نظریهٔ کلاسیک از دو عامل پول وزمان ناشی میشود. پول، چنانکه دیدیم، معیار اندازه گیری درترکیب عناصر اقتصادی است وزمان عاملی است که درپیش بینی‌های اقتصادی بکار میرود. حال اگر باطرح تعادل پولی کینزمطالعه کنیم که چطور این دوعامل توانسته است نظریهٔ تعادل کینز را ازنظریهٔ تعادل کلاسیک متمایز سازد نقش پول دراقتصاد جدید بیان شده است.

۱- پیش‌بینی اقتصادی - پیش‌بینی به بررسی وضع آینده درحال اطلاق میشود. پیش‌بینی اقتصادی بررسی عوامل اقتصادی است ازنظر بازدهٔ ترکیب آنها درحال.

کینز تعادل اقتصادی را از نظر زمان برمبنای پیش‌بینی استوار کرده است. زمان پیش‌بینی ازابتدای دوره‌ای شروع وبانتهای همان دوره ختم میگردد. درابتدای دوره درآمد افراد جامعه درآمدی است که از تولید دورهٔ قبل ناشی شده است. این درآمدها ، چنانکه قبلاً شرح دادیم ، بصورت بهای عناصری است که درتولید دورهٔ قبل شرکت کرده است. درنتیجه درآمدهای حاصل ازمزد ، حقوق ، بهرهٔ سرمایه،

بهرهٔ مالکانه وامثال آن درآمد کل افراد جامعه را تشکیل میدهد.

پیش بینی ازیکطرف برمبنای تقسیم این درآمدها به مصرف و پس‌انداز و از طرف دیگر برمبنای تقسیم پس‌انداز به سرمایه گذاری و کنز است؛ بشرح هر یک میپردازیم.

الف - پیش‌بینی تقسیم درآمد بمصرف و پس‌انداز - تقسیم درآمد بمصرف وپس‌انداز درجامعه، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، برحسب میل به مصرف و میل به‌پس‌انداز صورت میگیرد. میل بمصرف که براساس آن سطح مصرف جامعه‌نسبت به‌سطح درآمد تعیین میگردد ازجمله‌ابداعات کینز است ودرواقع عامل جدیدی‌است که این‌دانشمند درعلم‌اقتصاد وارد کرده است. کینزمعتقد است که ازدرآمد جامعه دو نوع استفاده میشود. استفاده اول استفاده مصرفی است، یعنی افراد قسمتی از درآمد جامعه را درراه بدست آوردن ثروتهای مصرفی خرج میکنند. استفاده دیگر از درآمد جامعه استفاده تولیدی است، یعنی افراد قسمتی دیگر از درآمد جامعه را برای تهیه ثروتهای تولیدی بکار میبرند.

درواقع افراد قسمتی از درآمد خود را که بستگی به سطح درآمد آنها دارد به‌مخارج مصرف اختصاص‌میدهند. میل به‌مصرف‌عبارت ازرابطه مصرف به‌درآمدی است که مخارج مصرف ازآن ناشی شده است. ولی کینز باقیمانده مصرف از درآمد را پس‌انداز مینامد؛ دراین صورت میل به‌پس‌انداز ازنسبت پس‌انداز به درآمد بدست‌میاید. لذا ملاحظه میشود که درتشکیل پس‌انداز نظریهٔ کینز کاملاً مخالف نظریهٔ کلاسیک است. زیرا درنظریهٔ کلاسیک پس‌انداز بستگی به‌نرخ بهره دارد. یعنی هرچه نرخ بهره ترقی کندافرادبیشتر به‌پس‌انداز رغبت مینمایند. بعکس هرچه نرخ بهره پائین‌بیاید رغبت‌افراد به‌پس‌انداز کاهش می‌یابد. درصورتی که درنظریهٔ کینز پس‌انداز به‌نرخ بهره بستگی‌ندارد، بلکه پس‌انداز باقیمانده مصرف ازدرآمد است و بستگی به سطح درآمد دارد، یعنی تغییرات آن متناسب با تغییرات درآمد میگردد.

حال با این توضیح بعقیده کینز اگر درآمد جامعه‌ای ۱۰۰ میلیارد باشد ودرآن جامعه میل بمصرف $\frac{۸}{۱۰}$ ومیل به‌پس‌انداز $\frac{۲}{۱۰}$ باشد ازصد میلیارد درآمد ۸۰ میلیارد مصرف و ۲۰ میلیارد پس‌انداز میشود. ولی کینز اضافه میکند که درهرجامعه میل بمصرف درکوتاه مدت، یعنی زمانیکه ساختمان تولیدرا ثابت‌فرض کنیم، ثابت‌است، دراین‌صورت در تغییرات درآمد وقتی درآمد افزایش یابد مصرف افزایش می‌یابد ولی به‌نسبت کمتری وچون پس‌انداز باقیمانده مصرف از درآمد است، لذا درموقع ترقی درآمد پس‌انداز افزایش می‌یابد ولی به نسبت بیشتری. البته این تغییرات درمواقعی که درآمد کاهش یابد درجهت‌عکس نیزصادق است. بدینمعنی که وقتی درآمد کاهش یابد مصرف کاهش‌می‌یابد ولی‌به‌نسبت کمتری وپس‌انداز که‌باقیمانده مصرف از درآمد است کاهش می‌یابد ولی به‌نسبت بیشتری[1].

ب - پیش بینی تقسیم پس‌انداز به سرمایه‌گذاری و کنز - تقاضای ثروتهای مصرفی بصورت مخارج مصرف برمبنای میل به‌مصرف بوجود میاید. باقیمانده‌مصرف از درآمد، چنانکه دیدیم، پس‌انداز است که‌می‌بایست سرمایه گذاری شود. دراین صورت سرمایه گذاری بصورت مخارج ایجاد وسایل تولید ازمحل درآمدهای‌مصرف نشده‌بصورت‌پس‌انداز بوجودمیاید. ولی‌ازطرفی‌سرمایه گذاری‌ازیکطرف به‌سودنهائی سرمایه وازطرف دیگر به نرخ بهره بستگی دارد. لذا ملاحظه میشود که در تقسیم پس‌انداز بـه سرمایه‌گذاری و کنز سود نهائی سرمایه و نرخ بهره نقش اصلی را بعهده دارد.

سود نهائی سرمایه که در نظریهٔ کینز به تأثیر نهائی سرمایه[2] مشور است از فعلی کردن درآمد سرمایه درطول مدت سرمایه گذاری به‌میزان سرمایه‌ای که جهت ایجاد سرمایه گذاری بکار رفته است بدست میاید. بعنوان مثال اگر ماشینی بمبلغ

۱- Barrère-Alain, Théorie Economique et Impulsion Keynesienne, Dalloz Paris, 1952, P. 83.

۲- Efficacité Marginale de Capital

X میلیون تومان خریداری شود ودرآمد این ماشین درسال اول کار A میلیون تومان ودرسال دوم کار B میلیون تومان باشد وپس از آن ماشین بلااستفاده وقیمت آن صفر فرض گردد بازدهٔ پیش بینی شده ماشین درمدت دوسال کارآن A+B میلیون تومان خواهد بود وچون مبلغ فوق در دوسال آینده بدست میآید ، یعنی A میلیون تومان درسال اول و B میلیون تومان درسال دوم ، لذا با فعلی کردن مبالغ فوق در زمان حال (که درنرخ فعلی کردن نرخ بهرهٔ پول ملحوظ است) ومقایسه آن با X میلیون تومان قیمت ماشین ، تأثیر نهائی سرمایه محاسبه می‌شود. دراین‌صورت تأثیرنهائی سرمایه براساس نرخ بهره یعنی بهای پول محاسبه میگردد ، زیرا فعلی کردن درآمد سرمایه گذاری درطول مدت سرمایه گذاری باتوجه به‌نرخ بهره صورت گرفته‌است.

ملاحظه میشود که تغییرات سرمایه گذاری درجامعه بستگی به‌تغییرات ارزش پول دارد وبرمبنای نرخ بهره که درواقع بهای پول است سرمایه گذاری جامعه توسعه می‌یابد. زیرا ، چنانکه قبلاً دیدیم ، سرمایه گذاری از مقایسه تأثیر نهائی سرمایه که ارزش پول درآن ملحوظ است ونرخ بهره که از برخورد عرضه و تقاضای پول بدست میآیدایجاد میشود. دراین‌صورت ، چنانکه ملاحظه میشود، درنظریهٔ عمومی کینز مثل نظریهٔ کلاسیک سرمایه گذاری باپس‌انداز مشتبه نیست ، بلکه چنانکه اغلب اتفاق می‌افتد بعلت افزایش رجحان نقدینه وترقی‌نرخ بهره قسمتی از درآمد مصرف نشده بصورت پس‌انداز ازمسیر مخارج سرمایه گذاری منحرف شده و کنز میگردد واین وضع مخارج سرمایه گذاری را تقلیل میدهد ، بطوری که مخارج کل جامعه که عبارت ازمخارج مصرف ومخارج سرمایه گذاری‌است درحدی قرار میگیرد که تولید جامعه نتواند از نیروی کار جامعه بطور کامل بهره‌برداری نماید.

۲ـ تعادل اشتغال ـ تعادل در نظریـهٔ عمومی کینز موقعی ایجاد میشود کـه ارزش تولید با تقاضای مؤثر برابر گردد . یعنی وقتی محصول بدست آمـده مساوی محصولی باشد که مورد پیش‌بینی بوده است. در واقع این تعادل در وضعی ایجاد میشود که مجموع درآمدهای‌جامعه معادل‌مجموع مخارج جامعه گردد ودرآن‌وضع

تقاضای مؤثر حد تولید را که بموجب آن حد استخدام و اشتغال نیروی کار صورت میگیرد مشخص سازد. حال باید دید چطور ودرچه موقعیتی این وضع وحالت تحقق می‌یابد.

الف ـ تعادل اقتصادی براساس پیش‌بینی اقتصادی ـ در پیش‌بینی اقتصادی درآمد به‌مصرف و پس‌انداز تقسیم میشود. البته کینز با توسل به‌زمان هریک از عوامل فوق‌را بصورت‌جریان درنظرمیگیرد. یعنی‌جریانهای درآمدبه‌جریانهای‌مصرف وپس‌انداز تقسیم میشود. ولی‌ماقبلاً دیدیم که بعلت‌ثابت‌بودن میل نهائی‌به‌مصرف جریانهای‌مصرف ثابت‌اند، یاتغییرات آنها خیلی بطیء وجزئی‌است. درنتیجه‌بدنبال تغییرات درآمد، بیشتر از طریق‌سرمایه گذاری است که می‌بایست مجموع جریانهای خرج مساوی ومعادل مجموع جریانهای درآمد گردد.

درحقیقت اگردرآمد کل‌جامعه‌را بصورت درآمد ملی R ومحصول کل‌جامعه را بصورت محصول ملی P فرض کنیم و مخارج ملی را C و مخارج سرمایه گذاری ملی را I و پس‌انداز ملی‌را S درنظر بگیریم، ازمحصول ملی قسمتی مصرف وبقیه پس‌اندازمیگردد. دراین صورت میتوانیم بنویسم $P=C+S$ و از درآمد ملی نیز که درواقع همان ارزش محصول ملی است قسمتی برای مخارج مصرف وبقیه برای مخارج سرمایه گذاری‌اختصاص می‌یابد. درنتیجه میتوانیم بنویسیم $R=C+I$. ولی درآمد ملی بصورت درآمد کل جامعه ازهمان درآمدهائی بوجود آمده است که درواقع بصورت هزینه عناصر تولید بین‌افراد جامعه تقسیم شده است. درنتیجه‌درآمد ملی، همانطوری که اشاره کردیم، همان ارزش محصول ملی است، یعنی R و P بایکدیگرمساوی‌است. حال اگردرنظرآوریم که دردورابطهٔ $P=C+S$ و $R=C+I$ طرفین دورابطه بایکدیگر مساوی است از نظر ریاضی میتوان استدلال کرد که قهراً دوطرف‌دیگر دو رابطه بایکدیگرمساوی‌میشود، یعنی $C+S$ مساوی $C+I$ بصورت رابطهٔ $C+S=C+I$ درمیاید. حال اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که این رابطه همان تساوی عرضه کل وتقاضای کل است که براساس آن تقاضای مؤثر

ودرنتیجه تعادل اقتصادی درنظریهٔ کینز بدست‌میاید. زیرا طبق آن‌مجموع درآمدها بصورت درآمد ملی قسمتی برای مخارج مصرف و قسمتی پس‌انداز شده که برای مخارج سرمایه گذاری اختصاص می‌یابد. ولی کینز ادعا میکند که در کوتاه مدت چون مصرف ثابت است، لذا با حذف C در طرفین رابطه $C+S=C+I$ میتوان استدلال کرد که ضمناً تعادل موقعی ایجاد میشود که سرمایه گذاری و پس‌انداز مساوی شوند ورابطه بصورت $S=I$ درآید.

البته درنظریهٔ‌عموسی کینز، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، مقداری ازپس‌انداز ازمسیر مخارج سرمایه گذاری‌منحرف شده کنز میگردد. لذا، همانطوری که کینز ادعا میکند، تقاضای کل اغلب به‌حدی نمیرسد که بتواند تعادل اقتصادی‌را درحد اشتغال کامل نیروی کار جامعه قراردهد. ازاین نظرملاحظه‌میشود که کینز درنظریهٔ خود ضمن دخالت پول وزمان توانسته‌است تعادل اشتغال را آنطوری که درجامعه مصداق دارد ارائه کند ودرواقع نشان دهد که باتغییرات ارزش‌پول بدنبال تغییراتی که درحجم پول بوجودمیاید نرخ بهره وتأثیر نهائی سرمایه تغییرمی کنند ودرنتیجه سرمایه گذاری تقاضای مؤثر را درحدی قرارمیدهد که درآن حد نتوان ازنیروی کار جامعه بطور کامل درتولید استفاده نمود.

ب ـ انواع تعادل اشتغال ـ چنانکه ملاحظه شد، تعادل اقتصادی در نظریهٔ کینز از برخورد عرضه وتقاضای کل بوجود میاید. زیرا، چنانکه دیدیم، برخورد عرضه وتقاضای کل تقاضای‌مؤثر رابوجودمیاورد که بموجب آن تساوی‌عرضه وتقاضای کل تعادل اقتصادی را ایجاد مینماید؛ یعنی‌تعادلی که برحسب آن تساوی‌وتعادل بین درآمدهای جامعه که از تولید جامعه ناشی شده و مخارج جامعه که از مخارج مصرف ومخارج سرمایه گذاری‌بوجود آمده برقرار میشود. ولی بعکس کلاسیکها که معتقد بودند تعادل اقتصادی اصولاً تعادل اشتغال کامل است کینز معتقد است که عرضه وتقاضای کل بهرمیزان بالاخره درحدی بایکدیگر برخورد مینماید وازبرخورد آنها تعادلی بوجود میاید. ولی‌تعادل فوق‌تعادل اشتغال کامل نیست، بلکه‌تعادل

فوق تعادلی است که برحسب آن درتولید جامعه بمیزان ظرفیت تولید که متناسب باتقاضای مؤثر است ازنیروی کار استفاده میشود. ولی ، همانطوری که اشاره شد ، استفاده از نیروی کار متناسب باسطح تولید وسطح تولید متناسب باعرضه وتقاضای کل است. حال اگر سطح تقاضای کل پائین باشد ، بطوری که نتوان در تولیدی که برای تقاضای فوق کالا و خدمت ایجاد میکند کلیه نیروی کار جامعه را جذب کرد، دراین صورت بعلت تساوی عرضه و تقاضای کل تعادل اقتصادی وجود دارد ، ولی تعادل، تعادل اشتغال کامل نیست، بلکه تعادل، تعادل اشتغال ناقص است، زیرا در این وضع ازتعادل، مقداری ازنیروی کارجامعه بلااستفاده وبیکارمانده است. حال اگر بازاء مقادیر مختلف تقاضای مؤثر تعادلی درنظر آوریم که متناسب باآن درتولید ازنیروی کار جامعه بهره‌برداری شود میتوان انواع تعادل متناسب با انواع تقاضای مؤثر درنظر آورد. انواع تعادل بصور تعادل‌اشتغال ناقص، تعادل اشتغال کامل وتعادل اشباع اشتغال بوجود میاید.

فصل پنجم

پول وقیمتها درمراحل مختلف اشتغال

درفصل قبل اصول نظریهٔ پولی کینزبیان‌شد وملاحظه گردید که پول‌دراقتصاد جدید چه نقشی بعهده دارد. این بررسی از این نظر بعمل آمد که ببینیم رابطهٔ بین پول و قیمتها را دراقتصاد جدید چطور باید در نظر بگیریم. در نظریهٔ کلاسیک ، چنانکه مطالعه شد ، عامل پول مجزا از عوامل اقتصادی بررسی میشد. در نتیجه دیدیم که تعادل اقتصادی درنظریهٔ کلاسیک‌تعادل اشتغال کامل بود. وپول بعنوان وسیله دادوستد نقش واسطه‌رادرتبدیل عاملی به‌عامل دیگر داشت. درنظریهٔ پولی کینز پول مستقیماً درترکیب عوامل اقتصادی وتبدیل عاملی به‌عامل دیگر وارد

میشود. در نتیجه تغییرات آن در بررسی عوامل اقتصادی مورد توجه است ؛ ولی تعادل اقتصادی درنظریهٔ کینز وهمچنین درسایر نظریه‌های جدید اقتصادی دارای مراحل مختلفی از اشتغال است. درنتیجه در بررسی هریک از عوامل اقتصادی می‌بایست آن عامل را درمراحل مختلف اشتغال مورد مطالعه قرار داد.

حال اگرباتوجه باین توضیح نقش پول دراقتصاددرادرنظریهٔ کلاسیک و درنظریهٔ کینز وهمچنین درسایر نظریه‌های جدید پولی موردمقایسه قرار دهیم ملاحظه‌میشود که درنظریهٔ پولی کلاسیک که‌معادلهٔ پولی کامل‌آنرا درنظریهٔ فیشرمطالعه کردیم تغییرات پول وقیمتها بایکدیگر بستگی کامل‌دارند، یعنی وقتی حجم پول افزایش می‌یابد بموازات افزایش حجم پول قیمتها ترقی میکند. ولی در نظریه‌های جدید پولی بخصوص درنظریهٔ کینز که پایه و اساس نظریه‌های جدید پولی است بررسی تغییرات قیمتها را نمیتوان مجزا و مستقل از اشتغال عناصر اقتصادی مورد مطالعه قرارداد. لذا از این نظر است که بدنبال افزایش حجم پول تغییرات قیمتها را باید درشعب مختلف مصرف و تولید درمراحل مختلف اشتغال بطور مجزا مورد بررسی قرارداد.

افزایش حجم پول ازطریق بجریان گذاردن پول جدید یا بجریان گذاردن پولی که بصورت راکد درآمده است صورت میگیرد. جریان جدید پول و همچنین جریان مجدد پول راکد درگردش پول جامعه دراصطلاح بانکی به تزریق پول یا انژکسیون پول[1] مشهوراست. تزریق پول در هریک از شعب مصرف و تولید آثار متفاوتی دارد.

درشعبه مصرف تزریق پول بصور زیر صورت میگیرد :

اولاً، تزریق پول ازطریق کسر بودجه وانتشار اسکناس اضافی بمنظورافزایش مخارج مصرفی بودجه بصورت افزایش حقوق کارمندان دولت و دستمزد کارگران بخش دولتی صورت میگیرد. افزایش حجم‌اسکناس اضافی بدین‌ترتیب درآمدطبقاتی

۱- Injection Monétaire.

ازاجتماع راکه بطور مستقیم وغیرمستقیم درخدمت دولت‌اند افزایش میدهد. ولی باید باین مسأله توجه داشت که افزایش مخارج مصرف بدنبال افزایش درآمد بستگی به وضع مالی طبقات مختلف دارد. درطبقات فقیر همیشه افزایش درآمد به‌افزایش مصرف منتهی میگردد. ولی درطبقات متمکن افزایش درآمد با افزایش مصرف همراه نیست، بلکه دراین طبقات اغلب قسمتی از افزایش درآمد پس‌انداز میشود. بدین‌ترتیب بدنبال افزایش حجم اسکناس اضافی ازطریق پول قسمتی از پول جدیدی که بجریان گذارده شده بتناسب تمکن خانوادگی پس‌انداز میگردد.

ثانیاً، تزریق پول ازطریق افزایش‌حقوق ودستمزد کارمندان وکارگران وابسته به‌اقتصاد خصوصی صورت میگیرد. جریان جدید پول دراین مورد اغلب ازطریق اعتبارات بانکی واستفاده از ذخایر است. وبدنبال آن مانند مورد اول درآمد طبقاتی ازاجتماع که بامؤسسات وبنگاههای اقتصادی خصوصی بطور مستقیم وغیرمستقیم مرتبط‌اند افزایش می‌یابد. ولی درتعقیب افزایش درآمد عیناً مثل مورد اول نباید تمکن خانوادگی را درطبقات فوق از نظر دور داشت، بدینمعنی که برحسب قدرت مالی درطبقات فوق قسمتی از درآمد حاصل ازتزریق پول‌اضافی مصرف وقسمتی‌دیگر پس‌انداز میگردد.

ثالثاً، تزریق پول بدنبال تغییر عوامل روانی افراد در پیش بینی وضع آینده اقتصادی صورت میگیرد. دراین مورد حجم پول درگردش بدنبال جریان مجدد پولهائی که بعلت بدبینی افراد کنز شده است افزایش می‌یابد.

درشعبه تولید تزریق پول به‌اشکال زیرصورت میگیرد.

اولاً، تزریق‌پول‌ازطریق کسربودجه وانتشار اسکناس‌اضافی‌درمواقع‌افزایش مخارج عمرانی وانواع سرمایه گذاریهای نظامی مثل ساختمان قلاع نظامی و تهیهٔ سلاح وهمچنین سرمایه گذاریهای‌عام‌المنفعه مثل‌ساختمان خطوط سرتاسری وتوسعهٔ وسایل رفاه عمومی وامثال آن.

ثانیاً، تزریق‌پول ازطریق‌افزایش‌اعتبارات بانکی‌جهت افزایش‌وسایل‌تولید.

ثالثاً ، تزریق پول ازطریق کسری تراز پرداختها ودرنتیجه ورود سرمایه های خارجی درراه توسعهٔ تولید .

رابعاً ، تزریق پول از طریق استهلاك قرضه های دولتی و درنتیجه برگشت پول باقتصاد خصوصی بمنظور تأمین سرمایه گذاریهای خصوصی .

حال باتوجه بموارد بالا باید آثار تزریق پول را در هر یک از شعب مصرف وتولید بطور جداگانه مورد بررسی قرارداد .

بخش اول ـ تزریق پول درشعبه مصرف

آثار تزریق پول درشعبه‌مصرف بستگی به وضع آن شعبه ازنظر مراحل‌مختلف اشتغال دارد. درسه مورد این آثار بررسی میشود .

۱ ـ قابلیت‌انعطاف درافزایش‌عرضه مواد مصرفی۔ قابلیت انعطاف‌درافزایش عرضه مواد مصرفی بستگی به‌اشتغال عناصر تولید درساخت کالا های مصرفی‌دارد . درواقع زمانی که موجودی کالا های‌مصرفی‌بدنبال رکوداقتصادی افزایش یابدوضمناً مواد اولیه برای ساخت چنین کالا هائی نیز زائد براحتیاج تولید در دسترس‌تولید کنندگان باشد وهمچنین موقعی که درمرحله رکوداقتصادی تولید جامعه نتواند از ظرفیت کامل نیروی کار استفاده نماید ودرنتیجه تعدادی ازکارگران بیکار باشند ، یا اینکه بتوان ساعات کارکارگران مشغول بکار را بدون اینکه بازدهٔ کارآنهاپائین بیاید افزایش داد ، بخصوص‌موقعی که درچنین‌وضعی وسایل تولید کالا های‌مصرفی در وضع اشتغال ناقص باشد ، یعنی ماشین‌آلات برای ساخت این نوع کالا ها زاید براحتیاج درجامعه موجود باشد، باتوجه باین‌شرایط میتوان گفت که تولید کالا های مصرفی دارای قابلیت انعطاف‌است ، بدینمعنی که بدنبال افزایش تقاضای کالا های مصرفی درتعقیب تزریق پول اضافی درشعبه مصرف عرضه کالا های مصرفی میتواند بسرعت افزایش‌یابد وباتقاضا برابر گردد ودرنتیجه این‌وضع ازترقی قیمتها که اجباراً درمواقع تزریق پول اضافی وافزایش حجم اسکناس بوجود میآید جلوگیری نماید .

البته اگر تقاضای کالاهای مصرفی درشعبه مصرف پیوسته ترقی کند، یعنی اگر تزریق پول درشعبه مصرف مداوم باشد وپیوسته افزایش حجم پول که بمنظور خرید کالاهای مصرفی اختصاص می‌یابد تقاضای این کالاها را ترقی دهد، دراین وضع خودبخود پس ازمدتی وسایل تولید کالاهای مصرفی بوضع اشتغال کامل میرسد ودراین وضع درصورتی میتوان از ترقی سریع قیمتها در شعبه مصرف جلوگیری کرد که بتوان باساخت وسایل تولید جدید ظرفیت تولید کالاهای مصرفی را در جامعه بخصوص در رشته‌هائی که مورد احتیاج عمومی است بالا برد.

۲ ـ افزایش وسایل تولید بدنبال افزایش عرضه کالاهای مصرفی ـ افزایش وسایل تولید به‌سه‌عامل بستگی دارد که بترتیب عبارتنداز:

اولاً، قابلیت انعطاف درصنایع ساخت وسایل تولید، ازاین‌نظر که درمواقع افزایش تقاضای وسایل تولید بتوان دراین صنایع بسرعت میزان تولید را بالا برد. ولی بالا بردن سطح تولید درصنایع ساخت وسایل تولید مثل صنایع مصرفی احتیاج به‌موجودی کافی ازعناصری‌دارد که بایددرتولید اینگونه صنایع بکار رود. موجودی اضافی این عناصر نیز مثل عنصر کار و مواد اولیه درمواقعی‌امکان دارد که کارگر در وضع اشتغال ناقص و مواد اولیه اضافی بحد کافی جهت افزایش سطح تولید موجود باشد.

ثانیاً، پس‌انداز کافی‌جهت تأمین مالی سرمایه گذاری اضافی درجامعه‌موجود باشد. دراین‌خصوص باید بخاطر داشت که افزایش وسایل تولید در جامعه موقعی امکان دارد که جامعه از پس‌انداز کافی جهت تأمین مالی سرمایه گذاریهای لازم جهت افزایش وسایل تولید برخوردار باشد.

منابع مالی‌جهت افزایش‌وسایل‌تولید گاه ازطریق ذخایر مالی‌تولید کنندگان صورت میگیرد. دراین‌مورد تولید کنندگان قسمتی از درآمد تولید را بصورت‌ذخیره جمع‌آوری کرده ودرمواقع لازم برای سرمایه گذاریهای جدید استفاده مینمایند. این

روش چنانکه میدانیم به‌تأمین مالی‌سرمایه گذاری ازدرآمد یا اتوفینانسمان[1] مشهور است .

گاه تأمین مالی سرمایه گذاریهای اضافی جهت‌افزایش وسایل تولید ازطریق جریانهای‌پول کنزشده‌صورت میگیرد . بدینمعنی که افرادی که قسمتی ازدرآمد خود را پس‌انداز کرده وپس‌انداز خود را بصورت کنز در آورده‌اند درنتیجه ترقی خفیف قیمتها وبهبودوضع‌سرمایه گذاری‌موجودیهای‌خودرابرای‌تأمین‌مالی‌سرمایه گذاریهای جدید اختصاص میدهند .

گاه تأمین مالی سرمایه گذاریهای اضافی از طریق قسمتی از پول اضافی که درجامعه تزریق شده‌است صورت میگیرد . بدینمعنی که بدنبال تزریق پول درشعبه مصرف وافزایش درآمد طبقات مختلف‌جامعه،طبقاتی که مایحتاج اولیه زندگی آنها تأمین است ودرآمد خانوادگی آنها بر اثر تزریق پول افزایش می‌یابد به پس‌انداز بیشتری مبادرت میورزند و درنتیجه وجوه پس‌انداز شده آنها ازطریق بازار سرمایه دراختیار تولید کنندگان قرار میگیرد .

بالاخره طریق دیگری که درتأمین‌مالی‌سرمایه گذاریهای جدید مورد استفاده تولید کنندگان برای افزایش وسایل تولید است افزایش اعتبارات بانکی است . زیرا بدنبال افزایش حجم پول خودبخود میزان سپرده‌ها بالا میرود وهرچند قسمت اعظم این سپرده‌ها سپرده‌های دیداری است ، معهذا بانکها درمواقع افزایش‌سپرده باسهولت‌بیشتری میتوانند به‌اعطای اعتبارات سرمایه گذاری مبادرت ورزند .

ثالثاً، موجودی کافی ارز جهت واردات وسایل تولید، درمواقعی که صنایع ساخت وسایل تولید کشور فاقد توانائی تهیه وسایل تولید داخلی باشد . البته این شرط نه فقط برای واردات وسایل تولید ، بلکه برای واردات موادی که تهیه آنها در داخل کشور غیر مقدور باشد مصداق دارد . چنانکه اغلب مشاهده شده است بعلت کمبود ونایابی ارز قسمتی از تولید جامعه فلج میگردد .

۱- Autofinancement

حال باتوجه به‌جمع بودن شرایط بالا میتوان استدلال کرد که تولید میتواند بدون تحمل ترقی شدید قیمتها توسعه یابد. ولی باید بخاطر داشت که توسعهٔ تولید چه درشعبه صنایع‌مصرف وچه درشعبه صنایع‌ساخت وسایل تولید باسیر برهم‌افزائی تولید[1] همراه است. سیربرهم افزائی‌تولید را درنظریهٔ ویکسل باشاره بیان کردیم. درواقع وقتی تولید افزایش می‌یابد افزایش حجم‌تولید درآمد طبقاتی را که‌درتولید اضافی شرکت کرده‌اند بالا میبرد. ولی افزایش درآمد طبقات جامعه بنوبه ایجاد افزایش تقاضای کالاهای مصرفی‌مینماید وافزایش تقاضای کالاهای مصرفی مجدداً سطح تولید را درشعبه مصرف بالا میبرد و بدنبال آن تولید‌کنندگان صنایع مصرفی مجبور میشوند تقاضای وسایل تولید خود را بالا ببرند؛ و افزایش تقاضای وسایل تولید حجم سرمایه گذاری را در جامعه بالا میبرد. ولی، چنانکه میدانیم، بدنبال افزایش حجم سرمایه گذاری از طریق مخارج سرمایه گذاری، درآمد طبقاتی که در سرمایه گذاری‌اضافی‌شرکت کرده‌اند بالامیرود وبدین ترتیب‌مجدداً جامعه باافزایش درآمد ودرنتیجه افزایش‌تقاضا وسرانجام افزایش سرمایه گذاری جدید روبروخواهد شد. این جریان تا موقعی که‌به موانعی برخورد نکندپیوسته ادامه خواهد یافت.

البته درجریانی که به‌سیر برهم افزائی‌تولید مشهور است، همانطوریکه‌حجم تولید افزایش‌می‌یابد، معهذا بتدریج سطح قیمتها نیز بالا میرود. زیرا عناصری که درتولید شرکت دارند و عواملی که تولید را هدایت میکنند رفته رفته تناسب و هماهنگی خودرا ازدست میدهند. درنتیجه بتدریج‌بازده تولید در رشته‌های‌مختلف پائین میآید، بطوریکه با بالا رفتن مخارج تولید خود بخود قیمتها ترقی میکنند. مواردی که بدنبال کاهش بازدهٔ تولیدهزینهٔ‌تولیدبالامیرودودرنتیجه قیمتها افزایش می‌یابد دراقتصاد امروز بسیار است. برای احتراز از تطویل کلام اهم این موارد را شرح میدهیم.

اولاً، بازده در تولید بدنبال تزریق پول و افزایش تقاضا رفته رفته کاهش

۱- Processus Cumulatif de Production

می یابد. کاهش بازدهٔ تولید در مواقع افزایش حجم پول اغلب بعلت کاهش بازدهٔ نیروی کار است. درواقع باید قبول کرد که کارگران بیکار از بهترین کارگران نیستند. زیرا درمواقع رکود اقتصادی وقتی قسمتی از کارگران شغل خود را ازدست میدهند واشتغال جامعه بوضع اشتغال ناقص درمیآید دراین بیکاری ابتدا کارگران ناآزموده شغل خود را ازدست میدهند وبتدریج که رکود اقتصادی درجامعه دامنگیر رشته های مختلف صنایع میگردد بیکاری به سایر کارگران نیز سرایت مینماید. معهذا باید بخاطر داشت که وقتی رونق شروع میشود ابتدا کارگران آزموده بکارگمارده میشوند، ولی بتدریج که تولید توسعه می یابد بعلت احتیاج به نیروی کارگر دسته های دیگر کارگران نیز هرچند ناآزموده بکار جذب میگردند. ودراین موقع است که در واقع بازدهٔ نیروی کار در تولید پائین میآید. زیرا کارگر معادل مزد دریافتی کار تولید نمیکند، درنتیجه هزینهٔ تولید بالا میرود وبدین ترتیب برقیمت اجناس افزوده میگردد.

ثانیاً، در تولید حفره خفقانی ایجاد میشود. حفره خفقانی[1] در تولید به عدم هماهنگی عناصر تولید اطلاق میشود. درواقع وقتی ازعناصر کار وسرمایه وموادا‌ولیه نتوان بعلت فقدان یکی ازآنها بطور متناسب وهماهنگ درتولید استفاده کرد، کمبود عنصری ازتولیدنسبت به سایر عناصر پیشرفت تولیدرا بطیٔ ویابکلی متوقف میسازد. این حالت به حفره خفقانی تولید مصطلح است وکینز آنرا ناحیه خفقانی[2] مینامد.

حفره خفقانی یا ناحیه خفقانی یکی از علل ترقی قیمتها است که به دنبال تزریق پول بوجود میآید. زیرا هرچند عناصر تولید دروضع اشتغال باشد ودرتعقیب افزایش تقاضا بتوان عرضه را افزایش داد، معهذا، وقتی عناصر تولید را نتوان بطور هماهنگ ومتجانس ترکیب کرد عقب ماندگی عنصری نسبت به سایر عناصر ترقی عرضه را متوقف میکند ودرمواقع تزریق پول ترقی تقاضا با افزایش قیمتها روبرو

۱- Goulets d'Etranglements

۲- Zone d'Etranglement

میگردد[۱].

در واقع عناصر تولید بصورت کار، سرمایه ومواد اولیه ومدیریت وکارفرمائی درتولید چه درخط افقی وچه درخط عمودی گاه هماهنگی خود را از دست میدهند.

در خط افقی انتقال عناصر از رشته صنعتی به رشته صنعتی دیگر یا از ناحیه صنعتی به ناحیه صنعتی دیگر صورت میگیرد. دراین انتقال وقتی در ترکیب عناصر انتقال عنصری نسبت به سایر عناصر به کندی صورت گیرد خود بخود درآن رشته صنعتی یا ناحیه صنعتی حفره خفقانی تولید ایجاد میشود.

درخط عمودی انتقال عناصر ازمرحله مقدماتی وپائین تر صنعتی به مرحله بالاتر صنعتی صورت میگیرد. دراین انتقال نیز وقتی درترکیب عناصر تولید انتقال عنصری نسبت به سایر عناصر به کندی صورت گیرد خود بخود در آن مرحله صنعتی حفره خفقانی بوجود میآید وبدنبال این نوع حفره‌های خفقانی چه درخط افقی وچه درخط عمودی بازدهٔ تولید پائین میآید وبدنبال آن قیمتها افزایش می‌یابد. زیرا مثلاً اگر درنتیجه افزایش تقاضا وتوسعهٔ تولید رشته هائی ازصنایع باکمبود کارگر مواجه شوند یابعلت کمبود مواد اولیه در رشته یا ناحیه‌ای تولید متوقف شود، یا مثلاً اگربعلت کمبود سرمایه واعتبار نتوان رشته های مختلف صنایع را بطور هماهنگ توسعه داد ویا مثلاً اگر بعلت نقص در مدیریت صنعتی و کارفرمائی بازدهٔ تولید در رشته هائی ازصنایع پائین آید، در این صورت ملاحظه میشود که تزریق پول هرچند درمرحله اشتغال ناقص صورت گیرد، معهذا بعلت حفره خفقانی در تولید افزایش حجم پول باترقی قیمتها روبرو میگردد، یعنی حتی در زمانی که اقتصاد در وضع اشتغال ناقص باشد، معهذا درتعقیب تزریق پول، قبل از اینکه رونق اقتصادی بحد کمال خود واشتغال ناقص به اشتغال کامل گرایش یابد، افزایش حجم پول قیمتهارا ترقی میدهد.

ثالثاً، نرخ مزد، حتی قبل از اینکه اشتغال ناقص نیروی کار به اشتغال کامل

۱- برای اطلاعات بیشتر به کتاب اقتصاد مالیه عمومی، نوشتهٔ مؤلف، فصل ظرفیت پولی رجوع شود.

گرایش یابد ، یعنی حتی قبل ازاینکه کارگر بیکار بکارجذب شود افزایش‌می‌یابد وافزایش نرخ مزد چنانکه میدانیم درهزینه تولید مؤثر واقع میشود وآنرا متناسب باافزایش نرخ مزد افزایش میدهد وبدنبال آن چنانکه میدانیم قیمتها ترقی میکند. درواقع وقتی درتعقیب تزریق پول درشعبه مصرف گشایشی درصنایع مصرفی ایجاد میشود ، درنتیجه بهبود وضع اقتصادی، کارگران‌بیکار رفته‌رفته بکار جذب‌میشوند. البته دراین‌خصوص میتوان استدلال کرد که تاموقعی که اشتغال نیروی کار ناقص باشد ونیروی کار در رشته‌های مختلف صنعتی زائد براحتیاج تولید موجود باشد ، نرخ مزد افزایش نمی‌یابد . ولی اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که وقتی درتعقیب تزریق پول بهبود اقتصادی دررشته‌های مختلف‌نمایان گردد و زمانی که بعلت افزایش فروش ، سود صنایع ترقی کند کارگران مشغول بکار حتی با وجود نیروی کار زائد براحتیاج تولید تقاضای اضافه دستمزد مینمایند. البته موفقیت آنها درتحصیل اضافه دستمزد در هر جامعه منوط به توسعهٔ سازمانهای کارگری ونحوهٔ سیاست دولت از حمایت نیروی انسانی درتولید آن جامعه است. ولی درهرصورت باین مسأله باید توجه داشت که نرخ مزد ، حتی‌قبل‌از اینکه اشتغال ناقص نیروی کار به‌اشتغال کامل گرایش یابد ، افزایش می‌یابد و افزایش نرخ مزد ، چنانکه شرح دادیم ، هزینهٔ تولید را بالا برده وقیمتها را ترقی میدهد.

البته باین مسأله باید توجه داشت که هرچند حفره‌های خفقانی تولید را در روابط پول و قیمتها و تولید وارد نکنیم ، معهذا سیر برهم افزائی تولید بدون حد وبی‌انتها نیست ، بلکه سیربرهم افزائی‌تولید که بدنبال تزریق پول درشعبه مصرف بوجود میآید هر چند با حفره‌های خفقانی مواجه نشود و یا در صورت مواجه شدن حفره‌های مزبور تصحیح شوند ، معهذا باید دانست که سیر ترقی بی‌پایان نیست ، بلکه رونق پایانی دارد ، بدینمعنی که پس از طی مرحله ترقی وگرایش اشتغال ناقص به اشتغال کامل پیشرفت تولید خود بخود متوقف میشود و در نتیجه مرحله رونق باترقی قیمتها وتورم مواجه میگردد.

درواقع وقتی از ظرفیت عناصر تولید درنتیجه افزایش‌سطح تولید بهره‌برداری کامل بعمل آید عناصر تولید حداکثر بازدهی خود را طی کرده و رفته رفته درصد ترقی محصول ملی متوقف میشود ودراین‌موقع است که افزایش حجم پول با ترقی قیمتها مواجه شده وانتشار پول اضافی بتناسب بجریان گذاردن اسکناس اضافی تورم پول را بوجود میاورد.

بخش دوم ـ تزریق پول در شعبه تولید

درشعبه تولید تزریق پول بصور زیر صورت میگیرد:

اولاً ، از طریق بانکها ، بدین ترتیب که بانکها با گشایش اعتبارات جهت سرمایه گذاری وافزایش وسایل تولید درتأمین مالی‌سرمایه گذاریهای جدیدشرکت مینمایند.

ثانیاً ، ازطریق سرمایه افراد ، بدین ترتیب که بدنبال بهبود وضع اقتصادی پس‌اندازکنندگان پس‌انداز خود را بامیل ورغبت بیشتری بصورت وام در اختیار سرمایه گذاران میگذارند.

ثالثاً ، ازطریق کسری تراز پرداختها ، که در تعقیب آن اغلب سرمایه‌های خارجی به داخل کشور راه می‌یابد.

در کلیه موارد بالا تأثیر نهائی سرمایه باید بحدی باشد که سرمایه گذاران بتوانند قبول وام بلند مدت نمایند. زیرا اگر در مواقع رکود سخت اقتصادی بازدهٔ سرمایه بطور نامتناسب کاهش یابد ، مسلم است که افزایش‌عرضه سرمایه نمیتواند سرمایه‌گذاران را تشویق به سرمایه‌گذاری نماید.

رابعاً ، ازطریق تزریق پول میتوان حجم پول درگردش را جهت توسعهٔ سرمایه‌گذاری افزایش داد. تزریق پول ، چنانکه درسابق بیان شد ، ممکن است ازطریق کسر بودجه صورت گیرد. تزریق پول در شعبه تولید از طریق کسر بودجه جهت توسعهٔ سرمایه‌گذاریهای دولتی صورت میگیرد . سرمایه‌گذاریهای دولتی

یا بصورت سرمایه گذاریهای نظامی ویا بصورت سرمایه گذاریهای عمرانی وانتفاعی است. در هر یک از این نوع سرمایه گذاریها اگر از طریق انتشار اسکناس اضافی مخارج بودجه افزایش یابد افزایش حجم پول درگردش سطح عمومی قیمتها را تغییر میدهد. البته رابطهٔ بین تغییرات پول وقیمتها درمراحل اشتغال ناقص واشتغال کامل متفاوت است، لذا عکس العمل قیمتها را بدنبال تزریق پول درشعبهٔ تولید درمراحل مختلف اشتغال مورد بررسی قرار میدهیم.

۱- تزریق پول درشعبهٔ تولید درمرحلهٔ اشتغال ناقص - درمرحلهٔ اشتغال ناقص، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، از نظر ظرفیت عناصر تولید بهره‌برداری کامل بعمل نمی‌آید. یعنی دراین مرحله کارگر مازاد براحتیاج تولید در جامعه بصورت کارگر بیکار وجود دارد. سرمایه بمیزان کافی و مازاد برظرفیت تولید در دسترس تولید کنندگان است. ازظرفیت ماشین آلات ووسایل تولید جامعه بهره‌برداری کامل نمیشود. دراین مرحله وقتی تزریق پول درشعبه تولید صورت گیرد سرمایه گذاری دروسایل تولید افزایش می‌یابد. ولی، چنانکه میدانیم، از طریق مخارج سرمایه گذاری در وسایل تولید درآمد طبقاتی ازاجتماع که عناصر مختلف تولیدرا درتوسعهٔ سرمایه گذاری شرکت داده‌اند افزایش می‌یابد.

درآمد اضافی در طبقات مختلف برحسب تمکن مالی طبقات و میل نهائی به مصرف ومیل نهائی به پس انداز درجامعه قسمتی مصرف وباقیمانده پس اندازمیگردد. ولی ما میدانیم که مخارج مصرف تقاضای کالاها وخدمات مصرفی‌را بوجودمیاورد. دراین صورت در تعقیب افزایش حجم پول در شعبه تولید تقاضای مصرف افزایش می‌یابد، بطوریکه بدنبال توسعهٔ صنایع تولیدی صنایع مصرفی نیز توسعه می‌یابد. ازطرفی بدنبال توسعهٔ صنایع مصرفی تقاضای وسایل تولید افزایش می‌یابد وافزایش تقاضای وسایل تولید مجدداً درتوسعهٔ صنایع تولیدی مؤثر واقع شده وصنایع فوق را توسعه میدهد، بطوریکه درتعقیب تزریق پول درشعبهٔ تولید ابتدا صنایع تولیدی افزایش یافته وپس ازآن باتوسعهٔ صنایع مصرفی صنایع تولیدی مجدداً توسعه‌میابد،

ولی باتوجه به تأثیر متقابل صنایع تولیدی و مصرفی بدنبال توسعهٔ صنایع تولیدی صنایع مصرفی مجدداً توسعه می‌یابد وبدین ترتیب ملاحظه میشود که تأثیر متقابل صنایع تولیدی ومصرفی اقتصاد جامعه را درمسیر برهم افزائی تولید قرار میدهد. البته دراین وضع چون تزریق پول درمرحله اشتغال ناقص عناصر تولید بعمل میآید وافزایش حجم پول تا حدودی با افزایش کالاها و خدمات همراه است، لذا ترقی قیمتها تا موقعی که اشتغال ناقص به اشتغال کامل گرایش نیافته‌است زیادمحسوس نیست. معهذا باین مسأله باید توجه داشت که درمرحلهٔ اشتغال ناقص نیز اگر مخارج سرمایه گذاری صرفاً مثل مخارج سرمایه گذاری نظامی غیر تولیدی باشد، بعلت کمبود وسایل تولید تزریق پول با ترقی قیمتها مواجه میگردد. از این نظر نوع مخارج را ازنظر بررسی تغییرات حجم پول وقیمتها نباید ازنظر دور داشت.

۲- تزریق پول درشعبهٔ تولید درمرحلهٔ اشتغال کامل- درمرحلهٔ اشتغال کامل از ظرفیت عناصرتولید بطور کامل بهره‌برداری‌میشود، بطوریکه دراین‌مرحله ازنظر نیروی انسانی کارگران همه‌بکارمشغولند ودرصورت افزایش تولید تولید کنندگان بافقدان کارگر روبرو میشوند. وازنظر سرمایه های فنی ازظرفیت وسایل تولید بطور کامل بهره‌برداری میشود، بطوریکه افزایش‌تولید بدون وسایل تولید اضافی برای تولید کنندگان غیرمقدور است.

دراین‌مرحله بدنبال تزریق پول درشعبه تولید، چه منشأ آن بخش خصوصی باشد وچه‌بخش دولتی، صنایع تولیدی افزایش می‌یابد. ولی، چنانکه میدانیم، افزایش صنایع تولیدی ازطریق مخارج سرمایه گذاری مانند مورد قبل برای طبقاتی ازاجتماع که عناصر تولید را درتوسعهٔ سرمایه گذاری شرکت داده‌اند ایجاد درآمد میکند ودرآمدهای فوق ازطریق مخارج مصرف تقاضای مصرف را درجامعه افزایش میدهد. منتهی دراین‌مرحله بعلت اشتغال کامل عناصرتولیدصنایع مصرفی نمیتوانند بموازات افزایش تقاضای‌مصرف توسعه یابند. ازاین‌نظر تزریق‌پول بلافاصله‌باترقی قیمتها مواجه میشود وبدنبال آن‌بعلت افزایش نامتناسب قیمتها بین صنایع تولیدی

و صنایع مصرفی برای بدست آوردن عناصر تولید رقابت شدید ایجاد میشود و این رقابتها بنوبه بطور نامتناسب بهای عناصر تولید را افزایش میدهد و در تعقیب آن بعلت کاهش بازدهٔ عناصر فوق نسبت به بهای آنها هزینهٔ تولید بشدت ترقی میکند واین ترقی بنوبه ترقی‌قیمتها را باشدت بیشتری‌افزایش میدهد، بطوریکه ترقی‌قیمتها بصورت تورم شدید درجامعه بروز مینماید.

ملاحظه میشود که روابط پول وقیمتهارا نمیتوان بدون توجه به وضع‌اشتغال مورد بررسی قرارداد. زیرا ، چنانکه مطالعه کردیم ، تزریق پول را باید درهریک ازمراحل اشتغال ودرهریک ازشعب مصرف وتولید با آثاری که کاملاً خاص آن مرحله وشعبه است مورد توجه قرارداد.

البته این‌طرز فکر درنظریهٔ کلاسیک‌مصداقی‌نداشت. زیرا درنظریهٔ کلاسیک اولاً پول وسیله دادوستدبود ونمیتوانست‌نقشی‌دراقتصاد ازنظر تغییر عوامل‌ونسبتها داشته‌باشد. ثانیاً تعادل‌اقتصادی ازنظرتساوی وهماهنگی‌نسبتها درنظریهٔ کلاسیک همیشه دروضع اشتغال کامل عناصر تولید تصور میشد. در این صورت تزریق پول در مراحل مختلف تعادل اشتغال مفهومی نداشت . در نظریه‌های جدید ، چنانکه ملاحظه شد ، پول عامل فعال است ودرهریک ازمراحل اشتغال ودرهریک‌ازشعب مصرف وتولید ، چنانکه بیان کردیم ، با وضع‌خاص‌آن‌مرحله وشعبه نمایان‌میگردد. توجه باین مسأله درسیستم‌های پولی‌وبانکی امروز نهایت اهمیت را دارد. زیرا در اقتصاد جدید نقش پول ووظائف بانکها ازنظر ارشاد وهدایتی که دولت در اقتصاد جامعه بعهده دارد ازمسائل اصلی واساسی پول وبانک است.

قسمت چهارم

پول و ارز

پول تا بحال ازنظر داخلی هدف مطالعه مابوده ، ازاین نظر گردش پول ازنظر داخلی در چهارچوب سازمانها و تشکیلات ملی بررسی شد. ولی همیشه پرداختها داخلی وسازمانها وتشکیلات ملی نیست، بلکه درنتیجه دادوستد کشور باکشورهای خارج پرداختهای اقتصاد کشور به‌اقتصاد بین‌المللی وپرداختهای اقتصاد بین‌المللی به‌اقتصاد کشور جریانهای پولی را در چهارچوب روابط اقتصادی بین‌المللی بوجود میاورد .

جریانهای پولی در چهارچوب روابط اقتصادی بین‌المللی بعکس جریانهای پولی در داخل کشور غیر متجانس است ، یعنی جریانهای پرداختهای بین‌المللی ازجریان پولهائی بوجود میآید که بهیچوجه بایکدیگر شباهت ندارند. لذا دربررسی پول مسأله تبدیل انواع پول جهت تأمین پرداختها مطرح است.

در واقع اگر روزی نوعی پول بین‌المللی اختراع شود که کلیه پرداختهای بین‌المللی باآن صورت گیرد شاید بحث مادراین خصوص زائد بنظررسد. ولی ماميدانيم که امروزه هر کشور واحد پولی اختیار کرده است که باواحد پول کشورهای دیگر کاملاً متفاوت است. از این نظر مجبوریم بحث درباره پول را با روابطی که پول داخلی باپولهای خارجی ایجاد مینماید تکمیل کنیم. در این قسمت مسائل مربوط بصرف وتغییرات نرخ صرف وعملیات بانکی ازنظرمعاملات خارجی وهمچنین سیاست پولی و کنترل ارز بترتیب بررسی میشود.

فصل اول

صرف و مسائل مربوط به آن

در فارسی صرف بمعنای برگردانیدن و افزودن است. از این نظر دراقتصاد ماواژه صرف‌را بجای لغت‌خارجی‌شانژ (Change) که بمعنای تبدیل یابرگردانیدن پولی به‌پول دیگر است آوردیم. البته باین مسأله باید توجه داشت که واژه صرف وصرافی دراصل بمعنای عملیات مربوط به‌انتقال پول ازمحلی به‌محل دیگر ویاتبدیل قطعات پول بزرگ به‌پول‌خرد ویاتبدیل پول منطقه‌ای ازکشوربه‌پول منطقه دیگر ویا زمانی که پول طلا ونقره درجریان بوده بمعنای عملیات‌مربوط به‌تبدیل‌پول طلا به‌نقره ویانقره به‌طلابکارمیرفته. وضمناً چون‌صراف‌برای‌تبدیل‌پول‌ویاخرد کردن‌پول وجهی اضافه دریافت میکرده مبلغ اضافه باسم صرف، یعنی افزودن مبلغی به مبلغ اصلی بکاررفته است. ولی امروزه که درکشورها پول ملی بطور متحدالشکل در جریان است واژه صرف درچهارچوب پرداختها و روابط اقتصادی بین‌المللی از نظر تبدیل وبرگردانیدن پول داخلی به‌پول خارجی بکار میرود. بدین‌ترتیب دراقتصاد از واژه صرف مفهوم تبدیل پول داخلی به‌پول خارجی‌بصورت ارز (نقدینه یا حواله یا چک ویا ورقه تلگرافی که‌بموجب آن‌بتوان‌درخارج پول خارجی رایج را دریافت کرد) استنباط میشود.

نرخ صرف مانند سایر نرخها بستگی به‌بازار صرف دارد و دربازار صرف نرخ صرف ازبرخورد عرضه وتقاضای ارزبدست میآید.

بخش اول - کلیات درباره صرف

زیر عنوان کلیات صرف اصطلاحات صرف و عملیات صرف از نظر تبدیل پول داخلی به‌پولهای خارجی مطالعه میشود.

۱ ـ صرف رسمی وقانونی ـ در مواقعی که پول پایه طلا درکشورها متداول است هر کشوری بموجب قانونی مخصوص پول خودرا برحسب طلا تعریف میکند. تعریف فوق تعریف قانونی وملی پول است. حال اگر دو کشور را درنظر آوریم که دراین دو کشور واحد پول بموجب قانون برحسب طلا تعیین شده باشد صرف پول این دو کشور نسبت به یکدیگرصرف رسمی وقانونی‌است ، بدینمعنی که صرف قانونی درمورد پول این دو کشورعبارت است ازنسبت وزن معینی از طلا که درپول هریک از این دو کشور وجود دارد. بعنوان مثال اگر فرانک فرانسه را بالیره انگلیسی از نظر تعیین صرف بین دو پول مورد مقایسه قرار دهیم نرخ صرف از تناسب قانونی طلای دو پول تعیین میشود. در واقع بعنوان مثال اگر نسبت طلای لیره انگلیسی وفرانک فرانسه را درسال ۱۹۲۸ درنظر آوریم ملاحظه میشود که دراین‌سال بهای قانونی یک لیره انگلیسی با ۸/۱ گرم (یعنی۸۱۳۵ میلی گرم) طلای خالص‌مشخص شده است. درهمین سال بهای فرانک فرانسه بنام فرانک پوانکاره بنام نخست‌وزیر وقت فرانسه[1] با ۶۵/۰ میلی گرام طلای خالص معین گردیده است. دراین صورت نرخ صرف لیره به‌فرانک ازنسبت واحد قانونی این دوپول به وزن طلای آنها بدست میاید. نسبت فوق به برابری فلزی‌دوپول[2] ویاصرف قانونی دوپول موسوم است که دراین مثال صرف‌قانونی‌لیره‌به‌فرانک ازنسبت ۸۱۳۵ به ۶۵/۰ بدست میاید، یعنی:

$$\frac{۸۱۳۵}{۶۵٫۰} = ۱۲۴٫۲$$

ودراین صرف چنانکه ملاحظه میشود یک لیره با ۱۲۴/۲ فرانک معاوضه میشود. براساس این محاسبه صرف دلار به‌ریال چنانکه قبلاً درارزش خارجی اسکناس‌شرح دادیم امروزه عبارت از ۷۵/۷۵ ریال بازاء یک دلار است.

۲ـ صرف اقتصادی ـ صرف رسمی بترتیبی که بیان شد صرف قانونی است. ولی صرف فوق از نظر بازرگانی در درجه دوم اهمیت است. زیرا در دادوستدهای

۱- Poincaré ۲- Pair Métalique

بازرگانی درمقابل صرف رسمی صرف اقتصادی وبازرگانی قرار دارد.

درواقع اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که درزندگی عادی درمواقع آزادی صرف ونقل وانتقالات وجوه هرگز تبدیل پولی به پول دیگر ازطریق نرخ قانونی صورت نمیگیرد، بلکه تبدیل پول اغلب ازطریق نرخ بازرگانی یا نرخ اقتصادی صرف میشود. نرخ فوق هرروز بدنبال وضع عرضه وتقاضای ارزدرآن روز اعلام میشود ووضع عرضه و تقاضا بدنبال دادوستد بازرگانی است که در نتیجه آن میزان تقاضای یک پول خارجی نسبت به عرضه آن مشخص میشود. ونرخ فوق چنانکه اشاره کردیم اغلب بانرخ رسمی متفاوت است و در این تفاوت دو نرخ همیشه قانون گرشام که شرح آن قبلاً گذشت نقش خود را بازی میکند، بدینمعنی که درتبدیل پول داخلی به یکی ازپولهای خارجی پول بد همیشه پول خوب را ازجریان خارج میسازد.

۳ ـ بازار صرف ـ صرف بمفهوم تبدیل پولی به پول دیگرخود بمعنای بازار است. منتهی دراین مورد بازار مفهوم بازار دادوستدی است که درآن انواع پول بیکدیگر تبدیل میشود.

تبدیل پولی به پول دیگر گاه تبدیل مادی است که به صرف مادی[1] مصطلح است. درصرف مادی پولی به پول دیگر تبدیل میشود. درمقابل صرف مادی صرف اسنادی[2] است. درصرف اسنادی انواع طلب ها وبدهی ها بصور اوراق بازرگانی یا اوراق بهادار درچهارچوب پولهای مختلف بیکدیگر تبدیل میگردد.

فرض کنیم طلبکار وبدهکاری در دو کشور مختلف باشند. مثلاً فرض کنیم که طلبکار درفرانسه وبدهکار درانگلستان باشد. البته منشأ طلب و بدهی ممکن است ناشی ازخرید وفروش کالا وامتعه یا ناشی از عملیات مالی بصورت نقل وانتقال وجوه ازطریق دادوستد سرمایه واموال باشد. درهرصورت منشأ طلب وبدهی هرچه باشد بعلت طلب و بدهی که در دو کشور مختلف بوجود میآید. عمل صرف صورت میگیرد

۱- Change Manuel

۲- Change Tiré

عمل صرف یا از طریق حواله[1] ویا از طریق تحویل[2] انجام میشود. حواله موقعی است که طلبکار طلب خود را ازبدهکار که در کشور خارج است بپول خارجی حواله کند. تحویل موقعی است که بدهکار مبلغ بدهی خود را به طلبکار خود که درخارج است به‌پول خارجی کارسازی نماید. درهردو مورد، طلب وبدهی به‌پول دو کشور طلبکار وبدهکار صرف میشود. حال باید دید درپرداخت ونقل وانتقال طلب وبدهی کدامیک ازپولهای دو کشور طلبکار وبدهکار انتخاب میگردد. دراین مورد اصلی دربازار صرف متداول است که به‌اصل رعایت قوی‌تر موسوم شده است. اصل رعایت قوی‌تر به رعایت موقعیت و برتری مالی یکطرف نسبت بطرف دیگر تعبیر میشود. مثلاً فرض کنیم بدهکاری درانگلستان باطلبکاری درفرانسه مرتبط باشد. در این ارتباط اگر بدهکار در انگلستان مثلاً یک کارخانه بزرگ یا یک مؤسسهٔ بانکی یا مالی وبازرگانی معظمی باشد ونسبت به‌طلبکار درفرانسه که مثلاً فروشنده ساده‌ای است برتری مالی واقتصادی داشته‌باشد، دراین صورت بدهکار نسبت به‌طلبکار دروضع برتری است. لذا دراصطلاح صرف طرف قویتر نامیده میشود ودرنتیجه بدهی خودرا به‌لیره انگلیسی تأدیه مینماید. بعکس اگر طلبکار در فرانسه یک کارخانه بزرك یا یک مؤسسه بانکی یا مالی بازرگانی معظمی باشد ونسبت به بدهکار خود درانگلستان که مثلاً خریدار ساده‌ای است برتری مالی و اقتصادی داشته باشد در این صورت طلبکار نسبت به‌بدهکار دروضع برتری است. لذا دراصطلاح صرف طرف قویتر نامیده میشود ودرنتیجه تصمیم میگیرد طلب خود را به‌فرانک دریافت دارد. حال اگر بدهکار درانگلستان بدهی خودرا به‌فرانک تأدیه‌نماید، دربازار صرف لندن تقاضای فرانک جهت‌تأدیه بدهی بدهکار انگلیسی بوجود میآید. واگربدهی بدهکار انگلیسی به‌لیره صورت گیرد، بعکس دربازار صرف پاریس عرضه لیره جهت دریافت طلب طلبکار فرانسوی ایجاد میشود. لذا اگردرست دقت شود ملاحظه میگردد که درهربازار صرف عرضه وتقاضائی وجود دارد که برحسب موقعیت برخورد عرضه‌وتقاضا

۱- Par Traite

۲- Par Remise

نرخ پول خارجی یعنی نرخ ارز درآن بازار معین میگردد .

۴ ـ نرخ واضح ونرخ غیر واضح ـ واضح وغیر واضح [۱] اصطلاحی است که دربازار صرف بکار میرود . اصطلاح واضح موقعی بکار میرود که بانرخ قطعی برای خریدار ارز میزان ارزی که باپول ملی خریداری‌میشود مشخص باشد . درمقابل واضح نرخ غیرواضح است واصطلاح غیر واضح موقعی بکار میرود که در بازار صرف نرخ ارز قطعی نباشد و با نرخ نامعلوم نتوان میزان ارزی راکه با پول ملی تهیه میشود بطور قطعی معین ومشخص کرد .

براساس نرخ های واضح وغیر واضح بازارهای معتبرصرف دردنیا بعضی‌مثل بازارهای صرف پاریس ونیویورك صرف غیر واضح است . یعنی دراین بازارها برای خریدار این مسأله مطرح است که به چه میزان پول ملی میتوان پول خارجی تهیه کرد . درصورتیکه بازار صرف لندن بازاری است که درآن معمولاً نرخ واضح بکار میرود ، یعنی در این بازار بطور قطعی مشخص میشود که بایک لیره انگلیسی چه میزان ارز خارجی میتوان تهیه کرد .

۵ ـ برابری صرف ـ صرف چنانکه قبلاً مطالعه کردیم یا صرف قانونی است ویا صرف‌اقتصادی، دراینصورت برابری صرف یابصورت برابری صرف قانونی است ویا بصورت برابری صرف اقتصادی . در برابری صرف قانونی، چنانکه‌دیدیم، میزان فلز طلای دوپول برابر میگردد . ولی درصرف اقتصادی صرف با نرخ های متفاوت دربازارهای‌مختلف بوجودمیآید . زیرا ، چنانکه مطالعه کردیم، نرخ صرف از برخورد عرضه وتقاضای پول خارجی بصورت ارز دربازار صرف بدست میآید . حال اگر نرخ صرف‌بعلت وضع‌عرضه وتقاضادردوبازارمثلاً بازار لندن‌وپاریس‌برابر گردد، اصطلاحاً میگویند نرخ صرف در دوبازار برابر است واین‌حالت به‌برابری‌صرف [۲] تعبیر میشود .

البته اگر لیره انگلیسی وفرانک فرانسه مورد مثال خودرا دربحث قبل بخاطر آوریم ملاحظه میشودکه نرخ تبدیل لیره انگلیسی به‌فرانک دربازار لندن ودربازار

۱- Certain–Incertain ۲– Parité de Change

پاریس اغلب بایکدیگر متفاوت است و این تفاوت بواسطه وضع عرضه وتقاضای لیره وفرانک دراین دوبازار است. حال باید ببینیم وضع عرضه وتقاضا وبالاخره نرخ صرف ورابطهٔ مبادله چطور تعیین میشود .

بخش دوم - نرخ صرف ورابطهٔ مبادله

نرخ صرف ورابطهٔ مبادله هرچند مستقیماً بیکدیگر مربوطاند ، معهذا ماهریک را جداگانه مورد مطالعه قرار میدهیم .

۱- نرخ صرف - چنانکه دیدیم، بهای کالاهاوخدمات وارد به کشوروقیمت اوراق بهادار خارجی ودرآمدهای حاصل از سرمایه های خارجی همه به پول خارجی به کشورهای خارج (اقتصاد بین المللی) پرداخت میشود . همانطوریکه درمقابل پرداختهای فوق بهای کالاها وخدمات صادر از کشور وهمچنین قیمت اوراق بهادار قابل پرداخت درخارج ازکشور ودرآمدهای حاصل از سرمایه های ملی درخارج از کشوربه پول ملی قابل پرداخت است. تعادل ایندو دسته ازپرداختها ، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، تراز پرداختها است. درتراز پرداختهامجموعه پرداختهای کشوربه اقتصاد بین المللی ستون بدهی و مجموعه پرداختهای اقتصاد بین المللی به اقتصاد کشور ستون دارائی را تشکیل میدهد . ارزش این دو ستون برابر نمیشود مگر وقتی که بین پول داخلی وپول خارجی نسبتی برقرار گردد. نسبت فوق به نرخ صرف[1] مشهور است[2] .

فرض کنیم کلیه پرداختهای کشور به خارج با دلار صورت گیرد ، یعنی فرض کنیم که دلار پول بین المللی باشد، دراین صورت نرخ صرف دلار و ریال از نسبت پرداختهای ریال ودلار در دادوستد بین المللی بدست میآید.

درواقع برای تعیین نرخ صرف دلار و ریال فرض کنیم Qe مجموع واردات

۱- Le Taux de Change

۲- Byé, Economie Politique (Licence 2 ème Année), Paris, 1948.

کشور باشد و Pe قیمت متوسط واردات فوق بپول خارجی (دلار) و فرض کینم که Qn مجموع صادرات کشور باشد و Pn قیمت‌متوسط صادرات‌تقویم شده بپول داخلی (ریال). دراین‌صورت برای اینکه مجموع پرداختهای اقتصاد بین‌المللی به اقتصاد ملی تکافوی مجموع پرداختهای‌اقتصاد ملی به‌اقتصاد بین‌المللی را بنمایدمی‌بایست مجموع پرداختهای اقتصاد بین‌المللی ضرب درضریبی که به‌نرخ صرف موسوم است وباحرف C نمایش‌داده میشود مساوی مجموع پرداختهای اقتصاد کشور به‌اقتصاد بین‌المللی باشد ، یعنی در این مورد میبایست $Qe \times Pe \times C$ مساوی $Qn \times Pn$ بشود، بشرح‌زیر :

$$۱ : Qe \times Pe \times C = Qn \times Pn$$

یا

$$۲ : C = \frac{Qn \times Pn}{Qe \times Pe}$$

یا

$$۳ : \frac{Qe}{Qn} = \frac{Pn}{Pe \times C}$$

ملاحظه‌میشود که‌نرخ صرف دراین روابط عامل‌برقراری تعادل بین مجموعه ارزشهای مورد دادوستد بین کشور و کشورهای خارج است.

۲ـ رابطهٔ مبادله ـ نرخ صرف، چنانکه دیدیم، تعادل بین مجموعه ارزشهای مورد دادوستد بین‌اقتصاد کشور واقتصادبین‌المللی‌را که در دوستون دارائی وبدهی تراز پرداختها منعکس است توصیف مینماید . در مقابل نرخ صرف رابطهٔ مبادله[1] قرار دارد. رابطهٔ مبادله عبارت از تعادل بین دو حجم دادوستد است. یعنی رابطهٔ مبادله تعادل بین کالاها وخدماتی را معین میسازد که ازیکطرف ازکشور به‌مقصد کشورهای خارج ارسال و ازطرف دیگر ازکشورهای خارج به مقصد کشور فرستاده میشود .

۱- Le Rapport d'Echange (Terms of Trade)

دررواقع اگر رابطهٔ $\frac{Qe}{Qn}=\frac{Pn}{Pe \times C}$ راکه از رابطهٔ نرخ صرف بدست‌آمده مورد توجه قراردهیم ملاحظه میشود که نسبت $\frac{Qe}{Qn}$ همان رابطهٔ مبادله است که مساوی $\frac{Pn}{Pe \times C}$ است. در نسبت اخیر Pn ، چنانکه میدانیم،قیمت‌متوسط صادرات به‌پول ملی (ریال) است. و Pe قیمت متوسط واردات به پول خارجی (دلار) است و C نرخ صرف میباشد. وچنانکه دررابطهٔ فوق‌ملاحظه میشود باتغییرات هریک از آنها رابطهٔ مبادله تغییر می‌یابد و شرایط تعادل در تراز پرداختها بصورت دیگری درمیآید.

فصل دوم

تغییرات نرخ صرف

نرخ صرف تا قبل ازجنگ جهانی اول کمتر دچار تغییر میشد واگر هم در مواقع استثنائی‌تغییر میکرد دامنه تغییرات آن‌بسیار محدود بود. بعکس پس‌ازجنگ جهانی‌اول، یعنی‌پس‌ازسال ۱۹۱۸ تغییرات‌نرخ صرف‌بطورمحسوس دراقتصاد کشورها احساس گردید، بطوریکه درمقابل نرخ متداول صرف که تاقبل ازجنگ جهانی‌اول درکشورها حکمفرما بود نرخ‌متغیر صرف بادامنه تغییرات وسیع در دنیا بوجودآمد. بدنبال این تغییرات نظریه‌های مربوط به‌تغییرات نرخ صرف تحول یافت، بطوریکه امروزه در مقابل نظریه‌های کلاسیک تغییرات نرخ صرف نظریه‌های جدیدتری که باتغییرات پردامنه نرخ صرف بیشتر مطابقت دارد بوجود آمده است.

بخش اول ـ تغییرات نرخ صرف در نظریهٔ کلاسیک

کلاسیکها تغییرات نرخ صرف‌را درچهارچوب تغییرات ارزش‌پول‌قابل‌تبدیل

به‌طلا مورد بررسی قرار داده‌اند و نظریهٔ مشهور آنها در این خصوص نظریهٔ نقاط طلا (Gold-Points) است.

۱ ـ نظریهٔ نقاط طلا ـ نظریهٔ نقاط طلا نظریه‌ای است که ازطرف علمای پول مکاتب انگلیسی وضع گردیده و اصول آن بشرح زیراست:

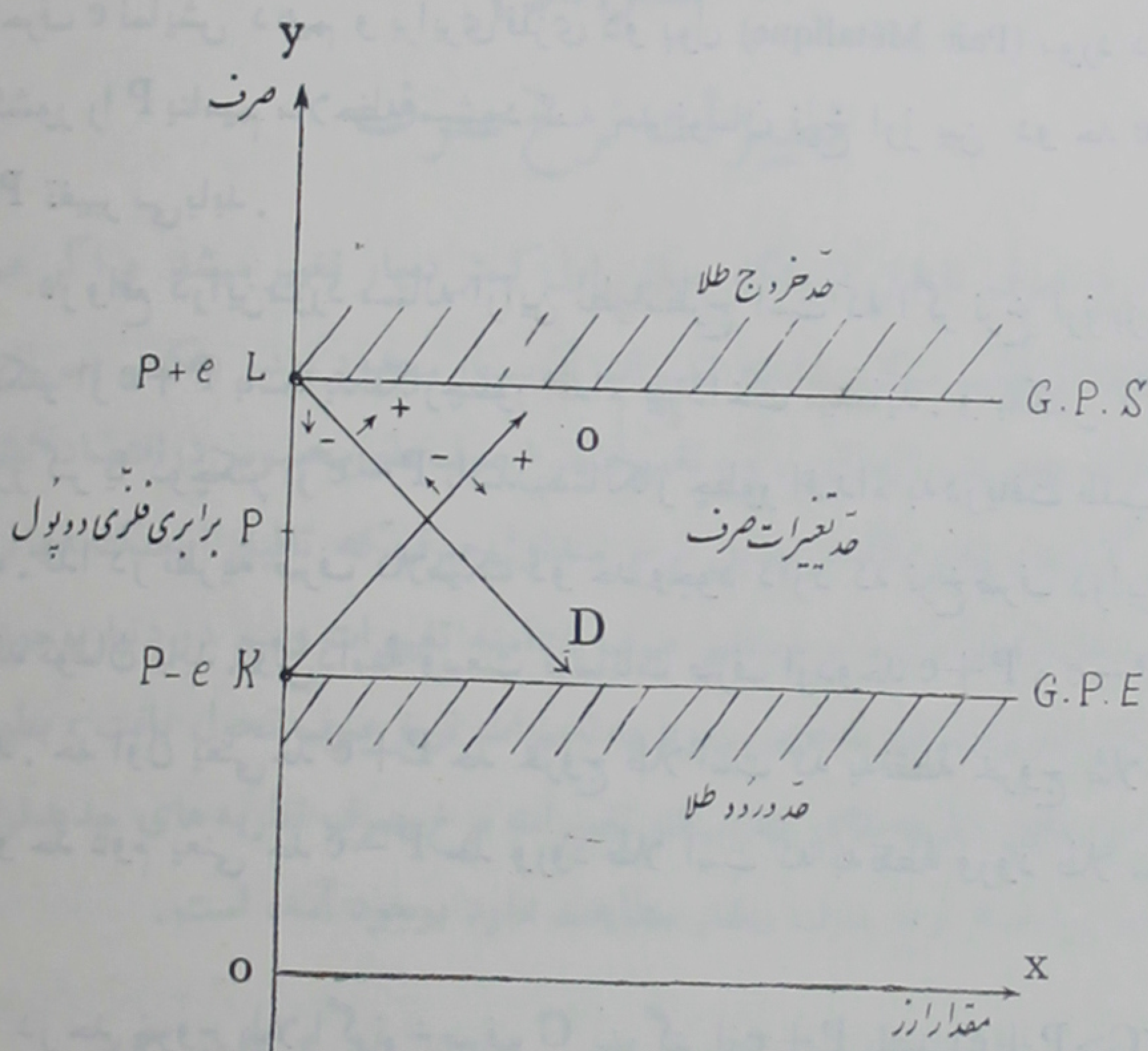
وقتی درکشورها پول قابل‌تبدیل به‌طلا جریان دارد درمواقع پرداخت‌های بین‌المللی یا پرداختها باطلا و یا با اوراق قابل پرداخت بپول خارجی بصورت ارز انجام میگیرد. انتخاب طلا وارز منوط به‌صرفه‌ای است که هریک ازوسایل پرداخت طلا وارز در بردارد. در واقع اگرپرداختهاباطلا صورت گیرد ارسال طلا ازکشوری به‌کشور دیگر مخارجی در بردارد. این مخارج مثل مخارج حمل و نقل و بیمه و سایر مخارج انتقال طلا اضافه پرداختی‌ایجاد مینماید. حال اگر این‌اضافه پرداخت را باحرف e نمایش دهیم و برابری فلزی دو پول (Pair Métalique) مورد دادوستد دوکشور را P بنامیم ملاحظه میشود که حد نوسان نرخ ارز بین دو حد $P+e$ و $P-e$ تغییر می‌یابد.

درواقع دراین‌مورد مسأله ازاین نظر مطرح است که اگر نرخ ارز بزرگتر یا کوچکتر از $P+e$ باشد بدهکارچطور اقدام بپرداخت مینماید. و بعکس اگر نرخ ارز بزرگتر یا کوچکتر از $P-e$ باشد بستانکار چطور اقدام به‌دریافت طلب خود میکند. لذا در نظریهٔ صرف کلاسیک دو حد وجود دارد که نرخ صرف دراین‌دوحد میتواند نوسان یابد. ولی‌دامنهٔ وسعت نوسانات صرف ازدوحد $P+e$ و $P-e$ تجاوز نمیکند. حد اول یعنی‌حد $P+e$ حد خروج طلا است که به‌نقطهٔ خروج طلا مشهور است و حد دوم یعنی حد $P-e$ حد ورود طلا است که به‌نقطهٔ ورود طلا مصطلح است.

درحد خروج طلا اگرنرخ‌صرف C بزرگتر از $P+e$ باشد $(C>P+e)$ صرفهٔ بدهکار در این است که بدهی خود را به‌کشور خارج از طریق انتقال طلا انجام دهد. بعکس درحد ورود طلا اگر نرخ صرف کوچکتر از $P-e$ باشد $(C<P-e)$

بنفع بستانکار درکشور خارج است که طلب خود را از طریق دریافت طلا تقاضا نماید تا ارز.

۲ـ علل تغییرات صرف بین نقاط نقل و انتقال طلا ـ فرض کنیم دو کشور فرانسه و انگلستان باپایه پول طلا بایکدیگر در دادوستدند. بدنبال این دادوستد در بازار صرف پاریس هرروز عرضه و تقاضای ارز انگلیسی بوجود میآید. عرضه و تقاضائی که پیوسته درحال تغییر است. ولی، همانطوریکه تغییرات عرضه وتقاضای کالا را میتوان با منحنی نشان داد ، عرضه و تقاضای ارز نیز بامنحنی نمایش داده میشود. بدین ترتیب که دستگاه مختصاتی مطابق شکل ۱ در نظر میگیریم. دراین دستگاه مختصات روی محور افقی (Ox) آن تغییرات میزان ارز و روی محور قائم (Oy) آن تغییرات صرف برده میشود.



شکل ۱

Henri - Guitton, Economie Politique T. 2. P424.

حال اگر برابری فلزی دو پول فرانک و لیره در نقطه P در روی قائم Oy تعیین شود ، میتوان نقاط خروج و ورود طلا را از طریق P+e و P - e در دستگاه مختصات مشخص کرد. در فواصل دو حد P+e و P—e در دستگاه مختصات تقاضای ارز بصورت منحنی LD تا موقعی ادامه دارد که نرخ ارز از P+e تجاوز نکند ، دراین‌صورت منحنی تقاضا درنقطه L متوقف میشود وبدین‌ترتیب حد خروج طلا باخط G.P.S (Gold Points de Sortie) که موازی محور افقی رسم شده است تعیین میگردد. و چنانکه در شکل ملاحظه میشود از حد فوق ببالا دیگر تقاضائی برای خرید ارز وجود ندارد. بعکس‌عرضه ارز بصورت منحنی KO تا موقعی ادامه دارد که نرخ ارز از P—e کمترنشود، دراین‌صورت منحنی‌عرضه درنقطه K متوقف میشود و بدین ترتیب حد ورود طلا باخط G.P.E (Gold Points d'Entrée) که موازی محور افقی رسم شده است تعیین‌میگردد. و چنانکه در شکل‌ملاحظه میشود از حد فوق پائین‌تر دیگرعرضه‌ای در بازار ارز وجود ندارد. حال اگرنوسانات نرخ ارز را در نظر آوریم ملاحظه میشود که این نوسانات همیشه محصور بین دو حد P+e و P—e است که با دو خط افقی G.P.S و G.P.E در دستگاه مختصات مشخص شده است و نرخ قطعی ازتقاطع دو منحنی‌عرضه وتقاضای ارز بوجود میآید.

۳- حدود نوسانات نرخ صرف درنظریهٔ کلاسیک - تغییرات نرخ ارزاصولاً تابع وضع عرضه و تقاضای ارز در بازار صرف است. عرضه ارز ناشی از مجموعه طلب های خارجی‌است که بصورت اوراق قابل‌پرداخت بپول خارجی در کشورهای خارج دربازار عرضه میشود. البته به‌اوراق‌فوق‌مجموعه پولهای‌خارجی‌بصورت نقود اضافه میگردد. درمقابل‌عرضه‌ارز ، تقاضای ارزاست. تقاضای‌ارز از تقاضای گروههای مختلفی که برای پرداخت مخارج یابدهی‌های خارجی‌خود در خارج خریدار ارزاند تشکیل‌میشود. برخورد عرضه و تقاضا در بازارصرف نرخ هریک از پولهای خارجی را چه بصورت نقود و چه بصورت اوراق قابل پرداخت درکشورهای خارج تعیین

میسازد. ولی درنظریهٔ کلاسیک نوسانات نرخ فوق همیشه ازحدود نقاط نقل و انتقال طلا تجاوز نمیکند. یعنی اگر برابری فلزی دو پول (پول داخلی به‌پول خارجی) P باشد افزایش و کاهش نرخ ارز نسبت به‌برابری فلزی در حدود مخارج نقل و انتقال طلا است که باحرف e نشان داده شده، یعنی درحدود افزایش یا کاهش این مخارج بصورت (±e) نسبت به برابری فلزی، یعنی P میباشد. درکتب کلاسیک میزان e همیشه $\frac{۱}{۵۰۰}$ برابری فلزی P آمده است، یعنی $e=\frac{۱}{۵۰۰}\times P$. در این صورت وقتی برابری صرف (برابری فلزی) بین لیره و فرانک مثلاً ۱۲۴/۲۰ باشد مقدار e بمیزان ۶۰/. فرانک خواهد شد:

$$e=\frac{۱}{۵۰۰}\times ۱۲۴/۲۰=۰/۶۵$$

بدین ترتیب در بازار ارز نوسانات صرف در نظریهٔ کلاسیک خیلی محدود پیش‌بینی میشود، بطوریکه میتوان گفت که درمثال بالا نرخ ارز بصورت لیره در بازار پاریس فقط بین ۱۲۳ و ۱۲۵ فرانک نوسان می‌یابد.

بخش دوم - تغییرات نرخ صرف درنظریه‌های جدید

درسال ۱۹۱۴ بدنبال مخارج سنگین جنگ در کشورهائی که مستقیماً درجنگ شرکت داشتند واثرات بین المللی جنگ در کشورهائی که بی‌طرف ماندند دراغلب کشورها دولت دست بانتشار اضافی اسکناس زد. انتشار اضافی اسکناس و افزایش نامتناسب حجم آن نسبت به‌طلای پشتوانه جریان اجباری اسکناس را در کشورها بدنبال‌آورد. جریان اجباری‌اسکناس،چنانکه قبلاً دیدیم، بمعنای ممانعت ازتسلیم طلا در مقابل ارائه اسکناس ببانک ناشر اسکناس است. این تصمیم در کشورها چنانکه میدانیم بمنظورحفظ پشتوانه اتخاذ گردید. ولی جریان اجباری اسکناس‌از یکطرف و کاهش‌قدرت خرید آن ازطرف دیگربتدریج نوسانات شدید نرخ‌ارز را در کشورها بدنبال آورد. این نوسانات ازسال ۱۹۱۴ تا بامروز پیوسته ادامه دارد. لذا نظریهٔ نقاط نقل و انتقال طلا در دنیای امروز دیگر مصداقی‌ندارد.

۱- بیان تغییرات نرخ صرف از طریق تراز حسابها - تراز حسابها[1] به‌تعادل دو دسته حسابهای بدهی و حسابهای طلب کشور نسبت به کشورهای‌خارج اطلاق میشود. جریان پرداخت‌های این حسابها بصورت پرداخت‌های اقتصاد کشور به اقتصاد بین‌المللی و پرداختهای اقتصاد بین‌المللی به‌اقتصاد کشور تراز پرداختهارا بوجود میآورد.

حال باتوجه باین توضیح عده‌ای عقیده دارند که تغییرات نرخ صرف تابع وضع تعادل ارقام بدهی و طلب در تراز حسابها است. یعنی وقتی‌حسابهای بدهی نسبت به‌حسابهای طلب در تراز حسابهای کشوری افزایش یابد بخود نرخ ارز در آن کشور بالا میرود و بدین ترتیب ارزش پول کشور نسبت بپول خارجی پائین میآید. بعکس‌وقتی‌حسابهای طلب نسبت به‌حسابهای بدهی‌درترازحسابهای کشور افزایش یابد دراین وضع نرخ ارز پائین میآید و بدین ترتیب ارزش پول کشور نسبت بپول‌خارجی بالا میرود.

البته چنانکه ملاحظه میشود این‌عقیده ازنظربیان اصول‌حسابها جالب است. ولی باین‌مسأله باید توجه داشت که بیان و توجیه حسابها در تراز حسابها از نظر مرتبط ساختن آنها با نرخ ارز بسیار مشکل است. لذا نمیتوان تغییرات صرف را متناسب باوضع‌خوبی‌و بدی حسابها از نظر بدهی‌ویا طلب کشورنسبت‌به کشورهای خارج دانست. بعلاوه در انتقاداتی که نسبت به‌نظریهٔ فوق بعمل‌آمده است انتقاد-کنندگان بیشتر جهت عکس را در رابطه صرف و تراز حسابها عنوان کرده‌اند. بطوریکه‌امروزه عقیده براین‌است که افزایش‌ارقام بدهی‌حسابها نسبت به‌ارقام‌طلب در تراز‌حسابها درنتیجه بالا رفتن نرخ‌صرف است. همانطوریکه کاهش‌ارقام بدهی حسابهانسبت به‌ارقام‌طلب بدنبال‌پائین‌آمدن نرخ‌صرف صورت میگیرد. لذا ملاحظه میشود که ترازحسابها دراین‌خصوص‌معلول تغییرات نرخ‌صرف است نه‌علت آن[2].

۱- Balance des Comptes

۲- Aftalion, Prix, Monnaie et Change, Paris, 1948.

۲ - بیان تغییرات نرخ صرف ازطریق تغییرات حجم پول درگردش - بیان تغییرات نرخ صرف از طریق تغییرات حجم پول در گردش ازنظریهٔ مقداری پول ناشی میشود. طبق نظریهٔ مقداری پول ترقی نرخ صرف از نظر تبدیل پول خارجی به پول داخلی مربوط به تنزل ارزش پول داخلی نسبت بپول خارجی است و این تنزل ناشی ازافزایش حجم پول داخلی نسبت بپول خارجی است.

در واقع وقتی نرخ صرف افزایش می یابد و نرخ تبدیل پول داخلی به پول خارجی بضرر پول داخلی گرایش می یابد، این وضع درنتیجه افزایش حجم پول داخلی نسبت بپول خارجی است. زیرا طبق نظریهٔ مقداری پول وقتی حجم پول داخلی افزایش یابد خود بخود به نسبت این افزایش از ارزش آن کاسته میگردد. حال اگر پول های مورد مبادله در بازار صرف را مورد توجه قرار دهیم ملاحظه میشود که اگر حجم پول در گردش در کشوری دو برابر حجم پول در گردش در کشور دیگری گردد، طبق نظریهٔ مقداری پول ارزش پول آن کشور در بازار صرف نصف ارزش پول کشوری خواهد شد که حجم پول خود را ثابت نگاهداشته است.

برای توجیه نظریهٔ طرفداران نظریهٔ مقداری پول میتوان حجم پول در گردش را در دو کشور A و B مورد مقایسه قرار داد. در واقع اگر فرض کنیم که MA حجم پول در گردش در کشور A و MB حجم پول در گردش در کشور B باشد، در زمان t_1 رابطه $\frac{MA}{MB}$ نرخ صرف (c) را به نسبتی دربازار صرف مشخص میسازد. حال اگر بخواهیم علل تغییرات نرخ صرف را در زمان t_2 مورد بررسی قرار دهیم کافی است نسبت $\frac{MA}{MB}$ را دراین زمان اندازه گیری نمائیم، اگر این نسبت دو برابر شده باشد، مسلماً نرخ صرف نیز دو برابر ترقی کرده است.

دراین بحث اگر درست دقت شود ملاحظه میگردد که درنظریهٔ صرف نظریهٔ مقداری پول دو وجه بارز که ناشی از رابطهٔ بین پول وقیمتها از نظراقتصاد داخلی است جلب نظر میکند: یک وجه عبارت ازتقدم جریان پول نسبت به جریان قیمتها

و وجه دیگرعبارت ازتناسب بین حجم پول و ترقی قیمتها است ، بدین‌معنی که در مواقع افزایش پول قیمتها ترقی میکند و ترقی‌قیمتها موجب تنزل ارزش پول و در نتیجه ترقی‌نرخ صرف میگردد . ولی، چنانکه قبلاً بتفصیل‌شرح دادیم ، نظریهٔ تقدم جریان پول نسبت به‌جریان قیمتها درنظریهٔ مقداری پول‌امروزه رد شده است . زیرا هرچند در موارد استثنائی طبق نظریهٔ مقداری پول علل ترقی قیمتها و ترقی صرف ترقی‌حجم پول است، ولی این‌اصل‌حکم کلی نیست ، بلکه تقدم جریان پول نسبت به‌جریان قیمتها از نظر ایجاد ترقی‌قیمتها یک امر استثنائی است که در بعضی‌موارد درمواقع ترقی افزایش حجم پول صادق بوده است ، اما این امر استثنائی نمیتواند بعنوان قانون عمومی بین افزایش جریان پول و ترقی قیمتها حاکم باشد ، بلکه چنانکه درانتقادات آفتالیون نسبت به‌نظریهٔ مقداری پول‌دیدیم مساله‌تقدم افزایش حجم‌پول به‌ترقی‌قیمتها وترقی‌نرخ صرف موردتردید است . بخصوص، چنانکه‌دیدیم، آفتالیون عکس‌این‌موضوع را ثابت کرده است و طبق‌مدارك آماری نشان داده است که اغلب ترقی‌نرخ‌صرف و ترقی‌قیمتها مقدم برافزایش حجم پول در گردش بوده است . بعلاوه مسأله تناسب بین میزان افزایش پول و قیمتها و صرف بوسیله آفتالیون رد شده است و چنانکه این‌دانشمند ازطریق‌مدارك آماری ثابت کرده است هیچگونه تناسبی بین افزایش‌حجم پول و ترقی‌نرخ صرف وجود ندارد ، بخصوص چنانکه آفتالیون عقیده دارد پس از جنگ بین‌الملل اول افزایش پول در گردش همیشه معلول ترقی‌صرف بوده است ونه علت آن.

۳ - بیان تغییرات صرف ازطریق‌تغییرات قیمتها - نظریهٔ بیان تغییرات صرف از طریق تغییرات قیمتها ازطرف پرفسور کاسل(Prof. Cassel) دانشمند سوئدی وضع شده است . دراین نظریه تغییرات نرخ صرف از مقایسه قدرت خرید دو پول نتیجه میشود . در واقع اگر صرف را رابطهٔ بین ارزش دو واحد پول بدانیم و اگر ارزش واحد پول هر کشور ازطریق سطح عمومی قیمتها درآن کشور معین شود ، دراین

صورت تغییرات نرخ صرف از نظر مبادلهٔ دو پول از مقایسهٔ قدرت خرید دو پول بدست میآید.

در واقع، چنانکه پرفسور کاسل معتقد است نمیتوان تغییرات نرخ صرف پول کشور B را در کشور A منتسب به تغییرات $\frac{MA}{MB}$ یعنی منتسب به رابطهٔ حجم پول در گردش در دو کشور دانست، بلکه تغییرات نرخ صرف را باید از رابطهٔ قدرت خرید دو پول یعنی از نسبت $\frac{PA}{PB}$ که نشان دهندهٔ سطح عمومی قیمتها در دو کشور است بدست آورد. زیرا درحقیقت تغییرات نسبت $\frac{PA}{PB}$ است که تغییرات نرخ صرف را بدنبال دارد. اگر PA یعنی سطح عمومی قیمتها P در کشور A دو برابر شود و PB یعنی سطح عمومی قیمتها P در کشور B ثابت باشد نرخ صرف پول کشور B در کشور A دو برابر میشود. اگر PA چهار برابر شود و PB دو برابر باز نرخ صرف پول کشور B در کشور A دو برابر میشود و اگر PA و PB بیک نسبت تغییر کند در اینصورت است که نرخ صرف پول دو کشرر تغییری نمیکند. لذا ملاحظه میشود که نسبت $\frac{PA}{PB}$ نسبت قدرت خرید دوپول کشورهای A و B را مورد مقایسه قرارمیدهد و نسبت فوق در واقع ازبرابری قدرت خرید دو پول بدست میآید.

برای بیان تغییرات نرخ صرف از طریق برابری قدرت خرید دو پول به مثال سادهٔ زیر میتوان متوسل شد.

فرض کنیم یک تاجر ایرانی حوالهٔ صد دلاری که قابل پرداخت درنیویورک است درتهران باریال خریداری کند. دراین خرید تعداد ریالهائی را که تاجرایرانی حاضر است بابت حوالهٔ صد دلاری بپردازد بستگی به قدرت خرید حوالهٔ صد دلاری درآمریکا دارد. قدرت خریدی که باآن تاجر ایرانی بتواند مقداری کالا ها وخدمات در آمریکا خریداری نماید. حال اگر درست دقت کنیم ملاحظه میشود که حجم کالا ها و خدمات خریداری شده باصد دلار در امریکا بستگی به سطح عمومی قیمتها

در امریکا دارد. اگر قیمتها در امریکا ترقی کند قدرت خرید دلار پائین می‌آید و تاجر ایرانی باصد دلار کالاها و خدمات کمتری در امریکا خریداری مینماید و اگر قیمتها تنزل کند، بعکس قدرت خرید دلار بالا میرود وتاجر ایرانی باصد دلار کالاها و خدمات بیشتری در امریکا خریداری مینماید. از طرف دیگر تاجر ایرانی با از دست دادن تعداد ریالهائی که برای خرید حواله صد دلاری لازم بوده است قدرت خریدی را واگذار کرده‌است که باآن میتوانسته درایران کالاها وخدماتی‌راخریداری کند. ولی قدرت خرید فوق خود بنوبه به سطح عمومی قیمتها در ایران بستگی دارد. یعنی هرچه قیمتها در ایران افزایش یابد قدرت خرید ریال پائین میآید و در نتیجه تاجر ایرانی با ریالهای معادل حوال صد دلاری در ایران کالاها و خدمات کمتری بدست میآورد وبعکس هرچه قیمتها درایران تنزل کند تاجر ایرانی باریالهای‌معادل صد دلار در ایران میتواند کالاها وخدمات بیشتری بدست آورد. در واقع اگر نرخ دلار را ۸۰ ریال فرض کنیم در مقایسه قدرت خرید دو پول ریال و دلار در ایران و در امریکا باید ببینیم که کالاها وخدماتی که بایک دلار درامریکا بدست میآید باکالاها و خدماتی که با ۸۰ ریال درایران بدست میآید برابر است یا خیر؟ لذا از مقایسه بین قدرت خرید واحد پولهای ریال و دلار در ایران و امریکا است که در حقیقت نرخ صرف مشخص میشود. یعنی نرخ صرف بین ریال و دلار موقعی ۸۰ ریال برای یک دلار ثابت میماند که کالاها وخدماتی که بایک دلار درامریکا تهیه میشود معادل کالاها وخدماتی باشد که در ایران با ۸۰ ریال تهیه میگردد. حال اگر این برابری درتعقیب تغییرات قیمتها در دو کشور از بین برود ملاحظه میشود که قیمت دلار برحسب تغییرات قدرت خرید دو پول در تهران تغییر می یابد. این تغییرات در حقیقت بدنبال تغییرات واردات وصادرات بین دو کشورصورت میگیرد. زیرا اگر سطح عمومی قیمتها در ایران ترقی کند قدرت خرید ریال در ایران پائین می‌آید و اگر قیمتها در امریکا ثابت بماند، تاجر ایرانی بامبادله ریال به دلار باواحد پول امریکا کالاها وخدمات بیشتری درامریکابدست میآورد تا باواحد پول ایران، یعنی

ریال در ایران. در نتیجه واردات از مقصد امریکا به‌ایران رو بافزایش میرود. از طرفی بعلت ترقی قیمتها و تنزل‌ارزش پول در ایران تاجرخارجی باواحد پول ایران یعنی‌ریال کالاها وخدمات کمتری در ایران بدست میاورد. لذا بموازات ترقی‌قیمتها درایران ازصادرات ایران بمقصدامریکا کاسته میشود. درنتیجه ملاحظه میشود که از یکطرف بعلت افزایش واردات تقاضای دلار در بازار صرف تهران بالا میرود و از طرف دیگر بعلت کاهش صادرات از عرضه دلار برای تبدیل آن به ریال کاسته میشود، لذا بدین‌ترتیب نرخ دلار در بازار ارز تهران ترقی‌میکند.

۴- نظریهٔ روانی‌تغییرات نرخ صرف - نظریهٔ روانی‌تغییرات نرخ صرف‌بوسیلهٔ آفتالیون دانشمند فرانسوی وضع شده‌است. اهمیت نظریهٔ‌آفتالیون بیشتر ازاین‌جهت است‌که این‌دانشمند از طریق ملاحظه ومشاهدهٔ وقایع خصوصاً وقایع پولی‌وارزی پس از جنگ بین‌الملل اول وتهیه مدارك و مآخذ آماری توانسته است نظریهٔ‌خود را براساس واقعیات روز بنیان نهد و از این جهت است که نظریهٔ پولی و همچنین نظریهٔ روانی تغییرات نرخ صرف آفتالیون مبتنی برمشاهدات و ملاحظات مدارك آماری است، لذا در بین نظریه‌های پولی ونظریه‌های مربوط به‌ارز بااهمیت خاصی تلقی میشود[1].

در نظریهٔ روانی تغییرات نرخ‌صرف آفتالیون بهیچوجه روابط مقداری را در داد وستد ارز انکار نمیکند، ولی آفتالیون به عوامل کمی عوامل کیفی را اضافه مینماید.

در واقع وقتی نظریهٔ روانی‌نرخ‌صرف آفتالیون را در نظرآوریم ملاحظه میشود که در این نظریه، در تشکیل‌عرضه و تقاضای ارز دو دسته عوامل کمی و کیفی دخالت دارند. عوامل کمی‌همان عواملی است‌که ما در نظریهٔ تغییرات نرخ صرف از طریق تغییرات حجم پول و درنظریهٔ تغییرات نرخ‌صرف از طریق تغییرات قیمتها و عوامل مربوط به‌عرضه و تقاضای ارز ناشی از میزان دادوستد ارز بررسی کردیم.

۱- Aftalion, Prix, Monnaie et Change, op.ci Paris, 1948.

ولی درنظریهٔ آفتالیون ، در مقابل این عوامل ، عوامل کیفی قرار دارد . عوامل کیفی مربوط به‌وضع روانی طرفین در دادوستد ارز است . البته بررسی وضع روانی امروزه اهمیت زیادی در کلیه مسائل اقتصادی پیدا کرده است ، ولی در روابط اقتصادی بین‌المللی بخصوص در دادوستد ارز بررسی وضع روانی طرفین دادوستد اهمیت بسزائی دارد . زیرا خرید و فروش ارز فقط ناشی ازاحتیاجات افراد در پرداخت‌های بین‌المللی نیست ، بلکه خرید و فروش ارزگاه کاملاً جنبه سفته‌بازی دارد .

درحقیقت وقتی افراد ارزش پول داخلی رابا ارزش پولهای خارجی مقایسه نمایند ، گاه بدون اینکه انگیزه آنها ناشی از الزامات در پرداختهای خارجی باشد ، فقط صرفاً بمنظور استفاده از تفاوت دو نرخ اقدام به خرید ارز میکنند . و چه بسا اتفاق می‌افتد که افراد درمواقع تنزل ارزش پول داخلی سعی میکنند نقدینه خودرا بپولهای معتبر خارجی تبدیل نمایند ، تا موجودیهای آنها از دسترس تنزل پی در پی ارزش پول داخلی مصون بماند .

ازاین نظرملاحظه میشود که سیاست‌های مالی و پولی نقش مهمی در تثبیت نرخ ارز دارد . زمانی که بودجه متعادل و تراز پرداختها باکسری مواجه نباشد و بخصوص زمانی که دولت باتثبیت نرخ مزد موفق شود ازترقی قیمتها جلوگیری نماید ، باتثبیت ارزش داخلی پول اغلب نرخ ارز خود بخود تثبیت میگردد . بعکس در مواقعی که بودجه باکسری مواجه باشد وارقام بدهی در ترازپرداختها نسبت به‌ارقام طلب افزایش یابد وبخصوص درمواقعی که دولت بدنبال اعتصابات پی‌درپی کارگری نتواند نرخ مزد را تثبیت نماید و در تعقیب وقایع سیاسی و اجتماعی مخارج نظامی و امنیتی در بودجه افزایش یابد ، دراین مواقع خودبخود ارزش پول پائین میآید و درتعقیب آن نرخ ارز در بازار صرف افزایش می‌یابد .

فصل سوم

کنترل ارز

امروزه بموازات کنترل قیمتهای داخلی دولتها کنترل نرخ ارز را ازنظر قیمتهای بین المللی بعهده دارند. کنترل ارز بدنبال نوسانات شدید نرخ صرف پس از جنگ بین الملل اول دربعضی ازکشورها بوجود آمد. ولی پس ازبحران اقتصادی ۱۹۲۹ کلیه کشورها کنترل نرخ ارز را بصورمختلف اعمال کردند. بطوریکه میتوان گفت که ازسال ۱۹۲۹ تابحال درهر کشوری نرخ ارز بنوعی ازطرف دولت کنترل شده است.

طرق مختلف کنترل ارز را میتوان در دو نوع مشخص خلاصه کرد:

نوع اول کنترل ارشادی نرخ ارز است. کنترل ارشادی کنترل غیرمستقیم است و از طریق آن دولت بطور غیر مستقیم نرخ ارز را تثبیت مینماید.

نوع دوم کنترل اجباری ارز است. درکنترل اجباری دخالت دولت مستقیم است، بطوریکه از طریق دخالت مستقیم دولت، نرخ ارز اجباراً تثبیت میشود.

بخش اول ـ کنترل ارشادی نرخ ارز

درکنترل ارشادی نرخ ارز، چنانکه اشاره شد، دولت مستقیماً دربازار ارز دخالت نمیکند، بلکه دخالت دولت ازنظرتثبیت نرخ ارزجنبه ارشادی دارد، بدین معنی که دولت بادخالت غیرمستقیم دربازار ارز از طریق تغییرات عرضه و تقاضای ارزنرخ ارز را تثبیت مینماید.

دخالت ارشادی ازسال ۱۹۱۴ درکشورها معمول شد. این دخالت ابتدا بطور خیلی ضعیف فقط ازطریق افزایش وکاهش نرخ تنزیل بانک مرکزی اعمال

میگردید. بدین معنی که در مواقع ترقی نرخ ارز دولت از طریق بالا بردن نرخ تنزیل بانک مرکزی از یکطرف حجم اعتبارات کوتاه مدت را محدود میکرد وبدین ترتیب جریان و گردش پول داخلی مهارمیشد. درنتیجه از حجم پول داخلی بصورت عرضه پول داخلی در مقابل پول خارجی بصورت تقاضای پول خارجی کاسته میگردید. و ازطرف دیگربدنبال افزایش نرخ تنزیل بانک مرکزی سرمایه های خارجی بعلت بالا بودن سطح بهره‌ای که بآنها تعلق میگرفت به‌داخل کشور منتقل میشدند و از این راه عرضه پولهای خارجی برای تبدیل به‌پول داخلی افزایش می یافت و بدین ترتیب نرخ ارز تنزل میکرد و در حدود نرخ رسمی تثبیت میگردید. بعکس درمواقع تنزل فاحش نرخ ارز دولت باتنزل نرخ تنزیل بانک مرکزی حجم اعتبارات کوتاه مدت را افزایش میداد و بدین ترتیب حجم پول داخلی بصورت عرضه پول درمقابل پول خارجی بصورت تقاضای پول خارجی زیاد میشد و ازاین راه نرخ ارز ترقی میکرد و متمایل به‌نرخ صرف قانونی میگردید.

ولی رفته رفته در این اواخر تغییرات نرخ ارز بحدی رسید که دولتها مجبور شدند برشدت کنترل بیفزایند وبدین ترتیب کنترل غیرمستقیم بصورت کنترل واردات وصادرات درآمد و سیستم های مختلف سهمیه‌بندی تاحدودی ازنوسانات شدیدنرخ ارز جلوگیری کرد. سیستم فوق که به سیستم کنترل بازرگانی نرخ ارز مشهور است هنوز اهمیت خاصی در روابط اقتصادی بین‌المللی دارد، بطوریکه امروزه کشورها اغلب این روش را در کنترل نرخ ارز اجرا میکنند[1].

البته روش مؤثر در کنترل ارشادی، سیاست هماهنگ کردن عرضه و تقاضای ارز است. سیاست فوق از طریق خرید و فروش ارز درمواقع تغییرات شدید عرضه و تقاضای ارز اعمال میگردد. و این وظیفه گاه بعهده خزانه گاه بعهده بانک مرکزی وگاه مستقیماً از طرف دولت اعمال میشود.

۱- روش بازرگانی کنترل ارز مربوط به روابط اقتصادی بین‌المللی است، لذا در مطالعه پول و بانک بهمین مختصر اکتفا گردید.

برای اجرای این سیاست دولت مجبوراست باندازه کافی ذخیره ارزی در اختیار بگیرد و چنانکه قبلاً شرح دادیم در کشورهای مترقی اغلب قسمتی از طلا و ارز پشتوانه به‌صندوقی که بنام صندوق برابری ارز است منتقل میگردد[1] و صندوق فوق وظیفه دارد که در مواقع ترقی نرخ ارز بافروش ارز عرضه پولهای خارجی را افزایش دهد تا از ترقی نامتناسب نرخ ارز جلوگیری بعمل آید. بعکس در مواقع تنزل نامتناسب نرخ ارز صندوق برابری ارز اقدام به‌خرید ارزمیکند و بدینوسیله از تنزل شدید نرخ ارز که گاه ازنظر بین‌المللی آثار نامطلوبی دارد جلوگیری مینماید.

البته درعملیات خرید وفروش صندوق برابری ارز کلیه تصمیمات باید کاملاً بطورمخفی اتخاذ گردد. در واقع صندوق برابری ارزنمیتواند مثل بانک مرکزی و سایر بانکها عملیات پولی و مالی خود را در ترازنامه‌ای منتشر کرده و باطلاع عموم برساند. بلکه عملیات صندوق برابری ارز تصمیمات مالی و پولی است که نباید باطلاع عموم برسد. زیرا اگر سفته بازان از موجودی صندوق و از میزان خرید ارز صندوق و یا فروش آن اطلاع حاصل نمایند عملیات صندوق بعلت عملیات پیشگیری سفته‌بازان بکلی فلج میشود.

بخش دوم ـ کنترل اجباری نرخ ارز

در کنترل اجباری نرخ ارز تصمیمات مثل تصمیمات کنترل ارشادی نیست. زیرا در کنترل ارشادی ارزچنانکه ملاحظه شد تصمیمات ازطریق افزایش و کاهش عرضه و تقاضای ارز صورت میگیرد و بدین ترتیب بطور غیرمستقیم نرخ ارز دربازار ارز تثبیت میگردد.

---

۱ ـ صندوق برابری ارز در فرانسه بنام Fonds d'Égalisation des Changes در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۲۸ و در سال ۱۹۳۶ وظیفه تثبیت ارز را بعهده داشت. در انگلستان صندوق برابری ارز بنام Egalisation Fund در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد و در امریکا وظیفه تثبیت ارز در سال ۱۹۳۳ به‌صندوقی بنام Gold Reserve Act واگذار گردید.

در صورتیکه در کنترل اجباری تصمیمات از نظر تغییرات عرضه و تقاضای ارز نیست ، بلکه تصمیمات از طرف دولت بطور اجباری در بازار ارز صورت میگیرد ، بطوریکه میتوان گفت بجای تصمیمات فردی در عرضه و تقاضای ارز، دولت اداره انحصار خرید و فروش ارز را بوجود میاورد.

ملاحظه میشود که در کنترل ارشادی دولت فقط نقش نظارت را بعهده دارد و در مواقعی که نرخ ارز بانوسانات شدید ترقی و تنزل مواجه‌است دولت باتغییرات عرضه و تقاضای ارز نرخ آنرا تثبیت مینماید. در صورتیکه در کنترل اجباری بازار ارز در واقع حذف میگردد و دولت باتعیین نرخ اجباری ارز انحصار عملیات خرید و فروش آنرا بعهده میگیرد.

البته کنترل اجباری ارز بدو صورت شدید و خفیف در کشور اعمال میگردد. کنترل اجباری شدید در کشورهائی اجرا میشود که از نظر خط‌مشی سیاسی واقتصادی در وضعی خاص‌اند. مثل کشور اتحاد جماهیر شوروی که در روابط خود با کشورهای دموا کراسی سرمایه‌داری از کنترل اجباری شدید استفاده میکند. همچنین است سیستم کنترلی که در آلمان بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۰ هجری بود. در این کشور در تمام مدتی که رژیم ناسیونال سوسیالیزم زمام حکومت را بدست داشت در روابط اقتصادی بین‌المللی آلمان با سایر کشورها از کنترل اجباری شدید نرخ ارز استفاده میشد.

در مقابل کنترل اجباری شدید، کنترل اجباری خفیف کنترلی‌است موقتی وفقط در مواقعی که کشورها با مشکلات کمبود ارزی مواجه‌اند و وضع تراز پرداختهای آنها بابدهی به کشورهای خارج مواجه است از این روش استفاده میشود. کنترل اجباری خفیف امروزه در اغلب کشورهای غیر کمونیست خصوصاً در ایران که از روش فرانسه اقتباس گردیده معمول است. بدین ترتیب که امروزه اغلب دولتها حتی در کشورهائی که دارای رژیم دموکراسی‌اند از نظر مشکلات ارزی همیشه به کنترل اجباری نرخ ارز متوسل میشوند.

فصل چهارم

بانک و معاملات خارجی

معاملات خارجی بانک را از دو نظر میتوان مورد مطالعه قرار داد: عملیات ارزی وعملیات اعتباری باخارج. در دوبخش معاملات خارجی بانک را مورد بررسی قرار میدهیم.

بخش اول - عملیات ارزی

قبل از بوجود آمدن سیستم بانکی جدید عملیات ارزی بصورت تبدیل پول داخلی به پول خارجی باصرافها بود. البته عملیات صرافی چه از نظر تبدیل پول داخلی به پول خارجی وچه ازنظرانتقال پول از کشوری به کشور دیگربسیار محدود بود و فقط صرافانی باین عملیات مبادرت میورزیدند که با صرافان کشورهای خارج دادوستد داشتند.

پس از بوجود آمدن بانکهای جدید عملیات تبدیل پول و نقل و انتقال آن بوسیله بانکها صورت گرفت، بطوریکه امروزه عملیات ارزی قسمتی از عملیات بانک را تشکیل میدهد.

عملیات بانک تا قبل از کنترل نرخ ارز بصورت عملیات آزاد ارزی بود. ولی پس از کنترل نرخ ارز عملیات ارزی بانک تابع مقررات و دستورات اداری شد. مقررات و دستورات فوق بنابر نوع کنترل درکشورهای مختلف ازطرف دولت یا کمیسیون ارز و یا بانک مرکزی بخشنامه میگردد وبانکهائی که طبق قوانین بانکی مجاز برای عملیات ارزی درنظر گرفته شده‌اند مجبورند عملیات ارزی خود را مطابق بامفاد مقررات ارزی کشور بنمایند.

عملیات ارزی بدوشکل صورت میگیرد: یاعملیات بصورت خرید وفروش ارز نقدی است ویاعملیات بصورت خرید وفروش حواله است. درمورد اول عملیات بصورت تبدیل انواع پولهای خارجی به پول داخلی است. تبدیل پولهای خارجی ازطرف مسافرینی که ازخارج به داخل کشور وارد میشوند یا سیاحان صورت میگیرد. برای تبدیل پول چنانکه ملاحظه میشود اغلب درایستگاههای راه‌آهن درمرزها ویادرایستگاههای هوائی درمسیرخطوط هوائی یادرهتل ها مأمورینی برای تبدیل نقدی پولهای خارجی به پول داخلی وظائف تبدیل پول را بعهده دارند. ولی امروزه دربانکداری جدید بیشتر تبدیل نقدی پول داخلی به پول خارجی ازطریق حوالهٔ ارزی صورت میگیرد. حوالهٔ ارزی، چنانکه قبلاً دیدیم، بصورت سند طلب قابل پرداخت به پول خارجی است. لذا مسافرین یا سیاحان و یا بازرگانانی که بخارج مسافرت مینمایند اغلب با حوالهٔ ارزی قابل پرداخت بپول خارجی در کشورهای خارج احتیاجات خود را تأمین میسازند. هرچند امروزه بجای خرید وفروش حواله بیشتر ازچک استفاده میشود. یعنی حواله ها بصورت چک هائی است که از بانک صادر کنندهٔ چک بعهدهٔ بانکهای خارج دراختیار مسافرین یا سیاحان گذارده میشود. البته برای اینکه چک‌ها در هر کشوری قابل پرداخت باشد بصورت چک‌های مسافرتی (Travellers Checks) صادر میگردد. هرچند هربانکی نمیتواند چک مسافرتی صادر نماید، بلکه فقط بانکهای عمده ودرجه اول که باخارج چه ازطریق نمایندگی و چه از طریق دادوستد بانکی مرتبطاند بصدور چک مسافرتی اقدام مینمایند[1].

عملیات نقل وانتقال وجوه ازکشوری به کشور دیگر دربانکها بصور مختلفی صورت میگیرد. موردی که بیش ازهرمورد معمول ومتداول است نقل وانتقال‌وجوهی است که ازعملیات بازرگانی خارجی ناشی میشود. این نقل وانتقالات گاه درمقابل پرداختهای ارزی برای کالاهای وارداتی است وگاه درمقابل پول داخلی درمقابل

۱– Jacques Berthoud, Le Crédit: ses Mécanismes et ses Instiutions, Institut d'Etudes Politiques, Paris, 1957-1958.

ارزهائی است که ازصادرات بدست آمده است. عملیات نقل وانتقال دراینمورداغلب باحوالهٔ ارزی صورت میگیرد. روش ساده معمولاً صدور حواله ازطرف بانک صادر کنندهٔ حواله دروجهٔ مشتری بانک بعهدهٔ بانکهای خارجی است. یا مثلاً بانک چکی به دلار یا لیره انگلیسی یافرانک دروجهٔ مشتری بعهدهٔ بانکهای خارجی که بااوطرف حساب اند صادر مینماید. چک فوق مثلاً اگربه دلار باشد در نیویورک بعهدهٔ یکی از بانکهای این شهر که با بانک صادر کنندهٔ چک طرف حساب است قابل پرداخت به دلار است. هرچند ممکن است چک بعهدهٔ بانک خارجی در کشوری به پول آن کشور نباشد، بلکه ممکن است چک به پول خارجی دیگری باشد. مثلاً چکی ممکن است ازبانک ملی بعهدهٔ یکی ازبانکهای فرانسه صادر شود. ولی وجهٔ قابل پرداخت چک به فرانک نباشد، بلکه وجهٔ چک ممکن است مثلاً به لیره انگلیسی باشد واین مورد در صورتی عمل میشود که بانک ملی ایران در بانکهای فرانسه نه فقط دارای حساب فرانک، بلکه دارای حساب لیره باشد. دراینصورت بانک ملی وجهٔ چک را به لیره حواله میدهد.

در ایران عملیات ارزی تا قبل از تأسیس بانک ملی بعهدهٔ بانک شاهنشاهی و صرافان بود. البته قسمت عمدهٔ عملیات ارزی بوسیلهٔ بانک شاهنشاهی صورت میگرفت وعملیات ارزی فقط ازطرف صرافانی صورت میگرفت که میتوانستند بابانکهای خارج ارتباط نقل وانتقال وجوه برقرار سازند[1].

پس از تأسیس بانک ملی عملیات ارزی بین بانک ملی و بانک شاهنشاهی قسمت شد. بدین ترتیب که عملیات نقل وانتقال وجوه بین ایران و کشورهای خارج ازطرف دوبانک فوق صورت میگرفت.

البته عملیات ارزی درایران تا قبل از برقراری کنترل ارز همیشه بطور آزاد صورت میگرفت، تا اینکه درسال ۱۳۰۶ بعلت احتیاجات ارزی وعدم تکافوی وجوهٔ حاصل ازصادرات ونفت دربرابر واردات که درتعقیب عملیات عمرانی وتوسعهٔ اقتصادی

۱- عبدالحسین بهنیا، بانکداری علمی، تهران ۱۳۴۳، صفحه ۱۱۸.

ایران روزبروز احتیاجات ارزی بیشتر احساس میگردید ، عملیات خرید و فروش ارز کنترل گردید . برای اینکار کمیسیونی بنام کمیسیون ارز تأسیس شد . اعضای کمیسیون پنج نفر بودند که دونفر ازطرف بانک ملی و دونفر ازطرف وزارت دارائی و یکنفر از طرف وزارت بازرگانی به نمایندگی معرفی میشدند . وظیفه کمیسیون ارز برابری بدهی ها وطلب های ایران با کشورهای خارج بود . وبرای اجرای آن ، کمیسیون نظارت کامل را درخرید وفروش ارزبرقرار کرد .

کمیسیون وظیفه داشت ازیکطرف کلیه ارزهای صادراتی را خریداری نماید . برای این منظور صادر کنندگان متعهد میشدند ارز حاصل از فروش کالاهای صادراتی را به کمیسیون ارز بفروشند . کمیسیون ازطرف دیگربرای بازرگانانی که برای واردات احتیاج به پول خارجی داشتند ویابرای مصارف غیربازرگانی، حوالهٔ ارزصادرمینمود . البته اجازه صدور حوالهٔ ارز برای واردات و همچنین برای مصارف غیر بازرگانی به تشخیص کمیسیون ارز بود وبرای این منظور آئین نامه‌ای تنظیم شده بود که بموجب آن می‌بایست نهایت صرفه‌جوئی دراعطای اجازه خرید ارز معمول گردد . خریداران پس از تحصیل اجازه به بانک ملی رجوع مینمودند وارز مورد احتیاج را خریداری میکردند .

معهذا با وجود کمیسیون ارز ، مشکلات ارزی ایران حل نشد ، بلکه اغلب بعلت اختلاف شدید بین ارز رسمی که نرخ آن ازطرف کمیسیون ارز تعیین شده‌بود، وارز آزاد که تابع عرضه و تقاضا در بازار سیاه ارز بود صادر کنندگان از فروش ارز خود به کمیسیون ارز طفره میرفتند واغلب ارز صادراتی را دربازار سیاه ارز بفروش میرساندند . بعلاوه باتأسیس کمیسیون ارز کلیه عملیات ارزی درتهران متمرکزشده بود و نقل و انتقالاتی که در شهرستانها بدنبال عملیات بازرگانی می‌بایست صورت گیرد بعلت دوری از مرکز به کندی صورت میگرفت .

درسال ۱۳۳۶ بدنبال تقلیل ارزش ریال وتاحدودی حذف اختلاف بین دونرخ رسمی وآزاد وظائف نظارت درخرید و فروش ارز به بانک ملی ایران تفویض شد .

وبانک ملی از این تاریخ وظائف کمیسیون ارز و نظارت در صدور حواله‌های ارزی را بعهده گرفت. ولی پس از تأسیس بانک مرکزی درسال ۱۳۳۹ وظائف نظارت ارزی کشور باین بانک تفویض گردید وفعلاً اداره‌ای بنام اداره نظارت ارز بانک مرکزی عملیات خرید وفروش ارز را نظارت مینماید.

البته درخصوص خریدوفروش ارز تاموقعی که‌فقط بانک ملی‌وبانک شاهنشاهی درایران وجود داشت خرید و فروش بوسیلهٔ این دو بانک صورت میگرفت. ولی از زمانی که بانکهای متعدد درایران‌تأسیس‌شد طبق‌قانون‌اسفند ۱۳۳۶ بانکهای مجاز برای عملیات ارزی تعیین و مشخص شدند. امروزه در ایران عملیات ارزی بوسیلهٔ بانک ملی و همچنین بانکهای مجاز صورت میگیرد. ولی کلیه بانکها باید مقررات خریدوفروش ارز را مراعات بنمایند وضمناً صورت‌خرید وفروش ارز را به‌ادارهٔ‌نظارت ارز بانک مرکزی ارسال دارند.

نرخ ارز براساس‌دلاربقیمت خرید ۷۰ ریال وفروش ۷۶/۵۰ ریال تعیین‌شده است. نرخ سایر پولهای خارجی براساس نرخهای بین‌المللی و بتناسب قیمت دلار تعیین میگردد و هیچ بانکی مجاز نیست ارزی را کمتر از حداقل قیمت خریداری وبالاتر ازحداکثر قیمت بفروش برساند[1].

بخش دوم ـ عملیات اعتباری باخارج

عملیات اعتباری باخارج را به دودسته میتوان‌تقسیم کرد. دسته اول عملیات اعتباری از نظر واردات است. درعملیات اعتباری از نظر واردات اعتبارات اسنادی ووصولی واعتبارات و اردات تبدیلی به صادرات اهمیت بسزائی دارد. درعملیات اعتباری ازنظرصادرات انواع اعتبارات‌صادراتی‌مطرح‌است، بشرح هریک‌میپردازیم.

۱ـ عملیات اعتباری برای واردات ـ مهمترین‌عملیات اعتباری برای واردات عملیات مربوط به‌اعتبار اسنادی[2] است. اعتبار اسنادی به‌اعتباری اطلاق میشود که

۱ـ عبدالحسین بهنیا ، بانکداری علمی، تهران ۱۳۴۳ ، صفحه۱۲۳ .
۲- Crédit Documentaire

در نتیجه دادوستد خریدار و فروشنده در دو کشور از طریق بانک کشور خریدار و بانک کشور فروشنده ایجاد شود. درواقع در اعتبار اسنادی خریدار به‌فروشنده‌ای که درکشور خارج است اطمینان میدهد که پس از حمل کالا و جنس و تحویل آن بمقصد کلیه بهای کالا وجنس را پرداخت خواهد کرد. و از طریق اعتبار اسنادی است که این اطمینان بوجود میآید.

طرز اعطای اعتبار بدین ترتیب است که وارد کننده دریکی ازبانکهای کشور خود که بابانکهای کشور صادر کننده‌طرف حساب است اعتبار اسنادی جهت‌واردات باز مینماید. دراعتبار اسنادی وارد کننده قسمتی ازبهای جنس‌را به‌بانک‌میپردازد.

بانک کشور وارد کننده که بایکی از بانکهای کشور صادر کننده مرتبط است دستور میدهد که بمحض حمل کالا وجنس وتسلم بارنامه واسناد مربوط به‌حمل‌آن ازطرف فروشنده بهای کالا وجنس‌را کارسازی‌نماید. سپس پس ازورود کالا وجنس به کشور مقصد ، وارد کننده بافروش آن‌حساب خود را با بانک بازکننده اعتبار در کشور خود تصفیه مینماید[1].

ملاحظه میشود که فرق این نوع اعتبار با اعتباری که بانکها در مقابل مال التجاره در داخله کشور اعطا می کنند دراینست که دراعطای اعتبار درمقابل مال‌التجاره اعتبارگیرنده درمقابل‌تسلیم‌بارنامه یابرگ موجودی کالا درانباراعتباری دریافت می کند. درصورتیکه دراعتبار اسنادی کالا و جنس در انبار کشور موجود نیست ، بلکه کالا وجنس در کشور خارج است و با یکی از وسایل حمل و نقل که معمولاً کشتی است به‌کشور وارد کننده حمل میشود. و ضمانت اعتبار در اعتبار اسنادی اسناد مربوط به حمل کالا وجنس است . در اینصورت ملاحظه میشود که دراعتبار اسنادی که تاحدودی فهم آن مشکل است چهار شخصیت شرکت‌دارند: تاجروارد کننده - تاجرصادر کننده-بانک کشور وارد کننده‌وبانک کشور صادر کننده.

۱- Berthoud, Le Crédit: ses Mécanisme et ses Institutions. O. P. Paris, 1957-1958. P. 228.

تاجر وارد کننده خریداری است که وضع مالی بازرگانی او اجازه نمیدهد که مبلغ کالاها واجناس وارداتی‌را یکجا قبلاً بپردازد . بعلاوه اطمینان ندارد که در صورت‌حواله قیمت کالا وجنس در کشور خارج ، فروشنده کلیه تعهدات خودرادربارهٔ تحویل جنس وکالا اجرا نماید .

تاجر صادر کننده در کشور خارج ممکن است شخصاً تولید کنندهٔ کالا وجنس باشد، یا اینکه ممکن‌است معامله‌گری باشد که بادریافت کمیسیون کالاهاواجناس تولید کنندگان را بفروش رسانده یا صادر نماید . ولی صادر کننده نیز اطمینان‌ندارد که اگر کالا وجنس را به کشور وارد کننده فرستاد تاجر وارد کننده پس ازتحویل وجوهٔ آنرا کارسازی نماید .

دراینصورت‌ملاحظه میشود که بدنبال روابط‌صادر کننده ووارد کننده وتوقعات آنها ازنظر تحصیل‌اطمینان بانک کشور وارد کننده اطمینان لازم‌را در دادوستدبرای طرفین ایجاد مینماید . بدین‌ترتیب که با ارسال نامه‌ای دائر به‌تضمین اعتبارجهت پرداخت بهای کالاوجنس به‌بانک کشور صادر کننده صحت معامله‌را تعهد مینماید . بدینمعنی که ازطریق‌اعطای اعتبار به‌وارد کننده تعهد مینماید که بهای کالاوجنس وارداتی را پس ازتحویل‌فروشنده در کشور خارج‌به کشتی وارائه یک نسخه‌بارنامه وسایر اسناد پیوست آن‌به‌بانک کشور صادر کننده ازطریق‌بانک فوق پرداخت‌نماید . سپس همانطوریکه اشاره کردیم پس از ورود کالا و جنس به کشور مقصد ، تاجر وارد کننده متعهد است که ازطریق فروش کالا و جنس اعتبار اسنادی را که ازبانک طرف حساب خود جهت واردات اخذ کرده است تصفیه سازد .

بالاخره اگر فعالیت بانک کشور صادر کننده را دراین دادوستد درنظربگیریم ملاحظه میشود که بانک فوق دو وظیفه بعهده دارد . اولاً بانک کشور صادر کننده رابط بین بانک کشور وارد کننده وپرداخت وجه به تاجر صادر کننده است . البته ، چنانکه شرح دادیم ، پرداخت پس از تسلیم اسناد حمل کالا وجنس بعمل‌میآید . ثانیاً ، بانک کشور صادر کننده وسیله‌ای است برای ایجاد اطمینان وتضمین به‌تاجر

صادر کننده که شاید در ارسال کالا و جنس اطمینانی به بانک کشور وارد کننده نداشته باشد.

البته در عملیات اعتباری برای واردات بموازات اعتبارات اسنادی اعتبار از طریق برات وصولی نیز ازطرف بانکهای کشور وارد کننده اعطا می‌شود. دراعتبارات ازطریق برات وصولی تاجر وارد کننده درموقع باز کردن اعتبار برای واردات قبلاً وجهی جهت پیش پرداخت واردات ببانک طرف حساب خود تسلیم نمی‌نماید. لذا پس از وصول جنس و کالا بهای آن با بانک کشور وارد کننده تصفیه شده و اعتبار وارداتی مستهلک میگردد.

بالاخره نوع دیگر عملیات اعتباری برای واردات عملیات اعتباری واردات تبدیلی به‌صادرات است که در اصطلاح بانکداران فرانسوی به اعتبارات واردات ـ صادرات (Crédit IMEX)[1] مشهور است.

اعتبارات واردات ـ صادرات اغلب در کشورهای تولید کنندهٔ صنعتی اعطا می‌شود وبخصوص این نوع اعتبارات درمواقعی اعطا می‌شود که کشور تولید کننده با کمبود ارزی مواجه باشد.

در واقع درمواقع کمبود ارز، تولید کنندگانی که احتیاج به‌مواد اولیه برای تبدیل به کالاهای صنعتی دارند، درمقابل ارز وارداتی، باصادرات کالاهای ساخته شده مقداری ارز صادراتی دارند. لذا ازمحل ارز صادراتی کالاهای ساخته شده به آنها اعتبارات ارز وارداتی اعطا می‌شود که بامواد وارده ازطریق استفاده ازارزوارداتی کالاهای صنعتی برای صادرات تهیه کرده و با صدور آن ارز صادراتی بدست آورند و از محل آن اعتبار ارز وارداتی را مستهلک سازند. مدت اعتبار در سیستم فوق حداکثر ۹ ماه است، زیرا تشخیص داده شده است که درمدت ۹ ماه تولید کنندگان میتوانند مواد وارداتی‌را پس ازتغییر شکل به کالاهای صنعتی صادر نموده وبتوانند ازمحل ارز آن اعتبار ارز وارداتی را با بانکهای طرف حساب خود تصفیه نمایند.

۱- Crédit Import-Export

اعتبارات واردات - صادرات در کشور فرانسه بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ اجرا شد. وفرانسه که در این مدت با مشکلات ارزی مواجه بود توانست با اجرای این سیستم نتایج درخشانی در توسعهٔ صنایع صادراتی خود بدست آورد[1].

۲- عملیات اعتباری برای صادرات - دربرابر عملیات اعتباری برای واردات عملیات اعتباری برای صادرات صورت میگیرد. زیرا واردات برای کشوری صادرات برای کشور دیگر محسوب میگردد. دراینصورت همانطور که وارد کنندگان در کشوری از اعتبارات اسنادی استفاده میکنند صادر کنندگان در کشور مقابل نیز بنوبه تابع اعتبارات اسنادی بوده وطرفین دادوستد در دو کشور میتوانند از مزایای آن بهره‌مند گردند. لذا شاید در ظاهر تفکیک عملیات اعتباری صادرات از واردات زائد بنظر برسد. ولی امروزه درمعاملات بانک با خارج این تجزیه و تقسیم لازم است. زیرا در واقع ونفس امر در برابر عملیات اعتباری برای واردات امروزه عملیات اعتباری مخصوصی برای صادرات بوجود آمده است و این عملیات اعتباری بویژه در مواقعی مورد استفاده قرار میگیرد که کشورهای وارد کننده برای صادرات خود بامشکلاتی مواجه باشند، بطوریکه همیشه عدم تعادل بازرگانی موجب افزایش حسابهای بدهی نسبت به حسابهای طلب در تراز پرداختهای آنها گردد. لذا برای تشویق صادر کنندگان وتوسعهٔ صادرات کشوردربرابر عملیات اعتباری برای واردات، امروزه عملیات اعتباری مخصوص برای صادرات بوجود آمده است.

عملیات اعتباری برای صادرات امروزه بدو دلیل توجیه میشود:

اولاً، طبیعت کالاهای صادراتی دربعضی کشورها طوری است که بزحمت میتوان در کشورهای خارج برای آنها بازاری بدست آورد و اگر برای این کالاها بازاری نیز بتوان تصور کرد بازار همیشه پراکنده است و صادر کننده مجبور است برای جلب مشتری تقاضای استمهال خریدار را درپرداخت بهای کالاهای صادراتی

۱- Berthoud, Le Crédit : Ses Mécanisme et ses Institutions, O.P. Paris, 1957-1958.

بپذیرد والا ازطریق اعتبارات اسنادی نمیتواند وارد کنندهٔ خارجی را ملزم سازد که قسمتی ازبهای کالا را به بانک طرف حساب خود پرداخت وبقیه را درموقع حمل کالا کارسازی نماید. زیرا اعتبارات اسنادی بیشتر برای کالا هائی است که فروشندگان بصورت شرکتهای بزرگ کالا های خودرا بطور سری ورد یف بفروش میرسانند. وحتی برای این نوع کالا ها اغلب نرخهای بین المللی وجود دارد وبازار نیز برای این نوع کالا ها کاملاً وسیع وتقاضا بحد کافی متمرکز است. لذا فروشنده که درضمن صادر کننده است وارد کنندهٔ خارجی رامجبور میسازد که ازطریق اعتبارات اسنادی بهای کالا را قبلاً تضمین نماید، بطوریکه درداد وستد این نوع فروشندگان بهیچوجه با تقاضای استمهال فروشنده برای پرداخت بهای کالا موافقت نمی نمایند. زیرا بازار کالا های آنها اغلب وسیع ومطمئن است وبرای مال التجاره آنها همیشه دربازارهای خارج مشتری باندازه کافی وجود دارد.

ثانیاً، درساخت بعضی از کالا های صادراتی عناصر مختلفی را باید ترکیب کرد که تهیهٔ آنها گاه احتیاج به صرف وقت زیادی ازطرف تولید کننده دارد وچه بسا اتفاق می افتد که تولید کننده مجبور می شود که مقدورات مالی مؤسسهٔ تولیدی خود را صرف تأمین مالی خرید مواد جهت تولید کالا های صادراتی بنماید. ازاین نظر درراه تشویق صادرات لازم است مشکلات مالی تولید کنندگان این نوع کالا های صادراتی را بااعطای اعتبارات مخصوص صادراتی مرتفع کرد.

در بین کشورهای تولید کننده کشور فرانسه بیش از هر کشوری به تشویق صادرات و توسعهٔ بازار برای بعضی ازرشته های صنعتی خود دست زده است. ازاین نظر بعنوان نمونه عملیات اعتباری مخصوص برای صادرات را دراین کشور شاهد میآوریم.

درفرانسه اعتبارات صادراتی به سه شکل زیر اعطا می شود:

اولاً، اعتبارات صادراتی که بصورت تأمین مالی قبلی ساخت کالا های صادراتی است[1].

1- Préfinancement

مدت این اعتبارات تا دوسال است واعتبارات درطول دوسال ازطریق تجدید اوراق سفته عیناً بشرحی که برای اعتبارات میان مدت گذشت اعطا می‌شود. بااین فرق که در اعطای اعتبارات میان مدت برای سرمایه گذاریهای داخلی بانک اعتبار ملی دخالت دارد واعتبارات بطور غیر مستقیم اعطا می‌شود. یعنی بانکهای عادی پس از بررسی وضع سرمایه گذاری به‌اعطای اعتبارات میان مدت از طریق تجدید اوراق سفته سه‌ماهه مبادرت‌میورزند وچنانکه مطالعه کردیم این‌سفته ها دربانکهای عادی تنزیل ودربانک اعتبار ملی‌تنزیل مجدد وبالاخره دربانک مرکزی درمواقع‌احتیاج مجدداً تنزیل مجددمیگردد. درصورتیکه‌دراعطای اعتبارات صادراتی‌بصورت‌تأمین مالی‌قبلی ساخت کالا های صادراتی‌نقش‌بانک اعتبار ملی‌بعهدهٔ بانک تجارت‌خارجی واگذار شده است، بدین‌ترتیب که سفته‌ها ابتدا دربانکهای عادی تنزیل‌ودرصورت احتیاج در بانک تجارت خارجی تنزیل مجدد و بالاخره درصورت احتیاج به تنزیل دربانک مرکزی بااین بانک ارسال میشود.

البته بااین‌مسأله باید توجه داشت که همانطوریکه پروندهٔ سرمایه گذاریهای میان مدت پس ازتهیه وتنظیم دربانکهای عادی به‌بانک اعتبار ملی فرستاده میشود وبانک فوق موافقت خودرا با بازنمودن اعتبار میان‌مدت اعلام میدارد، دراعتبارات صادراتی این وظیفه بعهدهٔ بانک تجارت خارجی است. بدینمعنی که پرونده‌های اعطای اعتبار برای ساخت کالا های صادراتی ازطرف بانکهای عادی تهیه و تنظیم وبه‌بانک تجارت خارجی درفرانسه جهت اظهارنظر نهائی ارسال میگردد وبانک‌فوق پس از بررسی کامل و تشخیص لزوم اعطای اعتبار اجازهٔ لازم را برای استفاده از اعتبار برای تولید کنندگان این نوع کالا ها صادر مینماید.

ثانیاً، اعتباراتی که دربرابرطلب‌های‌صادراتی‌اعطامیشود. طلب‌های‌صادراتی عبارت ازطلب‌هائی است که از تقاضای استمهال خریدار خارج در پرداخت بهای کالا ناشی میشود. فروشندگان که در واقع صادر کنندگان‌اند برای توسعهٔ بازار کالا های صادراتی‌مجبورند باتقاضای استمهال‌خریدار درپرداخت بهای کالاموافقت

نمایند. این مهلت ها ازنظر مقررات بانک تجارت خارجی فرانسه به سه دسته تقسیم میشود :

طلبهای ۶ ماهه - طلب های یکساله وطلب های دوساله .

درواقع برای صادر کننده گان که باوسعت مالی محدودی فعالیت صادراتی دارند مشکل است درانتظار وصول بهای کالا های صادراتی درموعد معین که گاه تادوسال میرسد فعالیت مالی خود را معطل سازند. لذا دراین طور مواقع با ارائه اسناد طلب به بانک تجارت خارجی بهای کالا های صادراتی را بصورت استفاده از اعتبارات صادراتی دریافت کرده وبدین ترتیب بدهی خودرا به بانک در موعد دریافت بهای کالا واریز مینمایند.

طرز استفاده از اعتبار عیناً مثل اعتبارات صادراتی نوع قبل عمل میشود . یعنی اعتبارات ۶ ماهه ویکساله و دوساله ازطریق تجدید سفته های سه ماهه صورت میگیرد . این سفته ها دربانک طرف حساب تولید کنندهٔ کالا های صادراتی درفرانسه تنزیل ودربانک تجارت خارجی فرانسه تنزیل مجدد وبالاخره دربانک مرکزی فرانسه تنزیل نهائی میگردد.

ثالثاً ، اعتباراتی که ازطرف بانک اعتبار ملی برای فعالیتهای صادراتی مدت دار تا ۵ سال اعطا میشود. درواقع درفعالیتهای صادراتی گاه تولید کننده گان درتحویل کالا های صنعتی بصورت ماشین آلات و نصب آنها درکشورهای خارج احتیاج به اعتبارات سرمایه گذاری دارند. این سرمایه گذاریها ازنظر صادرات فرانسه درواقع همان تحویل کالا است ، ولی چون کالا ها کالا های صنعتی سنگین مثل انواع کارخانه های تولیدی است ووسایل تولید فوق باید درکشور خریدار نصب گردد و نصب کارخانه احتیاج به مدت زمان نسبة طویل دارد ، از این نظر بانک اعتبار ملی فرانسه برای این نوع صادرات اعتبارات میان مدت ۵ ساله به صادر کننده گان اعطا مینماید[1] .

1- Berthoud, Le Crédit : ses Mécanisme et ses Instiutions, O.P. P 241.

روش استفاده از این اعتبارات عیناً مثل اعتبارات میان مدت ۵ ساله است که شرح آن قبلاً بتفصیل آمده است. یعنی اعتبارات ازطریق تجدید سفته های سه‌ماهه اعطا می‌شود. سفته های فوق، چنانکه دیدیم، دربانک طرف حساب تولید کنندهٔ کالاهای صادراتی تنزیل و درمؤسسهٔ اعتبار ملی تنزیل مجدد و بالاخره در بانک مرکزی فرانسه تنزیل نهائی میگردد.

نتیجه

پول معیار سنجش ارزش ووسیلهٔ پرداخت درمبادله ، چنانکه دیدیم ، وسیلهٔ پس‌انداز وحفظ ارزش نیز تلقی میشود. این وظایف در زندگانی اجتماعی به پول اهمیت خاصی داده است.

تنوع وسایل پرداخت وتحول نظریه‌های پولی‌ناشی از اهمیتی است که‌پول در زندگانی اقتصادی بشر کسب کرده است. اهمیتی که روزبروز نقش پول را در اقتصاد مؤثرتر نشان‌میدهد ومسئولیت دولتهارا درهدایت‌وارشاد آن وسیعترجلوه گر میسازد.

به دنبال این‌تحول است که درمدت کمتر ازنیم قرن افکاردانشمندان دربیان وظایف پول دگرگون میشود و کتبی که دربارهٔ پول ونقش پول در اقتصاد به رشته تحریر میآید به‌سبک جدیدی تدوین میگردد.

این دگرگونی علمی ما را برآن داشت که روش بررسی‌را دربارهٔ پول‌ومسائل مربوط به‌آن به‌سبک جدیدتری گرایش‌دهیم. بدین‌منظور پول ومسائل پولی دراین کتاب زیر عنوان پول وبانک درچهار قسمت مورد بررسی قرارگرفت.

درقسمت اول زیرعنوان پول، کلیات پول بررسی‌شد ، تعریف ومطالعه‌ماهیت پول ، بررسی سیستم‌های مختلف پول فلزی و بالاخره مطالعه انواع اسکناس، چه بصورت اسکناس قابل تبدیل به‌طلا وچه بصورت اسکناس غیر قابل‌تبدیل به‌طلا ، پایه واساس تحقیق را درطرح مسائل پولی تشکیل داده است. ولی ما میدانیم که امروزه بموازات گردش اسکناس گردش‌پول تحریری بصورت انتقال حسابهای‌بانکی ازطریق چک حجم پول اعتباری را بوجود آورده است که درمطالعه حجم پول در

گردش اهمیت بسزائی دارد. ازاین نظر با مطالعه پول تحریری بررسی پول از نظر انواع پول در گردش صورت گرفت.

قسمت دوم مربوط به بانک وسازمانهائی است که پول ازطریق آنها به جریان درمیآید وعملیات بازرگانی پول بدین ترتیب صورت میگیرد.

بانک وعملیات بانکی درنیمه اول قرن بیستم بموازات تحول نقش پول دراقتصاد تحول داشته است، ازاین نظر ملاحظه میشود که عملیات پولی ازطریق سازمانهای بانکی بدنبال افزایش وتوسعهٔ احتیاجات کشورها به‌قدرت خرید تغییر ماهیت داده است. لذا انواع اعتبارات بصورت اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار گرفت و نقش هر دسته از اعتبارات در تأمین مالی فعالیتهای اقتصادی مشخص گردید و بخصوص نقش اعتبارات کوتاه مدت در تأمین مالی سرمایه گذاریهای میان‌مدت که‌نمونه بارزی‌ازتحول عملیات بانکی جدیداست بتفصیل بیان‌گردید.

تحول سایرعملیات بانکی درچهارچوب اصول کلی درسازمان بانکی تابع تحولی است که پول دراقتصاد داشته‌است. درقسمت سوم زیرعنوان نقش پول دراقتصاد ما کلیه عملیات پولی را درفعالیتهای اقتصادی مورد بررسی قرار دادیم.

نقش پول در فعالیتهای اقتصادی ابتدا از طرف دانشمندان کلاسیک فقط در چهارچوب روابط پول وقیمتها درحدود نظریهٔ مقداری پول بررسی میشد. ولی درتئوری دانشمندانی که روابط پول وقیمتها را ازطریق نظریهٔ مقداری بیان میداشتند عوامل پولی ازنظر روابط پول وقیمتها متناقض بیان میگردید وچنانکه درمطالعات آفتالیون دانشمند فرانسوی مطالعه کردیم نظریهٔ مقداری پول بهیچوجه نتوانسته‌است جوابگوی روابط پول وقیمتها باشد.

نظریه های درآمد وروانی پول هریک تحول نظریه های پولی را در ربع اول قرن بیستم نشان میدهد. ولی دراین نظریه ها نیز هرچند دانشمندان سعی کرده‌اند

روابط پول وقیمتها را از طریق تغییرات حجم پول در گردش و میزان درآمد و خرج افراد مشخص سازند ، معهذا ، چنانکه بتفصیل توضیح دادیم ، دراین نظریه‌ها نیز بعلت محدود بودن زاویه‌دید به شعبه مصرف، نقش پول در اقتصاد مشخص نشده است وواضعین نظریه‌های درآمد وروانی پول نتوانسته‌اند ازنظر تغییرات تولید ودر نتیجه ازنظر تغییرات حجم اشتغال روابط پول وقیمتها را معین سازند.

کینزدانشمند انگلیسی هرچند ابتدا درنظریهٔ مشهور کامبریج همان اشتباهاتی را که درنظریهٔ مقداری پول آمده ملحوظ داشته است ، معهذا کینز درسال ۱۹۳۶ توانسته است در کتاب «نظریهٔ عمومی اشتغال ، بهره وپول» بطور وضوح روابط پول وقیمتها واشتغال را تعیین کند .

نظریهٔ پولی کینز در کتاب نظریهٔ عمومی وپس از آن درمقالاتی که ازطرف این دانشمند منتشر شده کاملترین وهمچنین درخشانترین نظریه‌ای است که درنیمه اول قرن بیستم درباره نقش پول دراقتصاد آمده است. بدین جهت ما سعی کردیم بطور وضوح نظریهٔ پولی کینز را دراین کتاب بیان نمائیم. وهرچند نظریهٔ پولی کینز درکتاب نظریهٔ عمومی مشکل بیان‌شده است ، ولی ما سعی کردیم با رجوع به‌سایر نوشته‌های کینز در این باره نظریهٔ پولی این دانشمند را در خور فهم دانشجویان بیان نمائیم.

درقسمت چهارم کتاب پول وبانک، زیرعنوان پول وارزجریانهای پولی بین‌المللی بیان شده است. گردش پول ازکشوری به کشور دیگر از طریق تبدیل پول میسر است وتبدیل پول دو کشور درمبادلات بین‌المللی صورت نمیگیرد مگر اینکه‌ارزش قدرت خرید دو پول برابر گردد. برابری ارزش پول کشورها در اقتصاد بین‌المللی درچهارچوب مطالعات پول وارز تعیین میشود . درقسمت چهارم ما تبدیل ارزش قدرت خرید پول داخلی را به‌پولهای خارجی چه ازطریق تئوری کلاسیک و چه از نظر تئوریهای جدید بیان کردیم. ولی تبدیل پول کشورها احتیاج به‌انتقال پول از اقتصاد ملی به اقتصاد بین‌المللی دارد . لذا ما کلیه عملیات پولی و بانکی را

درچهارچوب انتقال پول از داخل به خارج و از خارج به داخل بیان کردیم . ولی درخاتمه مجبوریم اضافه کنیم که مسائل پولی ازمسائل مبتلی به قرن بیستم است ، بعلاوه افکار وعقاید دربارهٔ آن پیوسته درتحول است . لذا شاید درآینده متوجه شویم که آنچه دراین کتاب آورده‌ایم جوابگوی کلیه مسائل پولی و بانکی نیست و باید به‌دنبال مطالب جدیدتری این تألیف را تکمیل کنیم ؛ امید است دراین راه توفیق حاصل شود .

منابع اصلی تهیه کتاب

AFTALION(A.): La valeur de la monnaie dans l'économie contemporaine, Tome I: Monnaie, prix et change, Paris, Sirey, 1948; Tome II : Monnaie et économie dirigée, Paris, Sirey, 1948.

AUPETIT (A.): Essai sur la théorie générale de la monnaie. Thèse, Paris, 1907.

ALHEING (R. A.): La banque au service des échanges, Paris, 1946.

AUJAC (H.): Une hypothèse de travail: L'inflation, conséquence monétaire du comportement des groupes sociaux; R.E.A., avril 1950.

ANDERSON(B.M.): The value of money, New-york, Macmillan, 1922.

ANGELL(J. W.): The behavior of money, New-york, Macgraw Hill, 1936.

ARNAUNE (A.): La Monnaie, le crédit et le change, Paris, Alcan, 1894.

BERRERE(A.): La politique du crédit en France depuis 1945, R. E. sept. 1951.

BARRERE(A.): Théorie économique et impulsion Keynesienne, Paris, Dalloz, 1952.

BAUDIN(H.): La monnaie et la formation des prix, 2 ème éd, Traité Truchy, 1947.

BERTHOUD (J.): Le crédit: ses mécanismes et ses institutions. Paris, Les Cours de Droit, 1957-1958.

BLOCH - LAINE (F.): La Zone franc. Paris, P.U.F., 1956.

BLOCH - LAINE(F.) et de VOGUE (P.) «Le Trésor public» P.U.F., 1951.

BROWN(W.A.J.): The international gold standard reinterpreted, New-York, National Bureau of Economic Research, 1949 2 Vol.

BYE(M.): Economie politique (Licence 2ème Année), Paris, 1948.

BYE(M): Taux de change et option sur les structures, E.A., 1954.

CANNAN (E.) : Modern currency and the regulation of its value, London, 1930 .

CASSEL(G.): Money and foreign exchange after 1917, New-York, 1923.

COULBOIS et MERIGOT: Le franc 1914-1958, L.G.D.J., 1950.

DAMALAS (B.V).: Monnaie et conjoncture, Tome I: La monnaie et les théories monétaires, Paris P.U.F., 1946.

DENIZET (J.): Des expériences monétaires récentes aux expériences de demain E.A., 1956.

DENIZET(J): La part des phénomènes monétaires dans le modèle de Keynes et dans les modèles de comptabilité publique. E.A., 1956.

Dictionnaire des sciences économiques tome I et II, Paris. P.U.F.

FAIN(G.): La lutte contre l'inflation et la stabilisation monétaire, Paris, payot, 1947.

FELLNER(W.): A treatise on War inflation, Berkeley and Los Angeles, Univ. of california press, 1942.

GABILLARD (J.): La fin de l'inflation, S. E. D. E. S., 1952.

GUITTON (H.): Economie politique, tome 2, Paris, Précis Dalloz, 1957.

GUIGNABAUDET (PH.): La monnaie rationnelle. Le problème monétaire interīeur. Paris, Plon, 1944.

HANSEN (Alvin H.): Monetary theory and fiscal policy. New-York, Mc Graw Hill, 1949.

HAWTREY (R. G.): currency and crédit, trad. en franç: La circulation monétaire et le crédit, Paris, Sirey, 1935.

KEYNES (J. M.): A treatise on money. London Mac Millan, 1930, 2 Vol. The general theory of imployment, interes and money, London, Macmillan, 1936, trad. franç. de LARGENTAYE, Paris, Payot, 1944.

LAMBERT (D.): Les inflations sud - américaines, Institut des Hautes d'Amérique Latine, 1959.

LAUGHLIN (J. L.): The principles of money. London, Murray, 1903.

LETINIER (G.): La circulation de la monnaie et le niveau des prix, communication du 19 août 1944 à la Société de Statistique de Paris.

LINDAHL (E.): Studies in the theory of money and capital, traduit sous le titre « Etudes sur la théorie de la monnaie et du capital», Médicis, 1949.

MARCHAL (J.): cours d'économie politique, Paris, 1950.

MARGOT (A.): Theory of prices, 2 vol., New - York, 1942.

MARJOLIN (R.): Prix, monnaie et production, Paris, P.U.F., 1941.

MYRDAL (G.): L'équilibre monétaire (traduction de « Monetary Equilibrium»), Paris, 1950.

NIVEAU (M.): La politique monétaire de la Grande Bretagne, 1955 - 1956. E. A., 1956.

NOGARO (B.): La monnaie et les systèmes monétaires, 2 ème éd., L.G.D. J., 1948.

NOGARO (B.): La théorie économique du temps présent, collection fondée par Nogaro et dirigée par Emile James et André Marchal, Paris, Edition Domat Mont chrestien, 1952.

PIETTRE (A.): La politique du pouvoir d'achat devant les faits, Paris, Médicis, 1938.

POSE (A.): De la théorie monétaire à la théorie économique, paris, Sirey, 1930.

RIST (H.): Essais sur quelques problèmes économiques et financiers, Paris, Sirey, 1939.

RIST (H.): Histoire des théories relatives à la monnaie et au crédit, Paris, Sirey, 1938.

ROBERTSON (D. H.): Essays in monetary theory, London, King, 1940.

RUEFF (J.) : Théories des phénomènes monétaires. statique. Paris, Payot, 1927.

SAY (J.B.): Principes d'économie politique.

SIMIAND (F.): La monnaie, réalité sociale, Paris, Alcan, 1934.

SOCIETE DES NATIONS: L'expérience monétaire internationale, Genève, Service des publications de la S.D.N., 1944.

WALRAS (L.): Théorie de la monnaie, Paris, Larose, 1886.

WITHERS (H.): The meaning of money, 1909 trad franç,« Qu,est-ce que la monnaie», Paris, Giard.

WICSELL (K.): Lectures of political economy, London, 1936.

فهرست مندرجات

مقدمه

موضوع | صفحه

۱- ماهیت پول ۱
۲- نقش پول درجریان قیمتها وفعالیتهای اقتصادی ۵
۳- پول وتعادل اقتصادی ۷
۴- پول و روابط اقتصادی بین‌المللی ۸

قسمت اول

پول

فصل اول

تعریف وماهیت پول

بخش اول - پول وسیلهٔ مبادله است ۱۱
۱- پول معیار سنجش است ۱۲
۲- پول وسیلهٔ پرداخت است ۱۳
بخش دوم - پول وسیلهٔ پس‌انداز وحفظ ارزش است ۱۴

فصل دوم

سیستم‌های مختلف پول فلزی

بخش اول - سیستم پولی طلاونقره ۱۸
بخش دوم - سیستم پایهٔ دوفلزی طلا ونقره ۱۹
بخش سوم - سیستم یک فلزی طلا ۲۲

فصل سوم

اسکناس قابل تبدیل به طلا

بخش اول - کیفیت انتشار اسکناس ۲۴

موضوع صفحه

بخش دوم ـ مقررات انتشار اسکناس ۲۶
بخش سوم ـ روش‌های مختلف تبدیل اسکناس به طلا ۳۲
۱ـ روش تبدیل اسکناس به‌سکه طلا ۳۲
۲ـ روش تبدیل اسکناس به‌شمش طلا ۳۳
۳ـ روش تبدیل اسکناس به ارز ۳۴

فصل چهارم

اسکناس غیرقابل تبدیل به‌طلا

بخش اول ـ وظائف اسکناس دراقتصاد جدید ۳۵
۱ـ اسکناس وسیلهٔ پرداخت است ۳۶
۲ـ اسکناس وسیلهٔ حفظ ونگاهداری ارزش است ۳۸
بخش دوم ـ حفظ ارزش اسکناس ونظارت دولت درانتشار آن ۴۰
۱ـ ارزش داخلی اسکناس ۴۰
۲ـ ارزش خارجی اسکناس ۴۲
۳ـ نظارت دولت ۴۵

فصل پنجم

پول تحریری

بخش اول ـ ماهیت پول تحریری ۴۶
بخش دوم ـ انتشار پول تحریری ۴۷

قسمت دوم

بانک

فصل اول

عملیات بانکی

بخش اول ـ عملیات کوتاه مدت بانکی ۵۰
۱ـ سپرده وحساب جاری ۵۱
۲ـ تنزیل ۵۲

موضوع | صفحه

۳- اعتبار درحساب جاری ۵٤
الف - اعتبار ساده ۵٤
ب - اعتبار درمقابل اوراق بهادار ۵۵
ج - اعتبار درمقابل مال التجاره ۵۵
٤- اعتبار پذیرشی ۵۵
۵- اعتبار بورسی ۵٦
بخش دوم - عملیات بلند مدت بانکی ۵٦
۱- اعتبارات سرمایه گذاری ۵٦
الف - اعتبارات میان مدت ۵۷
ب - اعتبارات بلند مدت ۵۸
ج - منابع مالی اعتبارات سرمایه گذاری ۵۹
۲- عملیات سرمایه گذاری بانکی ٦۱
الف - تأسیس بنگاههای اقتصادی ٦۱
ب - سهام گذاری ٦۲
بخش سوم - انتشار اوراق بهادار ٦۲
۱- روابط سندیکاهای انتشار باصاحبان اوراق بهادار ٦۳
۲- طرق مختلف انتشار ٦۳
الف - انتشار درمدت معین ٦٤
ب - انتشار تدریجی ٦٤
ج - انتشار ازطریق بورس ٦٤

فصل دوم

سازمان بانکی

بخش اول اصول کلی درسازمان بانکی ٦۵
۱- اصل تمرکز بانکی ٦۵
۲- اصل تخصصی بانکی ٦۷
الف - اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران انگلیسی ٦۷
ب - اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران آلمانی ٦۸
ج - اصل تخصص بانکی ازنظر بانکداران فرانسوی ۷۰
۳- اصل نظارت بانکی ۷۱
الف - علل نظارت برعملیات بانکی ۷۱

صفحه

موضوع

اول - حمایت ازپس‌انداز خصوصی ۷۱
دوم - نظارت درانتشار پول تحریری ۷۲
سوم - نظارت در اعتبارات ۷۲
ب - طرق مختلف نظارت بربانکها ۷۳
اول - نظارت مستقیم ۷۳
دوم - نظارت غیرمستقیم ۷۴
بخش دوم - سازمان بانکی درکشورهای خارج ۷۵
۱- سازمان بانکی درفرانسه ۷۵
الف - بانک ناشر اسکناس درفرانسه ۷۵
ب - سایر بانکهای فرانسه ۷۶
اول - بانکهای سپرده ۷۶
دوم - بانکهای معاملات ۷۷
سوم - بانکهای ناحیه‌ای ومحلی ۷۸
ج - مؤسسات بانکی مخصوص ۷۹
۲- سازمان بانکی درانگلستان ۸۰
الف - بانک ناشر اسکناس درانگلستان ۸۰
ب - سایر بانکها درانگلستان ۸۱
اول - بانکهای سپرده درانگلستان ۸۱
دوم - مؤسسات تنزیل ۸۱
سوم - بانکهای اعتبار پذیرشی ۸۳
چهارم - بانکهای مستعمراتی ۸۳
پنجم - بانکهای خارجی ۸۳
۳- سازمان بانکی درامریکا ۸۳
الف - سازمان انتشار اسکناس درآمریکا ۸۳
ب - سایر بانکها درامریکا ۸۵
بخش سوم - سازمان بانکی درایران ۸۶
۱- سازمان انتشار اسکناس درایران ۸۷
الف - انتشار اسکناس ازطریق بانک ملی ایران ۸۷
ب - بانک مرکزی ایران ۸۹
اول - حفظ ارزش پول ۹۰
دوم - تنزیل مجدد ۹۰

موضوع | صفحه

سوم - سپرده قانونی ۹۲
ج - شورای پول واعتبار ۹۳
۲- فعالیتهای بانکی درایران ۹٤
الف - عملیات بلندمدت بانکی درایران ۹٤
ب - عملیات کوتاه مدت بانکی درایران ۹۵

قسمت سوم

نقش پول دراقتصاد

فصل اول

نظریه‌های مقداری پول

بخش اول - بیان نظریهٔ مقداری پول ۹۹
۱- بنای اولیهٔ نظریهٔ مقداری پول بوسیلهٔ ریکاردو ۹۹
۲- بیان نظریهٔ مقداری پول بوسیلهٔ فیشر ۱۰۰
بخش دوم - انتقاد برنظریهٔ مقداری پول ۱۰۳
۱- انتقاد آفتالیون ۱۰٤
الف - عوامل پولی در انتقاد آفتالیون ۱۰٤
ب - عوامل اقتصادی درانتقاد آفتالیون ۱۰۷
۲- انتقادنوگارو ۱۰۹

فصل دوم

نظریه‌های روانی پول

بخش اول - بیان نظریه های روانی پول ۱۱۱
۱- نظریهٔ درآمد پول ۱۱۲
۲- نظریهٔ روانی پول بمعنای خاص ۱۱۵
بخش دوم - انتقاد برنظریهٔ روانی پول ۱۱۸
۱- نظریهٔ روانی پول محدود بمصرف است ۱۱۸
۲- حجم دادوستد T وحجم تولید Q ثابت‌است ، یا اینکه مستقل ازعوامل پولی تغییرمی‌یابد ۱۲۰

صفحه

موضوع

فصل سوم

نظریهٔ پولی کامبریج

فصل چهارم

نظریهٔ عمومی پول

بخش اول - اصول کلی درنظریهٔ پولی کینز ۱۲۷
۱- پیش بینی ۱۲۷
۲- پیش بینی وپول ۱۲۸
۳- نرخ بهرهٔ پول ۱۲۸
۴- پول وتولید ۱۳۰
بخش دوم - تقاضای پول ورجحان نقدینه ۱۳۱
۱- انگیزه‌های تقاضای پول ۱۳۲
الف - انگیزهٔ درآمد ۱۳۲
ب - انگیزهٔ مؤسساتی ۱۳۲
ج - انگیزهٔ احتیاطی ۱۳۳
د - انگیزهٔ سفته بازی ۱۳۴
۲- تشکیل انواع سوجودیهای پولی ۱۳۴
۳- روابط بین تغییرات حجم پول وتغییرات درآمد وبهره ۱۳۶
۴- عوامل تعیین کنندهٔ تابع های نقدینه ۱۳۷
بخش سوم - عرضه پول ونرخ بهره ۱۴۰
۱- حجم پول وتغییرات آن ۱۴۰
الف - سیاست کسر بودجه وانتشار اضافی اسکناس ۱۴۰
ب - اعتبارات بانکی ۱۴۱
ج - جریان مجدد پول راکد ۱۴۲
د - کسری تر ازپرداختها ۱۴۲
۲- تغییرات حجم پول ونرخ بهره ۱۴۳
بخش چهارم - پول ، تولید واشتغال ۱۴۴
بخش پنجم - تعادل پولی کینز ۱۴۸
۱- پیش بینی اقتصادی ۱۴۸
الف - پیش بینی تقسیم درآمد به مصرف وپس انداز ۱۴۹

موضوع — صفحه

ب - پیش بینی تقسیم پس انداز به‌سرمایه گذاری و کنز ۱۵۰
۲- تعادل اشتغال ۱۵۱
الف - تعادل اقتصادی براساس پیش بینی اقتصادی ۱۵۲
ب - انواع تعادل اشتغال ۱۵۳

فصل پنجم

پول وقیمتها درمراحل مختلف اشتغال

بخش اول - تزریق پول درشعبهٔ مصرف ۱۵۷
۱- قابلیت انعطاف درافزایش عرضهٔ مواد مصرفی ۱۵۷
۲- افزایش وسایل تولید بدنبال افزایش عرضه کالاهای مصرفی ۱۵۸
بخش دوم - تزریق پول درشعبهٔ تولید ۱۶۴
۱- تزریق پول درشعبهٔ تولید درمرحلهٔ اشتغال ناقص ۱۶۵
۲- تزریق پول درشعبهٔ تولید درمرحلهٔ اشتغال کامل ۱۶۶

قسمت چهارم

پول و ارز

فصل اول

صرف ومسائل مربوط به‌آن

بخش اول - کلیات دربارهٔ صرف ۱۶۹
۱- صرف رسمی وقانونی ۱۷۰
۲- صرف اقتصادی ۱۷۰
۳- بازارصرف ۱۷۱
٤- نرخ واضح ونرخ غیر واضح ۱۷۳
٥- برابری صرف ۱۷۳
بخش دوم - نرخ صرف ورابطهٔ مبادله ۱۷٤
۱- نرخ صرف ۱۷٤
۲- رابطهٔ مبادله ۱۷٥

موضوع | صفحه

فصل دوم

تغییرات نرخ صرف

بخش اول ـ تغییرات نرخ صرف درنظریهٔ کلاسیک ۱۷۶
۱ـ نظریهٔ نقاط طلا ۱۷۷
۲ـ علل تغییرات صرف بین نقاط نقل وانتقال طلا ۱۷۸
۳ـ حدود نوسانات نرخ صرف درنظریهٔ کلاسیک ۱۷۹
بخش دوم ـ تغییرات نرخ صرف درنظریه های جدید ۱۸۰
۱ـ بیان تغییرات نرخ صرف ازطریق تراز حسابها ۱۸۱
۲ـ بیان تغییرات نرخ صرف ازطریق تغییرات حجم پول درگردش ۱۸۲
۳ـ بیان تغییرات صرف ازطریق تغییرات قیمتها ۱۸۳
۴ـ نظریهٔ روانی تغییرات نرخ صرف ۱۸۶

فصل سوم

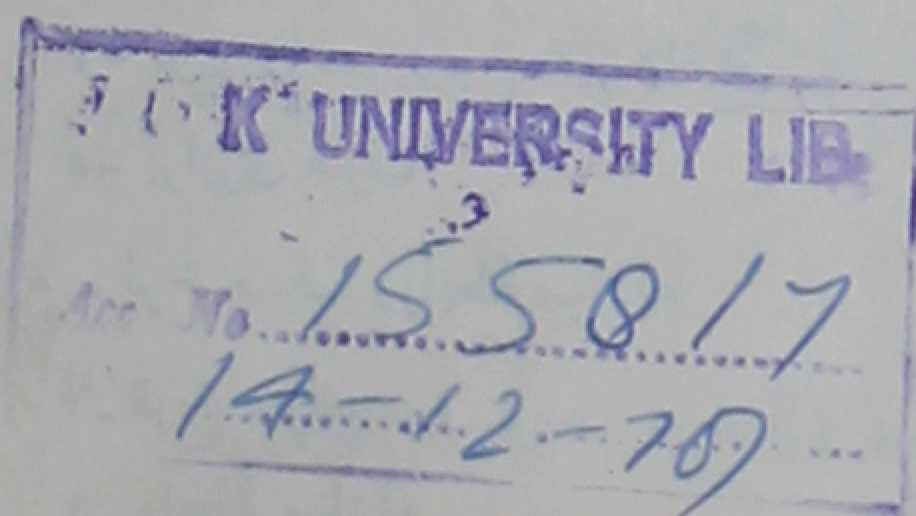
کنترل ارز

بخش اول ـ کنترل ارشادی نرخ ارز ۱۸۸
بخش دوم ـ کنترل اجباری نرخ ارز ۱۹۰

فصل چهارم

بانک و معاملات خارجی

بخش اول ـ عملیات ارزی ۱۹۲
بخش دوم ـ عملیات اعتباری باخارج ۱۹۶
۱ـ عملیات اعتباری برای واردات ۱۹۶
۲ـ عملیات اعتباری برای صادرات ۲۰۰
نتیجه ۲۰۵
منابع اصلی تهیهٔ کتاب ۲۰۹



DATE LABEL